

اقتصاد قبل و بعد از ظهور حضرت قائم (عج)

اقتصاد آینده بشر



مؤلف : دکتر حسن توانایان فرد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توانایان فرد، حسن، ۱۳۲۲ -
اقتصاد آینده بشر / حسن توانایان فرد -
تهران: دانشوران، ۱۳۷۹.
۳۲۱ ص: نمودار.

ISBN 964-7272-19-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
بالای عنوان: اقتصاد قبل و بعد از ظهور حضرت قائم (عج).
چاپ قبلی: حسن توانایان فرد، ۱۳۷۸.
کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -
۲. اقتصاد -- آینده نگری -- جنبه‌های مذهبی
-- اسلام. ۳. اسلام و اقتصاد. الف. عنوان.

۲۹۷ / ۹۵۹

۷ الف ت / ۳۵ / ۵۱ BP

۱۳۵۸۰ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: اقتصاد آینده بشر

مؤلف: دکتر حسن توانایان فرد

انتشارات: دانشوران

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۰

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۷۲۷۲-۰۲-۲

ISBN 964-7272-19-7

اقتصاد آینده بشر

اقتصاد قبل و بعد از ظهور حضرت قائم (عج)

حسن توانایان فرد

مقدمه

این قلمزن در یک خانواده مذهبی به دنیا آمده است (۱۳۲۲/۱/۲۰) و به خاطر می آورم که همراه پدر در سنین کودکی هر هفته در جلسات دینی که در مسجد دروازه غار تهران - (در میدان اعدام سابق) تشکیل می شد شرکت می کردم. در ابتدای بلوغ یعنی از سال اول دبیرستان - بعد از گذراندن شش سال در دبستان دبیرستان شروع می شد - با مسجد محل آشنا شدم. مسجدی که بسیاری از روحانیون و مذهبی های امروز و نوجوانان و جوانان آن روز در آنجا دوره ای را دیده اند. نام این مسجد برای بسیاری از مذهبیهای تهران آشنا بوده و هست یعنی مسجد جامع ملامحمد جعفر که توسط آقای مجتهدی اداره می شد و به مسجد مجتهدی معروف شده است. آقای مجتهدی روحانی پرکاری بود که سبک حوزه های علمیه مدرسه علوم قدیمه دائر کرده بود - و هنوز هم در قید حیات می باشد و همچنان آن حوزه علیرغم تجدید بنا به همان سبک اداره می شود - و جوانان و نوجوانان را آموزش می داد و از بین آنها در جشنی که هر سال برگزار می کرد - به نام جشن عمامه گزاران - بعضی از آنها را معمم می کرد و تمرین منبر رفتن می داد و بسیارند روحانیون امروز که زیر دست ایشان بزرگ شده اند -

این قلمزن شبها به این مسجد می رفتم و در آنجا به خواندن

جامع المقدمات می پرداختم و در ضمن حمد و سوره را درست می کردم و از منبر آقای مجتهدی که هر شب با یک حدیث و یک آیه از قرآن شروع می شد فیض می بردم و بعد از آن، وقت نشستن در گروه درس فرا می رسید و پس از آن در یک صف طولانی به نوبت می نشستیم و ساعتها معطل می ماندیم تا نوبت به ما فرا می رسید که حمد و سوره ی خود را درست کنیم. بعضی از شبها پدر می آمد و دیروقت با او به منزل می رفتم.

در سن ۱۵ سالگی در یکی از شبها که از مسجد به منزل رفته بودم خواب دیدم که امام زمان عج ظهور کرده اند. همانطور که برای ما گفته بودند یعنی جوانی بیست تا بیست و پنج ساله با قدی نسبتاً بلند و با هاله ای از نور به دور سر در حالی که روی تپه ای از سرهای بریده ایستاده بودند شمشیر به دست منتظر من بودند. به خدمت ایشان که رسیدم گوشم را گرفتند و گفتند سرت را پائین انداز و گردنت را آماده کن تا قطع کنم. در حالیکه چنین کرده بودم ولی با حالتی ملتمسانه گفتم ما اینهمه در نماز و دعا از خداوند خواسته ایم که از یاران شما باشیم و ما را جزء انصار خود بدانید حالا چگونه است که؟ ایشان فرمودند سرت را بلند کن و این شمشیر را بگیر و هر که آمد و من گفتم سرش را قطع کن. با خوشحالی شمشیر را از ایشان گرفتم. شمشیری بسیار بلند بود ولی وقتی در دست من قرار گرفت و به آن نگاه کردم به یک مداد تبدیل شده بود به همان بلندی و بانوک تراشیده و مرتب در این هنگام یکی از خویشان نزدیکم از تپه بالا آمد و ایشان به گردن زدن وی امر فرمود که از خواب بیدار شدم.

صبحها بعد از نماز صبح نیز آقای مجتهدی کلاس درس در همان

مسجد داشت و من نیز شرکت می‌کردم. خوابم را برای ایشان گفتم و ایشان اینگونه تعبیر کرد که تو در آینده به دین امام زمان با قلم و نویسندگی کمک خواهی کرد.

در این سالها در دبیرستان پهلوی آن روز که در میدان شاه سابق و میدان قیام امروز قرار داشت به تحصیل علوم روز (جدیده) نیز مشغول بودم. یک شب آقای مجتهدی گفت به پدرت بگو بیاید وقتی فردای آن شب پدرم به مسجد آمد به او گفت اجازه دهید این پسر شما به عنوان خمس فرزندانان سرباز امام زمان شود - سرباز آشکار نه سرباز گمنام امروزی - یعنی روحانی بشود و در جشن عمامه گزاران به لباس انبیاء - که ایشان می‌گفت - ملبس گردد. پدرم پاسخ داد باید خودش راضی باشد من راضی هستم. به آقای مجتهدی گفتم اگر هم علوم قدیمه و هم علوم جدیده را بخوانم به دین بهتر می‌توانم خدمت کنم. چون آن روز نیز مردم بیان و توضیحات دینی را از دهان روحانیون چندان نمی‌پذیرفتند. در هر حال از دبیرستان پهلوی به دبیرستان علمیه رفتم و در سال چهارم دبیرستان - از شش سال آن - در منزل جلسات دینی شبهای جمعه تشکیل داده بودیم با اهل محل - سه راه زندان تهران - به نام کانون هدایت جوانان و شبها نیز در مسجد باغ صبا - مسجد نوریان - نوجوانان را جمع می‌کردم و به آنان خواندن قرآن و مسائل شرعی را آموزش می‌دادم و در ضمن پاسخ سئوالات دینی که برای اغلب نوجوانان در این سنین ایجاد می‌شود را فراهم می‌کردم و ارائه می‌دادم. جلسات دینی شبهای جمعه اولین جلسه

دینی صندلی بود که در تهران تشکیل می شد. بعضی از شبها مرحوم بهشتی، مرحوم مطهری و مرحوم باهنر و آقای امامی کاشانی و آقای محمد مجتهدی شبستری و زنده یاد مرحوم شهاب پور می آمدند و جوانان را که به زور آگهی در روزنامه و سفارش به این و آن تعدادشان به سی تا چهل نفر می رسید را با سخنرانیهای مذهبی شان هدایت می کردند. این کانون در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد.

آقایان بعضی اوقات نمی توانستند به موقع بیایند و چون مدیر جلسه بودم به ناچار برای آرام کردن جلسه تا آمدن سخنران خودم مشغول به سخنرانی می شدم و از این جا بود که کم کم به یک سخنگوی مذهبی تبدیل شدم و وقتی دیپلم ریاضی ام را در سال ۱۳۴۲ از دبیرستان علمیه تهران گرفتم در جلساتی که در کوچه دردار و مسجد دردار دایر کرده بودند برای سخنرانی می رفتم و همیشه با خود می گفتم چطور شد گوینده مذهبی شده ام پس آن قلم که خواب دیده بودم کجاست. هرچه تلاش می کردم چیزی بنویسم تلاشم با موفقیت همراه نبود.

پس از اخذ دیپلم در دانشسرای تعلیمات دینی دوره ی یکساله ای دیدم و به عنوان آموزگار رسمی در دبستان هاتف تهران مشغول تدریس شدم. در این دبستان روز تولد حضرت قائم (عج) همانطور که در سنین نوجوانی کوچه محل مسکونی خودمان را چراغانی می کردم، جشن تولد حضرت قائم را باشکوه برگزار می کردم و در این باره سخنرانی داشتم و اثری از قلم نبود. تا در سال ۱۳۴۷ از دانشکده

اقتصاد دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شدم و تزلیسانس خود را تحت عنوان اقتصاد اجتماعی در اسلام نوشتم. این اولین قلم زدن مذهبی موفق من بود. چرا که مرحوم دکتر شمس‌الدین جزایری بر آن مقدمه‌ای نوشت با روغن داغ بسیار فراوان که چون آنرا بسیار غلوآمیز نسبت به خودم می‌دیدم آن تز که بعدها چاپ شد بدون مقدمه وی چاپ و منتشر گردید. کتاب مذکور راه را برای سایر آثار قلمی این قلمزن گویی باز کرد، و خواب دوره‌ی جوانی‌ام را تعبیر کرد. در همان ایام که مسجد آقای مجتهدی می‌رفتم کلاس نهم دبیرستان یک شب خواب دیدم جلو درب ورودی دانشگاه تهران تابوتی قرار دارد و چند نفر معدود مشایخ دارد پرسیدم کیست؟ گفتند پیامبر اسلام (ص) است. از درختی که آنجا بود بالا رفتم اذان گفتم تا جمعیت بسیار زیاد شد آنوقت با تجلیل تمام تابوت از زمین حرکت داده شد. آقای مجتهدی آن موقع تعبیر کرد که در دانشگاه تهران از دین اسلام حمایت خواهی کرد.

بعدها هرگاه مغرضینی علیه سخنرانیها یا تألیفاتم شایعاتی به راه می‌انداختند یاد این دو خواب یعنی خواب امام زمان (عج) و همین خواب می‌کردم و دل قوی می‌داشتم.

تألیفات و آثار قلمی این قلمزن تا به امروز بر دو نکته تأکید داشته است اول اینکه به قلم توده فهم باشد و دوم جوهر ضد استثماری و جوهر قسط‌آمیز بودن اقتصاد اسلامی را روشن بیان نماید.

کتاب حاضر در همین راستا بر آنست تا سبیل استقرار عدل و قسط

اسلامی و تشیع سرخ علوی یعنی حضرت مهدی (عج) را در چارچوب برنامه‌های قسط‌آمیز آن بزرگوار مورد بحث قرار دهد. و از خدای آن بزرگوار مسئلت دارم به حق ایشان مرا در انجام این مهم یاری نماید.

پس از اخذ لیسانس اقتصاد در کنکور فوق‌لیسانس دانشگاه ملی آن روز قبول شدم و چون اساتید همان درسهای دوره‌ی لیسانس را

تکرار می‌کردند برای ادامه تحصیل به هندوستان^(۱) و از آنجا به

۱- ویزای سفر به انگلستان داشتم و هواپیما ساعت ۲ روز سه‌شنبه حرکت می‌کرد به اشتباه ساعت دو بعد از نیمه شب سه‌شنبه به فرودگاه رفتم یعنی می‌شود ساعت ۲ روز چهارشنبه بعد از خداحافظی با مشایعین که اغلب افراد فامیل و دوستان بودند در قسمت سوار شدن به هواپیما متوجه این اشتباه شدم و باید تا پرواز بعدی به لندن یک هفته صبر می‌کردم. روی بازگشت به منزل و ایجاد زحمت دوباره برای مشایعین را نداشتم. لذا از همانجا بلیط هواپیما برای زیارت امام رضا(ع) به مشهد برای یک هفته گرفتم و آخر شب یا نیمه شب بود وارد مشهد شدم و از آنجا به حرم مطهر حضرت رضا(ع) رفتم و به دعا و نماز مشغول بودم که کنار دستم یک نفر ایرانی مقیم هندوستان به راز و نیاز مشغول بود. با هم آشنا شدیم و از من پرسید اهل کجا هستی گفتم تهرانی‌ام و به لندن می‌روم برای ادامه تحصیل در رشته فوق‌لیسانس اقتصاد. گفتم با این پولی که داری - ۲۰ هزار تومان که قرض گرفته بودم - فقط یک یا دو ماه

انگلستان سفر کردم. در سال ۱۳۵۴ پس از اخذ درجه فوق لیسانس اقتصاد از دانشگاه سوانسی ویلز و ثبت نام در دوره ی دکترای اقتصاد یک روز برای خرید نشریات سیاسی مربوط به ایران به لندن رفتم و کتاب تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق آنروز را که می فروختند خریداری کردم و با آنچه سازمان بعدها آن را حرکت خائنانه آپورتونیستهای چپ‌نما نامید آشنا شدم. داستان از این قرار بود که چند کمونیست در سازمان بچه مسلمانها نفوذ کرده بودند بعضی را کشته و کتابی را سرهم کرده بودند که بسیار ضعیف و پراز تهمت بسیار سخیف به اسلام بود. چون آن روزها کسی از پشت پرده

در انگلستان دوام می آوری ولی اگر به بمبئی بروی هم فوق لیسانس و هم دکترای خود را می توانی با این پول بگذرانی. با تشویق وی بلیط بمبئی تهیه کردم و به نشانی که داده بود با برادرش پرفسور حسینی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بمبئی آشنا شدم. و همین سفر به هندوستان بود که زندگی ام را رقم زد و با همسری که از او چهار فرزند پیدا کردم آشنا شدم و ازدواج کردم و دو دهه زندگی بسیار سختی را گذراندم و از رضای حضرت حق راضی هستم. در بمبئی پس از یک مباحثه با استاد اقتصاد که مشاور اقتصادی نخست وزیر هندوستان بود - سرکلاس فوق لیسانس - به تشویق او که ریاست دانشگاه را نیز داشت در دوره دکترا توانستم ثبت نام کنم ولی بیماری مالاریا چنان اذیتم کرد که به توصیه پزشکان برای معالجه عازم لندن شدم و در آنجا پس از بهبود به تحقیق خود در دوره فوق لیسانس و سپس دکترای اقتصاد ادامه دادم.

خبر نداشت مسلمانان داخل ایران - مبارزین و دانشجویان - با یک هجوم عقیدتی روبرو شده بودند که اگرچه از نظر علمی ضعیف بود ولی چون از طرف یک سازمان پیشتاز مبارزات مسلحانه سیاسی بیان می شد اثر چشمگیری داشت در اینجا بود که درس را رها کردم و به ایران بازگشتم و در دانشگاه تهران دانشکده علوم اجتماعی که بعدها دانشکده دکتر شریعتی نامید شد به تدریس اقتصاد پرداختم و اولین واحد درسی ام عبارت بود از سیستمهای اقتصادی که بعدها این جزوه درسی به صورت یک کتاب تحت همین عنوان چاپ و منتشر شد. در این کتاب نقد بر اقتصاد مارکسیسم را از زبان خود غریبان آوردم و در کتاب دیگر به نام مقدمه‌ای بر علم اقتصاد از فرمولهای اقتصادی مارکس و ضعف‌های آن سخن به میان آوردم و این مسأله را از کتاب سرمایه مارکس نقل کردم که می‌گفت من مارکس هستم ولی مارکسیست نیستم چون مارکس عالم است و وقتی دریافت که تئوری ارزش کار وی آنطور که در جلد اول کتاب سرمایه آورده غلط است در جلد سوم آن را رد کرد و به اثر تقاضا بر قیمت نیز اعتراف کرد. این مباحث و سایر کتبی که در زمینه تئوری ارزش کار اسلامی و نظریات ابن خلدون در مورد ارزش کار آورده شد به بچه مسلمانان روحیه می داد که مارکسیسم آنگونه که اپورتونیستهای چپ‌نما ادعا می کردند وحی مُنزل نیست و به دنبال آن سخنرانیها و جزوات متعدد کوچک در زمینه اقتصاد اسلام منتشر می کردیم که روحیه می داد و در بازگشت به خویشتن مسلمانان در چارچوب اقتصادی - تنها وجه

متمایز مارکسیسم در آندوره - بسیار مؤثر بود. بعدها کتاب نقدی بر اقتصاد مارکسیسم به صورت مستقل توسط افراد مختلف در شهرهای مختلف چاپ و نشر می شد و ناشری می گفت در دوره انقلاب با موتور این کتاب را در مساجد پخش و توزیع می کردند.

این دفاع از اسلام در مهمترین بخش ایدئولوژی اسلامی یعنی اقتصاد اسلامی چیزی بود که از دوران دبیرستان به فکر آن بودم. چون شخصی به نام قوزی کمونیست بود می آمد و با طرح مباحث مارکسیسم جلسات شبهای جمعه کانون هدایت جوانان^(۱) ما را بهم می زد (سال ۱۳۳۷) تا مرحوم مطهری دعوت شد و دیگر او نیامد چرا که استدلال قوی تری را در مقابل خود می دید. در هر حال در آن موقعها به این فکر افتادم به رشته اقتصاد بروم و اقتصاد اسلام را کشف کنم و از اسلام در مقابل مارکسیسم دفاع نمایم که خداوند هم مرا در این راه یاری می کرد. نشان دادن نقص تئوریک اقتصاد مارکسیسم و در کنار آن بیان اقتصاد اسلام از آیات قرآنی و احادیث چیزی بود که قبل از انقلاب ۲۲ بهمن انجام می شد.

۱- این کانون در طبقه دوم منزل مسکونی آن روز ما در شبهای جمعه تشکیل می شد و در واقع اولین جلسه صندلی بود که در تهران تشکیل می شد و در حدود (حد اکثر) پنجاه نفر از جوانان از خویشان و غیره در آن شرکت می کردند و افرادی مثل آقایان دکتر شهاب پور، بهشتی، مطهری، باهنر، امام کاشانی و جلال الدین فارسی در آن سخنرانی می کردند که پس از چندی توسط ساواک تعطیل شد.

اما امروز نیز یک تهاجم جدید نه از جانب مارکسیستها و نیروهای چپ لائیک بلکه از طرف پاره‌ای از روشنفکران مسلمان لیبرال ولی چپ کرده فکری و حتی در لباس روحانی علیه اسلام قرآن و محمد(ص) و علی(ع) عنوان می‌شود که شاید کتاب حاضر و همچنین کتاب بهره‌وری در آموزشهای حج و نماز بتواند پاسخی به این تهاجم باشد. تهاجمی که مدعی است اسلام برای بعد از مرگ است و نسبت به آخرت زوم شده و برای دنیای مردم خصوصاً در قرن بیستم و بیست و یکم میلادی حرفی برای گفتن ندارد و به قول شهید دکتر علی شریعتی دین را می‌برند برای جهان بعد از مرگ، این آقایان گذشته‌ی خود را منکر می‌شوند و ادعا می‌کنند که اگر روزی دم از وحدت دین و سیاست می‌زدند برای مبارزه با مارکسیستها بوده است والا دین نباید به امور دنیایی مردم پردازد.

متأسفانه عملکرد ضعیف جمهوری مسلمین ایران در صحنه‌ی اقتصادی در دو دهه‌ی گذشته نیز زمینه‌ی پیدایش و گسترش این تهاجم را فراهم آورده است. این در حالی است که آیات مربوط به انفال، زکات، قسط، خمس، فیه، گنز و احادیث مربوط به مواسات، صدقات، تضامن و تکافل اجتماعی در اسلام و همچنین عملکرد پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) و سایر ائمه در استقرار حکومت اسلامی و مبارزه برای به دست گرفتن قدرت و غصب کردن خلافت توسط معاندین چهارده معصوم علیهم‌السلام کاملاً روشن می‌سازد که اسلام و تشیع برای دنیای مردم عدل و قسط

و رفاه و آسایش و پیشرفت را نه تنها هدف قرارداداده بلکه مبارزه در راه نیل به این هدف را مقدس و واجب می‌داند.

شیعیان هر روز صبح جمعه تشویق شده‌اند که دعای ندبه را به صورت انفرادی، جمعی در هیئت‌های مذهبی بخوانند. در این دعا به صورت بسیار صریح برنامه‌های حکومت ایده‌آل شیعیان که توسط حضرت مهدی قائم (عج) پیاده می‌گردد بیان می‌شود و مورد تأکید قرار گرفته است. در کتاب حاضر از این دعا در توضیح بُعد اقتصادی حکومت قائم آل محمد (عج) بسیار استفاده شده است. خواندن این دعا و تفکر در معنای آن به ما آموزش می‌دهد که اگر حکومتی به نام اسلام، آمد و برنامه‌های اقتصاد و سرمایه‌داری غربی را پیاده کرده و مردم را به استثمارزدگی و استعمارزدگی و فقر و ناداری دچار کرد نباید به این نتیجه غلط برسیم که گویا اسلام برنامه‌ی حکومتی ندارد.

امام زمان و سرمایه‌داری

مهمترین مشخصه سیستم سرمایه‌داری آنست که براساس جور و ظلم بنا شده است و هرچه پیشرفت می‌کند این مشخصه‌اش گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. و مهمترین مشخصه احادیث مربوط به امام زمان (عج) نیز آن است که وقتی می‌آید جهان را به کمک مردم پُر از عدل و قسط می‌کند همانطور که از ظلم و جور پُر شده است. لذا می‌توان گفت که امام زمان (عج) در راه براندازی حکومت سرمایه‌داری قیام می‌کند. در فصل چهارم احادیث مربوط به علائم ظهور مورد بحث قرار گرفته و نشان می‌دهد که قبل از ظهور حضرت

قائم (عج) مشخصه نظام حاکم با مشخصات استثماری نظام سرمایه‌داری و شبه‌سرمایه‌داری مطابقت دارد الا اینکه ستم در آن روز پیچیده‌تر و عمیق‌تر خواهد بود. لذا می‌توان گفت که امام زمان (عج) حکومتی براساس قسط (عدل اقتصادی) قرآن و عدل اسلام مستقر می‌سازد. و این همان راهی است که در طول تاریخ همه‌ی انبیاء و اولیاء از این راه رفته‌اند و به همین دلیل امام زمان (عج) را همشکل آدم، نوح، موسی، عیسی، پیامبر اسلام، امام حسین و امام حسن و بقیه ائمه دانسته‌اند یعنی وارث تمامی اینها برای تحقق هدف آنها در راه احقاق حقوق مستضعفین از مستکبرین می‌باشد. به همین دلیل در فصل اول این کتاب، سخن از عدل و قسط آورده‌ایم. این مهمترین هدف و ملموسترین هدف و انسانی و عالی‌ترین هدف ارسال رسل و انزال کتب و مبارزه تمامی ائمه و مصلحین تاریخ بوده است و به همین امید انسانها در طول تاریخ انگیزه ادامه حیات داشته‌اند که روزی وضع ستمگرانه موجود را تغییر خواهند داد و به همین دلیل است که حتی مکتب مادی مارکسیسم به آینده‌ای معتقد است که در آن هرکس براساس نیازش درآمد دارد و براساس توانش کار می‌کند و از ظلم و ستم و تحکم حتی دولت خبری نیست. مسیحیت نیز معتقد است که حضرت عیسی ظهور خواهد کرد، یهودی و زرتشتی نیز به قیام مصلح در آینده معتقد بوده‌اند.

علم و امام زمان (عج)

از آنجا که حرف اصلی امام زمان (عج) استقرار عدل است و از

آنجا که نمی‌توان بدون داشتن علم به حق‌ها به عدل دست پیدا کرد لذا در فصل اول کتاب حاضر موضوع قسط و عدل در رابطه با امام زمان و در فصل دوم پیشرفت علم و فن مورد بحث قرار گرفته است. در این فصل ابتدا ضعف علوم انسانی امروز غرب خصوصاً در زمینه‌ی علم اقتصاد مورد اشاره قرار گرفته و سپس براساس چهار اصل بدیهی اسلامی و قرآنی یک سیستم علمی برای علوم انسانی پیشنهاد شده است که امروز یا در زمان حضرت قائم (عج) در آینده براساس آن حرکت علمی به سمت محو ستم تحقق پیدا می‌کند. این سیستم برپایه «حق» به معنی قانونمندی فطری درون خلقت و «قدر» به معنی اندازه هرچیز و «علم» به معنای هر قدر در حق مخصوص به خود و از اینجا رسیدن به «تقوی» به معنای سامان‌بانی هر حق و یا حفظ سامان هر حق، استقرار شده است. لذا از آنجا که در زمان حضرت قائم (عج) علم به اوج خود خواهد رسید امکان استقرار عدل به معنای تمام آن ممکن خواهد بود و در این راستا دستاوردهای علمی امروز به عنوان ابتدای راه علم مورد اشاره قرار گرفته که برای اعجاز بودن پیشگوئیهای بزرگان دین ما تأکید دارد.

در این فصل نشان داده شده است که پیشرفت علم در سطحی بسیار بسیار بالا زمینه‌ی اصلی ظهور حضرت قائم (عج) خواهد بود و در نتیجه بهترین شکل انتظار فرج کوشش در راه علم و گسترش آن می‌باشد. ولی از آنجا که علم به تنهایی نمی‌تواند «حق‌ها» در تمامی زمینه‌ها خصوصاً در زمینه علوم انسانی را بیان نماید لذا وحی و درک

درست آن حضرت از وحی قرآنی به کمک علم بسیار بالا در تحقق دستیابی به «حق‌ها» در میلیونها زمینه و استقرار قسط و عدل کمک خواهد کرد.

در فصل سوم به سایر وظایف حکومت امام زمان (عج) - جدای از استقرار قسط - اشاره رفته است. این وظایف در واقع مربوط به قسط و عدل می‌شود ولی چون به صراحت از قسط و عدل در آن سخن نرفته است برای آن یک فصل جداگانه در نظر گرفتم. این وظایف عمدتاً از دعای ندبه اتخاذ شده است که بیانگر حکومت ایده‌آل شیعه می‌باشد که بطور سنتی اغلب هیئتهای صبح جمعه آن را می‌خوانند ولی اغلب آنها نیز نمی‌دانند چه می‌خوانند و هنوز یعنی تا سال ۱۳۷۸ که این کتاب در حال تألیف است یک تفسیر بر این دعای بسیار مهم - برای شیعه اثنی عشری - نگاشته نشده است.

در فصل چهارم جور قبل از ظهور یعنی علائم اقتصادی ظهور حضرت قائم (عج) از کتب معتبر حدیث مثل کتاب بحارالانوار مجلسی و سایر کتب که لیست کامل آن در پایان کتاب آمده استخراج شده است. این احادیث به خوبی نشان می‌دهد که ظلمهای اقتصادی یعنی «جورها» چیزی جز مشخصات نظام سرمایه‌داری امروز نیست. به عبارت دیگر امام زمان (عج) علیه نظام اقتصاد سرمایه‌داری که جهانگیر شده باشد قیام خواهد کرد.

در فصل پنجم احادیث مربوط به تولید در حکومت عدالت گستر حضرت قائم عج مورد بحث درآمده و در واقع مشخصات تولید قرآن

بیان شده که حضرتش به تمامه قرآن را پیاده خواهد کرد. در فصل ششم توزیع در حکومت حضرت مهدی (عج) به بحث کشیده شده است و به مهمترین اصل توزیع اسلامی - خصوصاً تشیع - یعنی مواسات یا مصرف اشتراکی شیعیان اشاره رفته که حضرت قائم (عج) از اجراکنندگان این اصل است اگرچه در حکومت مسلمین امروز ایران این اصل فراموش شده است و بسیاری از حتی روحانیون از آن اظهار بی اطلاعی می کنند چه رسد به مردم کوچه و بازار. لذا این اصل یعنی اصل مواسات در توزیع و مصرف چون یک اصل صددرصد امام زمانی (عج) است امروزه مثل خود حضرتش در غیبت آگاهی مردم قرار دارد.

بالاخره در فصل هفتم موضوع مصرف در زمان وفور اسلامی یا اقتصاد حضرت قائم (عج) مطرح شده است که مهمترین مشخصات آن وجود صرفه جویی و عدم اسراف، اجتناب از مصرف کالاهای غیرضروری و زهد اقتصادی می باشد.

در فصل هشتم ادعیه مربوط به حضرت قائم را مرور کرده مباحث اقتصادی آن را مطرح نموده ایم.

در همین جا بر خود لازم می دانم که از همسرم تشکر کنم که در تصحیح و مقایسه متن حروفچینی شده و ارائه اظهارنظرهای اصلاحی مرا یاری کرد تشکر کنم.

مولوی در دیوان شمس تبریزی گوید:

ای سرور مردان علی، مستان سلامت می‌کنند
وی صفدر مردان علی، مستان سلامت می‌کنند
با قاتل کفارگو، با دین و با دیندارگو
با حیدرکرارگو، مستان سلامت می‌کنند
با درج دو گوهر بگو، با برج دو اختر بگو
با شبرو با شبیر بگو، مستان سلامت می‌کنند
با زین دین عابد بگو، با نور دین باقر بگو
با جعفر صادق بگو، مستان سلامت می‌کنند
با موسی کاظم بگو، با طوسی عالم بگو
با تقی قائم بگو، مستان سلامت می‌کنند
با میر دین هادی بگو با عسکری مهدی بگو
با آن ولی مهدی بگو، مستان سلامت می‌کنند
(مولوی)

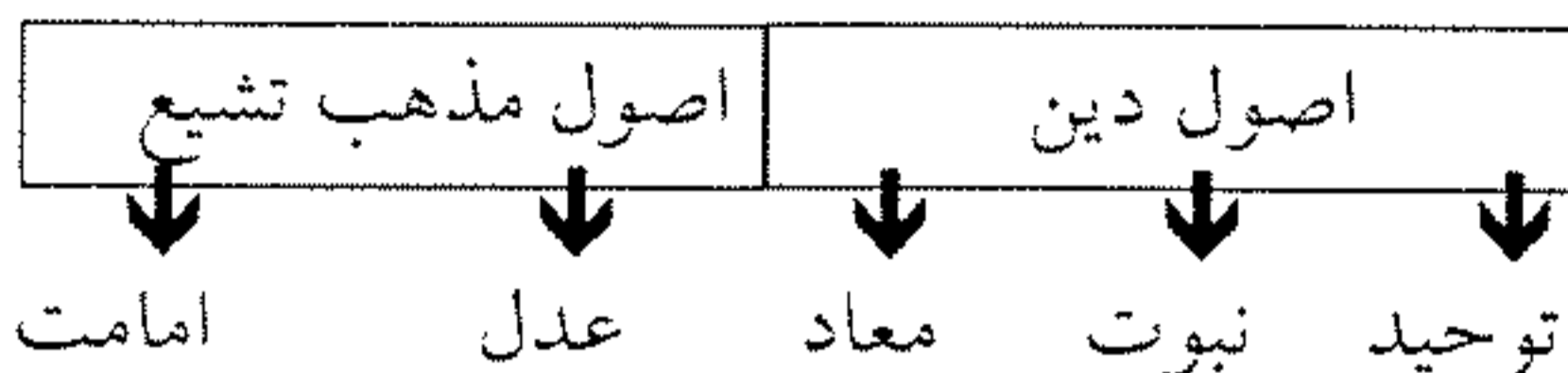
فصل اول

قسط و عدل

قسط که از همان ماده‌ی قسطاس به معنای ترازو است عبارت می‌باشد از عدل اقتصادی^(۱). بنابراین وقتی تعریف عدل را در صفحات بعد آوردیم معنای عدل اقتصادی یعنی قسط نیز مشخص می‌گردد. خداوند در سوره حدید آیه ۲۵ هدف ارسال رسل و انزال کتب آسمانی را استقرار قسط توسط مردم معرفی کرده است و قسط و عدل در اسلام همان اهمیتی را دارد که آزادی در مکتب لیبرالیسم غربی دارد. یک اصل اساسی و اصولی قرآنی و اسلامی است و نه تنها انبیاء الهی بخاطر استقرار عدل و قسط آمده‌اند بلکه ائمه معصومین (ع) نیز بخاطر استقرار عدل و قسط مبارزه می‌کرده‌اند و هدف آنها از بدست گرفتن حکومت، استقرار عدل بوده است. بهمین جهت است که شیعیان معتقدند که اصول مذهب عدل است و امامت.

۱ - در قرآن مجید هر جا از عدل اقتصادی سخنی به میان می‌آید از کلمه قسط استفاده شده است مثلاً وَ أَفْوَالْکِیلِ وَالْمِیزَانِ بِالْقِسْطِ (آیه ۱۵۲ سوره انعام) یعنی پیمانه‌ها و ترازوها را برپایه قسط (عدالت) قرار دهید. جور نیز همان ظلم اقتصادی است.

درخت اعتقادات مسلمانان و تشیع



ملاحظه می شود که اعتقاد به عدل و عدالت و قسط یک اصل اعتقادی ریشه‌ای و پایه‌ای در اسلام و مذهب تشیع است. لذا در احادیث مربوط به حضرت قائم (عج) همه جا آمده است که وقتی زمین پر از جور و ظلم شد، حضرت مهدی (عج) قیام خواهد کرد و زمین را پر از قسط و عدل می نماید^(۱). از آنجا که قسط به عنوان عدالت اقتصادی نقش کلیدی در استقرار عدالت در زمینه‌های دیگر حیات دارد لذا همه جا در احادیث حضرت مهدی (ع) قسط مقدم بر عدل آمده است «قسطاً و عدلاً».

● پیامبر (ص) فرمود: به درستی که همانا علی وصی من است و از فرزندان اوست کسی که زمین را از قسط و عدل چنانکه پر شده باشد از جور و ظلم، پر می کند.

۱-... الذی یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً

محمود شریعت زاده خراسانی - حکومت جهانی حضرت مهدی عج از دیدگاه قرآن

● امام حسن (ع) فرمود: خداوند در آخر الزمان مردی را مبعوث می‌کند که زمین را پر از قسط و عدل خواهد کرد... (۱)

- عبدالله بن عمر می‌گوید: شنیدم از حسین بن علی (ع) علیه السلام فرمود: اگر جز یک روز از عمر دنیا نمانده باشد خداوند آن روز را چندان دراز گرداند تا مردی از اولاد من قیام کند و زمین را پر از قسط و عدل کند چنانکه پر از جور و ظلم شده باشد (۲)

- محمد بن زیاد ازدی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند... تا زمانی که خداوند او را ظاهر گرداند و زمین را پر از قسط و عدل کند همانطور که پر از جور و ظلم شده بود (۳)

- از حسن بن خالد گوید: حضرت علی بن موسی الرضا (ع) فرمود: آن کس که ورع ندارد دین ندارد، گرامی‌ترین مردم نزد خداوند پرهیزکارترین آنان است یعنی عمل‌کننده‌ترین شما به تقوی. بعد فرمود: فرزند چهارم از فرزندانم پسر

۱ - قال الحسن بن علی (ع)... حتی یبعث الله رجلاً فی آخر الزمان... یملأ الارض قسطاً و عدلاً... (منبع قبلی از کتاب الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۱)

۲ - عن عبدالله بن عمر سمعت الحسين بن علی (ع) يقول: لولم یبقی من الدنيا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلك الیوم حتی یخرج رجل من ولدی یملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً (م.ق. از کتاب بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۳۳)

۳ - عن محمد بن زیاد ازدی... عن موسی جعفر (ع)... حتی یظهره الله عزوجل فیملا به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً (م.ق. از کتاب بحار الانوار مجلسی، ج

سیده‌ی (زنهای) کنیزان است خداوند به واسطه‌ی او زمین را از جور و ستم پاک می‌کند و اوست که مردم در ولادتش شک می‌کنند و اوست صاحب غیبتی که همزمان با خروجش زمین به نور پروردگار روشن شود و میان مردم میزان عدل و داد را برقرار می‌کند، احدی به دیگری جور و ستم روا نمی‌دارد...^(۱)

- از حضرت عبدالعظیم حسنی از امام محمدتقی (ع) نقل شده... اگر جز یک روز از عمر دنیا نمانده باشد خداوند آن روز را چندان دراز گرداند تا او ظهور کند و زمین را پر از عدل و داد نماید چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.^(۲)

چرا که هدف اساسی ارسال رسل و انزال کتب الهی استقرار قسط و عدل توسط مردم بوده است و امامان شیعه همانطور که آمد و ایده‌آل شیعه که در حکومت حضرت مهدی (عج) متبلور است استقرار قسط و عدل می‌باشد.

۱- عن الحسن بن خالد قال: قال علی بن موسی الرضا (ع): لادین لمن لا ورع له، و ان اکرمکم عندالله اتقیکم ای اعملکم بالتقوی، ثم قال ان الرابع من ولدی ابن سیده الاماء یظهر الله به الارض من کل جور و ظلم و هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبة

۲- عن عبدالعظیم الحسنی (ع)... عن محمد بن علی قال... انه لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یخرج فیملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً

(م.ق. از کتاب بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۵۶)

معنای عدل

اگر ما قسط را عدل اقتصادی بدانیم، آنگاه با در دست داشتن تعریف عدل و عدالت می‌توانیم به تعریف قسط نیز دست پیدا کنیم. در تعریف عدل گفته‌اند عدل یعنی قرار دادن هرچیز به جای خود^(۱) و یا اعطای حق هرکسی به صاحب آن^(۲) حق یعنی قانونمندی‌های فطری خلقت. این قانونمندیهای فطری در سه رابطه وجود پیدا می‌کند

الف - رابطه بین انسان با خدا ← خداشناسی

ب - رابطه بین انسان با خود ← انسان‌شناسی و علوم معرفة النفس و علوم پزشکی

ج - رابطه بین انسان با دیگران و کائنات ← علوم اجتماعی اعم از علم اقتصاد، علوم سیاسی و غیره

اگر انسان رفتار خود را براساس حق انجام دهد، عدل تحقق پیدا می‌کند. لذا عدل چیزی نیست جز مراعات قانونمندیهای فطری و مراعات کننده‌ی قانونمندیهای مذکور را عادل می‌نامند.

برای کشف حق‌ها یعنی شناخت قانونمندیهای فطری دو ابزار وجود دارد یکی «وحی» و دیگری «علم». مثلاً از طریق علم شیمی درمی‌یابیم که حق آب H_2O است یعنی دو واحد هیدروژن و یک

۱ - العدل ما وضع کل شیء فی موضعه

۲ - العدل اعطاء کل ذی حق حقه

واحد اکسیژن اگر با هم ترکیب شوند آب بدست می آید. یا از طریق وحی درمی یابیم که بساط ستم و ستمگری دوام ندارد و به زودی واژگون می گردد.

در قرآن و اسلام تشویق به علم زیاد شده است و رمز آن همین است که جامعه به تعادل نمی رسد مگر به کمک عدل و عدل حاصل نمی شود مگر از طریق عمل به حق ها. و حق ها شناخته نمی شود مگر از طریق تلاش علمی.

در بسیاری از امور خصوصاً امور اجتماعی علم از رسیدن به قانونمندیهای فطری عاجز است یا در رسیدن به آن بسیار کند حرکت می کند در این موارد، وحی حق ها را بیان می کند و انسان با عمل به آنها به عدل دست پیدا می کند و در روابط اجتماعی خود به تعادل می رسد.

بحران جهان امروزی

برخلاف ادعای غربیان و غرب زدگان ایرانی آنچه سبب عدم تعادل در جهان و جهان سوم است عدم وجود آزادی نیست بلکه عدم وجود عدل است. به کمک علم می توان حق آزادی را کشف کرد و در آن صورت است که با عمل به آن می توان به تعادل در آزادی نیز دست یافت.

عدم تعادل اقتصادی در جهان پیشرفته یعنی وجود تورم و بیکاری در آمریکا و اروپا و ژاپن و سایر کشورهای صنعتی و همچنین وجود نوسانات اقتصادی یعنی اینکه بطور دوره ای رکود و بحران در اقتصاد

صنعتی و پیشرفته بوجود می‌آید و پس از چند سال دوره‌ی بهبود و رونق فرامی‌رسد و دوباره پس از چند سال بحران و رکود بوجود می‌آید این نوسانات اقتصادی در طول دو‌یست سال عمر اقتصاد سرمایه‌داری غربی مثل یک سرطان یا خوره اقتصاد و معیشت غربیان و ژاپن و سایر کشورهای جدیداً صنعتی شده را می‌آزارد و می‌خورد از آنجا به وجود می‌آید که هنوز قانونمندیهای اقتصادی و اجتماعی در جوامع صنعتی از طریق علم به درستی کشف نشده است. یعنی بشر در جهان پیشرفته‌ی امروز هنوز به حق‌های اقتصادی دست پیدا نکرده است و لذا علم اقتصاد غربی نتوانسته است به استقرار عدل و عدالت در آن جوامع کمک کند و لذا در آنجا تعادل اقتصادی بوجود نیامده است. شاید اگر به وحی «قرآن» ما مسلمانان عمل می‌شد جهان امروز از این گرفتاریهای اقتصادی نجات پیدا می‌کرد. برای مثال اگر بهره و ربا از سیستم‌های بانکی حذف شود بسیاری از مشکلات اقتصادی از بین خواهد رفت.^(۱)

باری در جهان سوم نیز وجود فقر، شکاف طبقاتی، غارت‌شدگی، تورم و غیره حکایت از عدم وجود تعادل در بخش اقتصاد دارد و این یعنی عمل نکردن به حق‌های اقتصادی. حق‌های اقتصادی از طریق تلاشهای تجربی و علمی در اقتصاد ایران و همچنین عمل به اقتصاد

۱- برای آشنایی بیشتر با این مبحث به کتاب ربا در قرآن تألیف این قلمزن و کتاب جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام ترجمه این قلمزن مراجعه شود.

قرآن و اسلام باید مورد شناسایی قرار گیرند تا با عمل به آنها عدالت مستقر گردد و اقتصاد کشور به تعادل برسد.

وقتی حق آب H_2O است و علم شیمی این را کشف کند و ما مطابق این فرمول عمل کنیم یعنی H_2 را جای خود قرار دهیم و O را جای خود قرار دهیم به عدل عمل کرده‌ایم و به آب می‌رسیم و خود و دیگران را از رنج نداشتن آب نجات می‌دهیم. در مورد وجود رشوه، فحشاء، ربا، تورم، دزدی، طلاق و همه‌ی بدیها و نابسامانیهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز اگر به عدل عمل کنیم همه چیز سامان پیدا می‌کند و بدیها خودبخود از بین می‌رود که یکی از بدیها دیکتاتوری است و همه خوبیها بوجود می‌آید که یکی از خوبیها آزادی است و رفاه به همین دلیل است که حضرت علی (ع) فرمود

● صلاح الرعیه العدل یعنی کار مردم به عدل سامان پیدا می‌کند (غررالحکم و دررالکلم).

در جای دیگر فرمود

● کفی بالعدل سائساً یعنی برای مملکت‌داری کفایت عدالت را برقرار سازید.

معنای قسط

همانطور که آمد عدل عدد ۱۰۰ اگر باشد قسط عدد ۹۹ خواهد بود. وقتی صد را داریم نود و نه نزد ماست. به عبارت دیگر قسط در دل عدل قرار دارد. ولی اینکه قرآن و احادیث بطور عموم و احادیث مربوط به حکومت حضرت قائم عج بطور خصوص به قسط در کنار

عدل اشاره مستقیم دارد ریشه‌اش را باید در اهمیت موضوعات اقتصادی و عدالت اقتصادی در قرآن و اسلام و حکومت حضرت قائم (عج) جستجو کرد.

بنابراین به منظور کشف حق‌ها و قانونمندیهای اقتصادی باید از طریق علم و وحی تلاش نمود و با اجرای حق‌های اقتصادی به قسط مورد نظر انبیاء الهی و امام زمان عج دست پیدا کرد.

حق‌های اقتصادی را در زمینه‌های زیر در هر زمان و در هر مکان مشخص باید کشف و به مردم معرفی نمود و حکومت امکان عمل به آنها را توسط مردم فراهم آورد. این همان چیزی است که در سوره‌ی حدید آیه ۲۵ می‌خوانیم که: *لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط... یعنی ما بدرستی که رسولان را فرستادیم با بینات و میزان و کتاب همراه آنان نازل کردیم تا مردم قسط را برپا دارند. حق‌های اقتصادی در زمینه‌های زیر باید کشف گردد - توسط محققین*

- ۱- چه کالاها و چه خدمات باید تولید شود
 - ۲- با چه روش و فنی باید کالاها و خدمات تولید گردد
 - ۳- چگونه این کالاها و خدمات باید توزیع گردد
 - ۴- طرز افزایش کارایی و بهره‌وری تولید چیست؟
 - ۵- مصرف باید چگونه انجام شود
 - ۶- دولت و ملت چگونه و با چه سهمی روابط اقتصادی را شکل می‌دهند
- مسلم است که در هر یک از زمینه‌های فوق دهها و شاید صدها حق

وجود دارد که باید با تلاش کشف و جهت انجام به مردم معرفی گردد. عمل به حق‌های مذکور عدل اقتصادی را محقق می‌سازد و قسط توسط ناس تحقق پیدا می‌کند.

پرشدن زمین از قسط توسط حضرت قائم (عج) در زمانی تحقق پیدا می‌کند که علم بقدری بالا برود که کشف تعداد بیشمار حق‌ها ممکن بوده حضرتش بکمک دانش زمان و آموزشهای حاصل آمده از وحی این مهم را به کمک مردم به اجرا درمی‌آورد.

معنای قسط و عدل

در کتب بیشماری که درباره‌ی قیام حضرت مهدی (عج) تألیف شده است اغلب مؤلفین صفحات زیادی از کتاب را به شرح حال خصوصی امام دوازدهم شیعیان اختصاص داده‌اند و از علت طول عمر، علت غیبت، طرز ملاقات با آن حضرت و شرح حال ملاقات‌کنندگان و از این قبیل امور سخن به میان آورده‌اند و کمتر به هدف اصلی آنجناب یعنی استقرار قسط و عدل اشاره‌ی مستقیم داشته‌اند. از میان این کتابها یک کتاب در سال ۱۳۷۶ چاپ مسجد جمکران قم است که چند بهتر از کتب دیگر است و صفحه در زمینه قسط و عدل بطور مشخص دارد که در زیر آن را مطالعه می‌کنیم «می‌پرسند: در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بطور متواتر (بسیار) آمده که خداوند، پس از ظهور آن حضرت دنیا را پر از قسط و عدل می‌کند آنچنانکه

پراز ظلم و جور شده است^(۱)

پاسخ:

واژه‌ی «قسط» بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال براساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود که در این جهت هیچگونه تبعیضی نباشد^(۲) که در مقابل جور قرار گرفته است، ولی عدل یک معنی عام دارد که شامل عدالت در تمام ابعاد از عقاید و فرهنگ و سیاست و... خواهد شد که در مقابل ظلم است. توسعه‌ی عدل و داد در حدی است که طبق بعضی از روایات نخستین گامی که امام قائم (عج) پس از خروج برمی‌دارد این است که سخنگوی آن حضرت به جهانیان اعلام می‌کند:

کسانی که می‌خواهند حج مستحب بجای آورند، حجرالاسود و محل طواف را به کسانی که حج واجب دارند، واگذار نمایند ضمناً این روایت حاکی از هجوم زیاد مسلمین برای برگزاری حج است، به راستی چقدر دامنه‌ی عدالت گسترش می‌یابد؟^(۳)

قسط و عدل بسیار مهم هستند ولی رعایت «قسط» به خصوص در حکومت اسلامی جای خاصی دارد. مثلاً در اسلام باید بیت‌المال بطور تساوی

۱ - اثبات الهداة ج ۷، ص ۵۱

۲ - القسط هو النصیب بالعدل (مفردات راغب حرف ع) - القسط اسم العدل فی القسم (الفروق اللغویة)

۳ - قابل توجه کسانی که ارز کمیاب حاصل از درآمد نفت متعلق به نسلهای آینده را صرف رفتن به حج‌های مستحبی در هر سال دو بار و سه بار می‌کنند

در بین مستحقین توزیع گردد. (۱)

یک انحراف

همانطور که گفتیم در سوره حدید آیه ۲۵ خداوند هدف اصلی انبیاء الهی را استقرار عدل و قسط اعلام کرده است. ولی متأسفانه بعد از هر پیامبر که خدا موفق می شد شرایطی را فراهم آورد که مردم قسط را بین خود مراعات نمایند، عده‌ای سودجو به منظور استثمار دیگران این هدف را کم رنگ می کردند و دوباره بساط ظلم و جور می گسترانیدند و مردم را به تحمل فقر و ناداری و پرداخت مالیات‌های سنگین مجبور می ساختند و دوباره پیامبری جدید مبعوث می شد و راه انبیاء گذشته را دنبال می کرد و این خود یک علت بعثت مکرر انبیاء الهی بود.

در مورد پیامبر اسلام نیز وضع همینگونه بود و خصوصاً عثمان و حکومت بنی امیه بر آن بود تا بساط سرمایه‌داری تجاری آن زمان را دوباره بگسترانند و مردم را به استضعاف بکشاند و اقلیتی اشراف توده‌های وسیع مردم را بدوشند و اکثریت در فقر و اقلیت در غنا قرارگیرند.

جنبش شیعه و حضرت علی (ع) در رأس آن با این انحراف به مبارزه برخاست. حضرت علی (ع) اعلام می کرد که من به سنت

پیامبر(ص) عمل می‌کنم. یعنی قسط و عدل را مستقر می‌کنم و نه جامعه‌ی طبقاتی و سرمایه‌داری تجاری آن روز را.

امام حسن و امام حسین(ع) برای همین منظور قیام کردند و شهید شدند و سایر ائمه نیز به همین منظور به مبارزه ادامه دادند و شیعیان نیز به همین دلیل عدلیون لقب گرفته‌اند. در فرهنگ شیعه عَلم و پرچم «عدل» و «عدالت» شد، شیعیان معتقد شدند که امام باید عادل باشد، رهبر باید عادل باشد، حکومت عدل یک حکومت اسلامی است، قاضی باید عادل باشد، شاهد محکمه‌ها باید عادل باشد، شاهد طلاق باید عادل باشد، امام جماعت و امام جمعه باید عادل باشد. ولی این فکر نیز به انحراف کشیده شد. مثلاً عده‌ای مثل ابن بابویه که کتابی در زمینه اصول دین نوشته است معتقد شدند که اصل عدل در شیعه کاری به عدل در حکومت و اقتصاد ندارد بلکه مقصود از عدل یعنی اینکه خدا عادل است و ظالم نیست. به این بیان که گویا اهل تسنن می‌گویند خداوند روز قیامت پادشاه ستمگر را ممکن است ببخشد و به بهشت ببرد ولی شیعیان معتقد شدند که نه خیر خداوند عادل است و حتماً وی را به جهنم می‌برد. این تلاش خودبخود به گونه‌ای است که بساط استثمار از مردم را از زیر ضربات اسلام خارج می‌سازد.

لذا با این شعار ائمه شیعه به حق و به درستی قبلاً جلو این انحراف را سد کردند و قیام حضرت قائم(عج) که سمبل عدالت‌خواهی اسلامی قرانی و بالخصوص شیعه می‌باشد را با استقرار قسط که یک

مفهوم عدل اجرایی و اقتصادی است عجین ساختند یعنی امام و رهبر آینده و ایده آل شیعیان کسی است که عدل اجرایی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، حقوقی، اخلاقی، خانوادگی، عبادی و عدل اقتصادی یعنی قسط را مستقر می‌سازد. عطار نیشابوری می‌گوید: (۱)

از خدا خواهند مهدی را یقین	صد هزاران اولیاء روی زمین
تا جهان عدل گردد آشکار	یا الهی مهدیم از غیب آر
بهترین خلق به برج اولیاء	مهدی هادی است تاج اتقیا
و از همه معنی نهانی جان جان	ای تو ختم اولیاء این زمان
بنده عطارت ثناخوان آمده	ای تو هم پیدا و پنهان آمده

اهمیت قسط در آیات قرآن مجید

۱- لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط... (سوره حدید آیه ۲۵)

ترجمه: همانا پیامبران را با نشانه‌های آشکار فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردمان به قسط قیام کنند.

۲- یا ایهاالذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط (سوره نساء آیه ۱۳۵)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید، قسط را برپا بدارید

۳- قل امر ربی بالقسط (سوره اعراف آیه ۲۹)

۱ - عطار نیشابوری - در کتاب مظهر الصفات

ترجمه: بگو پروردگارم به من دستور (برپاداری) قسط داده است.

۴- و افوالکيل والميزان بالقسط (سوره انعام آیه ۱۵۲)

ترجمه: پیمانها و ترازوها را برپایه قسط قرار دهید

۵- و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله يحب المقسطین (سوره مائده

آیه ۴۲)

ترجمه: چون در میان آنان حکم میکنی (در موارد اختلافات اقتصادی)

به قسط حکم کن که خداوند مراعات کننده قسط را دوست دارد

اهمیت عدل در آیات قرآن مجید

۱- ان الله يامر بالعدل والاحسان (سوره ی نمل آیه ۹۰)

ترجمه به درستی که خداوند به اجرای عدالت و مراعات احسان امر

می فرماید

۲- و أمرت لاعدل بینکم (سوره شوری آیه ۱۵)

ترجمه: و مرا فرمان داده اند تا در میان شما به عدالت رفتار کنم

۳- و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل (سوره نساء آیه ۵۸)

ترجمه: و هنگامی که در میان مردم داوری و حکم می کنید عادلانه

حکم کنید

احادیث مربوط به عدل

● بِالْعَدْلِ تَتَّضَاعِفُ الْبَرَكَاتُ (۱)

ترجمه: به کمک عدل بهره وری (برکات) چند برابر می شود.

● صلاح الرعية العدل^(۱)

ترجمه: کار رعیت (مردم) به عدل به سامان می‌رسد.

● فِي الْعَدْلِ الْأَقْتِدَاءُ بِسُنَّةِ اللَّهِ وَ ثُبَاتِ الدُّوَلِ

ترجمه: در عدالت پیروی از سنت الهی و ثبات و پایداری حکومتها نهفته است

● كَفَى بِالْعَدْلِ سَائِسًا

ترجمه: برای مملکت‌داری کافیت که عدالت را مستقر سازید.

● كَسْبُ الْإِيمَانِ لُزُومُ الْحَقِّ وَ نُصْحُ الْخَلْقِ

ترجمه: برای کسب ایمان باید به حق ملتزم بود و مردم را نصیحت کرد.

● لَنْ تُحَصِّنَ الدُّوَلُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ فِيهَا

ترجمه: هیچ چیز حکومتها را مثل عدالت‌گستری دوام نمی‌بخشد.

● لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ مَعَ الثِّقَةِ بِالظَّنِّ

ترجمه: از عدالت به دور است که (درباره امور) براساس گمان قضاوت شود.

● مَنْ عَدَلَ نَفَذَ حُكْمَهُ

ترجمه: هر که به عدل عمل کند حکمش رواست

● مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ

ترجمه: هر که کار به عدل کند خداوند ملکش را (از دستبرد دشمن) نگهدارد.

● مِنْ عَلَامَاتِ الْعَقْلِ الْعَمَلُ بِسُنَّةِ الْعَدْلِ

ترجمه: از نشانه‌های خردمندی عمل به سنت عدل است.

● مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ

ترجمه: هیچ چیز مانند عدل شهرها را آباد نمی‌کند

● مَلَكَ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ

ترجمه: ملاک و اصل مملکتداری عدل است

● ان العدل ميزان الله سبحانه الذي وضعه في الخلق و نصبه لاقامة الحق

فلاتخالفه في ميزانه و لاتعارضه في سلطانه

عدالت، ترازوی خداوند است که برای بندگانش نهاد، و برای اقامه حق

آن را نصب کرد، خداوند را در ترازویش نافرمانی مکنید و با سلطنت او

معارضه نکنید. (۱)

● إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ

اگر در میان مردمان به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌گردند (۲)

احادیث مربوط به عدل و حق

● لِتَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَقْسَطُهَا بِالْحَقِّ

ترجمه: البته باید دوست‌داشتنی‌ترین کارها نزد تو کاری باشد که در

عدل عمومی‌تر و با حق قسط‌آمیزتر است.

در این حدیث شریف رابطه بین قسط و حق به گونه‌ای است که به

۱- مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۶ صفحه ۱۹۱

۲- منبع قبلی صفحه ۶۰

ما هشدار می دهد در گذشته های دور از این واژه ها مفهومی مستفاد می شده است که با آنچه امروز ما می فهمیم تفاوت داشته است. از طرف دیگر رابطه بین حق و قسط (عدل اقتصادی) را متذکر می شود.

● **إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئاً مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلَّا وَقَدْ قَسَمَ، وَأَعْطَى كُلَّ ذِي حَقِّ الْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ، وَالْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَكُلِّ صَنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ... لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَاسْتَغْنَوْا...^(۱)**

ترجمه: خداوند هیچگونه مالی را رها نگذاشته، بلکه آن را قسمت کرده است، و حق هر صاحب حقی را (در تقدیر الهی) به او داده است. خواص و عوام، فقیران و بینوایان، و همه ی قشرهای مردمان... اگر در میان مردم به عدالت رفتار می شد همه بی نیاز می شدند (و فقیر و مسکین و نیازمندی باقی نمی ماند).

امام زمان و انبیاء گذشته

گفتیم که در سوره‌ی حدید آیه ۲۵ خداوند بزرگ هدف مهم ارسال رسل و انزال کتب آسمانی را استقرار قسط توسط ناس دانسته است. و از مهمترین اهداف ائمه معصومین (ع) ما نیز استقرار عدل و قسط بوده است گفته‌اند که حضرت علی (ع) از شدت عدلش کشته شد و در زیارت وارث می‌خوانیم که امام حسین (ع) وارث آدم و نوح و سایر انبیاء الهی می‌باشد یعنی او نیز در راهی که انبیاء حرکت می‌کردند - استقرار قسط توسط ناس - گام برمی‌داشته است و درباره‌ی سایر ائمه نیز چنین بوده و در مورد امام زمان عج نیز چنین است که در راه استقرار قسط و عدل توسط ناس قیام می‌کند و به همین دلیل است که احادیث از شباهت ایشان با انبیاء گذشته سخن دارد.

استقرار قسط - عدل اقتصادی - توسط ناس دو وجه دارد یکی اینکه شعور اجتماعی مردم بقدری بالا و پیشرفته باشد که قسط و عدل را طلب کنند - نه مثل امروز که هر که از آن سخن گوید حتی متدینین با وی دشمن شوند و اگر امام زمان (عج) قیام کنند وی را به عنوان کسی که دین جدید آورده بکشند - و دوم اینکه علوم بقدری رشد پیدا کرده باشد که بتوانند در هزاران وجه از زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خود قسط و عدل را شناسایی و ابزار اجرای آنها را کشف کرده باشند.

علامه مجلسی، رضوان‌الله علیه، در آغاز جلد پنجاه و سوم کتاب بحارالانوار حدیث مفصلی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که

ضمن آن فرمودند:... و (هنگام ظهور) سرور ما قائم علیه السلام تکیه‌اش به کعبه بوده و گوید ای گروه خلق آگاه باشید هر که می‌خواهد به آدم، شیث، نوح، سام، ابراهیم، اسماعیل، موسی و یوشع، عیسی و شمعون، محمد (ص) و امیرالمومنین (ع)، حسن (ع) و حسین (ع)، و فرزندان حسین (ع) را بنگرد به من بنگرد که من همه آنها هستم. از این حدیث به خوبی استفاده می‌شود که امام دوازدهم برای استقرار قسط توسط ناس و محو کامل ظلم قیام خواهد کرد. چیزی که هدف کلیه انبیاء و اولیاء الهی مثل آدم و شیث و نوح و... بوده است.

اقتصاد غیبی

اقتصاد حضرت مهدی (ع) اقتصاد قسط‌آمیز است و چون جامعه‌ی بشری هم از نظر شعور اجتماعی و فرهنگی و هم از جهت علمی به پیشرفت لازم دست پیدا نکرده است که بتواند حکومت عدالت‌گستر حضرت قائم (عج) را تحمل نماید شیعیان معتقدند که ایشان در پس پرده‌ی غیب خواهند بود تا زمانی که آن شعور و علم حاصل آید.

به همین ترتیب است اقتصاد قسط‌آمیز که امروزه بشر به علت عدم رشد فکری لازم نمی‌تواند آن را تحمل نماید و لذا این اقتصاد امروزه غیبی است و به نظر حتی بسیاری از متدینین و اهل علم حتی نادرست هست و سخن گفتن از آن را به صلاح خود نمی‌بینند اینست که در کتب و سخنرانیهای خویش از همه چیز می‌گویند جز از قسط و استقرار آن توسط حکومت. چرا که می‌بینند کسانی که از اقتصاد

قسط‌آمیز سخن گفته‌اند و با روابط استثمارگرانه موجود در بانکها، بازار، کارخانجات و مزارع با بیان و قلم مبارزه کرده‌اند، از صحنه‌های فعالیتهای اجتماعی کنار زده شده‌اند و از انظار عموم و نظرگاه مردم و توده‌ها مخفی نگاهداشته شده‌اند.

بنابراین خواننده‌ی محترم این کتاب نباید توقع داشته باشد که ظرفیت جامعه به این زودی‌ها گونه‌ای افزایش پیدا کند که به سوی کسب شرایط اجرای آنها حرکت نمائیم. انتظار فرج در چارچوب اقتصادی نیز در یک مفهوم آن همین است. لذا می‌توان گفت بهترین راه برای انتظار فرج این است که اولاً در راه بالا بردن شعور اجتماعی و فرهنگی تلاش کنیم و ثانیاً با کسب علم و آموزش و تعالی بخشیدن به آن در بالا بردن سطح دانش بشر بکوشیم، یعنی دو پایه‌ای که ظهور حضرت قائم (عج) را ممکن می‌سازد.

۱- شعور فرهنگی و اجتماعی بسیار بالای مردم

۲- سطح بسیار بالای علمی جامعه‌ی بشری

ضمیمه فصل اول

در فصل اول ملاحظه شد که هدف اصلی و عمده‌ی ظهور حضرت قائم (عج) براساس قرآن و احادیث که قرآن هدف انبیاء الهی را در آیه ۲۵ سوره حدید استقرار قسط ناس می‌داند و احادیث حضرت قائم (عج) را دنبال‌کننده و وارث راه انبیاء الهی و ائمه معصومین معرفی نموده است آنطور که در فصل اول کتاب حاضر مطالعه شد.

ولی بسیاری از کتب مربوط به حضرت مهدی (عج) نه تنها از عدل و استقرار قسط توسط حکومت حضرتش نامی به میان نمی‌آورند بلکه اهداف فرعی را مطرح می‌کنند که یکسری تحریف مطالب و انحراف اذهان و خرافه‌سازی در فرهنگ اعتقاد به مهدی (عج) به حساب می‌آید. مثلاً در یکی از این کتب درباره همه چیز سخن به میان آمده است جز استقرار عدالت و قسط مثلاً می‌نویسد: «خلاصه حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت «نامرئی» نیست، بلکه «ناشناس» است»^(۱)

در جای دیگر می‌نویسد برای تشریح به حضور حضرت

۱ - سیدجمال‌الدین حسینی، پیام امام زمان علیه السلام، نشر مولود کعبه قم چاپ سوم، ۳۰۰۰ نسخه نیمه شعبان ۱۴۱۸ صفحه ۳۵.

مهدی (ع) باید از گناه رهید و به تهذیب جان پرداخت و راه رسیدن به این مقام داشتن محبت ایشان و محبّ بودن است و وسیله‌ی محب شدن را نیز رفتن به مسجد جمکران و دوست داشتن روحانیون و وجوهات دادن به روحانیون است و آنهم نه همه‌ی روحانیون بلکه آن دسته از روحانیون که دائم از او سخن بگویند و گریه و زاری زیاد راه اندازند و افرادی که از این جلسه به آن جلسه سخنرانی بروند. و در تمامی این موارد نویسنده هیچ اشاره‌ای به عدل و قسط که هدف عمده‌ی آن حضرت است ندارد. و وقتی ناچار می‌شود حدیثی را نقل کند که در آن به نقش حضرت مهدی (عج) در استقرار قسط و عدل اشاره دارد به سرعت از آن می‌گذرد و پیرامون آن توضیحی نمی‌دهد آنچنانکه در مورد محبت واقعی داد سخن داده است.^(۱)

«چگونه می‌توان از گناه رهید و به تهذیب جان پرداخت؟

راه اساسی تزیکه نفس و طریق نیل به مکارم اخلاقی و توفیق یافتن بر انجام واجبات و ترک محرمات، محبت و دوستی حضرت ولیعصر (عج) است.^(۲)

در جای دیگر راز بزرگ تشریف را می‌نویسد:

راز بزرگ تشریف به محضر حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام، در زمان

۱ - م. ق. ص. ۸۳ سطر آخر و صفحه ۸۴ و صفحه ۱۰۴ و صفحه ۱۴۱ و صفحه

غیبت، همین یک کلمه است و بس: «محبت»، باید شوق شدید پیدا کرد و دوستی حقیقی به دست آورد تا به وصال یار رسید و از فیض محضر پربرکتش بهره‌مند شد، زیرا محبت واقعی، منشأ قرب روحی می‌شود و نزدیک شدن روحی، موجب دیدار محبوب می‌گردد.^(۱)

در ادامه می‌نویسد:

«باید محبت، مستقر شود، باید به پایه‌ای برسد که در فراق او بسوزی، بنالی، اشک بریزی، در طلب حقیقی‌اش برآیی، خسته و مانده نشوی^(۲) و ادامه می‌دهد:

«اگر محبت به حضرت داشته باشی، برای او اشک می‌ریزی، دنبال او می‌دوی، به سراغش می‌روی، از این عالم و آن عالم می‌پرسی که به چه راهی باید رفت تا به محبوب رسید؟، عاقبت جوینده یا بنده است... حوصله می‌خواهد، صبر و شکیبایی می‌خواهد، رنج راه متحمل شدن می‌خواهد، سوختن در فراق می‌خواهد، دویدن این سر و آن سر می‌خواهد، اینها نشانه‌های محبت است»^(۳)

این گونه بیان برای خواننده معمولی این توهم را بوجود می‌آورد که راه نجات دوست داشتن امام زمان (عج) است و راه دوست داشتن

۱- م.ق.ص. ۵۲

۲- م.ق.ص. ۵۴

۳- م.ق.ص. ۵۵

نیز اینست که این سر و آن سر بدوی و در فراق بسوزی و اشک بریزی و دویدن این طرف و آن طرف را تصور می‌کند که به مسجد جمکران رفتن و در آنجا گریه و زاری کردن است و بس.

اما در مورد انتظار کشیدن برای فرج می‌گوید انتظار فرج برای اینکه امام زمان (عج) بیاید و ظلم و جور را از بین ببرد و برای مردم یک زندگی راحت و با امنیت درست کند آنطور که در احادیث آمده است، کار درستی نیست. انتظار فرج آنست که بخواهی امام احساس غربت نکند و از تنهایی درآید. مثل اینکه حضرت مثل خود نویسنده از اینکه بین مردم هست ولی او را نمی‌شناسند آنقدر رنج می‌کشد که شیعیان موظف هستند دعای فرج بخوانند که این رنج غربت و تنهایی کم شود و امام را همه بشناسند و به او احترام کنند که امام است و امام یک نفس راحت بکشد که الحمدلله بالاخره مردم مرا شناختند و به عظمت من پی بردند و احترام می‌گذارند. دیگر سخنی از اینکه امام می‌خواهد بیاید و قسط و عدل را مستقر سازد و مدینه فاضله‌ی مورد آرزوی تمام بشریت در طول تاریخ را محقق سازد به میان نمی‌آورد.

متن کلام نویسنده چنین است: «متأسفانه بسیاری از شیعیان، بیاد حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام نیستند و از دعا برای ظهور شریفش غافلند اما همان گروهی هم که در ظاهر، نام آن حضرت را می‌برند و در پنهان و آشکار برای قرب فرج دعا می‌کنند، اگر به ژرفای دلشان بررسی، می‌یابی که امام عصر، ارواحنا فدا، را برای خود می‌خواهند و او را برای رفع ناراحتی‌ها و درمان دردهای خویش طلب می‌کنند، تعداد

کمی هستند کسانی که درخواست ظهور حضرت حجت ارواحنا فداه را بنمایند اما نه برای رفاه و آسایش خود، بلکه برای نجات آن محبوب غریب از زندان غیبت و رهایی آن مظلوم هجران کشیده از غربت و خلاص شدن آن امام ستم دیده، از رنج و محنت»^(۱)

کافی بود این نویسنده به دعای استغاثه به حضرت مهدی (ع) که در مفاتیح الجنان است مراجعه می کرد که در آن به ما یاد داده شده است که برای دفع مشکلات و شداید خودمان از امام زمان (عج) استمداد بجوئیم آنجا که دارد:

... یا مولای یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی ادرکنی
الساعة الساعة الساعة العجل العجل العجل یا ارحم الراحمین به حق محمد و
اله الطاهرین.^(۲)

در دعای دیگر که مربوط به حضرت حجت است از خدا می خواهیم که به حق امام زمان فقرا را بی نیاز کند و غنی سازد و ثروت دهد و مریض های مؤمنین از مرد و زن را شفا و صحت دهد و... که تمامی اینها به ما آموزش می دهد امام زمان برای اصلاح امور می آید دعا چنین شروع می شود.

الهی به حق من ناجاک و به حق من دعاک فی البر و البحر تفضل علی فقراء
المؤمنین و المؤمنات بالغناء و الثروة و علی مرضی المؤمنین و المؤمنات بالشفاء

۱- م. ق. ص. ۵۶

۲- مفاتیح الجنان صفحه ۱۱۶

والصَّحَّة... (۱)

در هیچ حدیث و دعایی دیده نشده که گریه و زاری کنیم برای غربت کشیدن و تحمل درد و رنجی که امام زمان (عج) از تنهایی می‌کشد برعکس در ادعیه وارده‌ی آن حضرت در مفاتیح الجنان و در احادیث همه‌اش از عدل‌گستری و قسط‌پروری آن جناب و رفاه‌آفرینی حکومت وی سخن رفته است. اجازه دهید فرازهایی از دعای استغاثه به حضرت قائم را در مفاتیح الجنان که درباره‌ی عدل و قسط‌آفرینی آن حضرت می‌باشد را با هم بخوانیم:

«سلام الله الكامل... ناشر العدل... الذی تملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً...» (۲)

۱ - مفاتیح الجنان صفحه ۱۱۶

۲ - مفاتیح الجنان صفحه ۱۱۷

فصل دوم

پیشرفت علم و فن در زمان ظهور حضرت قائم (عج)

همانطور که در فصل اول مذکور افتاد هدف عمده‌ی حکومت (۱) ایده‌آل شیعه یعنی حکومت حضرت قائم (عج) استقرار قسط و عدل است و این همان هدف انبیاء گذشته بوده است که چون پیامبر اسلام خاتم انبیاء و مرسلین است لذا امامان ما و آخرین آنان امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) این وظیفه را به عهده دارد. یکی از توجیحات مربوط به احادیث حضرت قائم (عج) که شبیه پیامبر اسلام است و در احادیث دیگر به شباهت ایشان با انبیاء گذشته اشاره دارد همین مسأله می‌باشد.

وقتی هدف عمده استقرار قسط و عدل باشد و با توجه به رابطه عدل

۱ - معلوم نیست پاره‌ای از روشنفکران مذهبی که در سالهای اخیر ادعا کرده‌اند راه دین و دنیا از هم جداست و دین برنامه برای آخرت دارد نه برای دنیا با این احادیث و سیره‌ی انبیاء و امامان چگونه می‌خواهند برخورد کنند.

با علم که شرح آن در فصل قبلی گذشت می توان نتیجه گرفت که در زمان حضرت قائم (عج) علم و فن باید بقدری ترقی کرده باشد که امکان کشف هزاران قانونمندی در کلیه بخشهای حیات انسان اعم از بخش اقتصاد، سیاست، روانشناسی، حقوق ملی و بین المللی و... وجود داشته باشد.

احادیث در این زمینه

۱- امام صادق (ع) فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند، خداوند شنوایی گوشها و بینایی چشمهای شیعیان ما را به گونه ای زیاد می کند که دیگر بین آنها و امام قائم (عج) پیک پست نخواهد بود. یعنی آنها مستقیماً در هر کجا باشند با امام (ع) تماس حاصل می کنند»^(۱)

۲- امام صادق فرمود: در عصر حکومت قائم (عج) مؤمنی که در شرق جهان است برادرش را که در غرب جهان است می بیند و به عکس مؤمنی که در غرب جهان است برادرش را که در شرق جهان است می بیند.^(۲)

۱- ان قائمنا اذا قام مدّ الله بشيعتنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید (بحار، جلد ۵۲ ص ۳۳۶ به نقل از کتاب حضرت مهدی (ع) محمد اشتهاوردی چاپ اول ۱۳۷۶ صفحه ۱۳۲)

۲- ان المؤمنین فی زمان القائم و هو بالشرق یری اخاه بالمغرب و کذا الذی فی المغرب یری اخاه بالشرق (م.ق، از بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۹۳)

۲- م.ق. ص ۱۳۴، از کتاب بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱

۳- امام باقر فرمود: «ذوالقرنین (که شرحش در قرآن در اوائل سوره کهف آمده) در میان دو نوع ابر مخیر گردید او ابر آرام را برگزید و ابر دیگر که خشن و سرکش است برای صاحب شما (امام قائم عج) ذخیره شده است. پرسیده شد ابر خشن و سرکش چیست؟ فرمود ابری است که همراه رعد و صاعقه یا برق است صاحب شما (امام قائم عج) بر آن سوار می شود و در پله های آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه بالا می رود^(۱)

از احادیثی که نقل شد - این که این حرفها از امام معصوم واقعاً نقل شده است یا نه مهم نیست مهم محتوای آنها است چطور در گذشته های دور پیش بینی چنان چیزهایی شده است که تنها امروزه درک آنها با وجود هواپیما، ماهواره، تلویزیون، تلفن های تصویردار برای ما چندان مشکل نیست و حتی درک موضوع بالا رفتن از آسمانهای هفتگانه (یعنی بیشمار چون عدد هفت علامت کثرت است) نیز امروزه که بشر پا به کمره ی ماه گذشته برای ما مشکل نیست. امروزه حتی می گویند از طریق هیپنوتیزم به تلفن هم دیگر نیازی نیست و با ارتباط فکر با یکدیگر می توان از مطالب هم با اطلاع شد. آنچه از این احادیث استفاده می شود شدت پیشرفت علم در زمان ظهور حضرت قائم است که از چند جهت قابل توجه می باشد.

● اول اینکه گسترش دانش تا آن اندازه، همراه خواهد بود با افزایش

شعور اجتماعی و فرهنگی که خود لازمه‌ی قبول عدل و استقرار عدالت در جامعه است. امروزه خود ما ملاحظه می‌کنیم که دو نفر پزشک در مسائل اجتماعی پیشرفته‌تر فکر می‌کنند تا دو نفر تحصیل‌نکرده مثلاً دو نفر پزشک در صف خرید یک جنس نوبت یکدیگر را راحت‌تر می‌پذیرند تا دیگرانی که سواد ندارند و با کلک و زور می‌خواهند اول صف قرار بگیرند و زودتر از دیگران کارشان انجام شود یا کالایی را که می‌خواهند خریداری کنند.

● دوم اینکه علیرغم پیشرفتهای علمی و تکنیکی و فنی، بشر در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و سازمانهای اداری چندان پیشرفتی نخواهد کرد. چرا که در زمینه عدل فنی موفق خواهد بود ولی در زمینه عدالت اجتماعی و سیاسی و عدالت اقتصادی (قسط) که هدف عمده‌ای انبیاء و اولیاء و حضرت قائم (عج) خواهد بود موفقیت نه تنها ندارند بلکه به پیچیدگیها و معضلاتی نیز دچار خواهد شد.

● سوم اینکه انتظار فرج در دوره‌ی ما به این مفهوم غلط و ارتجاعی که بین بعضی از گروههای کژاندیش مذهبی وجود دارد که گویا باید ظلم را گسترش داد و به گناهان آلوده شد تا زمینه‌ی ظهور حضرت مهدی (عج) فراهم گردد نیست بلکه انتظار فرج عبارتست از آماده‌سازی هرچه بیشتر خود در زمینه‌های علمی. چرا که با گسترش علم در نسل ما و تحویل آن به نسل دیگر با توجه به تلاش هر نسل در گسترش علم زمینه‌ی کشف حقها در هزاران زمینه فراهم می‌گردد و

امکان ظهور حضرتش و استقرار عدل و قسط توسط ایشان فراهم می‌شود. لذا فراگیری علم حتی به اندازه‌ی یک کلمه در مسیر انتظار فرج حضرت می‌باشد.

گسترش ظلم

اینکه در احادیث ما آمده است زمین پر از جور و ظلم می‌شود و آنگاه حضرت قائم (عج) قیام می‌فرماید به این معنا نیست که تمام ذره ذره و وجب به وجب زمین از ظالمین پرشده باشد. بلکه در آن زمان هستند افرادی که با ورع با تقوی با ایمان و با روحیه ضد ظلم و ظلم‌ستیزی می‌باشند.

ولی پرشدن ظلم می‌تواند از طریق جهل انسان نسبت به سیستم‌های اداری، اجتماعی و پرشدن زمین از جور به صورت جهل انسان در داشتن یک سیستم اقتصادی قسط‌آمیز باشد.

تا همین امروز که سال آخر قرن بیستم میلادی است بشر نه تنها در جهان سوم بلکه در جهان صنعتی و پیشرفته علمی از نظر سیستم‌های اقتصادی و اخلاقی و اجتماعی بسیار عقب افتاده است و وجود سیستم سرمایه‌داری که آغشته به ظلم طبقاتی می‌باشد جهان را پر از جور و ظلم کرده است. این سیستم اخیراً داعیه‌ی آقای جهان را دارد و با حيله‌ها و به زور اسلحه می‌کوشد تا دامنه‌ی خصوصی‌سازی اقتصاد به سبک سرمایه‌داری صنعتی غرب را در تمامی جهان بگستراند. و چون فقر، تورم، وجود شکاف بین فقیر و غنی، وجود نوسانات اقتصادی که عامل عمده بیکاری و ورشکستگی دوره‌ای

حتی در کشورهای صنعتی است، غارت کردن منابع کشورهای تحت سلطه توسط کشورهای سلطه‌گر از طریق بالا بردن قیمت ارزهای مسلط، بالا بردن قیمت کالاهای صنعتی صادراتی کشورهای مسلط و پائین آوردن بهای مواد خام کشورهای تحت سلطه، ایجاد سیستم فرار مغزها از کشورهای تحت سلطه به کشورهای سلطه‌گر (یعنی انتقال سرمایه انسانی از کشورهای فقیر به کشورهای غنی)، برقراری مکانیسمهای اجرایی توطئه‌های اقتصادی کشورهای سلطه‌گر در کشورهای تحت سلطه، مثل کاشتن حکومت‌های دست‌نشانده در جهان سوم و دادن کارهای بزرگ به دست انسانهای کوچک، دادن کارهای پیچیده به دست افراد ناوارد، تحمیل برنامه‌های اقتصادی غلط به کشورهای تحت سلطه و...^(۱) همه و همه از سیاستهای جهنمی این سیستم غلط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در سراسر جهان است می‌توان گفت که امروزه جهان از ظلم پرشده است و با پیشرفت فن‌آوری در خدمت سرمایه‌داری جهان به مرور این مکانیسمهای اجرایی توطئه‌های اقتصادی و غارت و استثمار و استعمار دیگران روز به روز پیچیده‌تر می‌شود و پرشدن ظلم و جور در جهان از یک بعد دیگر همین پیچیدگیها خواهد بود که بشر معمولی حتی دانشمندان قادر نخواهند بود این سیستم را براندازند و

۱ - برای مطالعه بیشتر در این زمینه به دو کتاب امپریالیسم زدگی اقتصاد ایران و توطئه‌های اقتصادی امپریالیسم در ایران تألیف این قلمزن مراجعه شود.

سیستمی قسط آفرین جای آن برقرار سازند، همانطور که امروزه شاهد آن هستیم پزشک، دانشمند، مهندس، مخترع، مکتشف و صاحبان نظر و خرد چگونه برای داشتن یک زندگی ظاهراً مرفه خود را به خدمت این ماشین جهنمی ظلم آفرین سرمایه داری غربی درآورده اند و اگر در کشور خود هستند همچون یک نوکر برده صنعت نشخوارکننده‌ی ترهات صندوق بین‌المللی پول و بافته‌های ایادی خارج‌نشین کشورشان هستند و اگر زندگی در ایران یا هر کشور جهان سومی دیگر را نمی‌پسندند مهاجرت کرده به کشورهای صنعتی می‌روند و در آنجا به امید رسیدن به آلف و الوف سرمایه انسانی یا تخصص خود را در خدمت ماشین ظلم آفرین سرمایه داری جهانی غرب قرار می‌دهند و اگر کسانی از اینان بخواهند زنجیر پاره کنند و خود را کنار بکشند نابود می‌شوند یا به فقر و ناداری کشانیده می‌شوند که از کرده‌ی خود پشیمان شوند و درس عبرتی باشند برای دیگران. خلاصه دانشمندان امروزه نمی‌توانند علیه سیستم ظلم آفرین سرمایه داری جهانی قیام کنند و در آینده نیز که ظلم اجتماعی و اقتصادی (جور) گسترش و عمق و پیچیدگی بیشتری پیدا کند، همین وضع قابل تصور است، لذا شیعه معتقد است که مردی از تبار امام حسین (ع)، که راه انبیاء را دنبال می‌کند، مردی آسمانی و مکتبی و الهی علیه نظام ظلم جهانی قیام خواهد کرد و به کمک علم و دانش و وحی و به کمک مردم خسته از ستم و به ستوه آمده از جور، سیستم ظالمانه موجود را برمی‌اندازد و سیستم سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی قرآن و عترت که عدل آفرین و قسط آمیز می باشد را در تمامی جهان برقرار می سازد. امروز هرگونه مطالعه در ستم سیستم سرمایه داری موجود و هرگونه شناخت علمی از جوامع و اقتصادیات و هرگونه مطالعه عمیق و کاربردی در قرآن و اسلام یک نوع آماده سازی فکر بشری در راه استقرار عدل و قسط حضرت قائم (عج) در هنگام ظهور آن وجود عزیز خواهد بود که معنای واقعی انتظار فرج مؤمنین به آنحضرت نیز همین است.

سیستمهای اقتصادی

امروزه بشر در تمامی جهان از نظر داشتن یک سیستم اقتصادی مبتنی بر علم که بتوان با عمل به آن به عدل اقتصادی (قسط) و از آنجا به تعادل اقتصادی دست پیدا کرد در جهل مرکب به سر می برد. تلاشهای به اصطلاح علمی اقتصادی که در سطح جهان انجام می شود نیز در گسترش و تعمیق این جهل انجام می شود. چه بسیار دانشگاهها، موسسات پژوهشی و تحقیقاتی که در سراسر جهان بودجه های کلان برای تدریس و تحقیق خرج می کنند تا سیستم غلط و ظلم آفرین سرمایه داری جهانی را بزک کنند و زبانهای آن را به شکلی توجیه نمایند. در واقع امروزه تحقیقات و آموزشهای به اصطلاح علمی در چهارچوب اقتصادی در راه گسترش ظلم و جور سرمایه داری جهانی انجام می شود و چون گفتیم، علم واقعی عدل آفرین است لذا ظلم و جور زاییده جهل است و می توان گفت که بودجه سنگین تحقیقات و آموزشهای علمی در چهارچوب اقتصادی

جهان امروز در راه تعمیق و گسترش جهل سیستمی - در چهارچوب اقتصادی - هزینه می شود و چه فاجعه ای از این بالاتر. جهان هرچه به جلو می رود این سیستم ظالمانه شکلی جدید و عمق و پیچیده تر پیدا می کند که براندازی آن جز با یک قدرت (مبتنی بر وحی و قرآن) بالای حضرت قائم (عج) و علم بالای فنی و تکنیکی ممکن نخواهد بود. این امید را تشیع با اعتقاد به ظهور حضرت قائم (عج) در دلها همچنان شعله ور می سازد تا روز موعود انشاءالله.

معنای سیستم اقتصادی

در تعریف سیستم اقتصادی گفته شده است که سیستم اقتصادی چنان سیستمی هست که به پنج سؤال زیر پاسخ می دهد.

۱- ابزار تولید (مثل زمین، کار، سرمایه و مدیریت) به چه کسی تعلق دارد و یا مالکیت ابزار تولید از آن چه فرد حقیقی یا حقوقی می باشد.
۲- قیمت کالاها و خدمات در یک جامعه یا در سطح جهان چگونه تعیین می گردد.

۳- قیمت عوامل تولید چگونه تعیین می شود. یعنی اجاره، دستمزد، بهره، سود چگونه و در چه حدی تعیین می شود.

۴- دامنه فعالیت فرد در اقتصاد چیست و تا چه حدی است

۵- دامنه فعالیت دولت در چه حد می باشد

در زمان ما چهار سیستم اقتصادی در جهان وجود دارد یعنی به سؤالات پنج گانه فوق الذکر چهار نوع پاسخ داده شده است.
الف - نوع اول پاسخ سرمایه داری می باشد که می گوید مالکیت ابزار

تولید به بخش خصوصی تعلق دارد، قیمت‌ها را مکانیسم عرضه و تقاضا مشخص می‌کند، دامنه فعالیت اقتصادی افراد - یعنی بخش خصوصی - بی‌نهایت است و دامنه فعالیت اقتصادی دولت آنقدر محدود است که به صفر نزدیک است و دولت صرفاً نقش پلیس و ژاندارم را در جامعه دارد. این سیستم در آمریکا، اروپا، ژاپن و اغلب کشورهای جهان سوم دایر است

ب - سیستم سوسیالیسم نوع دوم پاسخ به پنج سؤال مذکور است. از نظر این سیستم مالکیت ابزار تولید از آن دولت است، قیمت کالاها و خدمات و قیمت عوامل تولید را دولت مشخص می‌کند دامنه فعالیت فرد در اقتصاد محدود است و دامنه فعالیت دولت در اقتصاد نامحدود است. این سیستم در کشور شوروی سابق، در چین کمونیست و در کوبا و کشورهای اروپای شرقی قبل از فروپاشی شوروی سابق وجود داشت.

ج - نوع سوم پاسخ از آن سیستم اقتصاد مختلط است این سیستم جمع بین دو سیستم مذکور است. یعنی در بخش فعالیتهای عام‌المنفعه مثل آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و اموری از این قبیل دولت فعال مایشاء است و در بخش‌های دیگر پاسخ سرمایه‌داری حاکم می‌باشد. این سیستم در کشورهای اسکاندیناوی مثل سوئد و نروژ و دانمارک وجود دارد^(۱)

۱ - برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب سیستم‌های اقتصادی تألیف این قلمزن -

د - نوع چهارم پاسخ، اسلامی است. این پاسخ به نوبه خود به چهارگونه است: (۱)

- سرمایه‌داری اسلامی
- سوسیالیسم اسلامی
- راه میانه اسلامی که جمع بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم به سبک مسلمین ایرانی است
- قرآن و عترت

حضرت قائم (عج) به نوع چهارم یعنی قرآن و عترت پاسخ خواهد داد. امروزه این سیستم یعنی سرمایه‌داری اسلامی در عربستان سعودی، سوسیالیسم اسلامی در اندیشه‌ی پاره‌ای از سازمانها و تشکیلات انقلابی و چریکی مسلمان و راه میانه اسلامی فعلاً در ایران وجود دارد امروزه آنچه در ایران و جهان غلبه دارد نوع پاسخ سرمایه‌داری است که در آن اقتصاد کشور به علت دور بودن از عدل دچار عدم تعادل می‌باشد. و مردم از فقر، تورم، بدی خدمات شهری، بهداشتی و فرهنگی و اجتماعی رنج می‌برند و غارتشدگی و جنگ و اختلافات طبقاتی و اختلافات سیاسی و قومی و انحرافات اخلاقی بر رنجشان می‌افزاید.

چاپ چهارم - مراجعه شود.

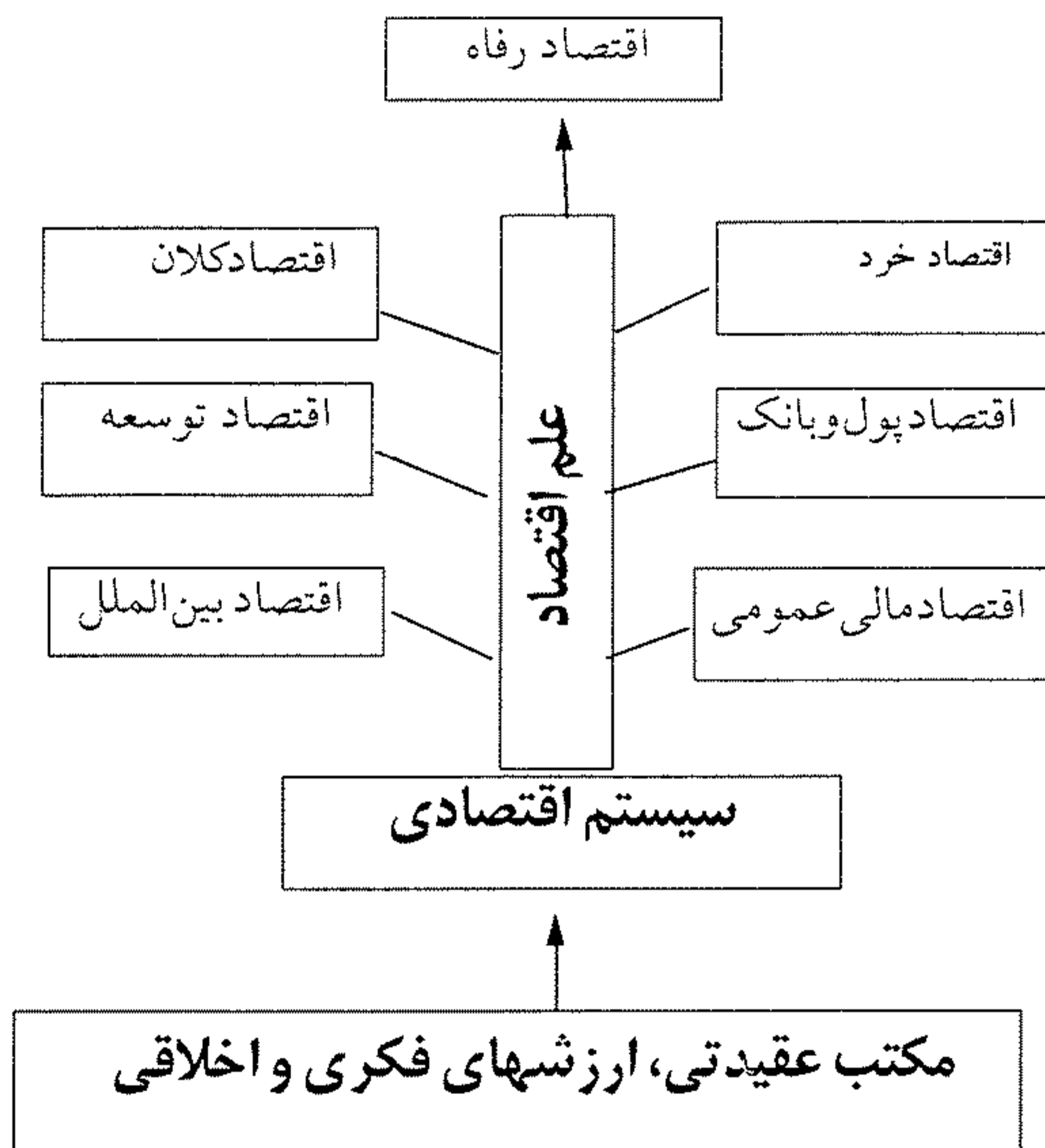
۱ - برای آشنایی بیشتر با این مباحث به کتاب دیدگاه چهارم تألیف این قلمزن مراجعه شود.

نظام سوسیالیسمی نیز در شوروی سابق به سیستم دیکتاتوری پرولتاریا معتقد بود که در عمل به سیستم دیکتاتوری دولتی و یا سرمایه‌داری دولتی تبدیل شد و بالاخره از هم فروپاشید^(۱). به دنبال این فروپاشی سیستم سوسیالیسم اسلامی نیز از هم فروپاشید. بنابراین از همین امروز دنیا در انتظار یک سیستم اقتصادی نجات‌آفرین و قسط‌آمیز است که ما شیعیان معتقدیم توسط حضرت قائم عج در کل جهان مستقر خواهد شد انشاءالله.

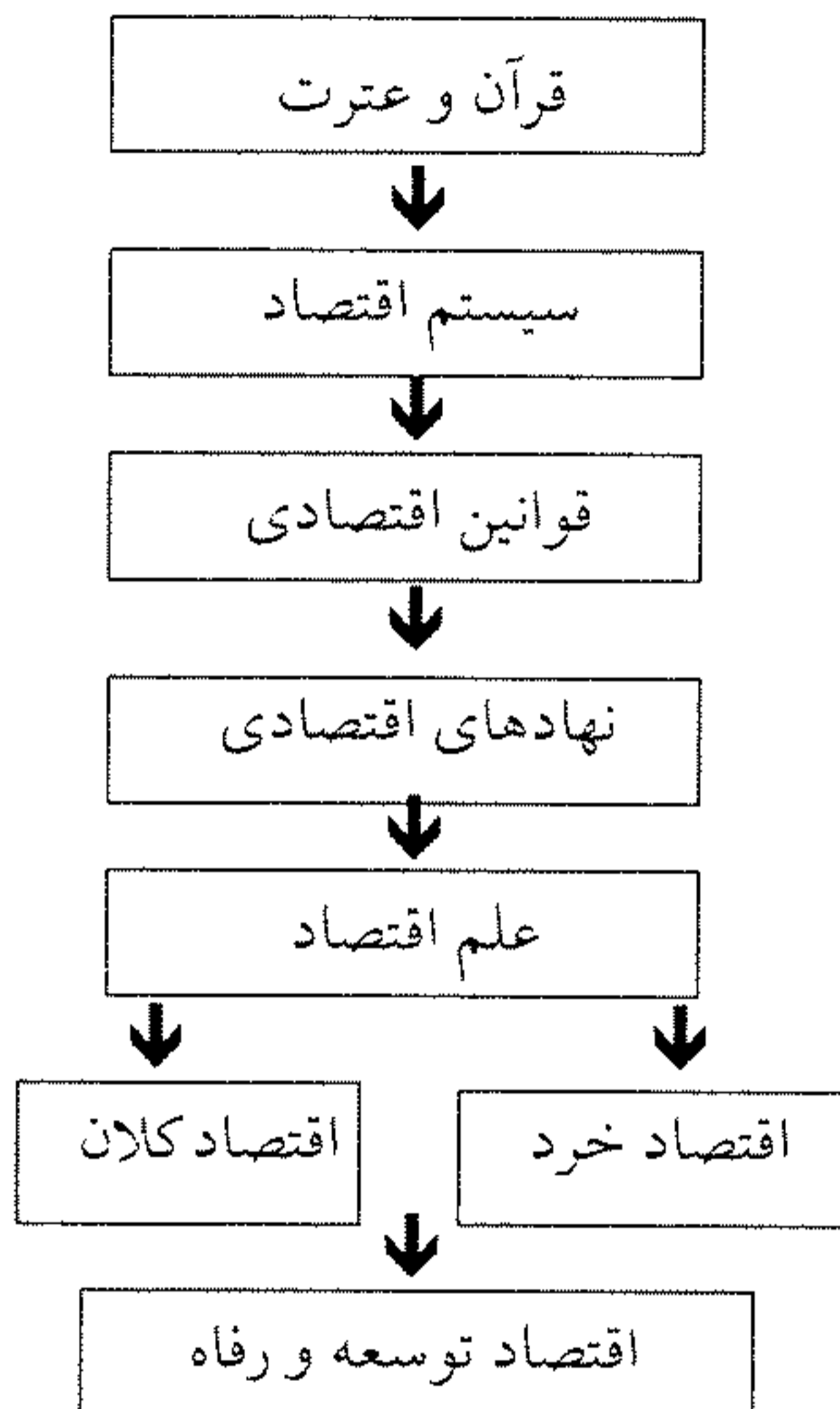
۱ - برای آشنایی بیشتر با نقائص تئوریک اقتصاد مارکسیسمی به کتاب مقدمه‌ای بر علم اقتصاد فصل چهارم و یا به کتاب نقدی بر اقتصاد مارکسیسم تألیف این قلمزن مراجعه شود

جایگاه سیستم اقتصادی

اگر بخواهیم جایگاه سیستم اقتصادی را در دانش اقتصاد مشخص سازیم باید درخت زیر را ترسیم کنیم:



براساس درخت مربوط به سیستم اقتصاد و علم اقتصادی که در بالا ملاحظه شد، سیستم اقتصادی پایه و ریشه‌ی علم اقتصاد است یعنی ابتدا باید از زمین مکتب مثلاً قرآن، ارزشهای اقتصادی مکتبی و اصول اخلاقی مربوط به اقتصاد را گرفت و براساس آن در قانون اساسی کشور سیستم اقتصادی را تدوین نمود و سپس از طریق مجالس قانونگذاری براساس اصول اقتصادی قانون اساسی قوانین جاری اقتصادی کشور را تصویب و جهت اجرا به دولت ابلاغ کرد. مثلاً در قرآن آمده است که ربا حرام است این یک اصل مکتبی و ارزش اخلاقی از دین است که در قانون اساسی کشور اسلامی منعکس می‌شود و مجلس شورای اسلامی براین اساس قانون بانکداری براساس قرض الحسنه را تصویب می‌کند و به دولت ابلاغ می‌نماید. دولت وقتی بانکهای کشور را بر این اساس ایجاد نمود یک چند نفر اقتصاددان طرز کار بانکهای اسلامی را از نزدیک - بطور استقرایی - مطالعه می‌کنند و مشاهدات خود را می‌نویسند، این می‌شود علم اقتصاد در شاخه بانکداری اسلامی. بنابراین می‌توان برای درک جایگاه سیستم اقتصاد و رابطه‌ی آن با علم اقتصاد به چارت زیر دقت نمود



در غرب و در اروپا و آمریکا همین روند طی شده است. اقتصاد سرمایه‌داری ریشه در ارزشهای مکتب لیبرالیسم غربی دارد. لذا براساس اصل مهم این مکتب یعنی آزادی فعالیتهای اقتصادی، قوانین اقتصادی مبتنی بر تأسیس نهادهای اقتصادی توسط بخش خصوصی تنظیم شده است و اقتصاددانان با مطالعه‌ی نهادهای مذکور مثل نهاد بانک، بازار، کارخانه، مزرعه و غیره علم اقتصاد غربی - سرمایه‌داری

- را تدوین نموده‌اند. به همین دلیل است که به منظور گسترش این سیستم اقتصادی در جهان می‌کوشند تا خصوصی سازی وجود آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی را در تمام کشورها گسترش دهند.

در سیستم سرمایه‌داری عده‌ی کمی سرمایه‌داران آزادی داد و ستد و آزادی فعالیت‌های اقتصادی و آزادی تعیین قیمت توسط عرضه و تقاضا سود می‌برند و اکثریت مردم بصورت بردگان صنعتی کار و تلاش طاقت‌فرسا می‌کنند تا غذا برای زندگی کردن بدست آورند. در جهان سوم به علت وجود سیستم غارت و استعمار جهانی همین قوت لایموت نیز به بسیاری از مردم نمی‌رسد چرا که وجود تورم و شدت فقر بقدری است که اکثریت مردم زیر خط فقر قرار گرفته‌اند و در بسیاری از کشورهای جهان مثل کشورهای آفریقایی مردم از گرسنگی تلف می‌شوند در حالیکه سرمایه‌داران جهانی معادن فلزات قیمتی آنها را تاراج و غارت می‌کنند.

یک نمونه از جهل مرکب سرمایه‌داری

جهل مرکب آنست که انسان نداند که نمی‌داند. امروزه در تمامی کشورهای صنعتی و کشورهای جهان سوم وابسته به جهان سرمایه‌داری رشته‌ای از علم اقتصاد تدریس می‌شود که به آن اقتصاد خرد می‌گویند و در درخت سیستم اقتصادی و علم اقتصاد به آن اشاره داشتیم.

در رشته اقتصاد خرد بحث اصلی بیان مکانیسم عرضه و تقاضا برای تعیین قیمت کالاها و خدمات و همچنین قیمت عوامل تولید

می باشد. در تمامی کتب اقتصاد خرد آمده است که قیمت یک کالا برابر است با مطلوبیت نهایی که از مصرف یک کالا عاید خریدار آن می شود.

$$P = M \cdot U.$$

مطلوبیت نهایی = قیمت

یعنی قیمت (P) برابر است با مطلوبیت نهایی (M.U). اینان می گویند مطلوبیت قابل اندازه گیری و شمارش و ضرب و جمع کردن است. برای مثال وقتی در زمستان سرد شخصی به قهوه خانه می رسد برای وی نوشیدن اولین لیوان چای مطلوبیتی فرضاً برابر ده یوتیل (واحد اندازه گیری مطلوبیت) دارد. و لیوان دوم چای فرضاً چون سیر شده است ۵ یوتیل و لیوان سوم ۲ یوتیل دارد. به عبارت دیگر شخص مصرف کننده از لیوان اول چای ده لذت می برد، از لیوان دوم ۵ لذت و از لیوان سوم دو لذت می برد. اقتصاددانان غربی می گویند قیمت در بازار برابر لذت حاصل از مصرف آخرین واحد است لذا قیمت چای دو تومان تعیین می شود.

حال نتیجه می گیرند که شخص مصرف کننده در واقع با مصرف سه لیوان چای مجموعاً هفده واحد لذت برده است در حالیکه برای سه لیوان تنها شش تومان (شش واحد پول) پرداخت کرده است. لذا گویی یازده واحد یوتیل رایگان به دست آورده. یا یازده واحد لذت برده است ولی پولی در ازاء آنها نپرداخته. نتیجه ی عجیب و غریب این آقایان این است که چون تولیدکنندگان و فروشندگان

سرمایه‌داران هستند و مصرف‌کنندگان کارگران می‌باشند لذا در هر روز با خریدهای متعددی که کارگران انجام می‌دهند دائماً سرمایه‌داران را استثمار می‌کنند، لذت زیاد می‌برند ولی پول کم پرداخت می‌کنند. به این می‌گویند تئوری مازاد مصرف‌کننده. اینان به این معما پاسخ نمی‌دهند که چگونه کارگران استثمارکننده هستند ولی ویلا و کاخ و بنز و زندگی‌های اشرافی از آن سرمایه‌داران است.

به عبارت دیگر براساس تئوری مازاد مصرف‌کننده اقتصاددانان غربی می‌خواهند بگویند کارگران نه تنها توسط سرمایه‌داران استثمار نمی‌شوند بلکه آنان را نیز استثمار می‌کنند.

این بی‌خردان برای تئوری مازاد مصرف‌کننده جدول، نمودار هندسی و فرمول ریاضی نیز بیان کرده‌اند که افراد ساده‌دل را بفریبند که گویا فرمولهای علمی برای تئوری خود دارند. غافل از اینکه اصولاً علم اقتصاد خرد سرمایه‌داری یک جهل فاحش بیش نیست. زیرا نه تنها قیمت در بازار براساس مطلوبیت نهایی تعیین نمی‌گردد بلکه اصولاً مطلوبیت قابل اندازه‌گیری نیست چه کسی می‌تواند بگوید که از مصرف اولین سیب ده لذت بردم و از مصرف دومین سیب هشت لذت بردم و رویهم رفته از مصرف دو سیب ۱۸ واحد لذت برده‌ام. لذت یک امر ذهنی است و قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد.

مثل این ترهات در دانش اقتصاد غربی فراوان است و به علت همین اشکالات علمی است که اقتصاد سرمایه‌داری جز به قیمت غارت منابع کشورهای دیگر و استثمار کارگران و قتل و جنگ و

استعمار منابع نمی تواند دوام پیدا کند. و نتیجه‌ی این سیستم جز فقر و نداری، تورم و بیکاری و نوسانات تجاری تا به امروز چیز دیگری نبوده است.

مسئله‌ی اگر اقتصاد غرب براساس ارزشهای مبتنی بر قرآن شکل می‌گرفت هیچگاه سرمایه‌داری ظلم‌آفرین بوجود نمی‌آمد و حتی در ایران خود ما اگر اقتصاد قانون اساسی مبتنی بر اصول اقتصادی قرآنی بود هیچگاه نظام شبه‌سرمایه‌داری امروز در ایران بوجود نمی‌آمد و اینهمه فقر و نداری، شکاف بین فقیر و غنی تورم و بیکاری مردم را آزار نمی‌داد. بعضی از اصول اقتصاد قرآنی که جایشان امروزه در قانون اساسی جمهوری مسلمین ایران خالیست عبارتند از:

- اصل خدامالکی ابزار تولید
- محاسبه و اخذ زکات از همه چیز
- محاسبه سطح کنز
- درک صحیح انفاقات و صدقات
- مواسات اسلامی
- درک صحیح انفال

نمونه دیگری از بی‌خردی تئوریسین‌های سرمایه‌داری

در اقتصاد سرمایه‌داری غربی، اقتصاددانان افتخار می‌کنند که علم اقتصاد عاری از ارزشهای اخلاقی است. اینان می‌گویند انگیزه‌ی فعالیت اقتصادی مدیران کسب حداکثر سود برای واحد اقتصادی است. در این راه مدیر باید از هر عاملی برای افزایش سود خود بهره‌جوید. از جمله استثمار هرچه بیشتر کارگران و کارمندان، پرداخت دستمزد کمتر به آنان و افزایش قیمت هرچه بیشتر کالاها و خدمات مصرفی آنان.

در کشور انگلستان شاهد بودم که یک روز در مغازه‌های محل شکر عرضه نمی‌شد و هر فروشگاه می‌رفتی می‌گفت شکر ندارد. از یک پیرزن سالخورده وقتی از فروشگاه خارج می‌شد علت کمیابی شکر را جویا شدم گفت اینجا هر وقت می‌خواهند قیمت یک جنس را بالا ببرند اول چند وقت آن را عرضه نمی‌کنند مردم که خوب تشنه‌ی داشتن آن کالا شدند آن وقت آن را با قیمتی بالاتر عرضه می‌کنند. قیمت‌ها که بالا می‌رود سود سرمایه‌داران افزایش پیدا می‌کند ولی در مقابل از رفاه کارکنان کاسته می‌شود.

بعد از چندی که فشار زندگی در اثر وجود تورم کارگران را کلافه کرد به عنوان اعتراض به سودجویی سرمایه‌داران دست از کار می‌کشند و به اعتصاب سراسری دست می‌زنند. اتحادیه کارگران هزینه زندگی به کارگران در حال اعتصاب را می‌پردازد تا بتوانند در مقابل سرمایه‌داران ایستادگی نمایند. پس از چندی که گذشت

اتحادیه کارفرمایان اعلام می‌کند که برای بالا بردن دستمزد کارگران آمادگی گفتگو دارد. دو اتحادیه کارگران و سرمایه‌داران به گفتگو می‌پردازند و در نتیجه فرضاً ۱۲ درصد بر دستمزد کارگران افزوده می‌شود. از فردا، کارگران شادی می‌کنند و جشن پیروزی می‌گیرند و به سرکار حاضر می‌شوند. یک چندی که گذشت کارفرمایان قیمت محصولات خود را فرضاً ۱۵ درصد افزایش می‌دهد تا سود خود را که از محل پرداخت ۱۲ درصد اضافه دستمزد کاهش پیدا کرده بود ترمیم نمایند. کارگران متوجه می‌شوند که با دستمزد افزایش یافته خود حتی نمی‌توانند به اندازه‌ی قبل از افزایش دستمزد کالا تهیه کنند دوباره دست به اعتصاب می‌زنند و این روند همچنان ادامه دارد و به این می‌گویند تورم نیلوفری که دائماً به صورت مارپیچ بالا می‌رود. به این مکانیسم نیز می‌گویند تضاد طبقاتی بین سرمایه‌داران و کارگران.

عین همین روند امروزه در سطح کشورهای صنعتی که به کشورهای شمال معروف شده‌اند با کشورهای در حال توسعه که به کشورهای جنوب معروف هستند وجود دارد. شما می‌بینید که دائماً سرمایه‌داران جهانی بهای دلار را بالا می‌برند و بهای نفت را کاهش می‌دهند و دائم بهای محصولات صنعتی که به کشورهای جهان سوم می‌فروشند را بالا می‌برند و از این طریق مردم کشورهای در حال توسعه را غارت می‌کنند و به گرسنگی و فقر آنان می‌افزایند. این قلمزن در سال ۱۳۴۳ آموزگار رسمی آموزش و پرورش شد و

در آن زمان ماهی ۴۵۰ تومان حقوق دریافت می‌کرد. در آن زمان آب هویج لیوانی ۲ ریال بود یعنی با حقوق خود می‌توانسته است ۲۲۵۰ لیوان آب هویج کالا دریافت نماید. اگر امروزه بخواهند همان مقدار سه دهه قبل دستمزد به یک آموزگار آموزش و پرورش در بدو استخدام پرداخت کنند با توجه به قیمت آب هویج هر لیوان ۱۵۰ تومان باید به او ماهیانه ۲۳۷۵۰۰ تومان حقوق پرداخت کنند. در حالیکه چیزی در حدود ۲۳ هزار تومان پرداخت می‌شود. با توجه به اینکه قیمت‌ها تقریباً در هر دهه در یک سطح معین با هم ارتباط دارند می‌توان گفت که امروزه مردم ایران نسبت به سه دهه قبل ده برابر فقیرتر شده‌اند. علیرغم تلاش سه دهه کار برای پیشرفت و افزایش سطح زندگی و علیرغم استفاده از ثروت خداداد نفت برای سرمایه‌گذاری در مسیر رشد و توسعه، کاهش رفاه و سطح معیشت مردم و ده برابر فقیرتر شدن آنها چیزی نیست جز نتیجه استثمار و غارت و استعمار سرمایه‌داران داخلی و خارجی ایران که از طریق مکانیسم‌های اقتصادی سرمایه‌داری جهانی اعمال می‌گردد.

در هر کجا که ملتی بخواهد نسبت به این نظم ظالمانه جهانی اعتراض کند با بهانه‌های ساختگی یک جنگ بر آنها تحمیل می‌کنند و آنان را بخاک و خون می‌کشانند و با فقر و قحطی شدید دست بگریبان می‌سازند. این هجوم‌های مغول‌وار و سفاکی‌ها در آستانه‌ی ورود به قرن بیست و یکم میلادی علیرغم وجود شعارهای درون تهی نظام سرمایه‌داری جهانی در دفاع از دموکراسی و گفتگوی تمدن‌ها،

واقعیت جهان امروز و مکانیسم موجود سیستم ظالمانه جهان سرمایه‌داری است.

آخرگفتگو بین غارت شده و غارت‌کننده‌ای که جز زبان اسلحه و زور و جنگ و تخریب را نمی‌داند راه به کجا خواهد برد. جز آرام سازی مردم تحت سلطه و تحمل فقر شدیدتر و ایجاد امکان غارت بیشتر و عمیق‌تر سرمایه‌داران جهانی چه نتیجه‌ای خواهد داشت. این تضاد طبقاتی و جنگ طبقاتی که در جهان امروز به شکلهای متعدد خود را نشان می‌دهد با مرور زمان به شکلهای پیچیده‌تری درمی‌آید و شیعیان معتقد هستند که برای بشریت یک منجی وجود دارد که ظهور خواهد کرد و این نظم ظالمانه را در هم می‌پيچد و نظام عادلانه و قسط‌آمیز را مستقر خواهد ساخت.

بی‌خردی مضاعف

بی‌خردی اقتصاددانان سرمایه‌داری را در صفحات قبل دیدیم، بی‌خردی مضاعف از آن پاره‌ای اقتصاددانان ایرانی است که در واقع اقتصاد خوان هستند تا اقتصاددان. اینان همان غلط‌های غربیان را دست و پا شکسته ترجمه می‌کنند و به عنوان یک وحی مُنزل و یک قانون لایتغیر علمی بخورد دانشجویان ایرانی می‌دهند و یا اگر از مسئولین مملکتی هستند یا مشاور آنان می‌باشند، همین راه‌حلهای غلط غربی را به آنها توصیه می‌کنند و یا به اجرا درمی‌آورند. و همین است که هم در زمان پادشاهی و هم در دوره‌ی جمهور سیاستهای اقتصادی آنان مشکلات اقتصادی ایران را نه تنها حل نکرده بلکه بر آن

افزوده است.

عبدالرحمن جامی شاعر و عارف معروف (۸۹۸) می گوید:

بیا ای امام هدایت شعار	که بگذشت از حد غم انتظار
ز روی همایون برافکن نقاب	عیان ساز رخسار چون آفتاب
ببرون آی از منزل اختفا	نمایان کن آثار مهر و وفا
برافراز ارکان اسلام را	بسینداز بنیاد اصنام را
جهان پر شد از شیوهی ظلم و جور	ز انصاف دور است اطوار دور
نظر کن به حال من مستمند	که گردم ز الطاف تو سربلند
بود این امید که باشم مدام	مباهی به الطاف خاص امام
الهی بحق امام زمان	به عز معبان این خاندان
که توفیق گردان رفیق دلم	برویان گل مرحمت از گلم

گسترش علم در زمان ظهور و حکومت حضرت قائم (عج)

امروز سرمایه‌داری جهانی نقش یک ترمز را برای گسترش علم انجام می‌دهد. در پاره‌ای از رشته‌ها مثل رشته‌ی اقتصاد، جهان را به نام علم گسترش می‌دهند یعنی سرمایه‌داری را بزک می‌کنند و با فرمول و نمودار و توجیحات ظاهر فریب آن را بخورد مردم می‌دهند و آنان را تحت استثمار و استعمار خود درمی‌آورند. ولی در بخش علوم محض و تکنولوژی، در بسیاری از موارد دانش بشر بجایی رسیده است که میوه‌ی آن ممکن است از فقر مردم جهان بکاهد و فن‌آوری جدید بتواند کالاهای مورد نیاز مردم را بقدری تولید کند که بشر با رنج کمتر بتواند زندگی بهتر داشته باشد. این علوم را سرمایه‌داری جهانی به حبس می‌کشند و از علنی شدن و توده‌ای شدن آنها جلوگیری به عمل می‌آورند تا سود سرمایه داران کاهش پیدا نکند. در پاره‌ای از موارد نیز استعدادها و بودجه‌ها را به سمت اختراعات و اکتشافات جدید در زمینه ساختن ابزار جنگی و سلاحهای آتشین و مرگ‌آفرین سوق می‌دهند. تمامی این کژرویه‌ها در زمینه‌ی علمی در حکومت حضرت قائم (عج) از بین می‌رود و دانش به سرعت در مسیر رفاه روزافزون مردم جهان بکار گرفته می‌شود و روند تکامل جسمی و روحی انسان را تسهیل می‌نماید.

پیشرفت علم در حکومت قائم (عج)

۱- حضرت امام صادق (ع) فرمود: علم و دانش بیست و هفت حرف

است، تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد^(۱)

۲- امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می‌کند^(۲)

۳- وقتی آن حضرت قیام کند زمین به نور پروردگار روشن می‌شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی‌نیاز می‌گردند^(۳)

۴- زمانی که کارها به صاحب اصلی مقام ولایت (حضرت مهدی(ع) می‌رسد خداوند نقاط پائین زمین را بلند و نقاط مرتفع را پائین می‌برد، آنچنانکه تمام دنیا نزد او به منزله‌ی کف دستش خواهد بود.^(۴)

۵- حضرت علی(ع) فرمود: در دوره‌ی آخرالزمان و دوران سختی و نادانی مردم، خداوند مردی را برانگیزد و بوسیله ملائکه خویش یاری‌اش کند و یارانش را نگهداری نماید و بوسیله آیات و علامات

۱- کتاب بحارالانوار مجلسی، چاپ قدیم، ص ۱۸۷

۲- م.ق.ص. ۸۵۱

۳- م.ق.ص. ۱۷۶

۴- م.ق.ص. ۱۸۵

نصرتش دهد و بر تمام اهل زمین پیروزش گرداند تا خواه ناخواه به دین حق درآیند. زمین را از عدل و داد و نور و برهان پر می‌کند. عرض و طول شهرها برایش خاضع می‌شوند. به طوری که هیچ کافری نماند جز آنکه ایمان آورد و هیچ ناشایسته‌ای نماند جز اینکه صالح گردد^(۱).

آنچه آمد نشان می‌دهد که در زمان حضرت قائم (عج) علم و دانش و فن و تکنولوژی سریعاً رشد پیدا می‌کند. مسلم است که وقتی ترمزها و به کژراهه کشیدن‌های علمی امروز وجود نداشته باشد مردم در سایه یک حکومت الهی مردمی که در آن ظلم و جور نباشد از استعداد خداگونه و خلاق خود بهره‌برداری کامل می‌کنند و عقول و فنون و علوم به گونه‌ای سرسام‌آور و شگفت‌انگیز پیشرفت خواهد کرد و مشکلات بشر امروزی و بشر فردا در رابطه با حل تضاد خود با طبیعت از بین می‌رود و علم و فن و درک درست از وحی به مردم کمک خواهد کرد تا از کالاها و خدمات به وفور تولید کنند و توزیع عادلانه آنها همگان را در یک زندگی با رفاه جسمی و روحی قرار می‌دهد.

نمونه‌هایی از ظلم اقتصادی (جور) در زمان ما

۱- مردم ما فکر می‌کنند که در کشورهای صنعتی و مادر مثل انگلستان فقر وجود ندارد. در حالیکه اینگونه نیست و این قلمزن در دوران تحصیل چندین سال در آن کشور از نزدیک فقر و فاقه و شکاف

طبقاتی ناشی از سیستم سرمایه‌داری بین فقیر و غنی را به چشم دیده است. در زیر یک خبر از انگلستان را از روزنامه آریا دوشنبه ۹ آذرماه ۱۳۷۷ نقل می‌کنیم که گویای اثر فقر در گسترش بیماریها در آن سرزمین است.

«در یک گزارش اجتماعی مستقل به دولت انگلیس توصیه شده است با ایجاد تغییرات و اصلاحات قاطع اجتماعی، موضوع فقدان سلامت و بهداشت مرتبط با فقر را در جامعه مورد توجه قرار دهند. «یسردونالد آچسون» در این گزارش که به درخواست دولت تهیه و تنظیم کرده است خواستار جهت‌گیری سیاست‌های اجتماعی، بهداشتی، مسکن و حمل و نقل به سمت طبقه فقیر جامعه شده است.

روزنامه گاردین چاپ لندن در این زمینه می‌نویسد یک گزارش اجتماعی تأکید دارد که فقر یکی از علل اصلی بیماری و مرگ‌های زودرس در جامعه انگلیس است»

۲- گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۸ می‌نویسد: (۱)

- از میان ۴/۴ میلیارد نفر که در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند تقریباً $\frac{3}{5}$ آنها در جوامعی به سر می‌برند که از خدمات بهداشتی محروم هستند.
- $\frac{1}{5}$ ثروتمندترین مردم دنیا ۴۵ درصد گوشت و ماهی جهان را مصرف می‌کنند در حالیکه $\frac{1}{5}$ فقیرترین مردم دنیا ۵ درصد گوشت و ماهی جهان را مصرف می‌کنند

- $\frac{1}{5}$ ثروتمندترین مردم دنیا مالک ۸۷ درصد اتومبیل شخصی جهان هستند در حالی که $\frac{1}{5}$ فقیرترین مردم دنیا مالک کمتر از ۱ درصد.
- برای تأمین هزینه‌های بهداشتی و غذایی تمام مردم محروم دنیا ۱۳ میلیارد دلار کافی است یعنی تقریباً معادل پولی که شهروندان آمریکایی و اروپا سالیانه صرف خرید عطریات می‌کنند.
- برای تأمین غذا، آب، آموزش و بهداشت مردم دنیا کافی است تا ۲۳۵ تن از ثروتمندترین افراد جهان کمتر از ۴ درصد ثروتشان را در این راه هزینه کنند.
- تنها ده نفر از ثروتمندترین افراد جهان ۱۳۳ میلیارد دلار در اختیار دارند که $\frac{1}{5}$ برابر کل درآمد تمامی کشورهای در حال توسعه است به عبارت دیگر اگر درآمد تمامی کشورهای در حال توسعه مثل ایران و مصر و پاکستان و... را رویهم جمع کنیم تقریباً نصف ثروت ده نفر ثروتمند جهان است.
- اروپا سالیانه ۵۰ میلیارد دلار سیگار دود می‌کند و سالیانه هزینه نظامی در جهان ۷۸۰ (تا ۹۰۰) میلیارد دلار است
- این در حالی است که هر سال ۳۰ میلیون نفر از گرسنگی می‌میرند و ۸۰۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه مزمن هستند.
- ۳- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۷/۶/۱۹ صفحه ۱۲ از روزنامه لوموند نقل می‌کند: «بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر در فقر مطلق زندگی می‌کنند و تعداد این گونه افراد رو به افزایش است و بعضی تا ۲ میلیارد نفر نیز تخمین زده‌اند. بیش از یک میلیارد نفر از هرگونه خدمات اساسی در زمینه درمان و آموزش، حتی آب آشامیدنی محروم هستند و دو میلیارد نفر دیگر به شبکه اساسی در زمینه درمان و آموزش حتی آب آشامیدنی محروم هستند و دو میلیارد نفر دیگر

به شبکه برق‌رسانی دسترسی ندارند. و بیش از ۴/۵ میلیارد نفر از وسایل ارتباطی پایه و بنابراین از دسترسی به فن‌آوریهای جدید که ابزار آموزش از راه دور است محروم مانده‌اند.

۴- امروزه کشورهای سرمایه‌داری در راه غارت کشورهای تحت سلطه چنان ظالمانه عمل می‌کنند که فقر و ناداری مردم کشورهای جهان سوم زائیده‌ی مکیدن خون اقتصادی آنان از طریق ارزان خریدن مواد اولیه آنان و فروختن گران محصولات صنعتی مصرفی به آنان است. روزنامه خرداد در شماره ۱۳۷۷/۱۰/۱۲ خود نمودار زیر را آورده است که در این زمینه بسیار گویاست. براساس این نمودار بهای یک بشکه آب معدنی، آب پرتقال، شیر، کوکا کولا از بهای یک بشکه نفت صادراتی ایران بیشتر است.

براساس نمودار فوق بهای یک بشکه آب معدنی ۱۸۹/۸۰ دلار است ولی بهای یک بشکه نفت پالایش شده ۴۶/۱۳ دلار.

خرداد در شماره ۱۳۷۷/۱۰/۲۱ خود نمودار زیر را آورده است که در این زمینه بسیار گویاست. براساس این نمودار بهای یک بشکه آب معدنی، آب پرتقال، شیر، کوکا کولا از بهای یک بشکه نفت صادراتی ایران بیشتر است.

براساس نمودار فوق بهای یک بشکه آب معدنی ۱۸۹/۸۰ دلار است ولی بهای یک بشکه نفت پالایش شده ۴۶/۱۳ دلار.

حضرت مهدی (عج) صاحب لیلۃ القدر

احادیث در مورد حضرت قائم (عج) و نوع انتخاب اسماء و صفات

برای آنجناب بگونه‌ای است که از پیشرفت عجیب و فوق‌العاده‌ی علم در آن زمان حکایت دارد. که با جهان امروز ما علیرغم پیشرفت امروزی علم بسیار متفاوت و بسیار پیشرفته‌تر است. لازمه‌ی پیشرفت علم دانستن قدرهاست. لذا در احادیث آمده است که تمامی انبیاء و ائمه و از جمله حضرت مهدی (عج) صاحب لیلۃ‌القدر است. در این مورد در کتاب مصلح کل می‌خوانیم: «از آیات و روایات استفاده می‌شود که قرآن و اهل بیت از یکدیگر جداشدنی نیستند و تا قیامت ایندو با هم هستند تا در حوض بر نبی مکرم وارد شوند و اما آیات سوره قدر به تمامی مشتمل بر این موضوع است و از روایات استفاده می‌شود که چون شب قدر دائمی و همیشگی است و مقدرات امور خلق عالم در این شب عظیم ورق می‌خورد و ملائکه و روح در این شب نازل می‌شوند پس صاحبش هم جاودانه خواهد بود، که در خدمت او به او این امور تفویض شود و آن شخص در صدر عالم طبق روایات حضرت آدم بوده است و سپس وصی او و تمامی انبیاء الهی در طول تاریخ در لیلۃ مبارکه قدر امور به آنان تفویض می‌شده است تا به خاتم‌النیین رسیده است و قرآن در شب قدر به قلب نورانی نبی اکرم نازل شده است) و بعد از ایشان لیلۃ‌القدر از آن امامان برحق علیهم‌السلام بوده تا به آخرین آنها حضرت مهدی (عج) رسیده است.»^(۱)

آنچه این نویسنده آورده است به زبان سمبلیک است همانطور که

۱ - علی صفایی کاشانی - مصلح کل، ناشر مولف - چاپ اول، تابستان ۱۳۷۱

خود سوره قدر به زبان سمبولیک می باشد.

رابطه قدر با علم

گفتیم که حق عبارتست از قانونمندی فطری درون خلقت مثلاً SO_4H_2 یک قانونمندی است که در علم شیمی مربوط به ساختمان شیمیایی اسید سولفوریک می باشد. این حق اسیدسولفوریک از قدرها و اندازه‌ها تشکیل شده است. یعنی از ۴ واحد اکسیژن O_4 ، یک واحد گوگرد S ، و دو واحد هیدروژن. در حق‌های مربوط به سایر علوم مثل حق‌های سیاسی، حق‌های اقتصادی، حق‌های اخلاقی و عبادی، حق‌های فردی، خانوادگی، فامیلی و... چنین قدرهایی وجود دارد که اگر از طریق کنکاشهای علمی به آنها دست پیدا کنیم قدرهای هر یک برای ما روشن می شود. حال اگر قدرهای یک حق را بدانیم با مراعات آنها می توانیم در مسیر آن حق حرکت کنیم و مطابق قانونمندی‌های فطری خلقت حرکت نمائیم که این خود عین عدل است. بنابراین از طریق علم ما به قدرها دست پیدا کنیم و با مراعات و عمل به آنها حق‌ها را بجا می آوریم که این همان استقرار عدل و در زمینه حق‌های اقتصادی استقرار قسط محسوب می شود. قرآن مجید می فرماید، و ما ادریک ما لیلۃ القدر^(۱) یعنی تو درک نمی کنی که شب قدر چیست؟ که این از اهمیت شب قدر حکایت می کند. در زبان فارسی هم داریم که می گوئیم تو چه می دانی که عاشق چه می کشد؟

یعنی بسیار سخت است حال عاشق. در هر حال شب اندازه‌ها بسیار مهم است. در آیه بعد می‌فرماید *ليلة القدر خير من الف شهر* یعنی شب قدر از هزار ماه بهتر است. اگر هزار ماه انسان قدرها را نداند و تلاش کند تا به نتیجه‌ای دست یابد به نتیجه نمی‌رسد ولی اگر قدرها را بدانند در یک شب (شب جهل به حق و فرمول و قانونمندی فطرت) می‌توان به نتیجه مورد نظر رسید.

برای مثال اگر قدرهای SO_4H_2 را نداشته باشیم ماهها وقت باید صرف کرد تا به نتیجه یعنی به دست آوردن اسیدسولفوریک رسید هرچه S_4 ، S_5 ، O_1 ، H_3 یا H_7 و O_3 و S_2 و... را کنار هم بگذاریم و با هم ترکیب کنیم به اسیدسولفوریک دست پیدا نخواهیم کرد ولی قدرها را که بدانیم در یک شب کار هزار ماه بلکه چند هزار ماه انجام می‌شود. و این مسأله وقتی حساسیتش روشن می‌شود که بدانیم که در جهان واقع و زندگی روزمره تنها یک حق اسیدسولفوریک نیست که باید پیدا شود بلکه هزاران هزار حق در زمینه‌های مختلف است اعم از زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فیزیکی، متافیزیکی و... که قرآن به عنوان وحی بسیاری از آنها را برای ما در زمینه‌های علوم انسانی بیان داشته است و با تشویق ما به کسب علم و توصیه کردن یکدیگر به حق و توجه به قدرها^(۱) کشف قانونمندیها و قدرهای مختلف را به ما

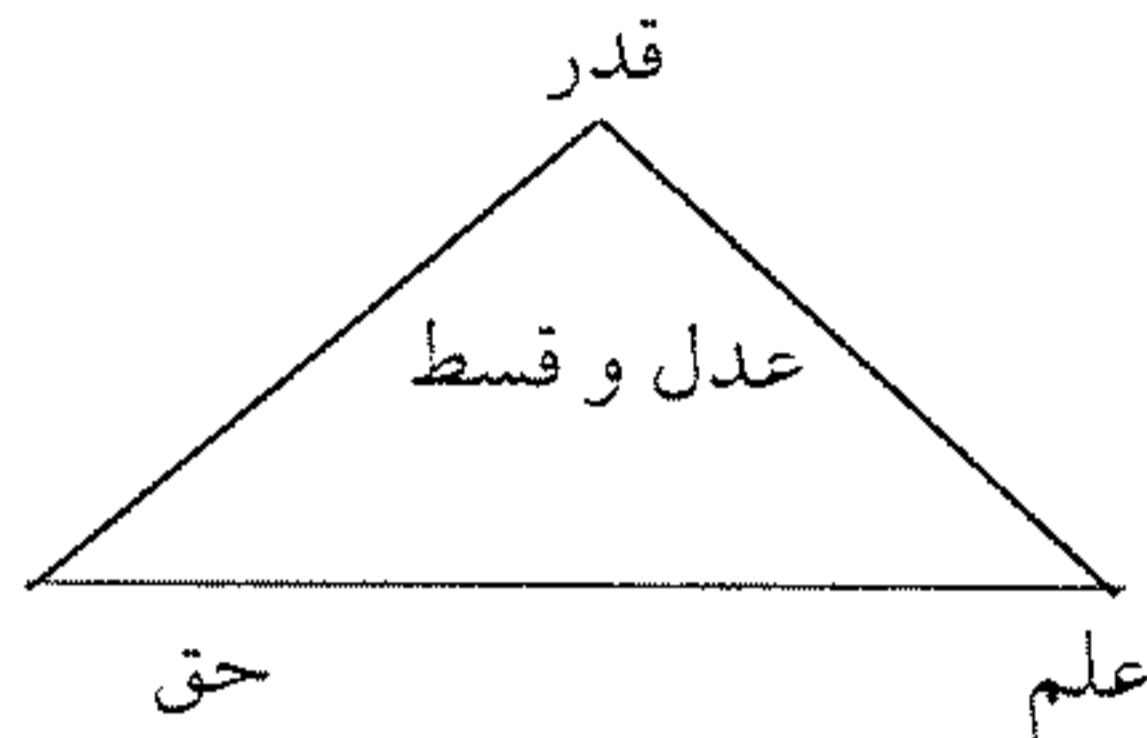
۱ - اینکه مستحب است در رکعت اول نماز بعد از حمد سوره‌ی قدر خوانده شود برای این است که بگویند در بهترین کار (خیر عمل) یعنی نماز به «قدر» توجه کنید تا

نشان می دهد.

حال معنای حدیث قبلی که می فرمود امام زمان (عج) وقتی ظهور کنند دست بر روی سر مردم می گذارد و دانش آنها را بالا می برد و اینکه امام زمان (عج) صاحب شب قدر و اندازه است روشن می شود. که در زمان ظهور حضرت مهدی عج علم آنقدر بالا می رود که قدرها روشن می شود و استقرار عدل و قسط در سراسر دنیا کار بسیار معمول و مقبول خواهد بود. و همه چیز به تعادل خود دست پیدا می کند. در شب اندازه‌ها ما هنوز تا صبح علم و دانش راه بسیار داریم در همه‌ی زمینه‌ها، چون هرچقدر علم جلو رود باز مجهولهای ما بسیار زیاد است. ولی اگر قدرهای یک حق را بدانیم و آنها را کنار هم بگذاریم ملائک که نیروهای نامرئی و مفید خلقت هستند نازل می شوند یعنی این قدرها، نیرویی را درون یک پدیده بوجود می آورد و روح بر آن می دمَد که همین روند سلامتی را تا صبح دانش و طلوع فجر علم در هر امری تضمین می کند. ولی اگر قدرها را کنار هم نگذاشته باشیم انفجاری است و ناسلامتی و در شب جهل ماندن و به طلوع فجر نرسیدن. انشاءالله که یک برداشت همین باشد والله اعلم اگر حضرت قائم (عج) صاحب قدر هر چیز نباشد و دانش در زمان وی به این حد رشد نکرده باشد نمی تواند عدالت و قسط را در کلیه

درسی باشد برای شما که در کارهای معمولی خود دنبال شناخت «قدر»های هر کار بروید.

امور توسط مردم مستقر سازد و از اینجا ارتباط بین مطالب فصل اول و دوم نوشته‌ی حاضر روشن می‌گردد. یعنی رابطه بین استقرار قسط و عدل و علم



از حضرت امام صادق (ع) در بیان معنای قدر یک حدیث آمده است که بسیار نزدیک به برداشت ما از قدر و معنای بهتر بودن یک شب با قدر بهتر از هزار ماه بدون قدر است. تنها تفاوت اینست که ایشان به جنبه‌ی سیاسی قضیه اشاره دارند و ما به جنبه‌ی علمی آن. «لیلة من امام عادل، خیر من الف شهر ملک بنی امیه»^(۱)

ترجمه: یک شب از ایام حکومت پیشوای عادل، بهتر است از هزار ماه حکومت جباران و ستمگران چونان امویان

۱ - محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰، ص

ظهور حضرت مهدی (عج) و شب قدر از نظر شهید دکتر علی شریعتی

مرحوم دکتر «قدر» را اندازه تلقی می‌کند آنهم اندازه‌ی یک ملت، که چقدر است. و «قدر» را اندازه می‌داند که همان اندازه‌ی یک فرد در رسالت مردمی‌اش و در قالب پیامش است و اینک شما و قلم سخّارر زیبای مرحوم دکتر در این زمینه:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا انزلناه فی لیلة القدر و ما ادريک ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من
الف شهر تنزل الملائكة والروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام هی
حتی مطلع الفجر
ترجمه: ما آن را فرود آوردیم در شب قدر و چه می‌دانی که شب قدر چیست.
شب قدر از هزار ماه برتر است فرشتگان و آن روح در این شب فرود می‌آیند
باذن خداوندشان از هر سو سلام بر این شب تا آنگاه که چشمه‌ی خورشید
ناگهان می‌شکافد...

و تاریخ همه‌ی این ماههای مکرر است، ماههایی همه مکرر یکدیگر،
سالهایی تهی و عقیم، قرنهایی که هیچ چیز نمی‌آفرینند، هیچ پیامی بر لب
ندارند، تنها می‌گذرند و پیر می‌کنند و همین و در این صف طولانی و خاموش،
هر از چندی شبی پدیدار می‌گردد که تاریخ می‌سازد، که انسان نو می‌آفریند و
شبی که باران فرشتگان خدایی باریدن می‌گیرد. شبی که آن روح در کالبد زمان
می‌دمد، شب قدر را شبی که از هزار ماه برتر است، آنچنانکه بیست و چند سال

بعثت محمد، از بیست و چند قرن تاریخ ما برتر بود. سالهایی که آن «روح» بر ملتی و بر نسلی فرود می‌آید از هزار سال تاریخ وی برتر است، و اکنون، بر اندام این اسلام اسکلت شده، برگور این نسل مدفون و بر قبرستان خاموش مانده آن روح فرود آمده است، سیاهی و ظلمت و وحشت شب هست، اما شب قدر؟ شبی که باران فرود می‌بارد، هر قطره‌اش فرشته‌ای است که بر این کسویر خشک و تافته، در کام دانه‌ای، بوته‌ی خشکی و درخت سوخته‌ای و جان عطشناک مزرعه‌ای فرو می‌افتد و رویش و خرمی و باغ و گل سرخ را نوید می‌دهد.

چه جهل زشتی است در این شب قدر بودن و در زیر این باران ماندن و قطره‌ای از آن بر پوست تن و پیشانی و لب و چشم خویش حس نکردن، خشک و غبارآلود زیستن و مردن هر کسی یک تاریخ است. عمر، تاریخ هر انسانی است و در این تاریخ کوتاه فردی، که ماه‌ها همه تکراری و سرد و بی‌معنی می‌گذرد، گاه شب قدری است و در آن همه افق‌های وجودی آدمی فرشته می‌بارد و آن روح، روح القدس، جبرئیل پیام‌آور خدایی بر تو نازل می‌شود و آنگاه بعثتی، رسالتی، و برای ابلاغ، از انزوای زندگی و اعتکاف تفکر و عبادت و خلوت فراغت و بلندی کوه فردیت خویش به سراغ خلق فرود آمدنی و آنگاه درگیری و پیکار و رنج و تلاش و هجرت و جهاد و ایثار خویش به پیام که پس از خاتمیت، پیامبری نیست، «اما هر آگاهی وارث پیامبران است» آن «روح» اکنون فرود آمده است، در شب «قدر» به سر می‌بریم. سال‌ها، سالهای شب قدر است، در این شبی که جهان ما را در کام خود فروبرده است و آسمان ما را سیاه کرده است، باران غیبی باریدن گرفته است، گوش بدهید، زمزمه‌ی

نرم و خوش آهنگ آن را می شنوید، حتی صدای روئیدن گیاهان را در شب این کویر می توان شنید.

سلام بر این شب، شب قدر، شبی که از هزارماه، از هزارسال و هزار قرن برتر است: سلام، سلام، سلام... تا آن لحظه که خورشید قلب این سنگستان را بناگاه بشکافد، گل سرخ فلق بر لب فسرده این افق بشکفد و نهر آفتاب بر زمین تیره‌ی ما... و بر ضمیر تباه ما نیز جاری گردد. تا صبح بر این شب سلام.

حافظ نیز در مورد شب قدر می گوید:

شب وصل است و طی شدن نامه‌ی هجر

سلام فیه حتی مطلع الفجر

دلا در عاشقی ثابت قدم باش

که در این ره نباشد کار بی اجر

بر آ ای صبح روشندل خدا را

که بس تاریک می بینم شب هجر

دلم رفت و ندیدم روی دلدار

فغان از این تطاول آه از این زجر (دیوان حافظ غزل ۲۵۱)

علم و حضرت قائم در دعای ندبه

در دعای ندبه اسامی برای حضرت قائم (عج) ذکر شده است که بسیار بسیار زیبا و گویا است. این اسامی چه از معصوم (ع) باشد چه از دیگری هر که گفته باشد عظمت گوینده از عظمت محتوای این عبارات آنهم در گذشته‌ی دور کاملاً مشهود است که جز معصوم (ع) نیست. این فراز از دعای ندبه چنین است:

«... باین البدور المنیره یابن السرج المضيئه یابن الشهب الثاقبه یابن الانجم الزاهره یابن السبل الواضحه یابن الاعلام الاثحه یابن العلوم الكامله یابن السنن المشهوره یابن المعالم الماثوره یابن المعجزات الموجوده یابن الدلائل المشهوره یابن الصراط المستقیم یابن البناء العظیم یابن من هو فی ام الكتاب لدى الله على حکیم یابن لآیات و البینات یابن الدلائل الظاهره یابن البراهین الواضحات الباهره یابن الحجج البالغات یابن النعم السابقات یابن طه و المحکمات یابن یس و الذاریات یابن الطور و العادیات یابن من دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی دنواً و اقتراباً من العلی الاعلی...»

ترجمه:

«... ای پسر ماه‌های تابان، ای پسر چراغهای فروزان، ای پسر ستارگان نافذ، ای پسر اختران درخشان، ای پسر راههای روشن، ای پسر اعلام آشکار «مبین»، ای پسر علوم کامل، ای پسر روشهای مشهور، ای پسر معالم وارده (اثر دیده) ای پسر معجزات موجود، ای پسر دلیلهای مشهود، ای پسر صراط مستقیم، ای پسر خبر عظیم، ای

پسر آنکه نزد خدا در ام کتاب علی و حکیم است ای پسر آیات و بیّنات ای پسر دلیلهای ظاهر، ای پسر برهانهای واضح خیره کننده ای پسر حجت های رسا ای پسر نعمتهای شایان ای پسر طه و محکّمات ای پسر یس و ذاریات ای پسر طور و عادیات ای پسر آنکه نزدیک شد و در آویخت تا به اندازه دو سر کمان یا نزدیک تر رسید در قرب به علی اعلی...

آنچه امام زمان (عج) را از پسران معمولی جدا می کند این است که ایشان فرزند ماه تابان، چراغ های فروزان، ستارگان درخشان و راههای روشن و اعلام آشکار است. یعنی فرزند آنچه با نور و روشنایی رابطه ای دارد. و چون جهل تاریکی است و علم نور بلافاصله می گوید تو فرزند علوم کامل هستی. به عبارت دیگر در شرایطی که علوم کامل وجود داشته باشد حضرت مهدی (عج) ظهور خواهد کرد، این علوم همان آگاهی به حق ها در زمینه های مختلف است که از دو طریق کسب می شود یکی روش علمی و دیگری روش وحی. به کمک این علوم است که می توان قسط و عدل را مستقر ساخت. همین رشد و گسترش علم است که شعور اجتماعی بشر را بقدری بالا می برد که آماده پذیرش حکومت عدالت گستر حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

از طریق تلاش برای کسب علم و یا آموختن آن به دیگری در راه تکامل شعور اجتماعی می توان مؤثر بود و همین امر بهترین روش در انتظار فرج است که معنا و مفهوم درست برای آمادگی ناس جهت

استقرار قسط و عدل را بوجود می آورد.

سپس در دعای ندبه می خوانیم که ای پسر روشهای مشهور یعنی در زمان قیام حضرت مهدی (عج) روشهایی وجود دارد که دارای شهرت برای مردم آن زمان است و حضرت براساس همان روشها عمل می کند تا مردم بپذیرند و چون مثل امروز جهان یک دهکده است یعنی ارتباطات بقدری زیاد و پیشرفته می شود که همه از حال هم باخبر هستند لذا همه از روشهای معمول آن زمان نیز با اطلاع هستند و امام زمان (عج) براساس همان روشها قیام و عمل می نماید. از این مسأله درمی یابیم که هرچه علم و فن آوری رشد پیدا کند مردم بیشتر میل می کنند که براساس عدل و قسط عمل کنند و به همین جهت روشهای مربوط به استقرار قسط و عدل در آن زمان مشهور عام و خاص خواهد بود برای مثال وقتی ابتدا در تهران اتوبوس آمده بود مردم سالیان سال نمی دانستند صف چیست و اگر به آنها گفته می شد در صف بایستند و براساس نوبت سوار اتوبوس شوند هیچگاه آن را مراعات نمی کردند و جمعیتی انبوه منتظر اتوبوس بودند وقتی یک اتوبوس می آمد زن و مرد، خرد و بزرگ حمله می کردند و به قول معروف از سروکول یکدیگر بالا می رفتند تا از یک درب باریک اتوبوس داخل شوند و در این میان ضعیف ترها یا خانمها سعی می کردند کنار بایستند و در فشار غیرمعمول جمعیت لطمه نبینند و همیشه در سوار شدن اتوبوس سرهمینها کلاه می رفت ولی امروزه اگر کسی اینکار را بکند بسیار عجیب و غریب است و همه به او اعتراض

می‌کنند و مردم تهران مثل یک بچه‌ی خوب همه از هر قشر که باشند در صف می‌ایستند و به نوبت سوار اتوبوس می‌شوند و از این ابزار اجرای عدل در مراعات نوبت یکدیگر استفاده می‌جویند. این یک ابزار مشهور برای سوار شدن اتوبوس در شهرهای بزرگ دنیا است در زمان حضرت مهدی (عج) ابزارهای اجرای قسط و عدل در تمامی زمینه‌های معیشتی مشهور خواهد بود و آن حضرت براساس روشهای مشهور عمل خواهد کرد.

همچنین در دنباله آن می‌گوئیم ای فرزند نشانه‌های (معالم) وارد شده و معجزات موجوده و دلیلهای آشکار که تمامی اینها در همان راستا توجیه پذیر است.

امام زمان (عج) براساس دلیلهای آشکار که برای همگان واضح و روشن باشد استدلال می‌کند و همگان دلایل مذکور را در جهان می‌شناسند. همچنانکه امروزه همه‌ی مردم دنیا دلیل انجام انتخابات و برتری حکومتهای مشروطه را بر حکومتهای مستبده و دیکتاتوری پذیرفته و سخن گفتن براساس این دلیل همگان را در هر کجای دنیا که باشند قانع می‌کند آن روز نیز دلیل‌های مختلف در تمامی ابعاد زندگی مردم برای عموم جهانیان آشکار و روشن است. و حضرت قائم (عج) بر آن اساس آن‌ها را هدایت خواهد کرد.

اینها در ضمن برای امروز ما درس و پیام دارد که اگر بخواهیم حکومت ما جهانی شود باید معیارهای جهانی آن را مسلح نمائیم و با مردم جهان مطابق دلایل آشکار (معالم مأثوره) و اعلام لائحه و سنن

مشهوره و معجزات موجوده سخن بگوئیم این نمی شود مگر از علوم کامل زمان خود برخوردار بوده در این راه از آن استفاده کامل نمائیم.

ای پسر صراط مستقیم^(۱)

صراط مستقیم در اسلام راهی است که اگر طی شود تمامی کارها در آن به پاداشته می شوند و به اصطلاح سامان می پذیرند. برای مثال صراط مستقیم یک ساختمان چند طبقه براساس علم معماری مشخص می سازد که پایه ها چه مقدار بتون داشته باشند و تیرآهن های سقف ها باید چند درجه باشند و غیره که اگر اینها مراعات نشود ساختمان فرو می ریزد.

اگر در زمینه ی اقتصادی نیز قدرها - اندازه ها - و حق های اقتصادی از جمله حق های مربوط به تورم و توسعه اقتصاد ایران شناسایی شود و از طریق آن کارها انجام گیرد اقتصاد ایران سامان پیدا می کند و امور اقتصادی برپای خود می ایستد و بر صراط مستقیم قرار می گیرد. وحی و علم دو ابزار مهم تشخیص صراط مستقیم است.

در واقع صراط مستقیم همان راه قسط و عدل می باشد.

امام زمان (عج) در زمانی که ظهور می کنند بقدری در علوم پیشرفته ی آن روز تبحر دارند و بقدری در فهم درست وحی توانا هستند که

۱ - به این نکته جالب است اشاره کنیم که در دعای ندبه که راجع به امام زمان است حتی یک بار اشاره به حجت ابن الحسن نشاده است یعنی نگفته ای پسر امام حسن عسگری بلکه همیشه می گوید ای پسر علوم کامل و ای پسر صراط مستقیم و غیره

می‌توانند مردم را در حرکت بر صراط مستقیم هدایت نمایند و مردم نیز چنان از شعور علمی و اجتماعی بالا برخوردارند که حرکت در این راه را قبول می‌کنند و نه چون امروز تمام هم و غم مردم از بالاترین قشر تا پائین‌ترین قشر انجام اموری است که جز به درهم و برهم شدن و فروپاشی امور اقتصادی و غیره نمی‌انجامد آنگونه که همتی ما شاهد آن هستیم. بخشهای دیگر این فراز از دعای ندبه را اهل دل می‌توانند بر همین اساس دریابند و در آینده آیندگان بیشتر درخواست خواهند یافت.

پیشرفت علم - نمونه‌ها

امروزه پیشرفت علوم به جایی رسیده است که با مطالعه‌ی گوشه‌هایی از آن می‌توان دریافت که در زمان ظهور حضرت قائم (عج) اگر روند امروزی همچنان ادامه یابد علم به کجا خواهد رسید. در زیر به نکاتی در این زمینه در ابتدای قرن بیست و یکم اشاره داریم: (۱)

● امروزه دخالت‌های ژنتیکی در غلات و دامها، رشد قابل توسعه‌ای یافته است. کودهای شیمیایی و مواد شیمیایی برای مقابله با حشرات مضر در همان بدو رشد محصول بکار گرفته می‌شود.

● تکنولوژی زیستی قادر خواهد بود از طریق یک انقلاب سبز نوین به گرسنگی خاتمه دهد. در زمینه‌های ژنتیکی، پیشرفتهایی برای رشد سریع‌تر ماهی و گوساله و غنی‌تر کردن برنج و سیب‌زمینی از نظر پروتئین انجام شده است. گونه‌های جانوران رو به انقراض را می‌توان از طریق انتقال جنین به یک مادر دیگر حفظ کرد.

● مهندسی ژنتیک می‌تواند بذرها را چنان قوی کند که:

۱- نباتات و غلات حاصل از آنها در برابر آفات و بیماریهای ویروسی مقاوم باشند.

۲- ارزش غذایی بیشتری داشته باشند.

۳- و حتی در مناطق کویری و زمینهای آلوده نیز امکان رشد داشته باشند.

۱- این قسمت از کتاب تکاپوی ۲۰۰۰ ترجمه صهبا سعیدی صفحه ۶۳۰ به بعد اخذ شده است.

- در سلسله جبال راکی مردم هم‌اکنون روی پودر برف ساخته شده از طریق ژنتیکی اسکی می‌کنند
- والدین قادر خواهند بود ترتیبی بدهند که اختلالات ژنتیکی احتمالی جنین فرزندشان اصلاح شود. مثلاً فرزندان‌ی داشته باشند با ۱۸۰ سانتی‌متر قد و چشمهای میشی و این خصوصیات حتی به نوه‌هاشان نیز منتقل شود.
- می‌توان ژن عامل سرطان در کودک را تشخیص داد و آن را با ژنهای سالم عوض کرد تا آن فرزند هیچوقت سرطان نگیرد. در مورد سایر بیماریها مثل تالاسمی و غیره نیز همین امکان وجود دارد
- از طریق مهندسی ژنتیک ممکن است بتوان صرفاً با تزریق واکنشی در بازو در برابر ابتلا به بسیاری از بیماریها مصونیت کامل پیدا کرد.
- نانو تکنولوژی ماشین خلاق بسیار بسیار کوچک است که می‌تواند مثل درخت بلوط تنومند که از یک هسته کوچک می‌روید تمام جهان را دوباره بسازد مثلاً در عرض چند روز می‌توان یک خانه تمام کمال با این ماشین ریز ساخت و خلق کرد. از این طریق همه چیز را می‌توان تولید کرد به اندازه‌ای که مورد نیاز همه‌ی انسانها باشد.

فصل سوم

سایر وظایف حکومت

حضرت قائم (عج)

در چارچوب استقرار عدالت (۱)

همانطور که قبلاً گفتیم شیعیان تشویق شده‌اند که هر صبح جمعه در دعای ندبه بگویند: اللَّهُمَّ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَأَذْهِضْ بِهِ الْبَاطِلَ يَعْنِي خِدَاوَنَدَا بوسیله حکومت حضرت قائم (عج) (یا هر حکومت به معنای واقعی اسلامی) حق پیا داشته شود اقامه شود و باطل محو گردد.

لذا باید ابتدا حق‌ها در زمینه‌های مختلف به کمک علم و وحی شناخته شود تا بعد بتوان به آن عمل کرد و آن را به پا داشت. در زمان حضرت قائم (عج) به علت پیشرفت بسیار بسیار زیاد علم حق‌ها در هزاران زمینه شناسایی می‌شود و با عمل به آنها عدالت استقرار می‌یابد و ظلم از بین می‌رود.

ریشه کن کردن ظلم

این المَعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ

۱ - اینوظایف که در این فصل آمده تماماً از فرازهای مربوط به حضرت قائم از

دعای ندبه استخراج شده است

کجاست (آن بزرگواری) که برای برکندن ریشه ظالمان مهیا گردیده است

بعد از اینکه حق‌ها از طرق علمی شناسایی شد و حدود و ثغور آنها مشخص گردید و مردم با آنها آشنا شدند و آموزشهای لازم را برای عمل به حق‌ها (قانونمندی‌های فطری) فراگرفتند وقت آن می‌رسد که با داشتن این برنامه عدالت‌آمیز در دست، موانع از سرراه اجرای حق‌ها برداشته شود و آنهم حکومت ظالمین است که در محدوده‌ی فردی، گروهی، تشکیلاتی و ملی و بین‌المللی باید از بین برود تا امکان اجرای برنامه‌های عدالت‌گستر و تعادل‌آفرین بوجود آید.

لذا حضرت قائم (عج) به یک انقلاب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست می‌زند تا ستمگران یعنی آنها که به اجرای حق تن نمی‌دهند و لذا باطل‌گرا هستند و به همین دلیل عدم تعادل در زمینه‌های مختلف در نتیجه سیاستهای غلط آنها مردم را می‌آزارد از ریشه نابود شوند. یعنی مبارزه امام زمان سطحی نیست و مثل امروز تنها و صرفاً به تغییر نام ربا و بهره بانکی به سود اکتفا نمی‌کند. واقعاً این باطل پولی و بانکی را از ریشه درمی‌آورد، باید حق در بانکداری یعنی محور ربا به درستی شناسایی شده به اجرا درآید.

حکومت ستمگران هرچند نام اسلام بر خود بگذارند از عمل آنها به باطل و عدم اجرای حق‌ها مشهود است. در حکومت ستمگران یعنی کسانی که عدل را مستقر نمی‌سازند، عدم تعادل در بازار، به

صورت تورم و ربا، در دانشگاه به صورت وارداتی بودن دانش رشته‌های مختلف علمی خصوصاً علوم انسانی، در جامعه به صورت گسترش فقر و طبقاتی بودن جامعه در خانواده‌ها رشد طلاق در فرهنگ بصورت وارداتی بودن فرهنگ، در حوزه‌های دینی به صورت کهنه بودن و قدیمی بودن محتوای دروس دینی و فقهی، در سیاست به صورت ناتوانی در حفظ وحدت ملی خود را نشان می‌دهد.

برکندن ریشه ظلم و ظالم، نیاز به تحقیقات وسیع در شناخت حق‌ها در کلیه زمینه‌های حیات اجتماعی دارد و وقتی حکومت در دست مسلمین واقعی باشد با قدرتی که در اختیار دارند می‌توانند به گونه‌ای علمی ریشه ظلم و ظالم را از بن برکنند و اگر چنین نشد یعنی زمینه‌ی انجام آن فراهم نبود باید منتظر ماند یعنی به دنبال گسترش علم و گسترش شعور اجتماعی رفت تا زمینه ظهور بقیة الله (عج) فراهم آید و ایشان چنین کند.

● از بین بردن کژی‌ها

کجاست آن (مصلحی) که منتظریم اختلاف و کژی‌ها را از بین ببرد حکومت حضرت قائم (عج) علاوه بر ریشه کن کردن روابط ظالمانه، آنچه از این نهادهای غلط بوجود آمده‌اند را نیز اصلاح می‌کند. برای مثال وقتی به علت برقراری نظام سرمایه‌داری در جامعه روابط استثمارگرانه بین کارفرما و کارگر بوجود می‌آید و اولی ثروتمند و دومی فقیر می‌شود اختلاف طبقاتی سبب می‌گردد که سرمایه‌داران به صورت یک طبقه رفتارها و ارزشهایی را در جامعه بوجود آورند که

در جامعه اسلامی مزاحم عمل به حق‌ها می‌باشد. مثل الگوی مصرف اشراف‌گونه، اسراف‌آمیز، لوکس‌گرایی، تجمل‌پرستی، چشم‌ر هم‌چشمی در اسرافات و اتلافات و غیره، تمامی اینها از کثری‌هایی هستند که باید اصلاح شود. انواع کثری‌ها و اختلاف‌ها در زمینه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد که باید دقیقاً شناسایی و اصلاح گردند.

استاد رفیع‌پور در این زمینه می‌نویسد:

«... در جامعه اقدامات تشدیدکننده‌ای انجام می‌گیرد که در پی آن موقعیت‌های اجتماعی، ارزشهای کاذب کسب می‌نمایند و به وسیله‌ای برای فخرفروشی تبدیل می‌شوند. از جمله: تملق و احترام بیش از حد نسبت به دارندگان موقعیتهای اجتماعی، تجملات دولتی نظیر ساختمانهای مجلل (وزارت کشاورزی یا حج و زیارت و یا اتومبیل‌های مرسدس بنز برای پلیس). بدیهی است که در چنین نظامی، اکثر انسانها از نشستن پشت این اتومبیلها و یا در چنین ساختمانهایی و از احترامات مفرط لذت می‌برند. در عین حال بدیهی است که وقتی پولها به این مسیر سوق داده می‌شود، کارمندان از جمله نیروی انتظامی باید در فقر به سر برند و در نتیجه از موقعیت خود استفاده‌های شخصی نمایند. در چنین اجتماعی به همه چیز اشیاء و وسایل (دستگاه فکس، تعداد تلفن‌ها، تعداد منشی‌ها، فرش اطاق، مبل و صندلیها، تابلوها و نمودارها، دستگاه کامپیوتر (PC)، تلفن متحرک جیبی موبایل (mobile یا handy)، نوع اتومبیل دولتی میتسوبی‌شی یا پاترول...) به عنوان وسیله کسب منزلت و افزایش ارزش موقعیت نگاه کرده می‌شود و بسیاری از دارندگان

موقعیتها و مسئولیتهای اجتماعی خود را براساس همین ابزار و وسائل با یکدیگر مقایسه می‌کنند و این ابزار را به نمایش می‌گذارند.

از اینجاست که میل به تجملات و کالاهای لوکس بوجود می‌آید و حتی در وزارتخانه‌های مربوط به اقشار فقیر، آخرین مدل از اتومبیل‌های مدرن پاترول و غیره دیده می‌شوند. و موجب تحیر. وقتی مسأله عمیق‌تر بررسی شود، متوجه می‌شویم، آن عده از مسئولینی هم که مایل به تجملات نیستند، نیز نمی‌توانند جز این بکنند، زیرا سیستم بودجه‌بندی ادارات طوری تنظیم شده است که همچون یک ریل مسئولین را مجبور به صرف بودجه در خرید وسایل بالاخص از خارج می‌کند و آنها نمی‌توانند آن را بین کارمندان کم‌درآمد توزیع کنند. اما فقط سیستم بودجه‌بندی نیست، بلکه عده‌ای از دارندگان موقعیتهای اجتماعی بالا بعد از پایان جنگ در کنار فرایند نیازآفرینی، نابرابری و تغییر ارزشها، با اقدامات خاصی نظیر سفارش اتومبیل‌ها و وسایل مجلل که در خیابانها و هتل‌های شمال تهران یا در مقر حکومت و یا در تلویزیون به نمایش می‌گذارند، این روند تجمل‌گرایانه را گسترش داده‌اند. در نتیجه همه‌ی این عوامل (نابرابری - مقایسه ...) کسب منزلت به عنوان هدف اصلی مشاغل، مجدداً به یک ارزش اساسی و جامعه تبدیل شده است.^(۱)

پیامبر اکرم (ص) فرمود الناس علی دین ملوکهم یعنی مردم بر دین رهبرانشان هستند. وقتی حکومت ارزشهای سرمایه‌داری را رعایت می‌کند و ساختمانها و وسائل لوکس و ماشین‌های لوکس و مراسم

پرخرج و لوکس برای خود دست و پا می‌کند - آنهم از بیت‌المال - مردم نیز به تجملات روی می‌آورند و چون از راه حلال این پول‌ها بدست نمی‌آید به رشوه و دزدی و اختلاس و قاچاق هروئین و خیانت به مملکت و غیره بدست خواهند آورد.

حکومت حضرت قائم (عج) ریشه‌های این کژی‌ها و صدها کژی دیگر که از نظام ظلم زائیده می‌شود را پیدا کرده می‌خشکاند و از بین می‌برد.

● از بین بردن جور و دشمنی

أَيُّنَ الْمُرْتَجَى لِيَاذِلَةَ الْجَوْرِ وَالْعُدُونِ

کجاست (آن بزرگواری) که امیدواریم جور و دشمنی را از میان بردارد. صاحبان قدرت اعم از مادر و پدر نسبت به فرزندان یا نسبت به یکدیگر بسته به اینکه کدامیک قدرت بیشتری دارد، مأمورین پلیس، مأمورین شهرداری، کارمندان با پست بالا، حتی کارمندان معمولی در رابطه با ارباب رجوع چون قدرت انجام کار در دست آنهاست، صاحبان قدرت نظامی، سیاسی، روحانی و هر صاحب قدرت دیگر نسبت به زیردستان به جور و ستم می‌پردازند. مثلاً اخیراً به علت گسترش فقر در جامعه و وجود تورم پاره‌ای از پلیس‌ها موتورسوارها را در خیابانهای تهران متوقف می‌کنند و مقداری پول نقد بصورت مخفی از آنها می‌گیرند و رهایشان می‌کنند، در مورد کار امروز را به فردا افکندن بعضی از کارمندان و اخذ رشوه، و خلاصه اذیت و آزارهایی که مردم از مدیران دبستان، دبیرستان، دادگاهها و غیره

هنگام ثبت نام می بینند، از دستگیریهای اهل قلم، حمله به مجالس سخنرانی هائی که نسبت به روش حاکمیت انتقاد دارند و مثالهایی از این قبیل همه و همه از جور و ستم صاحبان قدرت (کم و زیاد) است که به دشمنی بین مردم دامن می زند.

دشمنی بین مردم از فقر (کینه طبقاتی)، استثمار (ستم طبقاتی) نیز ناشی می شود. وقتی کارگران و کارمندان می بینند، صاحبان قدرت و صاحبان سرمایه از بهترین زندگی استفاده می کنند و این در حالی است که ثروت آنها از کار سخت کارگران و کارمندان است و کارگران و کارمندان در فقر دست و پا می زنند یا همیشه از بد غذایی مریض هستند یا از نداشتن پول شهریه فرزندشان باید شرمندگی زن و بچه شوند. این حالت کینه ای را بین صاحبان زور و زر و مردم بوجود می آورد که دست آخر به سرنگونی رژیم ستم منجر می شود. حکومت حضرت قائم (عج) با یکنواخت کردن زندگی ها و از بین بردن زندگی های تجملی و لوکس و تشویق ساده زیستی و کمک و تعاون به دیگری عدوان و دشمنی طبقاتی را از بین خواهد برد.

امروز امر به معروف و نهی از منکر به گونه ای انجام می شود که خود به تشویق مردم به منکر و فرار مردم از معروف منجر می گردد. امر به معروف و نهی از منکر اگر براساس حق های موجود در زمان و مکانها، در چهارچوب حدود و مرز حق ها که از روش های علمی شناسایی می شوند و متناسب و سازگار با ارزشهای قرآنی می باشد انجام شود مسلماً نتیجه بخش خواهد بود. ولی وقتی بدحجابی زنان

را مورد هجوم قرار می دهند آنهم با روش زننده‌ی تحقیرآمیز آزاردهنده و نه با روش قرآنی و جادلهم باللتی هی احسن ولی بی حجابی بانکها (ریوی بودن بانکها) را جشن می گیرند که چون اسم اسلامی دارد پس اسلامی است اگرچه مبلغ معین و قطعی در ماه سود می دهد و در زیان وام گیرندگان نیز شریک نمی باشد و این هر دو ضدیت حتی با فقه سنتی دارد. امر به معروف و نهی از منکر باید سراسری باشد و کلیه منکرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حکومتی و غیرحکومتی شناسایی و هماهنگ با هم مورد نهی قرار گیرند، نؤمن به بعض و نکفر به بعض جواب نمی دهد.

در قرآن مجید درباره حضرت لقمان آمده است که گفت: یا بنی اقم الصلوة و اتوا الزکوة و امر بالمعروف والنهی عن المنکر و اصبر علی ما اصابک

ترجمه: ای پسر من نماز بپا دار و زکوة بده و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه بر تو اصابت کند صبر نما.

از این آیه شریفه به خوبی مستفاد می شود که امر به معروف و نهی از منکر وقتی انسان می کند چیزی به او اصابت می کند که باید صبر کند و مقاومت نماید و از جا بدرنرود و همچنان به امر به معروف و نهی از منکر خود ادامه دهد. به عبارت دیگر امر به معروف از طرف کلیه آحاد مردم نسبت به حاکمان ستمگر انجام می شود و یا نسبت به هر شخصی یا اشخاص یا تشکیلاتی انجام می شود که قدرت بیشتری از امر به معروف و ناهی از منکر دارد و چون انتقادپذیری صاحبان

قدرت نیز کم است لذا عکس العمل نشان می دهند و یا امر به معروف و ناهی از منکر را به زندان می اندازند، یا از کار بیکار می کنند، یا به انزوا می کشانند، یا محاصره اقتصادی اش می کنند و خلاصه به او فشار می آورند تا دست از انتقاد بردارد و به قول معروف عاقل شود و سر عقل آید و سکوت اختیار کند. و اگر هیچکدام از این مصیبتها و اصابتها اثر نبخشید سرش را زیر آب می کنند و نابودش می کنند تا درسی شود برای دیگران که سکوت اختیار کنند و در مقابل ظالم حق را نگویند. لذا اسلام امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده است تا مردم به نیت انجام یک فریضه دینی و نزدیک شدن بخداوند و عبادت آن را ترک نکنند و در مقابل سختی آن استوار باشند و صبر و شکیبایی پیشه سازند. چرا که اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود ستمگران و صاحبان زر و زور و تزویر و استثمارکنندگان و قلداران چنان زندگی را بر مردم تلخ خواهند کرد که مرگ را مردم به زندگی ترجیح دهند. و در این مرحله است که خداوند می فرماید ستمدیدگان بساط ستمگران را به زودی واژگون می سازند و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

با توجه به آنچه آمد باید گفت که امر به معروف و نهی از منکر یعنی دعوت دیگران و در رأس همه دولتمردان به مراعات حق و عدل و تقوی و اجتناب از باطل (با شرحی که در این نوشتار آمده است). در این صورت است که ریشه ظلم و بی عدالتی از بین می رود امر به معروف و نهی از منکر تحقق عینی پیدا می کند. یعنی اگر از

طرق علمی حق‌ها شناخته شوند و به آنها عمل شود، تعادل در امور مختلف اقتصادی، سیاسی (اجتماعی تحقق پیدا می‌کند و مردم با حکومتی متعادل، متعادل رفتار می‌کنند و در امور فرهنگی نیز متعادل می‌شوند و نهاد امر به معروف و نهی از منکر به هدف غائی خود می‌رسد. ولی اگر بدون اینکه به ریشه فساد توجه شود صرفاً با گفتن و زدن و به بندکشیدن بخواهیم با مفاسد روبرو شویم (از طرف حکومت یا قدرت برتر مثل پدر و مادر یا رئیس اداره و غیره) به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. برخورد سطحی به ضد خودش برمی‌گردد باید ریشه‌ای عمل کرد و علل را از بین برد نه با معلول درافتاد. مردم نیز وقتی به دولت انتقاد می‌کنند از او می‌خواهند که ریشه‌ای مظالم و کژی‌ها و کاستی‌ها را از بین ببرد.

اگر بعضی از مردم بکارهای نامشروع روی می‌آورند باید علل این روی‌آوری شناسائی شده از میان برداشته شود یکی از این علل را آقای رفیع‌پور چنین شرح می‌دهد:

«لذا در اینجا به این نتیجه می‌رسیم که تحت شرایط کنونی ایران، وقتی پول و ثروت با ارزش شود و از یک طرف در انسانها نیاز به انواع کالا بوجود آید و همزمان در آمدشان کاهش یابد و در نتیجه انسانها نیاز شدید به پول داشته باشند و از طرف دیگر امکانات برایشان فراهم نباشد و همه راههای مشروع بسته باشد و همچنین سیستم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیستم کنترل بیرونی تضعیف شود، آنها برای ارضاء

نیازهایشان به راههای نامشروع روی می آورند^(۱)»

امروزه چون مردم احساس گول خوردگی و احساس غبن و احساس خیانت شدگی می کنند به بعضی از منکرات به عنوان مبارزه با حکومتی که فکر می کنند آنها را اغفال کرده است دست می یازند. برای مثال در زمان شاه، شخصی از چراغ قرمز با اتومبیل رد می شد و وقتی به او گفتم چرا چنین می کنی می گفت یک نوع مبارزه با حکومت است. در آن زمان بدحجابی و بی حجابی را دولت بد نمی دانست ولی مراعات نکردن چراغ راهنمایی و رانندگی را بد می دانست. لذا انجام بسیاری از منکرات جنبه سیاسی دارد باید دولت کاری کند که مردم احساس خدمت، احساس صداقت، احساس یکی بودن با آن را بنمایند تا بسیاری از منکرات از بین برود. به بیان دیگر بعضی از منکرات ریشه سیاسی دارد و باید ریشه آن از بین برود.

بعضی از منکرات ریشه اقتصادی دارد و باید ریشه ها با تحقیق درباره ی حق های اقتصادی شناسائی و از بین برده شود، منکرات مذکور نیز از بین برود.

اینکه باید منکرات بطور ریشه ای علاج گردد بهترین دلیل برای ارسال رسل و انزال کتب بوده و تمامی آنها با فرعونها درمی افتادند تا با گرفتن قدرت بتوانند بطور ریشه ای علل مفاسد اجتماعی را از بین ببرند. پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه (ع) که حکومت تشکیل دادند

۱- فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، چاپ اول ۱۳۷۶، صفحه ۲۷۶

یا در راه تشکیل حکومت مبارزه کردند مثل امام حسین (ع) برای همین مسأله ریشه‌ای عمل کردن علیه منکرات بوده است. امام حسین علیه‌السلام در قسمتی از وصیتنامه خود به برادرش محمد حنفیه نوشته است:

«... انما خرجت لطلب الاصلاح فی امت جدی، ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر...»

ترجمه: به درستی که خارج می‌شوم (از مدینه) در طلب اصلاح امت جد خویش، می‌خواهم به معروف امر کنم و از منکر نهی نمایم... از این عبارت امام حسین (ع) بخوبی استفاده می‌شود که ایشان در مقابل یک حکومت به نام اسلامی ولی در عمل سرمایه‌داری و اشرافی حاضر به سازش نشده و در راه مبارزه با آن قیام کرده است حکومتی که راه پیامبر (ص) و علی (ع) را دنبال نمی‌کند و همچون عثمان و معاویه حکومتی طبقاتی بوجود آورده که در آن دربار و حامیانش همه چیز را از آن خود می‌دانند و بهترین زندگی را برای خویش می‌پسندند و مردم را در فقر و فاقه نگهداشته‌اند.

امام حسین (ع) برخورد با این شیوه حکومت‌داری را امر به معروف و نهی از منکر میدانند یعنی به آنها می‌گوید مثل پیامبر (ص) و علی (ع) بیت‌المال را به تساوی بین همه تقسیم کنید، کارها را به دست کاردانها و صلحا بدهید و امرائی که به مردم ظلم می‌کنند و برای خود مثل رومیها کاخ و دربار و زندگی اشرافگونه ساخته‌اند را کنار بزنید و اموال مردم را اگر جهیزه دخترانشان کرده‌اند از آنان پس

بگیرید و به صاحبان اصلی آنها را رد کنید.

حسین بن علی (ع) اصلاح کثری‌ها و امر به معروف و نهی از منکر را می‌توانست به صورت جزئی در مدینه متوجه چند بازاری یا مردم کوچه و بازار کند که پاره‌ای از ملاحظات دینی را مراعات نمی‌کنند ولی او به ریشه‌های فساد و کثری‌ها توجه دارد که نظام حکومتی فاسد است. چرا که الناس علی دین ملوکهم مردم به دین رهبران‌شان هستند. وقتی حکومت، سرمایه‌داران را گرامی می‌دارد، فقر را تحقیر می‌کند، چاپلوسان و تملق‌گویان را گرامی می‌دارد و حق‌گویان و انتقادکنندگان را سیاست مینماید، وقتی تبعیض قائل می‌شود و خودی هرچند گناه کبیره مرتکب شده باشد را نه تنها می‌بخشد بلکه ارتقاء مقامش می‌دهد و از جبهه حریف اگر گناه صغیره‌ای سرزند به اشد مجازات سیاست مینماید، حکومت وقتی با توجیهاتی که ای بابا امروز شرایط اقتضا نمی‌کند حکم خدا در مورد ربا، زکات، کنز، انفاقات به معنی از بین بردن شکاف بین فقیر و غنی، مواسات یعنی اشتراک در مصرف عملی گردد مردم نیز تبعیض، فرار از کار، بی‌اعتنایی به ارزشهای اخلاقی دینی را به این دلیل که اینها مال هزار سال قبل است کنار می‌گذارند. لذا برای اصلاح مردم، حکومت باید اصلاح شود و یا آن را باید اصلاح کرد. والا امر به معروف و نهی از منکر به صورت حرکت گروه‌هائی کوچک در شهر و کوه و برخورد با پاره‌ای از بی‌مبالاتی‌ها نسبت به دستورات اسلامی و فراموش کردن ریشه‌ها این رفتارها که از رفتار و عملکرد حکومت سرچشمه گرفته

است درست مثل رنگ سبز زدن به برگ زرد درختی است که کرمهای مضر ریشه‌های آن را زیر خاک از بین می‌برند. باید به ریشه‌ها توجه کرد آنجا را پاکسازی نمود، برگها خود سبز خواهند شد.

احیاء سنن

أَيِّنَ الْمُدَّخِرِ لِيَجِدِيَ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ كَجَاسْتِ أَنْ بَزْرُغَوَارِي كِه وَاجِبَاتِ وَ
سنن را زنده می‌کنند

یکی از وظایف حکومت حضرت قائم (عج) در دعای ندبه تجدید واجبات و سنن دینی و مذهبی اسلام است. مهمترین سنتی که حضرت علی (ع) بر آن اصرار داشت سنت نبوی بود که براساس آن جامعه از نظر اقتصادی و اجتماعی به سبک غیر سرمایه‌داری اداره می‌شد. پیامبر اکرم (ص) نه تنها بیت‌المال را به صورت برابر تقسیم می‌کرد بلکه بین مهاجرین و انصار برادری برقرار نمود و در جامعه و به اصطلاح امروز وحدت قومی و وفاق ملی بوجود آورد.

به علاوه از طریق صدقات و انفاقات از طبقاتی شدن جامعه یعنی تقسیم جامعه به دو طبقه ممتاز و غیرممتاز یعنی برده‌داران و بردگان، سرمایه‌داران و کارگران، اغنیا و فقرا جلوگیری به عمل می‌آورد و می‌فرمود ان اکرمکم عندالله اتقیکم یعنی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست و هیچ سفیدپوست بر سیاهپوست ارجحیت ندارد مگر به تقوا و اذان گوی خود را یک عرب سیاهپوست انتخاب نمود و خلاصه امتیازات نژادی، قومی، گروهی، تشکیلاتی را

از میان برداشت.

همواره به گونه‌ای می‌نشست که در جمع شناخته نشود او رئیس است و دیگران مرئوس به صورت دایره‌ای می‌نشست، با غلامان غذا می‌خورد، در نهایت ساده‌زیست بود تا دیگران نیز ساده‌زیست باشند. وقتی بر مکیان پیروز شد انتقام‌گیری نکرد و سران آنها را از دم اعدام ننمود بلکه به آنها حیثیت داد و فرمود انتم الطلقا شما همه آزاد هستید و هر که در خانه ابوسفیان رود در امان است. در عین حال به شدت مراقب بود که کسی از امتیازات ویژه طبقاتی استفاده نکند و تبعیض وجود نداشته باشد.

آزادی بیان و قلم را در نهایت درجه مراعات می‌کرد و حتی از اینکه دشمن حمله می‌کند در شهر بمانیم یا در خارج شهر با مردم مشورت می‌نمود. در نهایت صداقت و امانت با مردم رفتار می‌کرد، همگان را در جریان امور صادقانه قرار می‌داد و پشت پرده چیزی نداشت. اگر چیزی را که سبب امتیاز و برتری جوئی بود مشاهده می‌کرد شدیداً موضع‌گیری می‌نمود تا از بین برود.

برای مثال از کوچه‌ای رد می‌شدند با اصحاب، ملاحظه فرمود شخصی بر سر درب خانه‌اش یک نشانه بلندی زائد مثل گنبد مانند ساخته است. وقتی آن شخص به پیامبر (ص) سلام کرد، جواب چنان گرفت که دریافت پیامبر اکرم (ص) از وی ناراحت است و اصحاب به او آیه‌ای از قرآن را متذکر شدند که می‌فرماید آیا بر هر بلندی نشانه‌هایی را می‌سازید که بیهوده و عبث است و آن شخص آن نشانه

را خراب کرد. از کارهای غیر ضروری شدیداً جلوگیری به عمل می آورد. در مورد حضرت علی (ع) داستان خاموش کردن شمع هنگام ورود طلحه و زبیر معروف است که چون با شمع اول حساب بیت المال را نگه میداشتم و شما کار خصوصی دارید، شمع دوم را که از پول شخصی خودم خریداری شده است را روشن کردم. می فرمود هیچ ثروتی بر روی هم انبار نمی شود مگر اینکه حق دیگران غصب شده باشد. اگر فرزندان از بیت المال حتی چیزی را به عاریه می خواستند چند روز بگیرند مانند دستبند و غیره با مخالفت شدید وی روبرو می شد و داستان برخورد ایشان با آهن تفتیده با برادرش عقیل بر همگان روشن است. می فرمود اگر بشنوم خلخال از پای پیرزنی بزور بیرون کشیده شود و از غصه بمیرم گزاف نیست.

از اینکه پست ها بر اساس روابط تقسیم شود و افراد ناشایست به مقام برسند و سبب شوند که مردم را تحت فشار قرار دهند و به آنها از قدرت خود زور بگویند جلوگیری به عمل می آورد و می فرمود من بر سیره پیامبر (ص) عمل می کنم باید بیت المال بین مردم و محرومین مساوی تقسیم شود بگونه ای که در آخر سال چیزی در بیت المال باقی نماند.

امامان معصوم (ع) نیز بر مواسات تأکید می ورزیدند و آن یکنوع مصرف اشتراکی بود، امام صادق (ع) می فرمود اگر برادر مؤمن تو به اشتباه ظرف غذای تو را برداشت و مصرف کرد و تو شنیدی اگر ناراحت نشدی مسلمان هستی، پیامبر (ص) می فرمود اگر شب کسی

از شما سیر بخوابد و در شهر او کسی گرسنه بخوابد مسلمان نیست. مسلمانان همه مسئول یکدیگرند اگر یکی از شما نیازمند است بر همه‌ی شما واجب است تا او را تأمین نمائید. همه‌ی مسلمانان باید دارای یکی زندگی مرفه باشند. پیامبر (ص) می فرمود زکات از کسی که نیازمند است نگیرید گفتند فلان شخص زکات نمی دهد در حالیکه حیاط بزرگ دارد، مرکب سواری دارد، در منزل خدمتکار دارد فرمود تمامی اینها برای یک زندگی لازم است. در جامعه اسلامی برای کلیه آحاد مردم زندگی در سطح رفاه اجتماعاً مقبول لازم است، حضرت علی (ع) می فرمود رؤسای قوم باید به گونه‌ی فقیرترین مردم زندگی کنند تا آنها از آنچه دارند راضی باشند اگر ثروتی هست برای داشتن زندگی مرفه برای رؤسا، ابتدا باید زندگی فقرا و محرومین را تأمین کنند و خود ایثارگرانه زندگی ساده داشته باشند.

در مجموع می توان گفت که پیامبر اسلام و ائمه معصومین، برابری، برادری، تأمین زندگی مرفه برای عموم مردم، عدم تبعیض، یکنواخت کردن سرزمین اقتصادی کشور، محور تبعیضات طبقاتی و نژادی و قومی و گروهی و حزبی را ممنوع می کردند. آیا امروز ما بر سنن پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) عمل می کنیم. حکومت حضرت قائم (عج) این سنن را احیا خواهد کرد.

اما، ما چه می کنیم؟ آنچه ما در سطور بالا متذکر شدیم قسمتی از سنت‌های اسلامی مملکتداری بود که قبل از انقلاب ۱۳۵۷ روحانیون به ما یاد می دادند و مردم براساس این گفته‌ها در

راه پیمائی های خود فریاد سر میدادند که آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی و از جمهوری اسلامی چنین حکومتی را در نظر داشتند! ولی وقتی مسلمین به قدرت رسیدند با بیت المال مسلمین چه کردند؟ ارباب خانه های طاغوتیان را که مصادره نمودند بین رؤسای قوم تقسیم کردند، سپس متخصص و غیرمتخصص که مخالفت با دولت داشتند را از دم تیغ انتقام گذراندند چه خونی، چه زندانی، چه اخراجی از کار و از کشور سپس جامعه را به سبک سرمایه داری، طبقاتی نمودند و بروت و سرمایه را ارزش تلقی نمودند و وضع را به گونه ای ترتیب دادند که پس از چند سال مردم دنبال پول رفتن را ارزش می دانستند. بسیاری از مبارزین دیروز که برای خرج زندگی روزانه خود وام می گرفتند امروز معاملات چند میلیارد تومانی آنها در محاضر رسمی به ثبت می رسید و مردم می دیدند که تمام سنت های دینی که تا دیروز از آنها تبلیغ می شد توسط خود تبلیغ کنندگان به قدرت رسیده نه تنها احیا نشد که زیر پا لگدمال گردید. آقایان شورائی عمل کردن و مشاوره با اهل دانش را که کار چپها لقب می دادند و با خرید ماشین های بنز لوکس از خارج برای ایاب و ذهاب خود و گرفتن میهمانیهای اشرافی جشن عروسی و دادن هدیه سکه طلا به مدعوین لابد از جیب شخصی خود! و سفرهای پرهزینه خانوادگی بخارج به پای مأموریت های اداری و خرید باغ و ویلا و خانه های لوکس و اشرافی و کارخانه ها و گرفتن پورسانتاژ از خریدهای خارجی و خلاصه یک زندگی طبقاتی را در جامعه باب کردند. به این معنا که

صاحبان قدرت سیاسی و نزدیکان آنها از یک زندگی اسرافگونه مترف و وار برخوردار و توده مردم در فقر و نداری ناشی از تورم کشنده دست و پا می زنند. البته ناگفته نماند که ظاهر دین را حفظ کردن حداقل چیزی بود که آقایان مراعات می کردند. گرفتن جلسات روضه خوانی، نتراشیدن ریش، سینه زدن در جمع، به سفرهای متعدد سوریه و حج عمره خود و نزدیکان و غیره ظاهرسازی اسلامی آقایان بود ولی در باطن سوءاستفاده از روابط تشکیلاتی، سیاسی، خانوادگی در اخذ وامهای میلیاردی از بانکها و تبدیل شدن به انحصارات اقتصادی و اگر هم از بین آقایان کسی لو می رفت و حتی قتلش اثبات می شد نه تنها برای حفظ ظاهر هم که شده طرف را چند گاهی مخفی نمی کردند بلکه مورد تشویق و ارتقاء مقام و حمایت علنی نیز قرار می دادند.

همین ولخرجی ها، اختلاسها، سوءمدیریت اقتصادی جامعه سبب گردید مردم در فقر و ناداری بجائی برسند که پدر یکباره اعضاء خانواده اش را بکشد و دیگری از شدت فقر جیبهای شلوارش را بیرون آورده در پارک شهر خود را با درخت و طناب اعدام کند و فحشا بین دختران زنان برای کسب درآمد و امرار معاش گسترش پیدا کند و آقایان از اینکه اجازه می دهند عده ای سرمایه دار آسمان خراش به نام برج بسازند و تهران را شبیه نیویورک کنند افتخار نمایند. این حالت را رؤسای قوم دارند و مردم نیز مثل آنان می شوند اینان نیز با پوشیدن لباسی که روی آن جملات خارجی نوشته است و یا با شنیدن نوار

آهنگ خارجی احساس می‌کنند که دیگر عضو یک کشور صنعتی پیشرفته‌ای مثل آمریکا هستند، آسمان‌خراش که دارند، روی اتوبوس‌هایشان که انواع محصولات صنعتی شرکت‌های چندملیتی تبلیغ می‌شود تنها جای شنیدن آهنگ خارجی و دیدن فیلم‌های آنچنانی ویدیوئی خارجی و اینها خالی است که اینگونه پر می‌شود. حال چگونه می‌توان توقع داشت که مردم وقتی الگوهای مذهبی خود را اینگونه شیفته و فریفته سرمایه‌داری، غرب‌زدگی، پول‌دوستی و دنیازدگی و رفاه‌طلبی، بی‌توجهی به فقر توده‌ها می‌یابند و پا روی تمامی وعده و وعده‌های اسلامی عدالت‌آمیز قبل از انقلاب خود می‌گذارند و به هیچیک از سنت‌های اقتصادی و سیاسی مذهبی عمل نمی‌کنند به دین و دیانت پایبند باقی بمانند و باورهای مذهبی آنها ضعیف نشود.

اجازه دهید قلم را به دست آقای رفیع‌پور بدهیم تا به عنوان یک جامعه‌شناس این مسائل را بیان نماید:

«گرچه عواملی در درون سیستم مذهب نیز وجود دارند که موجب تضعیف آن شود، اما این عوامل جدید نیستند و از قدیم هم وجود داشته‌اند و با وصف این مردم قبل و بعد از انقلاب آنچنان جذب مذهب شده بودند. لذا حداقل در دوران جدید، عوامل بیرونی تأثیر بسیار بیشتری بر روی تضعیف نقش مذهب در جامعه و پای‌بندی‌های مذهبی مردم داشته‌اند. لذا ذیلاً به برخی از این عوامل اشاره می‌شود.

مشخص است که وقتی مردم تحت فشار مادی و فقر زیاد قرار گیرند، کم و

بیش و دیر یا زود تمایل آنها نسبت به مسببین این فشار و کسانى که از نظر آنها با این فشار مستقیماً یا بطور غیرمستقیم در رابطه‌اند، کم خواهد شد. تردید نیست که یکی از مهمترین عوامل مؤثر در تضعیف نقش مذهب، تغییر نظام ارزشی جامعه است که به آن قبلاً اشاره شد. وقتی پول و سودجوئی در جامعه رواج یابد، وقتی با تبلیغات گسترده در مردم نیازهای مادی و دنیوی پرورش داده شود و وقتی همه اقدامات جانبی لازم دیگر فراهم آید که مردم به سوی مادیات و پرستش گوساله‌های زرین «تجملات»، تفریحات... روی آورند، بدیهی است که تمایل آنها به مذهب کم خواهد شد.

همچنین عوامل دیگر از قبیل فرهنگسراها، برنامه‌های تلویزیونی، ویدیوئی، و اقدامات دیگر... در واقع به رقابت با نماز و مذهب برخاسته‌اند. تحت این شرایط بدیهی است که نمی‌توان مردم بالاخص جوانان را به مسجد جذب نمود.

مثلاً با این فعالیتهائی که برای جذب مردم به نماز انجام می‌گیرد، شهرداری تهران تا سال پیش، در همان ساعات نماز روز جمعه، در محلهای مختلف، جمعه‌بازار را تشکیل می‌داد... چنانکه دیدیم وضعیت فوق، در پی اقدامات بعد از سال ۱۳۶۸ بوجود آمده است. بنابراین اقدامات انجام شده کشور مهمترین عامل در تضعیف نقش مذهب در جامعه و در تغییرگرایش مردم به روحانیت بوده است.^(۱)

۱- استاد فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد، از انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

● اعاده ملت و شریعت

أَيْنَ الْمُتَّخِيزِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ

کجاست (آن بزرگواری) که برای برگرداندن (حقایق) ملت و شریعت
مقدس اسلام اختیار گردیده

لغت نامه دهخدا در تعریف «ملت» آورده است: «دین، کیش و شریعت،
آئین و مذهب ملت، ج، ملل [م ل]: فاتبعوا ملة ابراهيم حنيفاً» اشتقاق ملت از
ام‌الکتاب است و ملت و دین دو نام‌اند آن شرع را که خدای عزوجل نهاد میان
بندگان بر زبان انبیا»

از روزگار و خلق ملولم اکنون از آنک

پشتم به کردگار و رسول است و ملتش

ناصر خسرو

همین لغتنامه در تعریف «شریعت» آورده است: «قانونی که پیغمبران از
جانب خداوند عالم بر مردمان آورده‌اند... فاضل‌ترین انبیا آنست که به وی
کتاب و شریعت نازل شده است
آنگاه پرسیدم از ارگان شریعت

کان پنج نماز از چه سبب گشت

ناصر خسرو

باتوجه به دو تعریف فوق‌الذکر می‌توان گفت که ملت اصول
مشترک بین کلیه شرایع آسمانی است و شریعت دستورات الهی از
طریق وحی است که به انبیا ارسال شده است. بنابراین یکی از
وظایف حکومت اسلامی اعاده دستورات مشترک ادیان آسمانی مثل

اعتقاد به وحدانیت پروردگار و توحید و اعاده دستورات خاص اسلام مثل نماز به شکل توصیه شده در قرآن (از نظر رکعات و زمان نماز) و انفاقات و انفال و کنز و غیره.

احیاء کتاب آسمانی قرآن و حدود آن

أَيُّنَ الْمُؤْمَلِّ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ

کجاست آنکه آرزومندیم کتاب آسمانی قرآن و حدود آن را احیا سازد.

شاید این مهمترین وظیفه حکومت حضرت قائم (عج) باشد در زمینه اقتصاد، سیاست، اجتماعیات و فرهنگ به کمک وحی و علم، حق‌های مختلف را شناسایی و آنها را به مردم معرفی می‌نماید تا با اجرای آنها عدالت گسترده و تعادل در کلیه بخشها برقرار گردد و بشر در زمینه مادی و معنوی به تکامل نائل آید.

در مورد حدود قرآن نیز متناسب با حق‌های موجود در زمان و مکان شناسایی کاربردی می‌شود و چهارچوبهای هر حق به وضوح تمام شناسایی و مشخص می‌گردد.

باید توجه داشت که احیاء قرآن مجید و حدود آن با قرائت آن متفاوت است. قرائت قرآن مجید و تشکیل جلسات مسابقات قرآن و ایجاد رادیو قرآن، دعوت از قاریان مصری و تشکیل جلسات انس با قرآن اینها همه خوب و عالی است ولی احیاء کتاب و حدود آن چیز دیگریست. حکومت حضرت قائم (عج) در زمینه‌های زیر قرآن را احیا می‌نماید یعنی اگر در بین مردم مورد عمل نیست و فقط سرقبر و روزهای سوم و هفتم و شب چهارم و مراسم شب سال اموات قرآن

خوانده می شود از این حالت قرآن مردگان درآید و تبدیل به قرآن زندگان شود. قرآن دستوراتش در جامعه پیاده گردد و به این منظور چاره‌ای نیست جز شناسایی کاربردی حق‌های زمان در رابطه با قرآن مجید. برای مثال می توان به پاره‌ای از دستورات قرآن در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی به شرح زیر به مطالعه پرداخت و حق‌های بیشمار موجود در هر یک را مشخص ساخت (باتوجه به مسأله زمان و مکان) انصاف، مواسات، مساوات، عدالت اجتماعی، رفاه، فقر، تورم، توسعه درون‌زا، رشد اقتصادی، جمعیت و رشد جمعیت، احسان، سخاوت، انجام حاجات مومنین، زبون ساختن مسلمانان، وابستگی اقتصادی و سیاسی مسلمانان به بیگانگان، استقلال، آزادی، سؤال کالاها و خدمات حرام، مکروه، حلال، مباح، رزق، خیر، برکت، فضل، ریا، ربا، صدقات، انفاقات، کنز، کسب، زکات، خمس، تعدیل، عدل، قسط، حقوق فقرا، مسئولیت جمعی، تضامن و تکامل اجتماعی، حج، جهاد، معاش، معیشت، وام، استقراض، اسراف، اتلاف، اتراف، مال، سرمایه، دستمزد، زهد، قناعت، رهبری، خانواده، وجدان، عالمان، راهنمایی، مسئولیت، زهد و ورع تقوی، مرجعیت، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، سیاست عملی اسلام در صحنه ملی و بین‌المللی، وظایف و اختیارات حکومت، ارتش، سیستم اداری کشور، سیستم نظامی، فرهنگی و اجتماعی کشور، و...

احیاء دین و اهل آن

أَيْنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ

کجاست آنکه دین و ایمان و اهل ایمان را زنده سرفراز گرداند

معالم دین عبارتست از نشانه‌های دین، جائی که دین در آنجاها عَلم می‌شود. مثل مساجد و اینکه اهل آنها نیز احیاء شود. بنابراین حکومت حضرت قائم (عج) معالم دین را زنده می‌کند و روشی را پیش می‌گیرد که اهل و افرادی که به آنجا می‌روند زیاد شود. برای مثال یکی از معالمی که در زمان طاغوت وجود داشت و در آنجا دین برای مردم توضیح داده می‌شد، حسینیه ارشاد تهران بود. کیست که نداند در آن سالهای ۱۳۵۰ به بعد چه جمعیتی از سخنرانیهای مرحوم دکتر شریعتی پیرامون اسلام‌شناسی بهره می‌بردند. متأسفانه در جمهوری اسلامی این مَعْلَمِ دین بجای اینکه حیاتش ادامه پیدا کند و احیا شود خاموش گردید. جلسات سخنرانی روشنفکران مذهبی نه تنها در حسینیه ارشاد از معالم دین بود بلکه در دانشگاهها و حتی مساجد و هیأت مذهبی از معالم دین بود که همگی بعد از انقلاب از بین رفتند. علت این امر انحصارطلبی جناح حاکم در درک دین بود. اینان می‌اندیشیدند که فقه سنتی همان دین اسلام است و لذا چون روشنفکران مذهبی را با آنها صددرصد موافق نمی‌یافتند، خودشان را خانه‌نشین کردند و جلساتشان را تعطیل نمودند. هنوز هم اگر در جایی یکی از این معالم دین تشکیل شود گروههایی که برای به تعطیل کشانیدن این قبیل معالم دارند را گسیل

می‌دارند تا با حمله و تهدید آنها را تعطیل کنند. پس از هیجده سال که روحانیت بطور انحصاری معالم دین را به گونه‌ای که می‌خواست در اختیار گرفت و رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها را نیز به معالم دین تبدیل کرد ولی براساس آمار دریافت که روز به روز از ایمان مردم کاسته می‌گردد. آقای رفیع‌پور در این مورد می‌نویسند: «... اما به نظر می‌رسد، مدتی است که از گرایش‌ها و تمایلات مذهبی مردم، (در مقایسه با اوائل انقلاب و شور و حال آن زمان) کاسته شده است (و جدول زیر گویاست)

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۱
اعتقاد مردم به دین	۸۹/۳	۴۳/۲
عیب بودن عدم رعایت حجاب	۸۶/۲	۴۱/۵
احترام به چادری	۸۱/۸	۳۶/۸
علاقه به روحانیت	۸۶/۷	۳۲/۳

آمار کاهش پایبندیها را در شهرستانها نیز تایید می‌کند. در تحقیقی که در رابطه با ویدئو در فصل ۲-۴-۸-۳ ذکر گردید، نسبت پاسخگویانی که نماز می‌خواندند از سال ۱۳۷۲ به سال ۱۳۷۳ بطور معنی‌دار کاهش یافته بود، مشاهده همین روند نیز در رابطه با روزه مشاهده می‌شد... همچنین در تحقیق دیگری از بین ۱۰۶ جوان (مذکر) مشاهده شده، ۳۲ نفر زنجیر طلا به گردن ۳۶ نفر انگشتر طلا به دست داشتند. آقای قرائتی به عنوان یکی از افرادی که در این زمینه احساس مسئولیت می‌کنند، در سخنرانی خود در دومین کنگره جهاد

سازندگی، در تاریخ ۷۳/۳/۲۲ در دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران) اشاره‌ای با این مضمون کردند که آیا «می‌دانید که تهران و اتریش به یک اندازه مسجد دارند؟ دلیل هم اینست که در اتریش ۲-۳ تا مسجد هست و در تهران هم فقط چند تا هستند که فعالند.»^(۱)

از نظر این قلمزن یکی از عوامل مهم تنزل باورها و علائق مذهبی مردم عملکرد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی حکومت در سالهای بعد از انقلاب است که یکی از آنها تعطیل کردن معالم دین و اهل آن می‌باشد. و بجای آن لابد برای جبران آن فرهنگسراهایی باز شده است که ضد معالم دین است. آقای رفیع‌پور در این زمینه می‌نویسند: «ایجاد فرهنگسراهای مدرن در نقاط مختلف شهر نیز یک اقدام در جهت تغییر ارزشها در قسمتهای سنتی و قشر پائین شهر تهران بشمار می‌رود. گرچه باید گفت که بخشی از اهداف این فرهنگسراها، تحت شرایطی که جامعه در ثبات به سر می‌برد و یک هدف تغییر ارزشی ملایم و کنترل شده را در پیش داشته باشد، می‌تواند برای جامعه و هدایت جوانان مفید باشد، اما در شرایط کنونی - تشریح شده - با گسترش آشفتگی اجتماعی و بی‌برنامگی، این فرهنگسراها می‌توانند از یک طرف تدریجاً گسستگی از ارزشهای سنتی و مذهبی را در پی داشته باشند و از طرف دیگر مراکز مناسبی برای اشاعه سریع ارزشهای متفرق و احساسی باشند و موجب عنان گسیختگی حرکت‌های احساسی شوند و

۱- استاد فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد، از انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۳۷۶، صفحه ۳۱۸

زمینه‌ی مساعدی را برای انحرافات فراهم آورند.^(۱)

البته ناگفته نماند که جمهوری اسلامی هیأت مذهبی را به صورت تشکیلاتی که بسیاری از آنها توسط وزارت اطلاعات اداره می‌شود و بر تعدادشان بعد از انقلاب افزوده شد مثلاً هر اداره یا وزارتخانه یا دانشکده یا بیمارستان برای کارمندان در منازل یا در محل کار جلسات دینی هفتگی تشکیل داد که از معالم دین بحساب می‌آیند. ولی متأسفانه اداره‌کنندگان بسیاری از آنها دارای اطلاعات دینی بسیار ضعیف بودند که در پاره‌ای از آنها این قلمزن مشاهده کرد که حتی در خواندن از روی دعای کمیل نیز با اشکال روبرو می‌شدند. وای به اینکه بخواهند برداشتهای متناسب زمان از دین ارائه دهند که این جنبه‌ی جلسات مذکور واقعاً نزدیک به صفر بود. در جشنهایی که به مناسبت مراسم و اعیاد مذهبی گرفته می‌شود (و مخارج بسیاری از آنها را نیز وزارت اطلاعات احیاناً می‌پردازد) اغلب به ظواهر می‌پردازند، چراغانی و مداحی همراه با یکنوع دست زدن با آهنگ ابداعی و اختراعی و پای‌کوبی با آن که یک حالت خشن دارد بجای آرام بخش و روح بخش بودن آزاردهنده است. در این جلسات کمتر از محتوای غنی فرهنگ اسلامی متناسب با زمان یا راه‌حل‌های اسلامی برای حل مشکلات اجتماعی اقتصادی و سیاسی مردم سخن گفته می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که معالم دینی در حکومت دینی به

سبک ایرانی امروزی از نظر محتوای دینی امروزه بسیار ضعیف است و همین امر سبب افت آمار مربوط به جذب جوانان به این مراکز و معالم شده و بجای آن جوانان به فرهنگسراهایی جذب می شوند که شرح آن آمد و برای شرح بیشتر باید به کتاب توسعه و تضاد استاد رفیع پور مراجعه شود.

روحانیون اقبال جوانان را به دین اگر می خواهند باید مانند مرحوم آیت... آذری قمی دریابند که درک آنها از دین به نام فقه چون متناسب با زمان نیست کارائی در جذب مردم به دین ندارد و تا روزی که به آن مرحله نرسیده اند، حداقل به روشنفکران مذهبی اجازه دهند که اداره معالم دین و اهل آن را به عهده گیرند، و درک متناسب زمانشان را از دین ارائه دهند و اگر جائی این درک با اصول اساسی دین در تضاد بود می توانند در همان جلسات روحانیون شرکت کنند و پاسخ مناسب برای روشنگری ارائه دهند.^(۱) این آزاداندیشی که براساس آیه شریفه قرآن که می فرماید *فِیْ شَرِّ عِبَادِ الَّذِیْنَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ وَ یَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ* (سوره زمر (۳۹) آیه ۱۷) یعنی بشارت باد بر

۱- آیت... مفتوح در مسجد قبا در سال ۱۳۵۶ این جلسات را در ماه رمضان تشکیل داد و بسیاری از روشنفکران مذهبی در آن شبها سخنرانی داشتند و همین سخنرانی ها در جذب مردم به انقلاب بسیار مؤثر بود و در مورد سخنرانی این قلمزن، روحانیت ایراداتی داشت. که نه! فقه! بی اشکال است (امروز البته آنگونه نمی اندیشند) و آمد و در همان مسجد آقای حجتی کرمانی به نمایندگی از روحانیت پاسخ خود را در مقابل جمع ارائه داد ولی وقتی آقایان بقدرت رسیدند به کمک زور به انحصارطلبی پرداختند.

بندگان من کسانی که اقوال مختلف را می‌شنوند و بهترین آنها را انتخاب می‌کنند نیز تأیید شده است سبب می‌گردد تا مردم درک و شعور دینیشان در تضارب آراء افزایش یافته و بخاطر آزادی که در انتخاب احساس می‌کنند تألیف قلوب شده ایمانشان افزایش یافته معالم دین را پُر اهل نمایند.

اصولاً اسلام دارای چنان ماهیت غنی است مثل خورشید کسی نمی‌تواند با آن از نظر محتوایی در بیفتد و یک حامی و ضامن نیز دارد بنام حضرت حق که فرمود نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (سوره ۱۵ آیه ۹) ما ذکر را فرود فرستادیم و بدرستی که ما برای آن هر آینه حافظ هستیم. بنابراین نباید ترسی داشت که دیگران نظریاتشان را در مورد مباحث دینی بگویند و اجتهادهای شخصی خود را ارائه دهند، یقیناً هرچه درست نباشد و بر حق نباشد و باطل باشد خود قرآن فرموده است که **إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ ذَهُوقًا** و در طول دهه‌های گذشته و در همین سالهای اخیر دیده‌ایم که برداشتهای باطل از دین دوام نمی‌آورد و بقول معروف جا نمی‌افتد و با روشنگری حجت‌های الهی که روی زمین خالی از آنها هیچ وقت نیست و بخاطر فطرت حق طلب مردم، باطل‌ها افشا می‌شوند و از دور خارج می‌شوند و حق‌ها باقی میمانند. بنابراین با حمله به جلسات دینی که در آنها برداشتهای باطل از دین ارائه می‌شود (مثل اینکه دین سیاست ندارد یا حکومت را با دین کاری نیست و دین را با حکومت کاری نیست و یا دین به دنیای مردم کاری ندارد و جهت‌گیری آن رو به آخرت است و از این قبیل حرفها)

چون خود این عمل حمله باطل است و ضد حق مشخص شده در وحی (قرآن) لذا به ضد خودش تبدیل می شود. باید معالم دین توسط عالمان و دانشمندان و حق شناسان اداره شود و چون حق و علم و عدل با فطرت بشر سازگاری دارد، اهل معالم مذکور احیاء می شوند و بر زندگان این معالم روز بروز افزوده می گردد.

● اَيْنَ قَاصِمٍ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ

کجاست آنکه شوکت ستمکاران و متجاوزان را درهم می شکند.

همیشه در جامعه افراد یا گروهها یا تشکیلاتی وجود دارند که به حقوق دیگران تعدی می کنند و به زور بازوی خود - اگر فرد است - به افراد خود - اگر گروه است و به اعضاء خود اگر تشکیلات است تکیه می کنند به زورگویی به مردم، اخاذی از آنها، دزدی، غارت و ایجاد مزاحمت برای دیگری و با بیگاری کشیدن از دیگران به استثمار دیگران می پردازند.

حکومت حضرت قائم (عج) احتمالاً قوانین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی براساس حق های شناخته شده علمی در جامعه وضع می نماید و در آنها حد و حدود فرد، گروه و تشکیلات را مشخص می نماید و وظایف هر کدام را مشخص می سازد تا جامعه ای قانونمند و افرادی قانونپذیر بوجود آیند و هر کس یا هر گروه سعی کند به حقوق دیگری تعدی ننماید و اگر با تکیه بر قدرت حزبی و تشکیلاتی خود بخواهند چنین کنند دولت شوکت و قدرت آنها را

درهم بشکنند و تعدی به هر شکلی را در جامعه از بین ببرد. در ایران امروزی متأسفانه گروههای مذهبی به نام حزب الله وجود دارند که در کمال حسن نیت فکر می‌کنند که آنچه آنها از دین می‌فهمند و آنچه فقه می‌گوید و روحانیون فرمان می‌دهند همان اسلام و همان شرع مقدس نبوی است و لذا هر کس خلاف نظر آنها حرفی بزند یا چیزی بنویسد با تکیه به قدرت تشکیلاتی و حمایت‌های سیاسی که از پشت پرده دریافت می‌کنند وی را یا از بین می‌برند، یا به جلسه سخنرانی او حمله می‌آورند یا به دفتر مجله وی هجوم می‌آورند و همه چیز را درهم می‌ریزند و رعب و وحشت در جامعه ایجاد می‌کنند.

همین روشهای غلط نیز از عوامل مؤثر در تضعیف باور مردم بوده است و علیرغم تلاش شدید این گروهها، و استفاده صددرصد روحانیت از رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات، جلسات دینی، منابر، مساجد و غیره در طول بیست سال گذشته برای تقویت ایمان مردم وقتی می‌بینیم علیرغم تمامی این روشها باز هم ایمان مردم ضعیف شده است آیا نباید در روش و شیوه تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر خود و در محتوای آنچه به نام فقه و دین می‌پنداریم شک کنیم و تلاش نماییم با مطالعه و تحقیق عمیق در آنچه باور داریم، نارسائی‌ها و احیاناً غلط بودن آنها را کشف و به فقه و باور درست که سازگاری با شرع مقدس داشته باشد و بیانگر حق‌های زمان و مکان و ضامن استقرار عدالت در تمامی زمینه‌ها باشد دست پیدا نمائیم.

● آيْنَ هَادِمُ اَبْنِيَةِ الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ

کجاست آنکه بناهای شرک و نفاق را در هم فرومی‌ریزد.

از وظایف حکومت حضرت قائم (عج) یکی نیز انهدام بناهای شرک و نفاق است دو آفت عمده‌ای که حکومت توحیدی را در خطر قرار می‌دهد یکی شرک است و دیگری نفاق که همان شرک خفی می‌باشد و براساس ظاهر این فراز از دعای ندبه حکومت دینی حضرت قائم (عج) که جایگزین حکومت شرک می‌شود باید بتکده‌ها و محل تجمع اهل نفاق را از بین ببرد تا این مؤسسات دوباره قدرت نگیرند و مردم را منحرف نسازند.

ولی اگر پرده‌ای را از ظاهر عبارت برداریم و به بناهای شرک و نفاق کمی عمیق‌تر نگاه کنیم کلیه نهادهایی است که در یک جامعه در مقابل حکومت توحیدی اسلامی قرار می‌گیرد. وقتی قرار است حکومت اسلامی براساس مطالعه علمی در تشخیص حق‌ها موفق باشد و وحی نیز حق‌های غیرتجربی را معرفی نماید و جامعه براساس حق‌ها به عدل و قسط دست پیدا کند و مردم به قسط عمل کنند و تعادل در کلیه زمینه‌ها آسایش و رفاه و تکامل مادی و معنوی، جسمی و روحی دنیوی و اخروی مردم را تضمین نماید، هر عقل سلیمی می‌پذیرد که بناها، نهادها، مؤسسات، گروه‌ها، تشکیلات، رسانه‌ها، مطبوعات، روزنامه‌ها، رادیوها، جلسات، شبنامه‌هایی که توسط افرادی که به حق تن نمی‌دهند و چنین جامعه‌ی سالمی را نمی‌پذیرند و منافع کثیف آنها در دنبال کردن باطل‌ها، و طبقاتی کردن

جامعه و به عدم تعادل در آوردن اقتصاد و سیاست است تا از آب گل آلود ماهی بگیرند و جامعه‌ی حق و عدل را درهم بریزند، باید از بین بروند و منهدم شوند، چه مؤسسات مذکور آشکارا از باطل حمایت کنند و چه در ظاهر از ترس از حکومت عدل توحیدی حمایت کنند و در باطن در مسیر براندازی آن و برقراری حکومت باطل اقدام نمایند یعنی چه نهادها مربوط به شرک باشد - دسته اول - و چه به نفاق یعنی دسته دوم، در هر دو حال باید از بین بروند چون نفع جامعه در این است.

وقتی حکومت عدل اسلامی براساس علم و وحی به حق‌ها و حدود و ثغور آنها دست پیدا کنند، چون این قانونمندیها برای هر امر یکی است لذا این خود یک جلوه از حکومت توحید است و مردم در حکومت عدل به وحدت نظر علمی می‌رسند و همین امر به وحدت نمی‌کند و جامعه چند دسته می‌شود که خود جلوه‌ای از شرک است. چه در زمان پیامبر(ص) از نظر تاریخی و چه از نظر آیات قرآن مجید روشن است که اسلام انسانها را برابر می‌داند و برتری را به تقوی می‌دهد و نه به رنگ پوست و حجم پول و امتیازات طبقاتی لذا اشراف با آن دشمنی می‌کردند و عبدالله اُبی که در مدینه قرار بود پادشاه شود ولی از ترس اسلام آورده بود با مشرکین همداستان بود و مسلمین را مسخره می‌کرد که آنها می‌خواهند با گرفتن انفاق و زکات، بردگان و فقرا را برابر آنها کنند و امتیاز طبقاتی از بین برود و امتیاز به تقوا و مفید بودن انسان برای دیگران جای آن را گیرد، او اولین منافق

است.

بر اساس آموزشهای اسلام برای هر کسی که یک مطالعه اجمالی در اسلام داشته باشد روشن است که سیستم سرمایه‌داری صنعتی در دوره ما، همان سیستم شرک سرمایه‌داران تجاری قریش است و هر کس این سیستم را قبول داشته باشد مشرک است و بر باطل قدم می‌گذارد و کسانی که به ظاهر دم از اسلام می‌زنند ولی سیستم سرمایه‌داری را قبول دارند و در باطن جامعه طبقاتی را آرزو می‌کنند منافق هستند. اصولاً کلمه انفاق در اسلام یعنی پر کردن شکاف بین فقیر و غنی اسلام از طریق اخذ انفاقات و صدقات، از تمرکز ثروت نزد عده‌ای معدود جلوگیری به عمل می‌آورد و به وسیله وجوه مذکور برنامه‌هایی را اجرا می‌کند که ریشه فقر در جامعه از بین برود و سرزمین اقتصاد اسلام یک‌نواخت باشد. به عبارت دیگر از کوه ثروتمندان برمی‌دارد و به دره فقرا می‌ریزد تا سرزمین اقتصاد یکنواخت شود.^(۱) اگر در جامعه‌ای اقلیتی ثروتمند بودند و اکثریتی فقیر آن جامعه اسلامی نیست.

حکومت اسلامی باید نهادهای جامعه شرک‌آلود سرمایه‌داری که اقشار جامعه را دسته دسته می‌کند و دشمنی و کینه طبقاتی بوجود می‌آورد و ارزشهای دینی و معنوی را نابود می‌کند چه به صورت

۱- این اصطلاح از مرحوم علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان است. علاقمندان می‌توانند در زمینه نظریات اقتصادی آن مرحوم در این زمینه به کتاب فلسفه اقتصاد اسلامی از نظر علامه طباطبائی تألیف این قلمزن مراجعه نمایند.

ظاهر (شرک) و چه به صورت پوشیده آن (نفاق) را منهدم سازد. لازم نیست در تخریب نهادهای مذکور ساختمانها نابود شود، کافیتست محتوای آنها، براساس حق، عدل، قسط و تقوا استوار گردد تا جامعه بر صراط مستقیم قرار گرفته کارها سامان یافته نعمت‌ها فراوان گردد. **الذین انعمت علیهم -**

تخریب محتوای این بناها از مجلس شورا که در آن قوانین سرمایه‌داری که جامعه را به دو بخش فقیر و غنی تبدیل می‌کند شروع می‌شود تا کلیه ادارات و نهادها و تشکیلات و دانشکده‌ها و غیره - اسلامی شدن دانشگاهها در این بعد مفهوم پیدا می‌کند -

«فساد به طور حساب شده از جانب سرمایه‌داران و قدرتمندان اقتصادی در یک جامعه آغاز می‌شود. آنها در پی نفع هرچه بیشتر خود هستند و کوشش دارند از طرق مختلف و غیرقانونی به مواهب بیشتر دست یابند... تحت شرایط کنونی ایران وقتی پول و ثروت باارزش شود و از یک طرف در انسانها نیاز به انواع کالا بوجود آید و همزمان درآمد انسان کاهش یابد و در نتیجه انسانها نیاز شدید به پول داشته باشند و از طرف دیگر امکانات برایشان فراهم نباشد و همه راههای مشروع بسته باشد و همچنین سیستم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیستم کنترل بیرونی تضعیف شود، آنها برای ارضاء نیازهایشان به راههای نامشروع روی می‌آورند. هرکس به تناسب پایبندیها و سیستم کنترل درونی‌اش دست به کارهای نامشروع با درجه نامشروعیت متفاوت می‌زند.»^(۱)

۱- از استاد رفیع پور در کتاب توسعه و تضاد

● اَيْنَ مُبِيْدُ اَهْلِ الْفُسُوْقِ وَالْعَصِيَانِ وَالطُّغْيَانِ

کجاست آنکه اهل فسق و عصیان و طغیان را نابود می‌کند

شرح - فسق یعنی بیرون شدن از فرمان خدا، خارج شدن از طریق حق و صلاح، ارتکاب اعمال زشت و ناروا (فرهنگ فارسی عمید) در این معنا اهل فسوق یعنی کسانی که در چهارچوب حق از نظر علمی و از نظر وحی عمل نمی‌کنند. یعنی امام زمان (عج) وقتی بناهای شرک و نفاق اعم از مجلس قانونگذاری، روزنامه‌ها و هر نهاد دیگری که شرک و نفاق را (مطابق آنچه در صفحه قبل آمد) تبلیغ می‌کنند خراب کرد (محتوای آنها را تغییر داد) نوبت می‌رسد به طرفداران این نهادهای باطل و غیرحق (از جمله سرمایه‌دان) که باید از طرق مختلف آنها را اصلاح کرد، از جمله بیل داد دستشان تا کارکنند و بفهمند که به زیردستان خود چه می‌کرده‌اند و آنها برای اینها چه رنجی می‌کشیدند و با کار چه دستی و چه فکری از وجود آنها در راه تحقیق پیرامون حق و شناسایی آنها (کار فکری) و چه به صورت عمل به حق‌هایی که در توان و تخصص آنهاست (کاریدی)، استفاده شود و دیگر به صورت اهل فسق نباشند و در آن بُعد نابود شده باشند نه اینکه بطور فیزیکی نابودشان کنیم، همانطور که نباید بناهای شرک و نفاق مثل ساختمان مجلس یا ساختمان فلان مجله و روزنامه مربوط به شرک و نفاق را تخریب کرد و صرفاً باید محتوای آن را در راه علم و حق و عدل و تقوی قرار داد.

اهل عصیان نیز کسانی هستند که از این که به حق عمل کنند

سرپیچی می‌کنند اینان نیز باید تأدیب شوند مثل اهل فسوق و اهل طغیان نیز نه تنها سرپیچی از حق می‌کنند بلکه علیه آن گردنکشی کرده، دست به اقدام نیز می‌زنند که باید با آنها نیز برخورد حذفی کرد که حذف محتوایی باشد نه فیزیکی، با قرار دادن آنها در کارگاههای تحت مراقبت ویژه و آموزش دادن آنها می‌شود اصلاحشان کرد.

امروزه متأسفانه اهل فسوق و عصیان و طغیان بسیاری از ما مسلمان هستیم که با عملکرد خود سیستم سرمایه‌داری را در کشور مستقر ساختیم و جامعه را به دو بخش اقلیت ثروتمند و اکثریت فقیر تقسیم کردیم و با فقیر کردن مردم ایمان آنها را نسبت به مذهب ضعیف نمودیم و با عمل کردن به باطل در زمینه اقتصاد و سیاست، عدم تعادل در بازارهای پول و کالا بوجود آوردیم و این عدم عدل و تقوی، بی‌ایمانی پاره‌ای از مردم را سبب شد که آن نیز به جرم و جنایت افزود.

لذا اغلب ما از حدود حق‌ها (چون اگرچه نیت پاک داشتیم حق‌ها را به طور علمی نمی‌شناختیم و لذا نتوانستیم به عدل عمل کنیم) تجاوز کردیم و اگر کسی نیز ما را نصیحت می‌کرد و انتقاد به سیاستها و عملکردهای ما می‌نمود از گفتار وی سرپیچی می‌کردیم و علیه وی یا آنها به اقدامات خشونت‌آمیز دست می‌آزیدیم و ظلم اقتصادی را به ظلم سیاسی نیز می‌کشاندیم. همین گسترش ظلم و ناتوانی مردم از دفاع از خود سبب می‌شد که همه بگویند انشاءالله امام زمان عج ظهور می‌کند و کارها را سامان می‌دهد که از جمله براساس دعای ندبه

یعنی اهل فسوق و عصیان و طغیان را از بین می برد.
 اینجاست که باید گفت یا ایها الذین آمنوا امنوا بالله - ای کسانی که
 ایمان آوردید، دوباره ایمان بیاورید بخدا و اصلاح کنید رفتارتان را. بسایید
 امام زمانی کار کنیم و نه تنها اهل فسق و عصیان و طغیان نباشیم بلکه
 با شناخت حقها و عمل به آنها اهل تقوای الهی گردیم.

● اَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ

کجاست آنکه گمراهی و دشمنی و عناد را از زمین برمی کند.
 شرح: غی یعنی گمراهی و ضلالت و شقاق یعنی دشمنی و نفاق و
 جدایی و شقه شقه شدن می گوئیم کجاست حکومتی که فروع و
 شاخه های گمراهی و دشمنی و جدایی را برکند. در از بین بردن ابنیه
 شرک و نفاق (از بین بردن نهادهای استثمارکننده و استعمارگرانه
 سرمایه داری) و اصلاح و از بین بردن اهل فسوق و عصیان و طغیان
 عده ای مقاومت می کنند و راه باطل و غیرحق را انتخاب می کنند و از
 جامعه جدا می شوند و به خرابکاری و کارشکنی می پردازند. اینها
 کسانی هستند که به امید بازگشت دوره طاغوت و داشتن زندگی های
 مترفانه و ظالمانه به قیمت فقر مردم، عیاشی کنند. حکومت امام
 زمان (عج) این شاخه های منحرف را از درخت اجتماع می برد و مانند
 اهل عصیان و طغیان با آنان عمل می نماید.

امروزه این گروه ستون پنجم دشمن در داخل کشور است که عدم
 آگاهی سبب عمل به باطل و دوری از حق در آنها نشده است (مثل
 اهل عصیان و طغیان) بلکه مزدور بودن، مأمور بودن، جاسوس بودن

و خلاصه ستون پنجم بودن آنها را به دشمنی واداشته است چون جزء گمراهان بوده‌اند، خود یا از نظام سرمایه‌داری هستند یا شیفته‌ی آن و یا منافع مالی در همکاری با دشمن دارند. اینها از نیروهای مسلط خارجی فرمان می‌گیرند و در راه گسترش علم و تحقیق به منظور کشف حق‌ها و عمل به آنها و استقرار عدل و قسط از این طریق و رسیدن به تقوی از هیچ‌گونه کارشکنی موزیانه کوتاهی نمی‌کنند.

حکومت حضرت قائم (عج) آنها را شناسائی کرده خلع ید نموده راه را برای استقرار حکومت عدل و قسط هموار می‌سازد.

● آئِنَ طَامِسٍ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ

کجاست آنکه آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود می‌سازد علاوه بر مبارزه با بناهای شرک و نفاق و ایادی مزدور اهل شرک و نفاق و عصیان و طغیان و غی و شقاق باید به بُعد فرهنگی سیستم باطل (سرمایه‌داری امروزی) نیز توجه داشت و آموزشها و افکاری که از آن دوره باقی مانده و بیشتر در مورد هواهای نفسانی و شهوات می‌باشد را از بین برد. مثل رمانهای کثیف، فیلمهای خلاف اخلاق، کتب منحرف‌کننده‌ی عقیدتی و ضد اخلاقی و...

امروزه ملاحظه می‌شود بعد از قریب بیست سال که از انقلاب می‌گذرد هنوز بین مردم اندیشه‌های باطل و هواهای نفسانی دوره‌ی طاغوت وجود دارد و پاره‌ای از پولدارها این هواهای نفسانی خود را با سفر به کشورهای غربی ارضاء می‌کنند. سؤال اساسی که مطرح است این پرسش است که چرا باید قریب دودهه هنوز حکومت

مسلمین ایران با چنین آثار زیغ و الاهوار و روبرو باشد. پاسخ این سؤال را باید در تداوم بخشیدن به سیستم اقتصاد شبه سرمایه داری دوره‌ی طاغوت دانست که در آن صنایع وارداتی و برنامه‌های توسعه وارداتی اقتصادی که رو و چشم به بیرون دارد از طریق صنایع مونتاژ وابستگی اقتصادی کشور را بخارج زیاد کرد و ارزشها را از معنویت به ثروت منتقل نمود و با تضعیف ایمان مذهبی مردم از طریق اجرای همین اندیشه‌ها و افکار سرمایه داری، پول دوستی، تجمل پرستی، پیروی از هواهای نفسانی و... باشند و اگر به ظاهر نتوانند در خفا فیلم‌های ضد اخلاقی و کتب منحرف کننده و کارت پستال‌های خلاف اخلاق را رد و بدل کنند.

تنها از طریق استقرار حکومت عدل و قسط اسلامی است که می توان این دردها را علاج نمود.

أَيْنَ قَاطِعٍ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ

کجاست آنکه دسیسه‌های دروغ و افتراء را از ریشه قطع خواهد کرد.

هنگامی که حکومت اسلامی عدل و قسط آفرین برقرار می شود، کسانی که اهل حق نیستند و اهل باطل هستند و منافع آنها در پیروی از باطل است چون در سیستم اقتصادی باطل مثل سرمایه داری مثلاً عده‌ای هر وئین تولید می کنند و پخش می کنند که مطابق حق بهداشتی و حق خانوادگی نیست و عده‌ای را معتاد می کنند و از این راه سودهای کلان ولی نامشروع به دست می آورند، حکومت عدل با این گروه و گروه‌های استثمارگر سودجو که انواع مختلف دارند

درمی افتد و آنها را به تولید حق که درست و مفید و لازم و ضروری است وادار می کند. عده‌ای از اینها بمنظور تضعیف چنین حکومتی انواع تهمت‌ها و دروغ‌ها را رواج می دهند که بصورت شایعه بین طرفداران پخش می شود. این افراد نیز باید چنان از بین بروند (محتوایی نه فیزیکی) که امکان چنین افتراها و دروغ‌ها وجود نداشته باشد.

مثلاً شایع می کنند که دولت، هروئین‌های جمع‌آوری شده را خود پخش می کند و پول به دست می آورد، یا حکومت خود تولیدکننده هروئین است، دولت کمونیست است، اینها همه از بیگانگانند، از بیگانگان دستور می گیرند، اینها منافق هستند اموال مردم را مصادره می کنند می فروشند و پولهای آن را در بانکهای خارج پس انداز می کنند. این قبیل شایعات تنها ابزاری است که گروههای باطل چون قدرت مقابله با حکومت عدل را ندارند مورد استفاده قرار می دهند که شاید حکومت تضعیف شود ولی از آنجا که این حکومت براساس عدل و فطرت و خیر عموم بنا می شود هیچ کدام از شایعات باطل در آن اثر ندارد و حق‌های اجتماعی وقتی عمل شود خود این دسیسه‌ها نیز به سبکی علمی نابود می گردد. البته این شایعات و دسیسه‌ها در هر زمان شکل زمان خود را خواهد داشت.

حکومت‌های باطل نیز برای از بین بردن طرفداران حکومت عدل، علیه آنها کذب و افتراء پخش می کنند، مثلاً می گویند فلائی کمونیست است، منافق است، التقاطی است عده‌ای معدود بیگانه پرست

هستند که آشوب می‌کنند و از این قبیل شایعات و افتراءات که چون حق و عدل حامی خداست این افتراءات و اکاذیب به ضدش بدل می‌گردد.

● اَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرْدَةِ

کجاست آنکه متکبران سرکش عالم را نابود می‌گرداند

در مقابل حکومت عدل نه تنها اهل فسوق، عصیان، طغیان، غی و شقاق می‌ایستند بلکه عتاة و مَرْدَة نیز با حکومت حق به ستیز برمی‌خیزند. اینان متکبرین و صاحبان زر و زور و تزویر هستند که دعوت حکومت حق را رد می‌کنند و به مقابله با آن می‌پردازند.

امروزه متکبران و مَرْدَة و ردکنندگان حکومت عدل اسلامی عبارتند از سرمایه‌داری غرب و شرق عالم که نمی‌توانند ببینند یک حکومت حق و تقوی در یک کشور بوجود آید.

چرا که این کشور نمونه سبب می‌گردد مردم جهان آن را الگوی خود ساخته بندهای اسارت اقتصادی خود را از شرکتهای چندملیتی که سود کثیف خود را در غارت منابع کشورهای تحت سلطه تأمین می‌کنند پاره کنند و سرمایه‌داری جهانی به مرگ محتومش برسد. لذا متکبرین عالم به خاطر حفظ منافع خود، نه تنها از برپایی یک حکومت عدل و حق جلوگیری به عمل می‌آورند بلکه از طرح مباحث اقتصادی و سیاسی در این مسیر نیز لرزه بر اندامشان می‌افتد و این قبیل مباحث را در نطفه خفه می‌کنند. برای مثال دولت آمریکا سالیانه بودجه‌ی کلانی را به مؤسسات تحقیقاتی و انتشاراتی در

عربستان و سایر کشورهای وابسته می دهد تا کتب اقتصاد اسلامی به سبک سرمایه داری تألیف و چاپ و منتشر نمایند که اگر در جایی حکومت اسلامی برپا شد اقتصاد خود را به گونه ای تنظیم کند که منافع سرمایه داری جهانی بخطر نیفتد. و مبالغ هنگفتی را خرج می کند تا تئوریسین های وابسته دور جهان بگردند و تئوریهای را تنظیم و چاپ و نشر دهند که اصولاً اسلام نباید حکومت تشکیل دهد و کار دین با کار دنیا جداست و دین و سیاست از هم جداست و کار دنیا را دنیا داران باید انجام دهند یعنی متخصصین از همان قماش که آمریکا و سرمایه داری جهانی تربیت کرده است که وقتی سیاست اقتصادی تنظیم و برنامه عمرانی می نویسند به گونه ای باشد که مردم جهان سوم فقیر شوند و یک عده سرمایه دار غول پیکر فربه تر گردند.

● أَيْنَ مُسْتَاوِلٍ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ

کجاست آنکه اهل عناد، گمراهی و الحاد را از بین می برد.

گروهی از مردم یا حکومتی که با حق دشمنی دارد و مردم را به بیراهه می کشاند و بی دینی را رواج می دهد باید از بین برده شود و این از وظایف حکومت عدل اسلامی است. ولی اگر حکومتی به نام اسلام تشکیل شود و هنوز عدالت را در تمامی زمینه ها مستقر نساخته و مزه ی عدل و قسط را به مردم نچشانده است، مخالفین خود را از دم اعدام کند که اینها اهل عناد، تضلیل و الحاد هستند، این عمل به ضد خودش تبدیل می شود و حکومت کسی را ماند که بر شاخی نشسته و آن را از بن اره می کند. چرا چون وقتی حق ها تشخیص داده

شوند، و به آنها عمل شود، و عدل و قسط در کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مستقر گردد آنوقت مردم به آن روی می‌آورند و کسی اهل عناد و تضلیل و الحاد باقی نمی‌ماند، وقتی گروهی با چنین حکومت عدل به عناد و گمراه کردن مردم و ترویج بی‌دینی پرداخت موجب آگاهی دادن یعنی نابودی محتوایی می‌باشد و چنانکه ممکن نیامد و به اقدامات همچنان ادامه می‌دادند استیصال بیمارانی که عدالت را بر ظلم ترجیح می‌دهند به نفع جامعه است. یعنی آنها را مستأصل نمودن و از همه چیز ساقط کردن که نتوانند به عناد و گمراه کردن و ترویج الحاد بپردازند، در محیط‌ها و مزارع تحت مراقبت ویژه و در تبعیدگاهها به کار واداشتن و از انرژی آنها به نفع خودشان و دیگران بهره‌جستن.

● اَيْنَ مُعْرِضٍ الْاَوْلِيَاءِ وَ مَذِلُّ الْاَعْدَاءِ

کجاست آنکه دوستان خدا را عزیز و دشمنان خدا را خوار می‌گرداند

در جامعه عدل اسلامی دوستداران حکومت عدل عزیز می‌شوند و دشمنان خوار می‌گردند. این می‌رساند که اگر حکومتی به نام اسلامی بود و در آن علاقمندان و مروجین عدل و قسط به انزوا کشیده شدند، به زندان افتادند، اعدام شدند، تبعید شدند، به فقر کشیده شدند، مستأصل شدند، خوار شدند اموالشان مصادره شد، پروانه کسب و کارشان توقیف شد و دهها مشکل دیگر که حکومت‌های ظالمانه برای طرفداران حق و عدل بوجود می‌آورند آن حکومت اسلامی نیست و طاغوتی است اگرچه نامش اسلامی باشد. و به هر

درجه که این روند معکوس شود به اسلامی شدن حکومت افزوده می‌گردد.

از آنجا که تشخیص حق‌ها، کار دانشمندان، محققین، روشنفکران، نویسندگان و خلاصه صاحبان تخصص و مهارت است و همچنین کار وحی شناسان حق شناس است که به اینها می‌گویند صاحبان سرمایه انسانی، باید گفت که در حکومت عدل اسلامی بجای اینکه صاحبان زر یعنی صاحبان سرمایه واقعی عزیز باشند، صاحبان سرمایه انسانی عزیز هستند.

پیامبر(ص) می‌فرمود می‌ترسم که غیرمسلمانان به اسلام بیشتر عمل کنند و ما امروز شاهدیم که در آمریکا چقدر به صاحبان سرمایه انسانی بها می‌دهند به گونه‌ای که تمامی آنها از بالاترین سطح زندگی برخوردارند و بهمین جهت متخصصین دنیا را بخود جذب کرده است - می‌گویند بیشتر رقم واردات آمریکا مغز است و بیشترین درصد این واردات از قاره آسیا می‌باشد - فرار مغزها در کشورهای جهان سوم از جمله ایران به همین دلیل است. در زمان حضرت قائم(عج) این روند نابود می‌شود.

● أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى

کجاست آنکه (تفرقه‌ها را از بین می‌برد) و تمامی حرفها را گیرد تقوی جمع می‌کند و لذا جامعه را به وحدت می‌رساند.

باتوجه به آنچه ما در معنای واژه‌ی تقوی در فصل اول این کتاب آوردیم، حکومت حضرت قائم(عج) تئوریهای اقتصادی، سیاسی،

اجتماعی و غیره را بر پایه تقوی بنا می‌کنند. همه راهها به تقوی ختم می‌شود. وقتی حق‌ها تشخیص داده شوند (بوسیله علم و وحی) و به آنها عمل شود، عدل و قسط مستقر می‌گردد و کارها به تعادل می‌رسد و امور سامان پیدا می‌کند و انسان و محیط زیست انسان روابط انسان با انسان و با هستی سامان پیدا می‌کند و همه چیز از زوال و نابودی محافظت پیدا می‌کند که این یعنی تقوای الهی، محافظت نفس‌ها به گونه‌ای که انسان در جامعه‌ای سعادت‌مند زندگی می‌کند که تکامل افقی و عمودی، دنیوی و اخروی وی تأمین می‌گردد بار دیگر جملات حضرت علی (ع) در نهج البلاغه را در این زمینه مرور کنیم:

[«بندگان خدا بدانید که اهل تقوی (پرهیزکاران) هم نقد دنیا را دارند و هم نسیه آخرت را، آنها با اهل دنیا در دنیاشان شرکت کردند ولی اهل دنیا از آخرت آنها بی نصیب ماندند. پرهیزگاران در دنیا به بهترین وجهی سکونت گزیدند و با بهترین وجهی از خوردنیهای دنیا خوردند، همان بهره‌ای که دنیاپرستان از دنیا می‌گیرند آنها نیز گرفتند و نصیبی که گردنکشان از دنیا می‌برند آنها نیز بردند، با این تفاوت که پرهیزکاران طوری از دنیا بهره گرفتند و در آن راه رفتند که زیانی متوجهشان نمی‌شود.^(۱) لذت بی‌رنج و خوراک بی‌دردسر و پوشاک بی‌عذاب از دنیا گرفتند زیرا با ملاحظه و تقوی کار کردند برخلاف ناپرهیزگاران که برای

۱- در سیستم سرمایه‌داری جهانی هرچند سال یکبار رکود عظیم یا رکود همراه با تورم بوجود می‌آید و کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی ورشکستگی کشیده می‌شوند و بیکاری و تورم مردم را می‌آزارد، چرا که براساس حق، عدل و تقوی حرکت نمی‌کنند. این کلام مولا علی علیه السلام در هزار و پانصد سال قبل اگر معزه نیست پس چه نامی دارد؟

خوردن یک لقمه و بردن یک بهره هزاران آفت جسمی و روحی و بلای تن و جان برای خویش پیش می‌آورند. بعداً پرهیزکاران از این دنیا رخت بر بستند با توشه‌ی کاملی که آنها را به مقصد سعادت جاوید برساند از اعمال نیک و صفات خوب و روح پاک...»

بنابراین آدم عاقل متدین باید همواره مقید و مراقب باشد، در زندگی برای خود راهی معین کند که موافق دین و عقل باشد و در هر مورد آنچه شایسته است بکند که این مقتضای حکمت است. حکمت یعنی آنچه عقل صحیح درک می‌کند و به آن امر می‌کند. حکمت در علم یعنی دانستن هرچیز چنانچه هست (شناخت حق از طریق علم.م)، و حکمت در عمل یعنی انجام هر کار چنانچه شایسته و سزاوار است.^(۱)

۱- آنچه در [...] آمده است از صفحه ۴۲ و ۴۳ کتاب سخنرانیهای راشد چاپ ابن سینا، جلد چهارم، چاپ اول، شهریور ۱۳۳۲ نقل شده است.

جور قبل از ظهور

براساس آیات و احادیث نشان دادیم که یکی از مهمترین اهداف ارسال رسل و انزال کتب آسمانی و از عمده‌ترین وظایف حکومت حضرت قائم (عج) پرکردن زمین از قسط است همانطور که قبلاً از جور (ظلم اقتصادی) پر شده باشد.^(۱)

در این فصل مروری خواهیم داشت به ظلمهای اقتصادی شایع قبل از ظهور حضرت قائم (عج) که با قیام و در حکومت ایشان آنها از بین خواهد رفت و بجای آن روابط قسط‌آمیز برقرار خواهد شد. نه اینکه آنها از بین برود و بجای آنها روابط ظالمانه‌ی دیگری جایگزین گردد. مثل آنچه بعد از فروپاشی حکومت پهلوی و استقرار جمهوری مذهبی در ایران اتفاق افتاد.

۱- درآمد شوهر مخارج همسران (همسر و فرزندان) را کفایت نکند. امروزه این علامت وجود پیدا کرده است و تا ظهور حضرت قائم نه تنها ادامه خواهد یافت بلکه شدت بیشتری نیز پیدا می‌کند و وجود تورم بهای کالاهای مصرفی مردم و عدم افزایش درآمدهای آنان به

۱ - سفینه النجاة - علائم ظهور ناظم الاسلام منتخب التواریخ به نقل از بحار

نسبت تورم (حداقل) سبب می‌گردد که هر کس احساس نداری کند و به چند کار مشغول شود. برای مثال از صبح تا سه بعد از ظهر در اداره کار می‌کند و بعد از آن تا نیمه شب به مسافرکشی می‌پردازد. و با تن و روانی خسته بخانه می‌آید در حالیکه تمام درآمد وی نمی‌تواند تمام نیاز معمول خانواده‌ی وی را تأمین نماید. علت اصلی این امر یکی استثمار است یعنی غارت نتیجه دسترنج کارگر و کارمند و دیگری استعمار است یعنی غارت منابع طبیعی یک کشور جهان سومی توسط بیگانگان.

در داخل کشورهای صنعتی نیز شدت استثمار از کارگران سبب می‌شود که فقر آنان را نیز بیازارد. در چند سال گذشته یک آمریکایی سیاه‌پوست فرزند یک ثروتمند را ربود و از وی خواست تا در ازاء آزادی فرزندش یک کامیون ساندویچ در محله‌ی فقرا توزیع کند. هر جا سیستم سرمایه‌داری وجود داشته باشد استثمار کارگران سبب افزایش سود سرمایه‌داران و نداری و فقر کارمندان و کارگران می‌شود.

در آینده سرمایه‌داری به دوران پیری خود می‌رسد و برای تأمین سود بیشتر ناچار است به درجه استثمار کردن و غارت دیگران بيفزاید. و همین امر سبب می‌گردد تا یک مرد نتواند خرج خانواده‌اش را تأمین نماید در چنین حالتی است که قائم آل محمد (ص) قیام می‌کند و مردم را به عدل و قسط نوید می‌دهد و مردم به ستوه آمده به او لبیک خواهند گفت و انقلاب گستر مهدی (عج) موفق خواهد شد.

۲- ثروتمندان توشه‌ی فقرا را می‌دزدند^(۱)

این فکر که به غلط منتسب به مارکس شده است در فرهنگ اسلامی که هزار سال قبل از مارکس وجود داشته است ریشه دارد. در نهج البلاغه حضرت علی (ع) نیز داریم که هیچ ثروتی انبوه نمی‌شود مگر در آن حق فقرا مستتر باشد. به عبارت دیگر در زمان ظهور حضرت قائم (عج) سیستم اقتصاد سرمایه‌داری وجود خواهد داشت و حضرتش علیه این سیستم قیام خواهد کرد. چون یکی از مشخصات این سیستم استثمار طبقه کارمند و کارگر به منظور به حداکثر رسانیدن سود سرمایه‌داران است که این یعنی غنی‌سازی اقلیتی سرمایه‌دار و فقیرسازی توده‌های مردم صاحب نیروی کار. در قرآن مجید نیز آمده است که: *و فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم یعنی در حق ثروتمندان حق معلوم برای فقیر و محروم وجود دارد.*

با این روحیه ضد سرمایه‌داری اسلام واقعاً جای تعجب است که چگونه‌ای عده‌ای متدین (ظاهراً) از نظام سرمایه‌داری حمایت می‌کنند. این نیست مگر اینکه منافع اقتصادی آنان در ابقای این سیستم تأمین می‌گردد.

۳- کم‌فروشی می‌کنند و خداوند گران‌ی و سختی بر آنها وارد می‌سازد^(۱)

در واقع در این حدیث علت گرانی و تورم بیان شده است. تورم یعنی گرانی پی‌درپی و به دو علت به وجود می‌آید. یکی را دلیل فشار هزینه و دیگری را دلیل فشار تقاضا می‌نامند. فشار هزینه وقتی است که هزینه تولید افزایش پیدا کند. مثلاً دستمزد کارگران یا بهای عوامل تولید، مثل بالا رفتن بهای بنزین و سوخت افزایش پیدا می‌کند. در این شرایط تولیدکننده این افزایش هزینه را می‌کشد روی قیمت و مصرف‌کننده مجبور می‌شود کالای موردنیاز خود را گران‌تر تهیه نماید. در مورد افزایش تقاضا نیز اگر عرضه کالا کمتر از تقاضای آن باشد فروشنده به کسی کالای خود را می‌فروشد که بهای بیشتری پرداخت می‌نماید و لذا قیمت‌ها گران‌تر و گران‌تر می‌شوند.

در هر دو مورد فوق یک واقعیت نهفته است و آن اینکه یکنفر کم‌فروشی می‌کند. یعنی بهای کالا را بالاتر از بهای پول که در ازاء آن پرداخت می‌شود قرار می‌دهد.

۴- زکات را به مستحق ندهند^(۲)

در اینجا زکات عبارتست از یکنوع درآمد دولت که باید خرج تأمین زندگی فقرا شود. و امروزه به آن مالیات می‌گویند.

۱- عقاب الاعمال صفحه ۳۰

۲- م. ق.

زکات چیست؟

برای تولید هر کالا و خدمت سه نوع کار دست به دست هم می دهند یکی کار جاری دیگری کارالله و سومی کار گذشتگان.

۱- کار جاری که همان کار نیروی کار شاغل است

۲- کارالله که عبارتست از سهم طبیعت در تولید

۳- کار گذشتگان که به صورت سرمایه در خدمت تولید است.

از آنجا که عدالت اقتضا می کند هر کس صاحب نتیجه ی کار خود باشد لذا باید حسابداران صنعتی محاسبه کنند که در تولید یک محصول معین سهم کار جاری چقدر است - که متعلق به تولیدکننده است و سهم کارالله و کار گذشتگان باید محاسبه و بصورت زکات از تولیدکننده اخذ شود. این سهم در اختیار دولت اسلامی قرار می گیرد تا اگر به علت غلط بودن سیستم توزیع - نقص علوم قبل از مرحله علوم کامله - به پاره ای از مردم درآمد مکنی نرسید از محل زکات به آنان درآمد انتقالی پرداخت شود به حدی که نیاز متعارف اجتماعی آنان را ارضاء نماید و در سطح استاندارد معمول جامعه از یک زندگی مرفه برخوردار شوند.

به همین دلیل گفته اند زکات یعنی پاک کردن مال از حق غیر. یا پاک کردن مال از سهم کارالله و کار گذشتگان که مال مجهول المالک تلقی می شود.

بنابراین وقتی زکات به مستحق داده نشود فقیر در جامعه فراوان می گردد و فقرا زمینه ی گسترش نارضایتی و قیام علیه نظام موجود را

بوجود می آورند که اگر در زمان حضرت قائم (عج) باشند گویی از سربازان حضرت مهدی خواهند بود که حافظ می گوید:

گر می فروش حاجت رندان روا کند

ایزد گنه ببخشد و دفع بلا کند

ساقی به جام عدل بده باده تا گدا

غیرت نیاورد که جهان پربلا کند

۵- حرام را سود و زکات را زیان دانند^(۱)

در جامعه‌ای که رباگرفتن را سود بنامند (مثل بانک‌های امروزی ما) و پرداختن زکات را منسوخ قلمداد کنند چون پرداخت درست آن را زیان دانند، گرفتاریهای اقتصادی مردم از محل تورم، فقر، اختلاف طبقاتی، انحرافات اخلاقی و غیره به حدی می شود که قیام مهدی عج را طلب می کند.

۶- با شریکان به خیانت معامله کنند^(۲)

وجود ایمان سبب می گردد که هر کس خدا را ناظر رفتار خود بداند و برای کار بد خود کیفر الهی را باور داشته باشد و به همین دلیل دست از پا خطا نکند و در تمامی زمینه‌ها خصوصاً در رابطه با شریک خود در کار و کسب و فعالیت‌های اقتصادی صادقانه رفتار نماید و خیانت نکند. بنابراین اخلاق وقتی از اقتصاد دور شد - اقتصاد

۱- م. ق

۲- م. ق

سرمایه‌داری افتخار می‌کند که با اخلاق کاری ندارد - خیانت به شریک زیاد می‌شود و این امر سبب ورشکست شدن واحدهای تولیدی و گسترش بیکاری و فقر و ایجاد تورم و سایر بلاهای اقتصادی و از آنجا گسترش انحرافات اخلاقی می‌شود و جامعه را به چنان فساد می‌کشاند که جز با قیام یک مصلح، امور سامان پیدا نکند

۷- مدح را به مال طلب کنند^(۱)

افرادی هستند که شایستگی مدح شدن ندارند چون از وجود آنها جز شر برای مردم چیزی حاصل نشده است ولی چون مادحین خود را با پول می‌نوازند، قلم به مزدان و شعرفروشان در نعت آنان چه کاغذها که سیاه نمی‌کنند.

۸- مال را برای غناء انفاق نمایند^(۲)

بسیارند افرادی که نه اعتقاد به دین دارند و نه اعتقاد به انفاقات ولی صرفاً بخاطر اینکه روحانی ده و شهر و امام شهر و امام جمعه و غیره او را به دینداری و دست خیر داشتن بشناسند، انفاقاتی انجام می‌دهد که نیت نفس خود انفاق نیست بلکه سوءاستفاده‌هایی است که از قبیل این انفاقات خواهد بُرد. برای مثال وقتی به خیر بودن معروف شد از امام جمعه معرفی نامه دریافت می‌کند تا موافقت اصولی در تأسیس یک کارخانه به او بدهند یا از فلان روحانی وکیل

۱- م. ق.

۲- م. ق.

مجلس نامه می‌گیرد که از صدها میلیون تومان مالیات معاف شود و یا از عوارض گمرکی میلیاردی معاف گردد و از این قبیل درآمدهای ناشی از خوشنامی در دادن انفاقات، در حالیکه بیش از چند میلیون انفاق نکرده چند میلیارد درآمد نامشروع از قبیل آن بدست می‌آورد. این رفتارهاست که به تورم و از آنجا به فقر می‌انجامد و فشار فقر خود قیام مهدی (عج) را طلب خواهد کرد خصوصاً وقتی که جهان پر از ظلم و جور شود.

۹- به سبب اشتغال به دنیا از آخرت بازمانند^(۱)

یکی از بدبختیهای نظام سرمایه‌داری جهانی اینست که از منبع وحی آسمانی اسلام بدور بوده و لذا به انحراف کشیده شده است و نظامی را برقرار کرده که همواره در بی‌تعادلی ذاتی به سر می‌برد. علت وجود عدم تعادل در اقتصادیات غرب صنعتی این است که اقتصاد را از اخلاق جدا کرده می‌گویند در اقتصاد نباید اخلاق دخالت کند. به عبارت دیگر دنیا را از آخرت جدا کرده است. آخرت را روزهای یکشنبه در کلیسا می‌جویند و دنیا را سایر روزهای هفته در بازار و کارخانه و مزرعه و دانشگاه و بیمارستان و غیره.

ولی اسلام یعنی قرآن و وحی الهی به مسلمانان یاد می‌دهد که دنیا و آخرت دو رویه‌ی یک سکه است و نباید از یکدیگر جدایشان کرد. قرآن می‌فرماید: ربنا آتنا فی الدنيا حسنه و فی الآخرة حسنه و قنا عذاب النار

و بزرگان ما یادمان داده‌اند که در قنوت نماز هر روز چندین بار این عبارت را بخوانیم و تکرار کنیم تا یادمان نرود که باید اگر حسنه در دنیا را طلب می‌کنیم حتماً همراه باشد با طلب حسنه در آخرت و اگر این دو با هم باشد از عذاب آتش در امان خواهیم بود.

یکی از این عذابهای سوزاننده وجود تورم و فقر و فحشا در جامعه است که همه زاییده رژیم سرمایه‌داری یا شبه‌سرمایه‌داری است که به دنیا می‌پردازد و از آخرت غافل میماند.

در قرآن مجید همواره صلوة با زکوة آمده است. هر جا قرآن می‌فرماید «یتیمون الصلوة» کنارش دارد و «یؤتون الزکوة» یعنی دنیا و آخرت باید با هم طلب شود. به عبارت دیگر باید اقتصادیات با اخلاقیات همراه شود. وقتی اخلاق مردم و ایمان و وجدان و خداترسی آنان بالا رفت دیگر یکدیگر را استثمار نمی‌کنند، سر یکدیگر کلاه نمی‌گذارند، یکدیگر را غارت نمی‌کنند، گران نمی‌فروشند از مرغوبیت کالا نمی‌زنند تا سودشان بالا رود از دستمزد کارگر نمی‌دزدند تا سودشان به حداکثر برسد و قس علیهذا

۱۰- به توانگران احترام کنند^(۱)

جامعه روز به روز به دنبال افزایش جمعیت بزرگ می‌شود و همپای آن باید مغز جامعه بزرگ شود. لذا باید در جامعه کاری کرد که نسل جدید به علم و دانش گرایش پیدا کند و هرچه متخصص زیاد

شود مغز جامعه بزرگ‌تر می‌شود. یکی از راههای جلب نسل جدید به علم، احترام به علماء و دانشمندان است. ولی روال ظالمانه آنست که به ثروتمندان و زورمداران احترام شود و نسل جدید گرایش به کسب پول پیدا کند اگرچه از راههای نادرست مثل دلالی و فعالیت در بازار سیاه باشد که جنس را از این طرف بخرند و احتکار کنند و وقتی گرانتر شد بفروشند و از دهها راه خلاف مصالح عموم ثروت خود را زیاد کنند تا مورد تکریم همگان باشند. پیامبر (ص) فرمود خدا لعنت کند کسی که شخصی را به لحاظ ثروتش احترام کند. این به چند دلیل است یکی آنکه از احترام گذاشتن به علماء غافل می‌شود و دیگر اینکه هیچ ثروتمندی نیست مگر از طریق استثمار دیگری پول روی پول گذاشته باشد و به قول قرآن مجید «و فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم» یعنی در ثروت آنان حق آشکار فقرا و محرومین نهفته است. و کسی که با ستم به دیگری خود را ثروتمند نموده است قابل احترام نیست.

این علائم همان آموزشهایی است که وحی دربارهی حق‌های اجتماعی و سیاسی به ما آموزش می‌دهد. که منکرات اقتصادی از جورهای متداول در جامعه است و حضرت مهدی (عج) به منظور از بین بردن آن قیام می‌کند و با محور این جورها و استقرار قسط (عدل اقتصادی) تعادل به اقتصاد جامعه برمی‌گردد و دیگر خبری از تورم، رکود، فقر و نداری، ورشکستگی، و خودکشی و دیگرکشی و سایر مفاسد اخلاقی نخواهد بود.

۱۱- زنان در بازرگانی شرکت خواهند کرد^(۱)

برای زن تربیت فرزند چه در خانه و چه در مدرسه و یا کارهایی مثل پزشکی و انجام خدمات مفید اجتماعی متصور است. ولی در سیستم سرمایه‌داری به علت سرقت دستمزد کارگران توسط سرمایه‌داران و یا سرقت حقوق کارمندان توسط سرمایه‌داران داخلی و خارجی از طریق تحمیل نرخ‌های تورم بالا بر و حقوق‌های ثابت آنان، زنان مجبور می‌شوند در کارهای مبادله و بازرگانی شرکت کنند.

در دوره‌ی جنگ ایران و عراق، بسیاری از زنان چادری از اقشار آسیب‌پذیر در سرمای زمستان مجبور بودند صبح زود به سازمان گوشت بیایند در صفهای بلند منتظر بمانند و گوشت بخرند و تا غروب در کنار خیابانهای اطراف سازمان گوشت به امید فروش آنها به رانندگان اتومبیلهایی که فرصت آمدن به سازمان گوشت و یا حوصله‌ی ایستادن در صف انتظار را نداشتند می‌ایستادند.

وقتی به علت درآمد ثابت و نرخ تورم بالا مرد خانه نتواند هزینه خانواده را تأمین کند دیده شده است که زنان به ناچار به کار دلالی و واسطه‌گری خرید و فروش کالاهای ضروری می‌پردازند و یا بخارج سفر می‌کنند و لباس می‌خرند و می‌آورند و به این و آن می‌فروشند. تمامی این کارها نه تنها از وقت رسیدگی به فرزندان و تربیت درست آنان می‌کاهد بلکه در پاره‌ای از موارد سبب انحرافات اخلاقی و

اجتماعی نیز می شود.

۱۲- مستمندان را پست می شمارند^(۱)

چقدر بی خردی است که عده‌ای در نظام سرمایه‌داری که دارای شبکه توزیع غلط درآمد ملی است پولدار می شوند و این ثروتمند شدن آنان در نتیجه‌ی راهکارهای استثمار نیروی کار مستمندان است که نظام سرمایه‌داری در اختیار سرمایه‌داران قرار می‌دهد و این ظالمان وقتی انسانی را غارت کردند و وی را فقیر ساختند به این دلیل که گویا شعور کافی نداشته والا مثل آنان ثروتمند می‌شده او را دست کم می‌گیرند.

در اسلام و قرآن مجید می‌فرماید بهترین و گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شما است و چون سرمایه‌دار جز از طریق استثمار و ستم سرمایه‌دار نشده است بنابراین نزد خداوند ارج و قرب و احترام ندارد و لذا، باید پست شمرده شود ولی در نظام سرمایه‌داری وضع برعکس است و مظلوم پست و ثروتمند محترم شمرده می‌شود. غافل از اینکه بارها پیامبر(ص) فرمود خدا لعنت کند کسی که به ثروتمندی بخاطر ثروتش احترام کند.

۱۳- بازارها به هم نزدیک می‌شوند^(۲)

نزدیک شدن بازارها از تکرار دادوستدها حکایت می‌کند یعنی

۱- م. ق

۲- م. ق

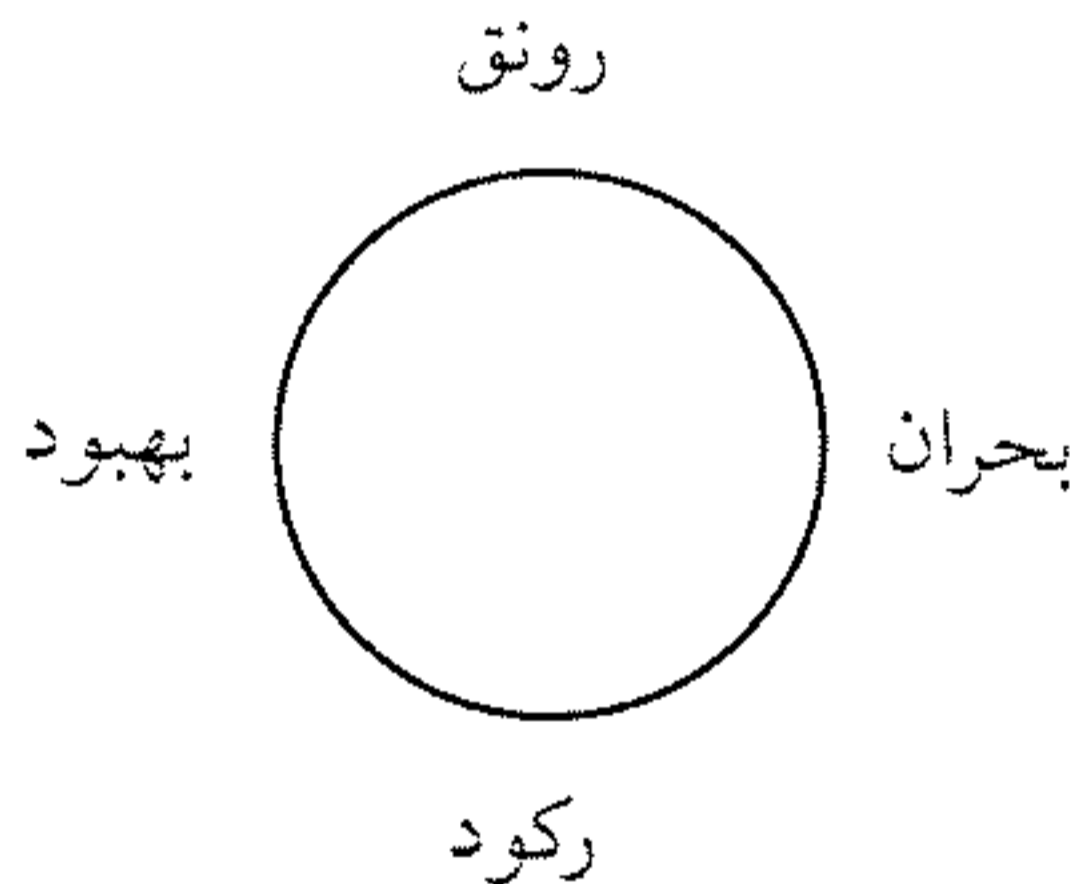
دلالتی‌های تکراری و مضر که نیروهای انسانی را به کاری وامی دارد که تولید جدید ندارد و با خرید یک کالا و فروش آن به دیگری و تکرار همین امر توسط دیگران به قیمت کالای مذکور افزوده می‌شود و این افزایش قیمت همان هزینه زندگی دلالان و واسطه‌های فروش کالای مورد نظر است.

در اسلام اساس تولید است یعنی باید نیروهای انسانی در امر تولید کالاها و خدمات مشغول باشند و یک ابزار نیز وجود داشته باشد برای مبادله کالاهای تولیدشده، ولی در نظام سرمایه‌داری یک کالای معین تولید می‌شود و بازارها گسترش می‌یابد که همین یک کالا را از این دست بخرند - فروشندگان از یکدیگر - و به آن دست بفروشند و درصدی روی قیمت آن بکشند - هزینه زندگی خود را - و به یک دلال یا فروشنده‌ی دیگر بفروشند و وقتی مصرف‌کننده‌ی نهایی از آخرین فروشنده کالای مذکور را می‌خرد قیمتی بسیار بالا را تحمل نماید.

این تلف کردن نیروهایی که باید به امر تولید مفید می‌پرداختند در کارهای دلالتی مکرر و بالا بردن کاذب قیمت‌ها ظلم اقتصادی - جور - تلقی می‌شود که ظهور حضرت مهدی (عج) را طلب می‌نماید.

۱۴ - یکی گوید سودی نبرده‌ام و دیگری می‌گوید فروش نداشته‌ام و خدا را مذمت می‌کنند^(۱)

آری در سیستم سرمایه‌داری از یک در سود وارد می‌شود و از در دیگر خدا را خارج می‌کنند وقتی سود کم می‌شود از روی نادانی خدا را بنده نیستند و به زمین و زمان ناسزا می‌گویند. اصولاً زائیده‌ی سیستم سرمایه‌داری رکود هست و بیکاری و این دو یعنی خرید کم‌تر و کاهش سود. به این می‌گویند سیکل تجاری یا نوسانات بازرگانی و در طول عمر سرمایه‌داری هرچند سال یکبار این سیکل که اگر آنرا به صورت دایره رسم کنیم به شکل زیر است اتفاق افتاده است



یعنی ابتدا دوره‌ی رونق است، بعد دوره‌ی بحران رخ می‌نماید، سپس دوره‌ی رکود آغاز می‌گردد و بعد از آن دوره‌ی بهبود شروع می‌شود و پس آنگاه دوباره دوره‌ی رونق بوجود می‌آید. و هر یک از این چهار مرحله چندین سال به طول می‌انجامد و این بیماری مثل سرطان سرمایه‌داری بوده هنوز برایش راه علاج بوجود نیامده است. از نظر ما وجود ربا و سود در این سیستم عامل عمده‌ی ظهور این نوسانات است در هر زمانی که مرحله رکود می‌رسد همه‌ی کارخانه‌ها

با مشکل مالی روبرو می‌شوند و بسیاری از آنها ورشکست شده، جمعیت‌های انبوه بیکار می‌شوند و سود تنزل پیدا می‌کند. در واقع وجود بی‌عدالتی در نظام سرمایه‌داری سبب پیدایش عدم تعادل در آن است.

همین بی‌عدالتی است که ظالمان این سیستم را بخاک سیاه می‌نشانند. ولی آنان از روی نادانی به خدا ناسزا می‌گویند که اگر بودی اینگونه نبودی.

از جنبه‌ی عرفانی، گناه یعنی ظلم به زیردستان که به صورت استثمار کارگران و کارمندان است سبب می‌گردد که ایمان سرمایه‌داران به خداوند کم شود و درگیتی امروزه چنین است که هر چه پولدارتر می‌شوند ایمانشان ضعیف‌تر می‌گردد (و استثنائات در همه جا وجود دارد). به عبارت دیگر ناسزاگویی دین و خدا جزء لایتجزای نظام سرمایه‌داری است و قرآن مجید این را بیان داشته می‌فرماید

ویل لكل همزة لمزه الذي جمع مالا و عدده....

یعنی وای بر هر مسخره‌کننده‌ی دین همانکسی که مال می‌اندوزد و آن را می‌شمارد...

به مرور زمان نظام سرمایه‌داری گسترش پیدا می‌کند و تضادهای درون آن [یعنی وجود همین رابطه‌های ظالمانه که به قیمت کاهش دستمزد کارگران، سرمایه‌داران سود خود را بالا می‌برند و یا از طریق بالا بردن قیمت کالاهای مصرفی کارگران و کارمندان از ارزش دستمزد

و حقوق آنان می‌کاهند و به سود خود می‌افزایند] شدت و حدت پیدا می‌کند و ناسزاگویی به خداوند و بی‌دینی رواج می‌یابد. و ظهور حضرت مهدی (عج) برای از بین بردن چنین جوری ضروری می‌گردد تا با از بین بردن نظام سرمایه‌داری، قسط را مستقر سازد.

۱۵- قومی بر مردم حکومت می‌کنند که اگر مردم سخن گویند آنان را می‌کشند و اگر حرف نزنند مال آنان را مباح می‌شمارند.^(۱)

این اخبار، در مورد قیام یک قائم اعم از آل محمد (ص) و یا غیرآل محمد صادق است گویی بیان حق‌هاست یعنی بیان قانونمندی‌های حاکم بر افول دولت‌ها و حکومت‌ها بنابراین وقتی دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی حاکم باشد و یک عده زورگوی جاهل قدرت را در دست داشته باشند که هر کس کوچکترین اعتراضی کرد او را بکشند و با استقرار نظام سرمایه‌داری و از طریق پائین آوردن ارزش واقعی درآمد مردم آنان را بدوشند و در فقر و ناداری همگان را نگهدارند و خود بر روی تپه‌های زر همچون موش کله معلق بزنند و برای خود و یارانشان کاخهای عظیم بنا کنند و توده‌ی مردم را در کوخ‌ها گرسنه رها کنند قیام قائم برای استقرار قسط از میان همین مردم ضروری خواهد بود و این یک قانونمندی الهی است که قرآن می‌فرماید و سیعلم‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون یعنی چه زود است که ستمکاران دریابند که چگونه سرنگون خواهند شد.

در مورد حضرت مهدی (عج) نیز چنین است و لذا در احادیث آمده است که ایشان غایب از جامعه نیست و در بین مردم حضور دارد و به کسب و کار و زندگی مشغول است ولی کسی ایشان را نمی‌شناسد. به بیان دیگر تشکیلات مخفی علیه نظام‌های ستمگر چنین پوشش‌های سیاسی را نیز طلب می‌کند. ولی وقتی قائم آل محمد (ص) قیام می‌کند همه وی را خواهند دید و مردم خسته از ظلم ظالمین و جور جائزین در حالیکه شعورشان در استقرار یک نظام عادلانه نیز در سطح بسیار مطلوب قرار دارد به ایشان می‌پیوندند و با از بین بردن نظام ستمکاران حکومت عدل اسلامی را برقرار می‌نمایند البته نه از نوع آمریکا ساخته عربستانی و پاکستانی و افغانستانی امروز جهان که از اسلام فقط ریش را گرفته‌اند و حجاب و اصل اساسی حکومت قائم (عج) یعنی استقرار قسط و عدالت را رها کرده لابد به قیام حضرتش حواله داده‌اند.

۱۶- پیامبر (ص) فرمود: چیزی از مغرب و چیزی از مشرق می‌گیرند و با این وضعیت بر امت من حکومت می‌کنند و ای بر ضعفای امت من از آنها و وای بر آنها از خدا^(۱)

این گونه احادیث خواه واقعاً از پیامبر (ص) یا معصومین علیهم‌السلام باشد و خواه نباشد همینکه در صدها سال قبل با این محتوای عجیب بیان شده است و ما آن را امروزه به چشم می‌بینیم و

۱- م. ق به نقل از کتاب عقاب‌الاعمال ص ۱۲۸

با پوست و گوشت و روح و روان خود درک می‌کنیم نشان می‌دهد که باید از مردان الهی همچون پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) بوده باشد.

حکومتی که بجای عمل به آیات اقتصادی قرآن و یا عمل به آیات حکومتی قرآن، از مکتب سرمایه‌داری غربی و سوسیالیسم شرقی آموزشها و دستوراتی را اخذ کرده و همچون مقلدی کور آنها را مورد عمل درمی‌آورد چون تقلید از راه رفتن دیگران سبب می‌شود که راه رفتن خودش نیز یادش برود لذا دچار مشکلاتی می‌شود که نه خود می‌تواند آنها را حل کند و نه کارشناسان غرب و شرق عالم که او آنها را مقلد خود قرار داده و این مشکلات و مسائل بالاخره سبب سرنوشتی وی خواهد شد. و این عمل آنها باعث فقر و فقیرتر شدن فقرا می‌گردد که خداوند قانونمندی در فطرت برقرار ساخته که همین فقرا حکومت مذکور را از بین خواهند برد.

اصولاً حکومت‌های التقاطی که دستورات و ساختارهای سیاسی و اقتصادی خود را از غربیها و شرقیها می‌گیرند به علت اینکه ساختار کشورهای مذکور از نظر سیاسی و اقتصادی با ساختار این قبیل کشورها در زمینه فرهنگی و تاریخی متفاوت است نمی‌توانند در اداره‌ی متعادل جامعه موفق باشند. درست مثل اینکه یکنفر برای ساختن یک ساعت رومیزی بخواهد عقربه و چرخ‌دنده‌های ساعت موردنظرش را از ساعت دیواری و ساعت مچی قرض بگیرد و آنها را در یک بدنه‌ی ساعت رومیزی قرار دهد. یقیناً این ساعت کار نخواهد

کرد.

بر ساعت اقتصاد و سیاست یک کشور نیز همین حکم جاری است. گرفتن سیاستهای اقتصادی از کشورهای غربی مثل خصوصی سازی و احترام بی حد به مالکیت خصوصی ابزار تولید و در کنار آن اتخاذ سیاست دولتی کردن تجارت خارجی و بانکها از کشورهای شرقی سبب می شود تا ساعت اقتصاد و سیاست مملکت قفل کند و هرچه تلاش شود به حرکت سالم درنیاید و پیشرفت نداشته باشد.

۱۷- سود پول به سفته بازی ظاهر شود^(۱)

سود پول از طریق سفته بازی در اقتصاد به این معناست که یک شخص کالایی را به قیمت ناچیز خریداری کند و پس از مدتی آن را به قیمت بالا بفروشد بدون آنکه بر روی آن کاری انجام داده باشد. بنابراین خریدهای مکرر و فروشهای مکرر که امروزه در بازارهای ما رواج دارد مشمول این حدیث و از علائم ظهور محسوب می شود. یکنفر یک فرش را از تولیدکننده می خرد به ۱۰۰ تومان می فروشد به فرش فروش دیگر به ۱۲۰ تومان او به فرش فروش بعدی می فروشد ۱۴۰ تومان و فرش فروش چهارم می خرد ۱۶۰ تومان و... بالاخره مصرف کننده ی نهایی آن را به قیمت پانصد تومان خریداری می کند. این افزایش قیمت از ۱۰۰ تا ۵۰۰ تومان سود پول از راه سفته بازی

است چون کار تولیدی مهمی بر روی فرش انجام نشده است ولی از پول فرش و فروش آن سود عاید آنان گردیده و نیروی انسانی به کارهای غیر تولیدی مشغول شدند.

۱۸- به رشوه معامله کنند^(۱)

یکی از بلاهای مهم خصوصاً در کشورهای در حال توسعه وجود رشوه در معاملات است. البته در کشورهای توسعه یافته صنعتی رشوه وجود دارد ولی در سطح معاملات بسیار غول پیکر و عظیم، اما در کشورهای در حال توسعه بر اغلب معاملات کوچک نیز رشوه حاکم است. در واقع می توان گفت که رشوه بیماری اقتصاد سرمایه داری و هر اقتصاد عاری از اخلاق است. اگر اقتصاد با اخلاق تلفیق شود و مردم با ایمان به نظارت الهی و با استعانت از وجدان علمی دریابند که کیفر این جهانی و آن جهانی رشوه زیاد است دست به چنین کاری نمی زنند. ولی وقتی افتخار اقتصاد سرمایه داری این است که اخلاق نباید در اقتصاد دخالت کند وضع چنین می شود که هر کس ب فکر زندگی بهتر برای خودش است. سرمایه دار کارگر و کارمند را استثمار می کند. با پرداخت حقوق و دستمزد کمتر و بالا بردن قیمت کالاهای مصرفی آنان و کارمندان نیز با اخذ رشوه از همین سرمایه داران می کوشند تا برای خود زندگی حداقل نه در حدّ زندگی سرمایه دار بلکه در حد قابل تحمل دست و پا کنند. بنابراین سرمایه دار

وقتی برای اخذ وام از بانک مراجعه می‌کند بدون پرداخت رشوه به کارمندان موفق به اخذ آن نمی‌شود یا وقتی کالاهای صنعتی یا مواد نیمه ساخته مورد نیاز کارخانه‌اش را از خارج وارد می‌کند بدون پرداخت رشوه به مأمور گمرک موفق به انجام آن نمی‌شود و این روند را در کلیه ادارات می‌بینید.

امروزه در بانکها این وضع به گونه‌ای درآمدی است که علناً در مقابل چشم مشتریان بانک سرمایه‌داران اسکناس می‌شمرند و به کارمندان بانک انعام توزیع می‌کنند و نه سرمایه‌دار و نه کارمند از این عمل زشت خجالت نمی‌کشند.

از پیامبر اسلام (ص) منقول است که لعن الله الراشی و المرثی
والماشی بینهما

یعنی خداوند لعن می‌کند رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و دلال واسط بین آنها را. یکی از مسئولین در جمهوری مسلمین ایران می‌گفت به علت وجود تورم و حقوق غیرکافی قضات اغلب آنان به رشوه آلوده شده‌اند و کمتر قاضی دیده می‌شود که براساس رشوه رأی خود را تنظیم نکند. بنابراین چه بسیار ذی‌حقی‌هایی که از حقشان محروم می‌شوند و بجای اینکه در یک دعوی حاکم شوند محکوم می‌شوند صرفاً به این دلیل که محکوم واقعی رشوه پرداخت کرده و حاکم اعلام شده است. لذا دستگاه دادگستری با شیوع رشوه بیدادگستر شده است.

امروزه اغلب ادارات اینگونه است و تا رشوه ندهی کارت جلو نمی‌رود در کشورهای صنعتی نیز دولتمردان با اخذ رشوه از شرکتهای

بزرگ خریدهای دولتی را سمت و سو می دهند و شرکتهای غول پیکر خارجی با پرداخت رشوه به دولتمردان کشورهای جهان سوم در فروش محصولات خود به آنها با یکدیگر به رقابت می پردازند.

شیوع رشوه در جهان از عوارض شیوع نظام سرمایه داری در جهان است و این جور به مرور به قدری شدت و حدت و شیوع پیدا می کند که ظهور قائم (عج) را ضروری می سازد.

۱۹- توانگران امت من حج کنند برای تفرج، اوسط آنها برای تجارت و فقرای آنها برای ریا^(۱)

امروزه بسیارند از به اصطلاح متدینین خرپول که از قبل نفوذ در ارگانها و شریانههای حکومتی پول و پلهای بسیار گردآورنده اند و لابد برای خرید آخرت هم که شده خودشان و نزدیکانشان نگوئیم سالی چند بار سالی یک بار به مکه معظمه می روند که آخرت را آباد کنند غافل از اینکه این سفرها بیشتر جنبه تفرجی دارد تا عبادتی زیرا هر کس حداقل مطالعه در کتب دینی یا رفتن پای منابر مذهبی داشته باشد می داند که وقتی از نزدیکان و فامیل و در و همسایه کسی فقیر و مستمند باشد اگر شب سیر بخوابد مسلمان نیست، از صدقات و انفاقات اطلاع دارد که قرآن می فرماید هرچه مازاد نیاز دارید باید انفاق کنید. اصولاً انفاق یعنی پر کردن شکاف بین فقیر و غنی، انفاقات و صدقات یعنی دادن پول به فقرا تا فاصله طبقاتی در جامعه

از بین برود و دوستی و صداقت بین قشرهای مختلف مردم ایجاد شود.

ولی وقتی حاج آقای بتوان صد می شود و خورد و دیگران می دانند که پولهایش از بیت‌المال است و یا از طریق زد و بندهای سیاسی و حکومتی است و اطرافش افرادی وجود دارند که سال برود و بیاید میوه یا گوشت نمی توانند بخرند و همین پولهای بادآورده و غارت از بیت‌المال امثال این حاج آقای بتوان صداست که گرانی بوجود آورده و مردم را فقیر ساخته است از مکه می آید و میهمانیهای اشرافی می دهد و افرادی مثل خودش را در هتلها و یا در قصر و کاخ خودش پذیرایی می کند فقرا به او و دین او چه خواهند گفت. مسلماً این حج‌ها جنبه‌ی تفرج دارد.

اینان اگر زبان انگلیسی بلد بودند مثل حکومتچی‌های زمان پهلوی هر روز بجای مکه باید سراغشان را در پاریس و لندن و واشنگتن می‌گرفتی ولی چون نه آن فرهنگ را دارند و نه سواد رفتن به آنجاها را به ناچار یا به سوریه سفر می‌کنند و یا به مکه.

والا خوب می‌دانند که ثواب شاد کردن دل یک مؤمن مستمند [که نمی‌تواند برای فرزندش جهیزیه تهیه کند و یا زیر اجاره منزل کمر خم کرده و نمی‌تواند یک آپارتمان تهیه کند و به قول قرآن مجید در اموال این خرپول مکه مال شده حق معلوم این سائل و محروم نهفته است] برابر هزار بار مکه رفتن است. این احادیث را گفته‌اند که شاید گوش این افراد بشنود و دست از این کارها بردارند ولی گناه دست‌اندازی به

بیت‌المال و بخوربخورهای آنچنانی به حساب ملت چنان گوش دلشان را کر کرده است که حرف حق را نمی‌شنوند و نمی‌بینند و نمی‌فهمند و تفرج‌های زیارتی خود را همچنان ادامه می‌دهند. در حالیکه در صفحات قبل خواندیم وقتی امام زمان (عج) ظهور کنند به کسانی که یک بار به حج رفته‌اند اجازه سفر نمی‌دهد و سفر حج می‌ماند برای آنان که واجب‌الحج هستند و هنوز به زیارت خانه خدا نرفته‌اند.

اما طبقه متوسط نیز در سیستم سرمایه‌داری که داشتن پول و ثروت ارزش محسوب می‌شود به چشم و همچشمی سرمایه‌داران می‌خواهد او نیز زندگی اشرافی داشته باشد تا از عموزاده و خاله‌زاده‌ی قصرنشین خود عقب‌نماند لذا از سفر حج حتی واجب آن نه تنها زیارت را نیت می‌کند بلکه تجارت را نیز طلب می‌نماید. می‌بینی حاجی‌ها هر روز صبح در مغازه‌های شهر مکه و بعضی‌ها بتوانند در حج‌های مستحبی در ریاض و غیره مشغول خرید یخچال، تلویزیون، و صدها کالای لوکس ساخت ژاپن و شیطان بزرگ و غیره مشغول هستند بعد هم که آمدند ایران تا آنجا که می‌شود آنها را به نزدیکان ناوارد به قیمت‌های گزاف می‌فروشند و آنها را سرکیسه می‌کنند و بقیه را نیز در بازار آب می‌کنند و چون این سود زیارتی زیر دندان‌شان مزه کرد شروع می‌کنند به حج رفتن‌های مستحبی و تاجر شدن و یا بهتر بگوئیم دلالی فروش کالاهای شرکتهای چندملیتی استکبار جهانی.

اما از فقرا که پس از سالها دوندگی از شرکت تعاونی و بانک رفاه کشاورزی مبلغی وام دریافت می‌کنند که کسب و کار کشاورزی خود را رونق دهند که در رقابت با کدخدا و پسرخاله‌ی شهرنشین هوس حاجی شدن به سرشان می‌زند و پول تعاونی را برمی‌دارند و به حج می‌روند تا در بازگشت او نیز سرش را بالا نگهدارد که حاجی شده، غافل از اینکه این احترام به چه قیمتی برایش تمام می‌شود. هنگامی که وقت پرداخت اقساط وام فرامی‌رسد و وام گرفته شده را صرف سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر نکرده است مجبور می‌شود به نزولخواران مراجعه کند و پس از چندی زمینش را در گرو بدهی تحویل دهد و مهاجر شهر تهران در گوشه‌ی خیابان در سرمای زمستان و گرمای تابستان به فروش کوپن قند و شکر مشغول شود.

این گونه حاجی شدن و فقیر شدن ورها کردن زمین و مهاجر شدن از روستا یک ضرر به خود روستایی می‌زند و ضرر دیگر آن را کشور می‌بیند که بیکار پنهانش زیاد می‌شود و نیازش به واردات گندم از کشور شیطان بزرگ روز بروز افزایش پیدا می‌کند^(۱) ریا اگر گناه دارد یعنی زیان دارد به این دلایل است یعنی از جای خود خارج شدن و تظاهر به چیز دیگر شدن و دچار دردسرهای این جابجایی شدن.

۱ - آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۶ ایران بزرگترین کشور واردکننده‌ی گندم در جهان بوده است.

● ۲۰- نفقه می‌کنند برای غیر خدا^(۱)

نفقه کردن برای خدا یعنی اگر اتفاق می‌کنید بجا و به مستحق آن و از طریق صحیح انجام شود. یعنی به گونه‌ای نباشد که گداپروزی شود، به گونه‌ای نباشد که آبروی مردم برده شود، به گونه‌ای نباشد که بر مردم گیرنده منت گذاشته شود، ولی اتفاق کردن برای غیر خدا یعنی اتفاق کردن برای ریا و خودنمایی کامیونپهایی از اهدایی فلان ارگان حرکت می‌کند و به دنبال آن فیلم ویدیوئی تهیه می‌شود و در تلویزیون و پیش‌پرده سینماها به نمایش درمی‌آید و ابزاری می‌شود برای تبلیغ فلان ارگان. یا عروسی دویست عروس و داماد فلان دانشگاه برپا می‌کند از دانشجویان و فیلم آن را در تلویزیون نشان می‌دهد که بعله!! این دانشگاه چنین و چنان می‌کند.

دانشگاه و ارگانهای درگیر خیرات و مبرات ریایی نمی‌آیند بگویند چه مکانیسمهایی در جامعه وجود دارد که نباید باشد و این مکانیسمها مردم را چنین محروم و درمانده کرده است که باید یک عمر از سر و همسر خجالت بکشد که جشن عروسی اش صدقه سر چند سرمایه‌دار برگزار شده است که در جشن مذکور در ردیف اول نشسته بودند.

این آقایان گویی میلیونها توپ فوتبال نسل جدید را به ناحق غصب کرده‌اند و حالا چند توپ تخم‌مرغی کوچک به چند نفر از آنها

هدیه کرده‌اند و این کار به اصطلاح خیر خود را در بوق و کرنا کرده که بعله!! ما اینیم.

اینها نفقه برای غیرخداست، برای ریاست، برای توجیه ثروت‌های نامشروعی است که از نفوذتان در شریانهای قدرت به ناحق فراهم آورده‌اید.

پرداخت نفقه باید برای از بین بردن شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی باشد نه اینکه دویست دانشجو را از میان میلیونها جوان نیازمند به ازدواج انتخاب کنیم و بعد به مدت یک سال به آنها مسکن بدهیم و بعد بگوئیم بلند شوید تا دویست نفر بعد بیایند جای شما را بگیرند. خوب معلوم است وقتی دو دانشجو پس از یکسال در کشورها شدند بدون مسکن و با اجاره‌های بالا مثل بقیه مشکلات زندگی آنان را نیز به طلاق و ادار می‌کند.

از این طرف پول خرج می‌کنیم - وقتی تبلیغات برای غیرخدا باشد این جوړی است - چند نفر از چند میلیون نفر را به ازدواج تشویق می‌کنیم و از آنطرف آنها را پس از یک سال در جامعه پر از تورم رها می‌کنیم با درآمدهای ناچیز و این درحالی است که خود از آمار سرسام‌آور طلاق به علت فشارهای اقتصادی در جامعه باخبر هستیم.

۲۱- به دنیا با هم مباحثات می‌کنند.^(۱)

اصولاً مشخصاتی که در احادیث در چارچوب مسائل اقتصادی

در مورد علائم ظهور حضرت مهدی (عج) آمده است با مشخصات نظام سرمایه‌داری تطبیق می‌کند و این نشان می‌دهد که نظام سرمایه‌داری جهانی بقدری گسترش و پیچیدگی پیدا می‌کند که ظلم و جور آن تمامی زمین را پر می‌کند و کسی جز حضرت مهدی (عج) که مسلح به ایدئولوژی ضد سرمایه‌داری قرآنی و اسلامی است نمی‌تواند به کمک خداوند و مردم و علم و دانش و فن‌آوری زمان خود آن را از میان بردارد.

از جمله این مشخصات مباحثات کردن مردم در نظام سرمایه‌داری به امور مادی و دنیوی است. هر کس برای فخر فروختن به دیگری از خانه‌ی شمال شهر و ماشین آخرین مدل و ویلای شمال خودش نشد پسرعمویش نشد قوم و خویشهای دورش سخن می‌گویند. به اینکه چند بار به اروپا و آمریکا رفته فخر می‌کند و از پزشک شدن فرزندش و درآمدهای آنچنانی وی سخن می‌گویند و سرپیر و جوان را کلاه می‌گذارد تا شب عید دکور منزلش را تغییر دهد و آن را به رخ فامیل بکشانند و خانم نیز در عروسیها هر چه طلا و جواهر دارد به خود آویزان می‌کند که این منم که پولدار هستم و اگر هم نداشته باشد از دیگران عاریه می‌کند تا خودی نشان دهد.

اصولاً در سیستم سرمایه‌داری داشتن علم، هنر، تقوی نویسنده بودن، مخترع بودن، مکتشف بودن اگر با فقر و نداری همراه باشد فخر نیست.

دانشمند و نویسنده‌ای که با حکومتِ ظلم و جور سازش کرده باشد و

از قبیل آن به نام و نان و نوایی رسیده باشد احترام دارد ولی اگر حق را گفته باشد و حکومت از وی روی برتافته که هیچ چوب لای چرخ زندگی معمولی و شخصی اش نیز بگذارد و او را در محاصره‌ی اقتصادی قرار داده باشد همه مثل یک جذامی سیاسی از او احتراز می‌کنند و اگر خویشان نزدیکش در خلوت به وی اظهار محبت نمایند در جلوت تا می‌توانند خود را از او دور نگه‌میدارند. خلاصه فخر کردن به دنیاست و ظواهر دنیا و پست و مقام و پول و ثروت و نه به تقوا و علم و دانش و پاسداری از ارزشهای انسانی و اسلامی.

● ۲۲- سرمایه‌ی کسب، دروغ‌گویی خواهد بود^(۱)

در سیستم سرمایه‌داری دلالی و دست به دست گشتن کالا به منظور کسب سودهای کاذب و خرید کالا از فروشنده و فروش به فروشنده‌ی دیگر و ده دست گشتن یک کالا یک امر عادی محسوب می‌شود. و سرمایه‌ی دلال چیزی جز دروغ نیست. از یک طرف به فروشنده می‌گوید این کالا بسیار بد است و بازار ندارد و باید ارزان بفروشی و از طرف دیگر به خریدار می‌گوید بهتر از این کالا نمی‌توانی پیدا کنی و اگر نخری ضرر می‌کنی درباره‌ی یکی از مردان خدا می‌گویند الاغش را از طریق یک دلال به فروش گذاشت دلال به خریدار می‌گفت این الاغ قبری بسیار باهوش است و صاحبش را می‌شناسد بسیار چالاک و کم غذا و بی‌صداست و اگر هم صدایی

در آورد موسیقی دلنوازی می سازد که جز نشاط خاطر نمی آفریند، مرد خدا دهانش را به گوش خریدار نزدیک کرد و به وی گفت البته گاز هم می گیرد و جفتک هم می زند.

وقتی اقتصاد با اخلاق همراه باشد و انسان با تقوی باشد و خداترس و خدا را همه جا حاضر و ناظر خود بداند نه تنها دروغ در کسب و کار ندارد بلکه از دروغ هم جلوگیری به عمل می آورد. ولی اقتصاد سرمایه داری افتخار می کند که دل رحم نیست، و انگیزه اش بالا بردن سود است به هر قیمت و اخلاقیات را نباید در اقتصادیات دخالت داد - بیزینس ایزد بیزینس - یعنی اقتصاد اقتصاد است و رحم و مروت و بخشش و گذشت و ایثار و انسانیت و کمک به محرومین و این حرفها را ندارد که اگر داشته باشد دیگر ثروتها رویهم انبار نمی شود. وقتی چنین شد و اخلاق از اقتصاد فاصله گرفت، بقول قرآن انسان مثل حیوان می شود بلکه بدتر از آن چرا که به قیمت کشت و کشتار دیگران جنگ های منطقه ای راه می اندازند تا اسلحه های مانده در انبارشان فروش رود. و در فروشهای جزئی برای فریب دادن خریدار هزار و یک دروغ سرهم می کنند تا کالاهای قلابی خویش را به طرف قالب کنند.

این واقعیت را نقل می کنند که یکی از این حاجی آقاهاى بازاری حاجی جبار شده اعلام کرده بود که شاگرد استخدام می کند. هر کس به او مراجعه می کرد اولین سؤال حاجی آقا در مصاحبه استخدام این بود که اسمت چیست؟ مثلاً می گفت، حسن، حسین، کورش، تقی،

جعفر و... همه را رد می‌کرد. یکنفر آمد گفت اسمم عبدالله است او را استخدام کرد و برایش یک عبا خرید و عبا را یکی دو روز بر دوش شاگرد انداخت بعد آن را گرفت و به میخی در مغازه آویزان کرد بعد فرش که می‌خرید به یک صد هزار تومان، قیمت می‌زد دویست هزار تومان، وقتی مشتری چانه می‌زد که آقا گران است دستش را به سمت عبا دراز می‌کرد و می‌گفت به این عبا عبدالله خریدش دویست هزار تومان است.

دروغ گفتن در بازار سرمایه‌داری که ارزش، داشتن پول و ثروت و سرمایه‌است امری عادی شده بطوری که قبح قضیه ریخته است و اگر کسی دروغ نگوید کلاهش پس معرکه می‌ماند و باید چون یک ورشکسته از بازار خارج شود. بعضی نیز دروغ را شرعی می‌کنند و به آن توریه می‌گویند یعنی به گونه‌ای حرف می‌زنند که به هدف دروغ برسند ولی توجیه راستگویی داشته باشند. مثلاً با زن و بچه می‌رود گردش عید به شیراز از آنجا یک فرش می‌خرد پانصد هزار تومان، پانصد هزار تومان نیز در گردش عیدی در بهترین هتل‌های شیراز خرج می‌کند بعد که می‌آید می‌گوید قیمت این فرش یک میلیون تومان است و با چانه زدن مشتری که روبرو می‌شود قسم می‌خورد که آن را از شیراز خریده و با هزینه ایاب و ذهاب یک میلیون تومان برای خودش هزینه برداشته است.

در مجموع می‌توان گفت در احادیث ما قیام حضرت قائم (عج) زمانی تحقق پیدا می‌کند که نظام سرمایه‌داری با تمام زشتیهایش

جهانگیر شده باشد و این روند امروزه رو به تزاید است.

● ۲۳- تنگدستی زیاد می شود (۱)

همانطور که قبلاً گفتیم به مرور زمان و در آینده تضادهای نظام سرمایه داری شدن و حدت زیاد پیدا می کند و لذا نوسانات تجاری آن نیز شدید خواهد بود و بنابراین در مرحله ی رکود اقتصادی - یکی از چهار مرحله ی نوسانات تجاری - بیکاری و فقر زیاد می شود. این نوع فقر و تنگدستی را یکبار آلمان در سال ۱۹۲۳ تجربه کرد ولی سایر بخشهای سرمایه داری جهان به کمک آمدند و آن را نجات دادند. ولی در آینده که سرمایه داری تمامی کشورهای جهان را فراگرفت و تضادهای آن عمیق تر شد بیکاری شدیدتری بوجود می آید و فقر و تنگدستی همه جاگیر شده مردم به ستوه می آیند و به ظالمانه بودن نظام سرمایه داری یقین عمیق پیدا می کنند و ظهور قائم عدالت گستر را خیرمقدم خواهند گفت

فروپاشی اقتصاد آلمان ۱۹۲۳

رییس رایش بانک اعلام کرد که وضع مارک بسیار اسف انگیز و ناامیدکننده است.

رولف هاونشتین رییس بانک ملی آلمان گفت: اشغال سرزمین ثروتمند و صنعتی «روهر» توسط نیروهای فرانسه و بلژیک آلمان را در وضع بحرانی شدیدی قرار داده است. صدراعظم آلمان قبلاً گفته بود

این اشغال سه ماه طول خواهد کشید. ولی اینک چندین ماه است که بخشی از آلمان در اشغال نیروهای بیگانه است و هزینه زیادی به آلمان تحمیل شده است.

میلیونها آلمانی به کمک نیازمندند و دولت مجبور است زغال سنگ از خارج وارد کند زیرا ما از معادن زغال سنگ منطقه «روهر» محروم شده ایم.

رییس بانک آلمان گفت: برای رفع نیازمندیهای کشور ما مجبوریم مرتب اسکناس کاغذی چاپ کنیم. نیازمندیهایی که روزبه روز بیشتر می شود. در ماه آوریل درآمد عمومی دولت فقط یک هفتم مخارج را تأمین کرد. تا اواسط ماه آوریل بانک آلمان با ذخیره ارز و طلائی که داشت قادر بود برای حفظ مارک بیمار در بورسهای خارج ارز بخرد، ولی ادامه مناقشات در «روهر» بکلی توان ما را گرفته است. برای مثال بازار ارز چنین است: ده هزار مارک برابر یک فرانک و شصت سانتیم شده است.

اوضاع غم انگیز

رییس بانک آلمان افزود: برای آنکه دریا بید اوضاع چقدر غم انگیز است و مارک چه سقوط گیج کننده یی پیدا کرده است باید بگویم که در اول ماه یک دلار برابر ۷۴۵۰۰ مارک بود و امروز ۲۲ میلیون مارک برابر یک دلار است و یک گونی مارک برای یک نان باید پرداخت. دولت آلمان برای جلوگیری از سقوط سرسام آور مارک تصمیمات تازه یی گرفت از جمله به جریان انداختن پول تازه بود. قیمتها لحظه به

لحظه تغییر می‌کرد بطوری که دولت تمبر پست چاپ نکرد و کارمند پست بهای تمبر هر پاکت را در آن لحظه حساب کرده و روی پاکت با دست می‌نوشت.

اول نوامبر قیمت نیم کیلو نان به ۲۶۰ میلیارد مارک رسید.

قیمت نیم کیلو شکر ۲۵۰ میلیارد مارک شد.

نیک کیلو گوشت به سه بلیون رسید.

حقوق یک کارگر فنی در روز به سه بلیون رسید.

دولت با انتشار پول جدید به نام بیسمارک (نام صدراعظم آلمان در اواخر قرن نوزدهم که آلمان واحد را به وجود آورد و مرد قوی اروپا بود) که پشتوانه آن تولید صنایع و املاک کشاورزی بود به این وضع خاتمه داد.

برابری یک بیسمارک یک بلیون مارک کاغذی اعلام شد. از این

تاریخ سه پول در آلمان در جریان بود:

۱- مارک کاغذی ۲- بیسمارک ۳- مارک قدیم طلا

جدول بهای بعضی مواد غذایی در بازار برلن در سال ۱۹۲۳^(۱)

۱- پانصد گرم گوشت گاو ۱۲۰۰۰ مارک

۲- پانصد گرم گوشت گوساله ۱۰۰۰۰ مارک

۱- ارقام فوق ممکن است برای خواننده غلوآمیز باشد ولی این واقعیتها در کتب

تاریخ اقتصادی مندرج است و سیستم سرمایه‌داری چاره‌ای ندارد جز مبتلا شدن به

چنین بدبختی‌ها.

- ۳- ۵۰۰ گرم گوشت گوسفند ۹۰۰۰ مارک
 ۴- ۵۰۰ گرم گوشت خوک ۱۰۵۰۰ مارک
 ۵- ۵۰۰ گرم کره ۱۵۰۰۰ مارک
 ۶- ۵۰۰ گرم چربی حیوانی ۱۰۰۰۰ مارک
 ۷- ۵۰۰ گرم روغن گیاهی ۹۵۰۰ مارک
 ۸- ۵۰۰ گرم سیب زمینی ۱۳۰ مارک
 ۹- ۵۰۰ گرم قهوه ۳۶۰۰۰ مارک
 ۱۰- ۵۰۰ گرم چای ۴۸۰۰۰ مارک
 ۱۱- ۵۰۰ گرم کاکائو ۱۴۰۰۰ مارک
 ۱۲- ۵۰۰ گرم شکر ۱۵۵۰ مارک
 ۱۳- ۵۰۰ گرم آرد ۲۶۰۰ مارک
 ۱۴- یک تخم مرغ ۸۱۰ مارک
- جدول برابری یک دلار با مارک
- ۱- ژوئیه ۱۹۱۴ - ۴/۲ مارک
 ۲- ژانویه ۱۹۱۹ - ۸/۹ مارک
 ۳- ژوئیه ۱۹۱۹ - ۴/۵ مارک
 ۴- ژانویه ۱۹۲۰ - ۶۴/۸ مارک
 ۵- ژوئیه ۱۹۲۰ - ۳۹/۵ مارک
 ۶- ژانویه ۱۹۲۱ - ۶۴/۹ مارک
 ۷- ژوئیه ۱۹۲۱ - ۷۶/۷ مارک
 ۸- ژانویه ۱۹۲۲ - ۱۹۱/۸ مارک

- ۹- ژوئیه ۱۹۲۲ - ۴۹۳/۲ مارک
- ۱۰- ژانویه ۱۹۲۳ - ۱۷۹۲۷ مارک
- ۱۱- ژوئیه ۱۹۲۳ - ۳۵۳۴۱ مارک
- ۱۲- اوت ۱۹۲۳ - ۴/۶۲۰/۴۵۵/۰ مارک
- ۱۳- سپتامبر ۱۹۲۳ - ۸۶۰/۰۰۰/۰۹۸ مارک
- ۱۴- اکتبر ۱۹۲۳ - ۲۶۰/۲۰۸/۰۰۰/۰۲۵ مارک
- ۱۵- نوامبر ۱۹۲۳ - ۴/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مارک

۲۴- هیچ توانگری از بینوایی بینوا نمی‌ترسد^(۱)

در حکومت جور، توانگران از فقیرشدن مردم نمی‌هراسند در حالیکه قانونمندی الهی این است که فقیران بساط جور ثروتمندان را زیرورو خواهند کرد.

حافظ شیرازی در این زمینه شعر گویایی دارد آنجا که می‌گوید:
گرمی فروش حاجت‌رندان روا کند ایزد گنه ببخشد و دفع بلا کند
ساقی به جام عدل بده باده تا گدا غیرت نیاورد که جهان پربلا کند
گدا و فقیر و بینوا وقتی بی عدالتی در توزیع روزی (جام از دست
ساقی) را می‌بینند غیرت نمی‌آورد و تحمل نمی‌آورد و در یک قیام
همگانی جهان سرمایه‌داری را پربلا می‌کند و همه چیز ستمگران را
زیرورو کرده آشوب به پا می‌نماید.

حال اگر حضرت مهدی (عج) با میزان عدل و قسط اسلامی
رهبری این جنبش را داشته باشد آن را از ختم شدن به یک آشوب یا
به انحراف کشیده شدن یک انقلاب بازمی‌دارد.

البته باید توجه داشت که فقر و ناداری در جهان امروز و فردا روز
به روز جنبه‌ی جهانی و عمیق پیدا می‌کند و انقلاب حضرت
مهدی (عج) را مبرم‌تر می‌سازد.

آمار زیر نشان می‌دهد که جهان دارد یکپارچه می‌شود و به دو
قطب فقیران انبوه و ثروتمند در اقلیت تقسیم می‌گردد. و جهان فقیر

بالاخره نمی تواند این جور و ستم را تحمل کند و به رهبری حضرت قائم (عج) بساط قسط و عدل را در جهان مستقر خواهد ساخت. یک نویسنده‌ی عرب در این زمینه نوشته است: (۱)

«آمارها نشان می دهند که فاصله بین شمال و جنوب از طریق توزیع نامتساوی رشد اقتصادی و ناهمسانی در ورود به بازارهای جهانی همچنان روبه افزایش است. گزارش جهانی رشد و توسعه بشری منتشره از سوی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ می گوید ۲۰ درصد از ساکنین جهان ۸۲/۷ درصد از درآمد جهانی را در اختیار دارند در حالیکه ۸۰ درصد از ساکنین همین جهان در مجموع کمتر از ۱۸ درصد از این ثروت را در اختیار دارند. در اکثر کشورهای جهان سوم نسبت بیکاری از ۲۰ درصد گذشته و میزان کسانی که زیر خط فقر زندگی می کنند فراتر از مرز ۴۵ درصد است. بازگشایی بازار جهانی موفقیت طبقات میانی را نیز به شدت تهدید می کند. این قطب بندی اقتصادی، پیامدهای سیاسی خطرناکی را نیز به همراه خواهد داشت. تیرگی اوضاع اقتصادی و معیشتی منجر به افزایش فشار بر دولت های ضعیف و فقیر گشته و آنها را به سوی فقدان ثبات و امنیت سوق می دهد. گزارشهای استراتژیک بر این نکته تأکید دارند که ۹۰ درصد از کشمکش های ده سال گذشته رنگ داخلی و ملی داشته است. این بحران در برخی از کشورهای ضعیف و شکننده تر موجب فروپاشی اقتصادهای ملی آنها گشته و حتی گاه

۱ - برهان علیون - المستقبل العربی - ترجمه محمدعلی عسگری.

تعریف جدیدی از سلطه قوی تر. در روزنامه خرداد ۲۵/۹/۷۷، صفحه ۷

خود دولت‌ها را هم در معرض از هم گسیختگی قرار خواهد داد.»
 امروزه سرمایه‌داران بزرگ جهانی که دریافته‌اند با غارت منابع کشورهای جهان سوم و به قیمت فقیر کردن آنها مرگ نظام خود را عقب انداخته به زندگیهای اشرافگونه‌ی کثیف خود ادامه می‌دهند و هر روز امکان دارد مردم فقیر جهان سوم قیام کنند و به داخل کشور سلطه‌گر هجوم آورند و زندگی را بر آنان تلخ کنند همانطور که آنان بر اینان تلخ کرده‌اند به فکر علاج افتاده کوشیده‌اند تا کشورهای همجوار خود را با خود هم‌پیمان کنند تا از آنان در مواقع حمله کشورهای فقیرشده به عنوان یک سپر استفاده نمایند ولی قانونمندی الهی اقتضا می‌کند که این تدابیر نیز کارساز نباشد و حضرت قائم (عج) وقتی قیام کنند ظالمین هر کجا باشند به کیفر خود برسند.

در این زمینه برهان علیون نویسنده عرب نوشته است:

«در قلمرو ایجاد ثبات سیاسی کشورهای صنعتی دو اقدام انجام داده‌اند:
 ۱- تأمین امنیت که از طریق ایجاد یک چارچوب خاص برای تأمین امنیت اجتماعی کشورهایشان بود. این عمل با همکاری دستگاههای امنیتی کشورهای غربی و یکپارچه کردن قوانین و مقرراتی حاصل شد که هدف از آنها همگی در کنترل حرکت مهاجرین خارجی خلاصه می‌شد. همچنین تدوین و اتخاذ تدابیری امنیتی بر علیه خطرات ناشی از صدور خشونت و ناامنی از سوی کشورهای فقیر

۲- سیاستی که در ترکیب یا اختلاط کشورهای نزدیک و مجاور تجسم می‌یافت. زیرا احتمالاً می‌رفت این کشورها در مسیر حرکت عمومی بلوک مادر

به منبعی از نگرانی و آشفتگی مبدل شوند.

این کار با پذیرش تعدادی از کشورهای همسایه و مجاور صورت گرفت تا به مرور بتواند خود را در چارچوب این بلوک‌بندی‌ها جای داده و در نتیجه از کمک‌های اقتصادی و مالی برخوردار گردند. آمریکا با مکزیک و برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین چنین کرد. اروپا با کشورهای ضعیف‌تر از جمله پرتغال و یونان نیز چنین کرد و آنها را ضمیمه نمود. کشورهای اروپای شرقی نیز برای انضمام به اتحادیه اروپا اذن دخول می‌طلبند. در سطح داخلی نیز برای مقابله با خطر پیچیده‌تر شدن تنش‌های قومی و افزایش حجم منازعاتی که از فشارهای اقتصادی نشأت می‌گیرند دولت ابزارهایی برای ایجاد همبستگی داخلی مهیا کرده و به جامعه مدنی روی آورده است. به بیان دیگر، جامعه را وادار ساخت تا با گسترش دایره کثرت‌گرایی و استقبال از گرایش‌های گوناگون و جریان متعدد ملی از خود تحرک و مشارکت سیاسی نشان دهد. از این رو دولت‌ها تسلیم سیاست بحث و مذاکره اجماع و احترام به تعداد افکار و گرایش‌های سیاسی و حتی احترام به کثرت‌گرایی‌های قومی شدند»^(۱)

۱- منبع قبلی.

ملاحظه می‌شود که دانسته یا ندانسته بعضی از روشنفکران و دولتمردان ایرانی همین راه را در ایران به تبعیت از غرب تبلیغ می‌کنند در حالیکه نمی‌دانند در ایران عامل اصلی تنش‌ها فقر و ناداری و شکاف طبقاتی و تبعیضات است که زاینده‌ی استعمار خارجی و استثمار داخلی است و با ایجاد مشارکتهای سیاسی و باب کردن بحث

امروزه در ایران خود ما دولت با یک شگرد سیاسی می‌خواهد از فریاد و حرکت توده‌های فقیر برای رسیدن به حقوق اقتصادی از دست رفته‌ی خود جلوگیری به عمل آورد. غافل از اینکه گفتگو بین دزدان و غارت‌کنندگان و مردمی که اموالشان به سرقت رفته و غارت شده‌اند بدون اینکه اصل دزدی و غارت‌شدگی محکوم شود و اموال به آنان بازگردد هیچ فایده‌ای ندارد یعنی گفتگو تنها در صورت از بین رفتن نظام سرمایه‌داری مفید فایده خواهد بود و نه در چارچوب حفظ نظام سلطه و استثمار و در این صورت است که می‌گوئیم مشارکت مدنی، گفتگوی تمدن‌ها، تکثرگرایی، شورایی شدن امور در چارچوب نظام شبه‌سرمایه‌داری فعلی ایران و سرمایه‌داری جهانی جز به تحمیق توده‌ها برای تحمل بیشتر غارت‌شدگی چیزی به همراه نخواهد داشت و صرفاً ابزاری است برای به عقب‌انداختن قیام مردم تنگدست علیه نظام تنگدست آفرین سرمایه‌داری داخلی و جهانی.

● ۲۵- در معامله به یکدیگر ظلم کنند^(۱)

ظلم در معامله از مشخصات ذاتی و درونی نظام سرمایه‌داری است چه از نوع تجاری قدیمی آن و چه در شکل صنعتی جدیدی آن. معامله یعنی عمل متقابل یعنی دو کار (دو عمل) که با یکدیگر مبادله شود. لذا باید ابتدا تئوری ارزش کار بیان شود و سپس به توضیح ظلم

گفتگوهای اجتماعی نمی‌توان مردم فقیر را از خواستن نان و مسکن بازداشت

۱- م. ق. - (از خطبة البیان)

در مبادله پردازیم.

تئوری ارزش کار می‌گوید هر کالا مثل کفش و لباس و شیشه و اتومبیل و مداد و هزاران کالا که در جهان تولید می‌شود همه و همه از تلفیق نیروی کار بشر با طبیعت حاصل می‌شود به گونه‌ای که اگر از هر کالا کار بشر بیرون کشیده شود چیزی باقی نمی‌ماند جز سنگ و خاک و چوب طبیعت. بشر سنگ سیلیس را از کوه به کمک نیروی کار خود استخراج می‌کند و از آن شیشه تولید می‌کند و یا به کمک نیروی کار خود چوب درخت جنگل را می‌کند و از آن صندلی می‌سازد و قس علیهذا.

لذا گویی در مبادله دو کالا مثل کفش و مداد، ما دو نیروی کار را مبادله می‌کنیم اگر دو نیروی کار برابر مبادله نشود ستم و ظلم در معامله انجام می‌شود. بنابراین باید حسابداران صنعتی روش محاسبه‌ای را پیشنهاد کنند که بتوان سه نوع کار طبیعت، کار گذشتگان و کار جاری را در تولید هر کالا محاسبه و ارزش دو نوع کار گذشتگان و کار طبیعت را به عنوان زکات از ارزش کل کالا کسر نمود و به دولت واقعی اسلامی داد تا صرف تأسیس و اداره‌ی دانشگاه و بیمارستان و جاده و پارک و سایر امور عام‌المنفعه کند و سهم کار جاری آن را مشخص نمود تا در معامله با دیگری و در مبادله با کالای دیگر برابری دو کار جاری ملحوظ گردد که اگر غیر از این باشد ظلم در مبادله تحقق پیدا می‌کند که مانند نظام سرمایه‌داری این ظلم حدی برای خود نمی‌شناسد و آنقدر صاحبان زر و زور و تزویر در استثمار دیگران جلو

می‌روند که شدت فقر و ناداری و در اثر آن فحشاء و منکر ظهور یک نجات‌دهنده را طلب می‌نماید.

ظلم در معامله به علت اینکه یکنوع بی‌عدالتی در مبادله محسوب می‌شود سبب بروز عدم تعادل‌های اقتصادی در جامعه می‌شود و همین عدم تعادل‌هاست که نوسانات اقتصادی را سبب می‌گردد که خود باعث گسترش بیکاری و فقر و ورشکستگی و از آنجا گسترش انواع مفسد اجتماعی مثل قتل و دزدی و غارت و جنگ و خونریزی و انواع مفسد اخلاقی می‌شود که تعمیق و گسترش این عدم تعادل‌ها خود نیاز به ظهور قائم نجات‌دهنده را مبرم‌تر می‌سازد.

● ۲۶- زیاد حرام می‌خورند، سود پول و باده‌فروشی را حلال شمارند^(۱)

وقتی سیستم بانکداری ربوی در سراسر جهان سرمایه‌داری برقرار می‌شود صرفاً به این بهانه که اگر ربا نباشد کسی در بانکها پس‌انداز نمی‌کند، تمامی مشاغل آلوده به حرام می‌شود چون بگونه‌ای با بانکها در ارتباط پولی و مالی خواهد بود. سود پول و باده‌فروشی هم که در جهان غرب هر دو حلال شمرده می‌شود، لذا می‌توان گفت که این حدیث مثل سایر احادیث مشخصات سیستم و نظام سرمایه‌داری را مشخصاً بیان می‌کند که حضرت قائم (عج) جهت از بین بردن آن قیام خواهند کرد.

امروزه وجود ربا در بانکها جزء لاینفک نظام سرمایه‌داری و شبه‌سرمایه‌داری جهان پیشرفته و جهان در حال توسعه شده است بطوری که در کشورهایی مثل ایران که ربا را حرام می‌دانند به ناچار کلاه شرعی درست می‌کنند و نام ربا را سود می‌نامند و به صاحبان پس‌انداز در بانکها درصد معینی در ماه در مقابل پولشان درآمد پرداخت می‌کنند.

وجود ربا در سیستم بانکی و در بازار خود دلیل پیدایش تورم و بیکاری و نوسانات اقتصادی است که به فقر و فحشاء منجر می‌شود و ظهور حضرت قائم (عج) را می‌طلبد.

● ۲۷- باطل را در بین خودشان تدریس می‌کنند و کسی آنها را جلوگیری نکند^(۱)

این حدیث از معجزات است چرا که به حقیقتی اشاره دارد که حتی در ابتدای قرن بیست و یکم میلادی در حالیکه چنین امری وجود دارد کسی به آن معترف نیست. امروزه در دنیای سرمایه‌داری غربی مباحث باطل و غلط به نام اقتصاد خرد و اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه تدریس می‌شود که متأسفانه مورد ترجمه و تقلید دانشگاههای جهان سوم نیز شده است و در ایران خود ما نیز همین اباطیل را تدریس می‌کنند و حتی براساس مصوبات شورای انقلاب فرهنگی حتی به آنها جنبه‌ی قانونی نیز داده‌اند.

بنابراین در چارچوب دانش اقتصاد این حدیث یک معجزه است که درست چیزی را پیش بینی کرده است که عیناً تحقق یافته است. در زیر مقاله‌ای را مطالعه می‌کنیم که اعتراف دارد اقتصاددانان غربی نمی‌توانند روند اقتصاد کشور را در جهان سوم و جهان پیشرفته و در جهان پیش‌بینی کنند یعنی آنچه آنان فراگرفته‌اند جنبه‌ی علمی ندارد چرا که در تعریف علم می‌گوئیم آگاهی است که ما را قادر به پیش‌بینی می‌سازد. مثلاً در مورد علم شیمی می‌گوئیم اگر آب و آتش کنار هم قرار گیرند در شرایط خاص آب درصد درجه گرما خواهد جوشید. این یک پیش‌بینی علمی است که تحقق پیدا می‌کند. ولی در مورد آنچه امروز به علم اقتصاد معروف شده است چنین پیش‌بینی‌هایی حتی با درصد معقولی از احتمال که در مورد علوم انسانی لازم است وجود ندارد یا به تحقق نمی‌انجامد. یعنی ما باطل را آموخته‌ایم و تدریس می‌کنیم و به همین دلیل نمی‌توانیم بیان قانونمندی فطری کنیم یعنی علم داشته باشیم.

روزنامه لوموند در سوم نوامبر ۱۹۹۸ برابر با ۱۳۷۷/۸/۱۲ می‌نویسد: (۱)

همچون دستورات صادره برای قهرمانان فیلم آمریکائی مأموریت ناممکن، پیش‌بینی‌های اقتصاددانان جهانی نیز باید خودبخود از بین بروند تا اعتبار پیش‌بینی‌کنندگان نجات یابد. یک سال پیش کارکنان صندوق بین‌المللی پول،

پیش بینی کرده بودند که رشد اقتصادی جهان در سال ۱۹۹۸ به میزان ۳/۴٪ خواهد بود. اما در آخرین گزارش منتشره از سوی IMF در نیمه اکتبر امسال، نرخ ۲٪ برای رشد جهانی در سال جاری پیش بینی شده است. پیش بینی نرخ ۲٪ یعنی یک «خلاء تولید» هفتصد میلیارد دلاری و به عبارت دیگر یعنی حذف تولید سالیانه اسپانیا و پرتغال از نقشه اقتصادی جهان.

بحران آسیا و بحران روسیه نیز از همین دست است. در طول یک سال، پیش بینی رشد اقتصادی ژاپن برای سال ۱۹۹۸، از ۱/۲٪ به ۵/۲٪ سقوط می کند، همین اتفاق را درباره کره جنوبی (۶٪ به ۲٪-) شاهد هستیم، اندونزی، تایلند و روسیه نیز با نرخ های رشد به ترتیب ۱۴٪-، ۵٪- و ۶٪- در کساد غیرمنتظره ای غوطه ور می شوند.

... این شرایط توانایی اقتصاددانان را در پیش بینی اوضاع اقتصادی زیر سؤال برده است. چرا اغلب اقتصاددانان در پیش بینی اوضاع اقتصادی آسیا در سال ۱۹۹۸ دچار اشتباه شدند؟...

تدریس باطل در حوزه ها

امروزه محتوای درسی حوزه های علمیه نیز وضعشان بهتر از محتوای علوم انسانی دانشگاهها نیست. در این زمینه آقای فرامرز رفیع پور به حوزه های علمیه رفته و از نزدیک آنها را مورد مطالعه قرار داده می نویسد: «بحث بسیار عمیق بود [مباحثه طلبه ها] و شرکت کنندگان را در تفکر منطقی، دقت و تمرکز زیاد و کنترل رفتار در بحثهای گروهی ورزیده می ساخت به طوری که آنها می توانستند با دقت و ظرافت به بیان عامیانه «مورا از ماست بیرون بکشند». اما یک نکته جای تعمق داشت. متن مورد بحث،

متنی بسیار قدیمی از شیخ انصاری درباره بیع بود. به نظر می‌رسید که در شرایط امروزی جامعه و با مسئولیتی که روحانیون در جامعه دارند، اولاً کاربرد و قابلیت استفاده‌ی این متن و اطلاعات، زیاد نباشد و ثانیاً توجه و انرژی فکری طلبه‌های علاقمند و با استعداد را این خطر تهدید می‌کند که در مسائل جزئی با فایده کم دقیق و عمیق شوند، اما وسعت نگرش لازم برای تشخیص مسائل وسیع‌تر را بدست نیاورند^(۱)

● ۲۸- مال به دست کسی افتد که اهلیت آن را نداشته باشد

سرمایه‌داری امروزه مدعی است که گویا بهترین و کاراترین نظام اقتصادی را ارائه داده است. این سیستم در مبارزه با کمونیستها و سیستم سوسیالیسمی مدعی می‌شد که مالکیت دولتی ابزار تولید چون انگیزه کار و فعالیت درست را از بین می‌برد محکوم به فناست ولی سیستم سرمایه‌داری چون مالکیت خصوصی ابزار تولید را ترویج میکند کاراترین نظام اقتصادی را مستقر می‌سازد. برای اثبات این ادعا همواره اقتصاد کشورهای سرمایه‌داری مثل آلمان غربی را با اقتصاد کشورهای سوسیالیستی مثل آلمان شرقی مقایسه می‌کرد و نتیجه می‌گرفت که اگر کارخانجات به مالکیت خصوصی درآید، سرمایه‌دار بخش خصوصی تلاش می‌کند برای به حداکثر رسانیدن سود خود از بهترین عوامل تولید با ارزانترین قیمت استفاده کند تا با

۱- استاد فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد، از انتشارات دانشگاه شهید بهشتی -

کمترین هزینه بهترین کالا را تولید نماید تا بتواند در بازار رقابتی فروش موفق باشد و سود خود را به حداکثر برساند.

امروزه نیز در جمهوری مسلمین ایران برای کارخانجات دولتی پس از بیست سال زیان‌دهی راه علاج خصوصی سازی و فروش آنها به بخش خصوصی ارائه شده است.

سرمایه‌داران ادعا می‌کنند که تنها در نظام سرمایه‌داری است که مال به دست اهل آن می‌افتد یعنی به دست کسی که می‌داند از آن چگونه استفاده کند تا آن را رشد دهد. اینها همه نشان می‌دهد که فعلاً دور دور سرمایه‌داری است و این نظام در تمامی کشورها اعم از سابقاً سوسیالیست و یا به اسم اسلامی مثل عربستان و غیره بساط خود را پهن کرده و سیطره‌ی خود را اعمال می‌کند.

مشخصات ظالمانه و باطلانه‌ی این نظام را تا اندازه‌ای در صفحات قبل شرح دادیم و از اعجاز اسلام یکی اینکه بزرگان این دین در هزار سال قبل این مشخصات را ظالمانه و جورگستر شناخته و آنها را دلیلی و علامتی برای ظهور قائم و منتقم و عدل‌گستر نهایی حضرت مهدی (عج) دانسته‌اند.

مشخصات ظالمانه نظام سرمایه‌داری

۱- وجود رابطه استثمارگرانه بین کارگر و سرمایه‌دار که بر پایه به حداکثر رسانیدن سود، دائماً دستمزد را پائین نگه‌میدارد و قیمت محصول ساخته شده توسط کارگر را افزایش می‌دهد و لذا رفاه کارگران را در سطح پائین نگه‌میدارد و قیمت محصول ساخته شده

توسط وی را افزایش می‌دهد.

۲- وجود رابطه‌ی استعمارگرانه که همواره کشورهای مسلط و شرکتهای بزرگ اقتصادی سلطه‌گر بهای مواد اولیه را به قیمت ارزان خریداری می‌کنند و کالاهای ساخته شده از همین مواد را به مردم زیرسلطه گران می‌فروشند تا سود خود را به حداکثر برسانند.

۳- تقسیم منابع غارت شده از کشورهای جهان سوم و تحت سلطه به شیوه‌های جنگ‌آفرین و لذا گسترش صنایع نظامی مرگ‌آفرین جمعی و شعله‌ور ساختن آتش جنگهای منطقه‌ای، محلی و حتی جهانی در راستای تأمین منافع اقتصادی خود. بطوری که: «جهان در هر هشت یا نه ساعت حدود یک میلیارد دلار صرف تسلیحات می‌کند، پولی که می‌شود کم و بیش در هر روز (سه برنامه عمرانی آفریقا) را با آن به سامان رسانید و این پولی است که در هر روز از هر سال تلف می‌شود. با پولی که صرف یک تانک مدرن می‌شود، می‌توان کیفیت ذخیره‌سازی صد هزار تن برنج را بهبود بخشید و از این راه از ضایع شدن بیش از ۴۰۰۰ تن برنج در سال یا غذای روزانه ۸ میلیون نفر پیشگیری کرد.

با همین مبلغ می‌توان برای سی هزار کودک حدود هزار کلاس بنا کرد. با هزینه یک هواپیمای جنگی می‌توان حدود چهل هزار داروخانه روستایی برپا کرد، هزینه تولید یک زیردریایی هسته‌ای مساوی است با مجموع بودجه آموزشی ۲۳ کشور در حال توسعه با ۱۶۰ میلیون کودک که در سنین رفتن به

مدرسه هستند»^(۱)

بسیاری از خشونت‌ها و بحران‌ها و آشوب‌های سیاسی در همین راستا است و چیزی که در این راه به خدمت گرفته می‌شود جان مردم تحت سلطه است چه مردم کشور سلطه‌گر و چه مردم کشورهای تحت سلطه. حتی در رقابت‌های اقتصادی چند شرکت صنعتی غربی به سادگی آدم‌کشی‌های دسته‌جمعی انجام می‌دهند مثل شرکت در سقوط هواپیمای فوکر در ۲۰ مهرماه ۱۳۷۳^(۲) در ایران که شرکتهای آمریکایی به منظور خارج ساختن شرکت هواپیماسازی فوکر از بازار ایران دهها ایرانی را بخاک و خون و آتش کشیدند و دو فروند هواپیمای فوکر را از بین بردند و بعد با تبلیغات زیاد آن را فاقد امنیت جلوه دادند تا رقیب را از ایران فراری دهند.

بسیاری از سوانح، کشت و کشتارها و قتل‌های مرموز ریشه در همین

۱ - ویلی برانت، جهان مسلح، جهان گرسنه، صفحه ۹۳

۲ - انفجار و سقوط هواپیمای فوکر شرکت هوایی آسمان در تاریخ ۱۳۷۳/۷/۲۰ در آسمان کاشان نظیر روی کوه‌های کرکس که منجر به پودر شدن ۶۶ مسافر بیگناه شد که همگی آنها برای سفرهای کاری رفته بودند و از سطح علمی بسیار بالایی برخوردار بودند و پرونده این جنایت همچنان باز و به خاطر نفوذ در این پرونده پس از ۵ سال هنوز هیچ جوابی داده نشده است. و خانواده‌های بی‌سرپرست همچنان در داغ همسرشان می‌سوزند و از ناداری رنج می‌برند ولی حتی پول خون آنها را شرکت آسمان براساس تعرفه‌های جهانی نمی‌دهد.

رقابتهای اقتصادی دارد.

۴- ایجاد جامعه‌ای با شکاف طبقاتی و شعله‌ور ساختن همیشگی کینه طبقاتی بین فقرا و اغنیاء

۵- برقراری یک سیستم بی ثبات اقتصادی که همواره هر چند سال یکبار دچار رکود و ورشکستگی می‌شود و هزاران هزار انسان بیکار و فقیر و صدها سرمایه‌دار ورشکسته می‌گردند. و اقتصاددانان سرمایه‌داری هنوز برای این بیماری سرطان‌گونه‌ی نوسانات اقتصادی نتوانسته‌اند راه علاجی پیدا کنند.

۶- استقرار یک سیستم اقتصادی یک طرفه که فقط نفع سرمایه‌داران را تأمین می‌کند به این بهانه که اگر سود کم شود سرمایه‌گذاری کم می‌شود و بیکاری و فقر افزایش پیدا می‌کند. در حالیکه این روند نیز خود به فقر توده‌ها چه در کشورهای مسلط - مثل کپرنشین‌های بریتانیا و جامعه فقیر سیاهپوستان آمریکا - و چه در کشورهای فقیر منجر شده است. یعنی اقتصاد سرمایه‌داری غربی یقیناً بدون غارت منابع کشورهای جهان سوم به زور اسلحه و تحمیل جنگ بر آنها هرگز نمی‌تواند ظاهر خوش آب و رنگ خود را حفظ کند.

۷- گسترش فحشاء و فساد اخلاق به منظور تخدیر اعصاب در جهت تحمل استثمار نیروی کار توسط سرمایه‌داران بهانه این کار نیز شعار آزادی اقتصادی است و لذا همین آزادیها به بلای خانمانسوز تبدیل شده به نام قاچاق مواد مخدر که توسط سرمایه‌داران حمایت می‌شود و بجان مردم زیر استثمار کشورهای مادر و زیر سلطه افتاده است.

تمامی این ناکامیها و معایب نشان از آن دارد که گسترش این نظام و جهانی شدن و شدت گرفتن این نابسامانیها و جورها و ستمها ظهور مهدی و قائم (عج) عدل گستر جهانی را طلب می نماید.

اهل مال کیست

حضرت قائم (عج) در حکومت خود مال را در اختیار اهل آن قرار می دهد. اهل مال کسی است که آن را مطابق فرامین قرآن بکار گیرد یعنی در جهت تکامل افقی و تکامل عمودی انسانها. در این جهت روابط اقتصادی عاری از هرگونه استثمار انسان از انسان در سطح داخلی و استعمار انسانها در سطح جهانی باید گسترش یابد. در چنین اقتصادی به علت استقرار عدالت تعادل در تمامی بخشهای اقتصاد ملی و بین المللی بوجود می آید و از فقر و بیکاری و اختلاف طبقاتی و تبعیضات اقتصادی و غیره خبری نیست.

به امید آن روز

۲۹- مردمان شریف را از نظرها بیندازند، بر آنان تنگ گیرند^(۱)

در نظام سرمایه داری یا شبه سرمایه داری چون پایه های اقتصادی دولت سرمایه داران بر دزدی حق کارگران و کارمندان و غارت منابع و منافع مردم قرار دارد لذا به منظور حفظ روابط استثمارگرانه و استعمارگرانه موجود نیاز دارند که مردم از مآوقع جریانات پشت پرده ی ساخت و سازهای غارتگرانه و قراردادهای خائنانه

بی خبر باشند در واقع مردم را در خواب می‌خواهند تا با خیال راحت به سرقت اموال آنان بپردازند.

مردمان شریف که واژه‌ی قدیمی اصطلاح روشنفکر امروزی است این روند را به هم می‌زنند و مردم را با گفتارها و نوشتارهای خود بیدار می‌کنند تا خود مردم از ادامه غارتگری دزدان بین‌المللی و داخلی جلوگیری نمایند. روشنفکر یا مرد شریف یا مرد شاعر (باشعور) عبارتست از کسی که نسبت به محیط خود و آنچه در آن می‌گذرد بیش از دیگران آگاهی دارد و کنار این آگاهی احساس مسئولیت بیدار کردن مردم و آگاه کردن آنان به حقوق از دست رفته و راههای بازپس‌گیری آنها یا جلوگیری از ادامه غارتشدگی و استثمارشدگی خود و همه را دارا هستند. اگر کسی این آگاهی را داشته باشد ولی بخاطر حفظ جان یا حفظ نان و حفظ نام سکوت اختیار کند و با استثمارگران و استعمارگران سازش نماید و از قبیل غارتشدگی و فقر مردم، زندگی راحتی برای خود دست و پا نماید و پا را از این هم فراتر بگذارد و در خواب کردن مردم و عمیق کردن این خواب تلاش نماید و به کمک علم خود وضع موجود را توجیه نماید به این معناست که شرفش را فروخته است او دیگر نه شریف است و نه روشنفکر و نه شاعر. روشنفکر چه مذهبی و چه غیرمذهبی^(۱) سه مشخصه دارد:

۱ - اخیراً کسانی که سر خود را در تار عنکبوت واژه‌ها و واژه‌نامه‌ها حبس کرده‌اند از این سخن می‌گویند که آیا بکار بردن اصطلاح روشنفکر دینی درست است یا نه.

۱- آگاهی از شرایط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی زمان خود
 ۲- احساس مسئولیت در آگاه کردن مردمش نسبت به این شرایط
 ۳- اقدام به آگاه کردن مردم و نشان دادن راه نجات به آنان
 در نظام سرمایه‌داری به منظور بیدار نشدن مردم، حکومتها
 روشنفکران را به انزوا می‌کشاند و خانه‌نشین می‌کنند و یا با دسیسه‌ها
 و توطئه‌های مخصوص آنان را از نظرها می‌اندازند و به عبارت دیگر
 بین مردم و روشنفکران ایجاد فاصله می‌کنند. و به این منظور سعی
 می‌کنند روشنفکر را در تنگدستی قرار دهند تا در فشار فقر یا بمیرد، یا
 خسته شود و به سازش کشیده شود و یا رمق و امکانات ارتباط با مردم
 را نداشته باشد.

پیامبر(ص) اسلام خود یک روشنفکر واقعی و روشنفکر کامل بود
 (مثل انسان کامل) و اشراف مدینه ابتدا خواستند وی را بخرند و به
 سازش و سکوت بکشانند، لذا پیشنهاد زن و زر و زمین به او دادند
 ولی پیامبر(ص) فرمود اگر خورشید را در یک دست و ماه را در دست
 دیگرم قرار دهید دست از ابلاغ رسالت بر نمی‌دارم.

بعد از این مرحله بود که او را در شعب‌ابی طالب به محاصره اقتصادی
 درآوردند و پیامبر(ص) و یارانش را در تنگدستی شدید قرار دادند. با
 تعریفی که ما از روشنفکر ارائه دادیم ملاحظه می‌شود که در رأس
 روشنفکران عالم انبیاء و اولیاء و ائمه اطهار قرار دارند و در نهایت نیز

این در حالی است که واژه روشنفکر در فرهنگ دینی ریشه عمیق دارد

یک روشنفکر کامل بنام حضرت قائم (عج) بشریت را از جور و ستم جباران و ستمگران و ظالمان نجات خواهد داد.

● ۳۰- زراعت فاسد می شود (۱)

یکی از علامات ظهور حضرت قائم (عج) فاسد شدن زراعت است این می رساند که اسلام چقدر برای فعالیت‌های کشاورزی اهمیت قائل است که فاسد شدن آن را یک جور بزرگ دانسته قیام قائم (عج) برای محو آن را ضروری می داند. این امر یک اصل عقلی است. چرا که کشاورزی یعنی استتلال یک کشور. وقتی فعالیت‌های کشاورزی از بین برود مردم یا از گرسنگی تلف می شوند و یا باید به وارد کردن مواد غذایی از کشورهای دیگر مبادرت کنند که این یعنی بدترین شکل وابستگی یک کشور به خارج.

چون وقتی شکم گرسنه به دست دشمن وابسته شد، دشمن تا ملت را برده‌ی خود نکند غذایش نخواهد داد و این جور اعظم است و قیام مصلح را طلب می کند.

حال ملاحظه کنید آیا یک کشور مسلمان می تواند آنقدر به مسأله فعالیت‌های کشاورزی بی توجه باشد که در جهان به عنوان بزرگترین کشور واردکننده‌ی گندم از خارج معرفی شود - یعنی ایران در سال ۱۳۷۶.

در زیر پیرامون وضع کشاورزی ایران مطالبی زیر را مطالعه

می‌کنیم: در روزنامه اطلاعات ۷۶/۴/۹ می‌خوانیم:
 «ایران در سال ۱۳۷۵، ۶/۵ میلیون تن غلات وارد کرده است که این امر
 کشور ما را به اولین مشتری محصولات کشاورزی و واردکننده غلات در جهان
 تبدیل کرده است.»

- در روزنامه میهن ۷۶/۴/۲۱ می‌خوانیم:
 «به علت پائین بودن قیمت گندم، روستائیان گندم را به جای گاه می‌فروشند...
 زیرا به ازای هر کیلوگرم گندم چیزی در حدود ۵۰۰ ریال و در مقابل هر کیلوگام
 ۶۰۰ ریال به دست می‌آورند.»

- در روزنامه کیهان ۷۶/۴/۲۵ می‌خوانیم:
 «در سال ۱۳۵۵ جمعیت روستایی کشور ۵۳ درصد جمعیت کل کشور بوده
 است. این میزان در سال ۶۵ به ۴۶ درصد و در سال ۷۰ به ۴۳ درصد و در
 آخرین سرشماری یعنی در سال ۱۳۷۵ به ۳۹ درصد کاهش یافته است.

● ۳۱- عمرشان کوتاه است^(۱)

در نظام سرمایه‌داری وجود روابط استثمارگرانه ظالمانه و
 استثمارگرانه غارتگرانه مردم را از نظر اقتصادی دچار سختی و از نظر
 اجتماعی دچار نابسامانیهای متعدد می‌کند که این گرفتاریها به
 سلامت جسم و روان و اعصاب آنان چنان لطمه وارد می‌سازد که به
 بیماریهای مختلف دچار می‌شوند از جمله سکته قلبی و عمرها کوتاه
 می‌شود.

به علاوه در نظام سرمایه‌داری چون «ارزش»، پول و داشتن ثروت است بسیارند کسانی که می‌کوشند تا از هر راه ممکن به ثروت دست پیدا کنند لذا انواع غذاهای تقلبی و یا با کیفیت غذایی بسیار پایین تولید می‌شود و با مصرف آنها بدن‌ها ضعیف می‌گردد و به علت فقر و نداشتن درآمد کافی و برای معالجه‌ی به موقع یک سرماخوردگی به سینه‌پهلوی تبدیل می‌شود و مرگ‌آفرین می‌گردد.

هرچه سرمایه‌داری رشد می‌کند و عالمگیر می‌شود تضادهای درون آن نیز رشد می‌کند و لذا با گذشت زمان در آینده گرفتاریهای اجتماعی و اقتصادی مردم بیش از امروز خواهد بود و لذا مرگ‌های زودرس نیز بیشتر و عمرها نیز کوتاه‌تر خواهد شد در واقع عدم تعادل ناشی از عدم وجود عدالت در صحنه اقتصاد سبب پیدایش عدم تعادل در سلامت بدن می‌شود که با گسترش بی‌عدالتی و جور این عدم تعادل‌های جسمی و روحی به کوتاهی عمرها منجر خواهد شد.

● ۳۲- پول حلال کم شود^(۱)

در نظام سرمایه‌داری به علت وجود ربا در بخش بانکها و در بخش تولید کالا یعنی بازارها اغلب دادوستدها به ربا آلوده می‌شود و لذا درآمد حلال بسیار کم می‌شود. اصولاً چون سیستم سرمایه‌داری برپایه استثمار کارگران و کارمندان استوار است خود این ظلم اقتصادی یعنی پرداخت دستمزد کمتر از آنچه حق کارگران و

کارمندان است درآمد را حرام می‌سازد. مضافاً به اینکه در این سیستم چون اخلاق از اقتصاد جدا می‌شود بسیاری افراد از هر راهی اگرچه مضر برای دیگران باشد می‌خواهند درآمد بدست آورند و لذا درآمدشان حلال نخواهد بود. مثل فروش هروئین، فروش کالاهای قاچاق و مضر، فروش کالاهای تقلبی و پائین‌تر از حد استاندارد تولید، فروش کالا با سودهای غیرنرمال یعنی ایجاد انحصارات برای بالا بردن قیمت محصول و کسب سودهای زیاد، اخذ رشوه، نزول خواری، احتکار و درآمدهایی از این قبیل.

در ایران امروزی به علت وجود تورم و درآمدهای غیرمکفی بسیاری کارمندی که بدون رشوه کار نمی‌کنند یا قضاتی که با رشوه حق را ناحق می‌کنند اینان برای خانواده خود درآمد حلال به خانه نمی‌برند.

● ۳۳- بناها را بلند می‌سازند (۱)

این فراز از حدیث نشان می‌دهد که در فرهنگ قدیم اسلامی ساختن بناهای بلند یک «جور» تلقی می‌شده است. هرچه هست در گذشته‌ی دور که فن‌آوری بناسازی و معماری اینقدر پیشرفته نبوده است پیش‌بینی ساختن آسمان‌خراش و برج‌های بلندمرتبه بسیار جالب است.

مسلم است که ساختن بنا به سبک افقی بهتر از سبک عمودی است. چرا که گسترش بنا در سرزمینهایی که آباد نیستند یعنی رفتن جمعیت به آن نقاط که خود سبب آبادانی مناطق مختلف کشور می شود و از زمینهایی که اطراف آن است به عنوان محل شغل و کار بهره برداری به عمل می آید که هم به درآمد عمومی افزوده می شود و هم به آبادانی و عمران تمام نقاط کشور.

ولی داشتن بناهای بلند، جمع کردن مردم در یک نقطه از این سرزمین وسیع و داشتن مشکلات شهرهای پرجمعیت مثل ترافیک های کشنده و هوای آلوده. و همچنین وابستگی به تکنولوژی برج سازی که از آن بیگانگان است و همین وابستگی ها در حالی که بازار فروش و سائل ساختن برج ها را برای بیگانگان گسترش می دهد به علت خروج ارز سبب بالا رفتن تقاضای دلار و افزایش قیمت آن به زیان ریال و پول ملی کشور می گردد.

● ۳۴- زینت شود قرآن به زینت غیر لازم و زینت شود مساجد و بلند سازند مناره ها را^(۱)

در اسلام تولید کالا و خدمت در حد ضرورت مجاز است و هرگونه کالا یا خدمت غیر ضروری نباید تولید شود. مثلاً در مغازه های لوکس فروشی انواع کالاهای غیر ضروری مثل سگ بزرگ بی واق و اق به بهای دو میلیون تومان گذاشته اند و امثال اینها. سگ برای پاسداری

است نه اینکه آن را از چینی درست کنند و کنار اطاق به عنوان دکور قرار دهند و این در حالی باشد که توده‌های عظیم مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و غذای شب و نهار ظهر و صبحانه صبح ندارند چه برسد به مسکن و مرکب ضروری.

این بحث دامنه‌اش به قرآن و مساجد و مناره‌ها نیز کشیده شده است که مردم ببینند چقدر جدی است قرآن مجید نیز می‌فرماید آیا بناهای عبث می‌سازید بر بلندی‌ها «افتنون بکل ربع آیه تعبتون» یعنی آیا بنامی‌کنید به هر بلندی یک نشانه عبث (آیه ۱۲۸ سوره ۲۶)

حال امروزه در ایران خود ما کتابخانه می‌سازند آنهم برای آستان قدس رضوی یعنی به نام کسی که همین لوکس‌بازی‌ها را حرام اعلام کرده و در آن کتابخانه مسجد می‌سازند لوکس از چوبهای مثبت‌کاری شده و درخت طوبی با چوب ستون و ستف کنده کاری شده که این خود مجوزی باشد برای سرمایه‌داران که شما هم می‌توانید در منزلتان از دکور و لوکس‌بازی استفاده کنید. قرآن چاپ می‌شود با آب طلا و جلد عاج و مناره‌های مساجد را که نگو درست به همان بلندی که باید علامت ظهور حضرت قائم (عج) باشد یعنی «جور» و ظلم آشکار.

● ۳۵- دولت شیاطین روی کار خواهد آمد و به جان ضعیف‌ترین مستمندان می‌افتد^(۱)

دولت شیطان‌ها در مقابل دولت الهی و اسلامی واقعی قرار دارد. در دولت الهی ارزش‌ها و اصول اقتصاد قرآنی حاکم است و در دولت شیاطین ارزش‌ها و اصول ضد قرآنی. ارزش‌ها و اصول قرآنی عبارتند از:

- استقرار قسط و عدل در روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی
- پرداخت زکوة و خمس
- استقرار مواسات
- پرداخت صدقات و انفاقات از روشی که فاصله طبقاتی از بین برود.
- مراعات سطح کنز
- پرداخت روزی در حد نیاز متعارف جامعه
- عدم وجود فقر
- عدم وجود ربا در بازارها و بانکها
- استقرار اصل خدامالکی ابزار تولید
- داشتن بخش کشاورزی فعال و صنعت مستقل و خدمات ضروری و عدم تولید و توزیع کالاهای غیر ضروری
- ارزشهای و اصول ضد قرآنی
- استقرار روابط استثمارگرانه داخلی و استثمارگرانه خارجی
- پرداخت مالیاتهای غیرمستقیم تورم‌زا
- ایجاد اختلاف طبقاتی و شکاف عمیق بین فقر و غنا
- خصوصی سازی به منظور تخریب بخش کشاورزی و وابسته شدن

کشاورزی و صنعت بخارج

● گسترش فقر بین اقشار مختلف مردم از طریق غارت دسترنج آنها توسط سرمایه داران

● وجود ربا در بانکها و در بازارها علناً یا به نامهایی مثل سود و بهره و غیره

● پرداخت ربا در بانکها و در بازارها علناً یا به نامهایی مثل سود و بهره و غیره

● پرداخت صدقات و انفاقات به روش گداپروزی که هم آبروی افراد برود و هم همیشه مستمند و ندار باقی بمانند.

● پرداخت درآمد و حقوق های بسیار ناچیز در مقابل نرخ بالای تورم بهای کالاهای ضروری به منظور گسترش دزدی و رشوه و فرار از کار و یا تحمل درد و رنج نداری و مرگ و میرهای زودرس

● تولید و توزیع کالاهای غیر ضروری و بناهای لوکس و بناهای نشانه گونه ی بی فایده و قصرهای آئینه کاری و زندگیهای تجملی در حالیکه در کنار آن توده های مردم در بدترین شرایط اقتصادی با فقر و نداری دست و پنجه نرم می کنند.

● گسترش اصل مالکیت خصوصی ابزار تولید علیرغم خصلت جور آفرینی که دارد.

با توجه به آنچه آمد و با توجه به مطالب صفحات قبل روشن می شود که مصداق بارز حکومت شیاطین، حکومت های سرمایه داری و شبه سرمایه داری امروز جهان است. در این سیستمها اعم از غربی یا

شرقی، توسعه یافته یا در حال توسعه‌ی آن بدترین فشارهای اقتصادی بر ضعیف‌ترین قشر مستمند جامعه وارد می‌شود. تولید کالاهای غیرضروری و زندگیهای اشرافگونه و خرجهای اسرافگونه‌ی حکومت و بخش خصوصی مرفه و بسیار مرفه جامعه عوامل تولید را می‌بلعد و برای بخش کالاهای ضروری مثل غذا و پوشاک و مسکن توده‌های فقیر مردم چیزی باقی نمی‌گذارد و با پرداخت دستمزد ناچیز به کارگران و کارمندان و بالا نگهداشتن قیمت کالاها و مواد اولیه موردنیاز مایحتاج آنان یک قشر مستمند بوجود می‌آید که باید زیر حمل بار زندگیهای فرعون مآبانه قشر مرفه و سرمایه‌داران استثمارگر استخوانهای پشت وجود و صبرشان خرد شود.

● ۳۶- مرد مال زیادی دارد از وقتی که مالک آن مال شد زکات نداد (۱)

اهمیت پرداخت زکات از این حدیث معلوم می‌شود که عدم پرداخت آن جزء دلایل قیام حضرت قائم (عج) خواهد بود. متأسفانه امروزه در هیچ کجای دنیا زکات مال پرداخت نمی‌شود. زکات بقدری مهم است که در قرآن مجید همواره خداوند آن را کنار صلوة قرار داده است. یعنی وقتی کسی نماز بپا می‌دارد باید زکات نیز بپردازد. ولی تأسف‌بارتر اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز سخنی از زکات به میان نیامده است و قوانین جاری کشور در طول بیست سال

حکومت مسلمین در ایران قوانین مالیاتی غربی را توصیه کردند ولی از بحث پیرامون زکات طفره رفتند.

پرداخت زکات می تواند ربا را از اقتصاد خارج سازد ولی وقتی ربا وجود دارد و زکات وجود ندارد اقتصاد شیطانی بوده ظهور قائم آل محمد (ص) را طلب می نماید.

● ۳۷- صف‌ها زیاد شود^(۱)

زمانی که شبکه توزیع کالاها و خدمات براساس علم و دانش و مطابق حق‌های آن انجام نگیرد مشکلات عدم وجود عدل در توزیع سبب بروز صف‌ها می شود. امروز مردم ایران با این مشکل بخوبی آشنا هستند ساعتها باید در یک صف ایستاد تا قند یا شکر، نان یا گوشت به دست آورد.

وجود صف یک امر عادی است ولی اگر صف‌ها زیاد شود چه از نظر نوع و چه از نظر طول، آن وقت است که از «جور» موجود حکایت می کند و قیام حضرت قائم (عج) که در مسیر از بین بردن جورها در تمامی عالم می باشد گویای این واقعیت می باشد که تا آن زمان راه طولانی در پیش است. چون در کشورهای توسعه یافته از صدقه سر غارت‌هایی که از کشورهای تحت سلطه و در حال توسعه انجام داده‌اند بقدری وفور کالا دارند که در آنجا از صف خرید کالا خبری نیست. ولی در آینده که تضاد این نظام در سطح جهان شدت پیدا کند

وجود صف در تمام جهان چنان آزاردهنده خواهد شد که «جور»ی جهانی تلقی می‌گردد.

● ۳۸- فراریها زیاد شوند (۱)

وقتی شرایط اقتصادی و سیاسی یک کشور ظالمانه و استثمارگرانه باشد مردم که از فقر و تنگدستی به تنگ می‌آیند، ده، شهر، و یا کشور خود را ترک می‌کنند و دست به مهاجرت می‌زنند امروز تحقیقات اقتصادی نشان داده است که مهاجرت از روستا به شهرها تابع تفاوت سطح درآمد در شهر و روستا است. هر جا درآمد بیشتر باشد مردم به آنجا روی می‌آورند. این فرار از ایران به سوی ژاپن بین نسل جوان بخوبی مشهود است که برای کسب درآمد بیشتر چه دشواریهایی را در غربت و در فراگیری زبان ژاپنی باید تحمل کنند. در بعد از قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بسیاری از مردم به علت مشکلات سیاسی از ایران فرار کردند و حتی اموال غیر منقول خود را رها کردند و یا به ثمن بخش آنها را فروختند. ولی یک فرار به نام فرار مغزها وجود دارد که بستگی به ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران به کشورهای سلطه‌گر دارد. یعنی آنان وضع را چنان در ایران طراحی کرده‌اند که مغزها از ایران فرار می‌کنند و به کشورهای پیشرفته می‌روند. این روند در سایر کشورهای تحت سلطه نیز وجود دارد. یعنی دائماً مغزها و استعدادها را فرار می‌دهند به کشورهای صنعتی تا آنها به کمک مغزهای خود و مغزهای مردم

برجسته کشورهای جهان سوم روز به روز قوی تر شوند و کشورهای در حال توسعه را بیشتر بدوشند و اینان را فقیرتر کنند تا غنی تر و مرفه تر گردند. یک آمریکایی می نویسد:

«این واقعیت که ایالات متحده ۱۸۸ برنده‌ی جایزه‌ی نوبل داشته و ژاپن تنها پنج برنده، مسئله‌ای تصادفی نیست. ایالات متحده دائماً در کار غنی‌تر ساختن این آمیزه‌ی استعدادها و هوشهاست. آمریکا در سال ۱۹۸۸ بیش از تمام کشورهای دنیا مهاجر قانونی پذیرفته است، تعداد ۶۴۳۰۰۰ نفر مهاجر، رقمی که بیش از مجموع کسانی است که به دیگر کشورهای جهان مهاجرت کرده‌اند. واقعیت این است که از سال ۱۹۷۰ وضع به همین صورت بوده که مهاجرین به ایالات متحده بیش از مجموع مهاجرین به بقیه‌ی کشورهای جهان بوده‌اند. این مهاجرین چه کسانی هستند؟ اخیراً بیشتر آنان را آسیاییها و اسپانیایی نژادها تشکیل داده‌اند و نکته مهم این که اینان غالباً مردم باهوش و پشتکاردار و صاحب ابتکاری بوده‌اند که سرسختانه کوشیده‌اند تا موفق شده‌اند به ایالات متحده راه یابند.

این عادت آمریکاییهاست که همیشه به مهاجران قبلی می‌بالند و از مهاجران فعلی می‌نالند. حضور این مهاجران بر غنای منابع هوش و استعداد در آمریکا می‌افزاید، آن هم در زمانی که میزان مولید در ایالات متحده رو به کاهش نهاده است. واردات عمده آمریکا «انسان» است.

در کشورهای در حال توسعه مثل ایران، کانالهای شناسایی استعدادها بالا و استثنایی وجود دارد و بورسهایی که آنان را به خارج از ایران بفرستند. بورس به شاگردان ممتاز دانشگاهها می‌دهند

تا به خارج برای ادامه تحصیل بروند، برای کسانی که مدرک فوق لیسانس یا دکترای خود را از خارج گرفته‌اند ارزش اجتماعی و پولی بالاتر قائل می‌شوند. کار تدریس و علم و تحقیق را در ایران کم درآمد می‌گردانند و حتی صاحبان علم را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند تا به خارج از ایران فرار کنند. در خارج از ایران - مثلاً آمریکا - آنقدر به این فراریان می‌رسند و زندگی مرفه برایشان فراهم می‌کنند که میل نکنند به ایران بازگردند. و وقتی از آنان می‌پرسی چرا به ایران نمی‌آیید تا مردم ایران از استعداد و علم شما بهره‌مند شوند می‌گویند در ایران شرایط زندگی و شرایط انجام کارهای علمی و تحقیقاتی مناسب نیست. شکی وجود ندارد که عامل عمده فرار دادن مغزها از کشورهای تحت سلطه به کشورهای سلطه‌گر دولتهای دست‌نشانده‌ای هستند که با وضع مقررات خاص امکان این فرار را فراهم می‌آورند.

اگر در ایران برای سرمایه انسانی یعنی تخصص و علم و دانش درآمدی برابر سرمایه واقعی مثل آپارتمان و کارخانه در نظر گرفته شود و از ثروتمندان مالیات بگیرند و به اهل علم و تخصص بدهند و زندگی مرفه برای آنها فراهم آورند نه تنها مهاجرت نمی‌کنند بلکه مغزهایی که قبلاً فرار کرده‌اند به ایران بازمی‌گردند و به کمک این مغزها چه بسیار مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایران حل شود ولی به علت عدم وجود حکومت مستقل در جهان سوم همواره این روند معکوس عمل می‌کند.

مهمتر از این وجود روند کشتن مغزها در کنار فرار مغزها می باشد. اصولاً ابرقدرتها از جنگها و انقلابها ابزاری می سازند برای فرار دادن مغزها و حتی کشتن مغزها. مثلاً در اوگاندا بعد از انقلاب افراد بی سواد را به مقامهای بالا گماشتند که نسبت به دانشمندان و روشنفکران عقده داشتند و با اذیت و آزار آنها سبب شدند که اغلب آنها به خارج فرار کنند یکی از همین به قدرت رسیدگان به دانشمندان می گفت شما مغزتان به درد ما نمی خورد. بهتر است از اوگاندا خارج شوید و همین امر بود که سیل پزشکان و متخصصین اوگاندایی بعد از انقلاب به خارج شروع شد و اروپا و آمریکا آنها را جذب کرد و آنها که ماندند نیز یا کشته شدند و یا اخته.

● ۳۹- علما کم و امراء زیاد شود^(۱)

همانطور که در صفحات قبل مذکور افتاد، لازمه‌ی اجرای قسط و عدل، داشتن علم در تمامی زمینه‌های حیات انسانی است. وقتی علما کم و امراء زیاد باشد یعنی امور بیشتر بر مسیر ظلم حرکت می کند و از جاده‌ی قسط به دور است. علماء گویى مغز جامعه هستند، وقتی عالم کم باشد و جمعیت افزایش پیدا کند گویى هیکل جامعه بزرگ می شود و مغز آن کوچک. و لذا انجام هر چه بیشتر کارها بدون علم سبب برهم ریختن امور می شود. مثلاً در زمینه‌ی اقتصاد، تورم و بیکاری و شکاف طبقاتی زیاد می شود. در سطح سیاسی تفرقه

و جنگ داخلی و خارجی بوجود می‌آید و انسانها یکدیگر را نه تنها می‌کشند بلکه سبب فقر و نداری و عقب‌افتادگی بیشتر نیز می‌شوند. تمامی این گرفتاریها در مجموع ظهور حضرت قائم (عج) را طلب می‌کند که ظلم را به عدل و جور را به قسط تبدیل نماید. به کمک علم فوق‌العاده پیشرفته‌ی آن روز و به کمک درک بالا از وحی.

در یک جنگ وقتی امیران زیاد باشند ولی علماء کم، گرفتن مشاوره علمی توسط امیران از علماء با مشکل روبرو می‌گردد و وقتی حرکت‌های خرد و کلان بدون راهنماییهای علمی (یا با درجه‌ی کم اگر نگوئیم صفر) انجام شود یقیناً به نتیجه‌ی مطلوب نخواهد رسید و شکست در جنگ حتمی است.

در صحنه‌ی زندگی نیز همینگونه است نبودن عالم به تعداد لازم و بودن امر به تعداد فراوان به علت علمی انجام نگرفتن تمامی امور، ایجاد گره در کارها و آنهم گره‌های کور و بزرگ یک امر اجتناب‌ناپذیر است. اگر امروزه در سطح جهان ملاحظه می‌شود که فقر و تورم، بیکاری و جنگ کشتار می‌کند به این دلیل است که علم واقعی در زمینه امور اقتصادی و امور سیاسی وجود ندارد و آنچه هست مطالب واهی به نام علم است که نظام سرمایه‌داری جهانی بر آن استوار است و به آن عمل می‌کند و به همین علت است که می‌گوئیم نظام سرمایه‌داری به جور و ظلم آلوده است. برای مثال در علم اقتصاد هنوز برای طرز تعیین قیمت کالا و خدمت و طرز تعیین قیمت عوامل تولید راه حل علمی وجود ندارد و آنچه در جهان به نام اقتصاد خرد در دانشگاهها

تدریس می شود و وقت دانشجو و استاد گرفته می شود و بودجه های زیاد برای آن اختصاص می یابد یک سلسله مطالب غلط است مثل اینکه $P=M.U$ یعنی قیمت برابر مطلوبیت نهایی است و ما در صفحات قبل بی پایگی این ادعا را نشان داده ایم و در کتاب اقتصاد خرد تألیف این قلمزن مفصل این بحث را می توانید مطالعه فرمایید. یا در صحنه گیتی سرمایه داری جهانی از گفتگوی تمدنها سخن می گوید ولی برای حل کوچکترین معضل سیاسی به حمله و جنگ متوسل می شود. آنها جنگهای ناجوانمردانه و نابرابر مثلاً یکباره ارتش ناتو یعنی ارتش اروپا و آمریکا به یک کشور مثل عراق یا یوگسلاوی حمله ور می شود.

● ۴۰- فقهای ایشان بدترین فقهای زیر آسمانند، فتنه از ایشان سر می زند و به سوی ایشان بر می گردد^(۱)

فقها اصولاً دانشمندان علوم دینی هستند و چون دین در واقع از علوم انسانی مبتنی بر علم و وحی سخن می گوید لذا باید گفت که علمای وحی شناس - حوزه های علمیه - و علمای علوم انسانی - دانشگاهها - به این علت که آنچه می دانند یا کهنه است و قدیمی و مربوط به مشکلات زمان نیست - علمای حوزه ها - و یا وارداتی است و مربوط به مشکلات خاص مکان خاص نیست - علمای دانشگاههای ایران در زمینه علوم انسانی و علمای سایر کشورهای

جهان سوم در همین زمینه - لذا آنچه انجام می دهند غلط است و به بلا دچار می شوند و نتیجه‌ی عملشان فتنه است و گرفتاریهای همین فتنه‌ها و ندانم‌کاریها به خودشان برمی‌گردد.

فتنه نه تنها در زمینه امور اقتصادی است - بلکه ممکن است در زمینه‌های سیاسی و امور قضائی مثل تشکیل حکومت نیز باشد و چون به این امور از طریق علم واقعی وارد نیستند دست به کارهایی می‌زنند که جز به خراب‌تر کردن اوضاع نمی‌انجامد و وقتی همه چیز از سامان خودش خارج شد دودش به چشم خودشان می‌رود. چون اولین چیزی که از دست می‌دهند، اعتماد مردم به آنهاست و تنها سرمایه‌ی آنها نیز همین بوده است و لذا عملکرد فتنه‌آمیزشان گوئی به خودشان باز می‌گردد و از اعمالشان بجای محبت کینه در قلب مردم بوجود می‌آید.

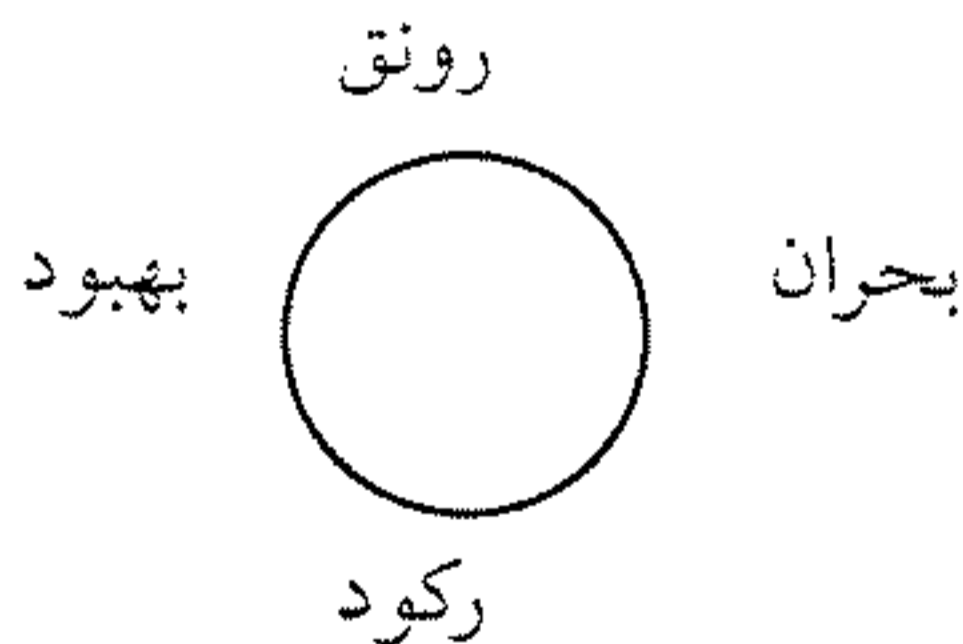
قرآن مجید می‌فرماید «لاتقف مالیس لک به علم یعنی بکاری که علم انجام آن را نداری دست مزن.» (سوره ۱۷ آیه ۳۶). چه شخصی بدتر از کسی که قرآن‌شناس است ولی به علمش عمل نمی‌کند و دست به کاری می‌زند که علم انجام آن را ندارد. یعنی حکومت تشکیل می‌دهد در حالیکه حتی از الفبای سیاستهای پیچیده‌ی ابرقدرتهای جهانی اطلاع کافی ندارد - مانند طالبان در افغانستان - آن وقت می‌شود آلت دست سیاست‌بازان چیره‌دست غربی و به نام دین فتنه‌هایی برپا می‌کند که هم خودش و هم مردم را در آن به سیه‌روزی و بدبختی می‌کشاند.

● ۴۱- جوع و غلاء اسعار و نقص اموال یعنی کسادت تجارت‌ها و

کمی منافع، نقص از ثمرات یعنی کمی ربیع زراعت‌ها و بی‌برکتی میوه‌ها^(۱)

گرسنگی و گرانی و کمی محصول و کسادی تجاری و مبادله و پائین آمدن سود و کاهش قدرت تولید همه و همه از علائم دوران رکود بزرگ نظام سرمایه‌داری جهانی است که در احادیث ما به آنها اشاره رفته است و از نظر عقلی و علمی یک چنین دوره‌ای برای جهان سرمایه‌داری بوجود خواهد آمد.

چرا که جزء لاینفک این نظام وجود بیماری دوره‌های اقتصادی یا نوسانات تجاری است. امروزه وقتی اقتصاد سرمایه‌داری به دوره‌ی رکود می‌رسد از طریق انتقال اثرات منفی آن به کشورهای تحت سلطه بوسیله تغییر در نرخ ارز به نفع خود و به زیان آنان، کاهش در بهای مواد خام صادراتی کشورهای تحت سلطه و افزایش بهای محصولات کشورهای سلطه‌گر، می‌کوشد تا به کمک همین مکانیسم غارت دوره‌ی کسادی را کم کند و آن را به دوره‌ی بهبود و رونق بکشانند.



ولی در آینده، وقتی منابع زیرزمینی مثل نفت کشورهای تحت سلطه تمام شد این امکان از کشورهای سرمایه‌داری جهانی گرفته می‌شود و به ناچار دوره‌ی رکودشان عظیم و طولانی خواهد بود که گرفتاریهای ناشی از آن قیام حضرت قائم (عج) را خیرمقدم خواهد گفت.

● ۴۲- اموال را بارها حمل و نقل کنند^(۱)

این حدیث شریف حکایت از دست به دست گشتن یک کالا در بازار از دست این فروشنده به دست فروشنده‌ی دیگر است. به اصطلاح عملیات سفته‌بازی نیز همین است به این بیان که فروشنده‌ی اولی کالا را از تولیدکننده می‌خرد - مثلاً فرش را از بافنده‌ی آن در یک روستا خریداری می‌کند - بعد فروشنده‌ی دوم آن را از فروشنده‌ی اول خریداری می‌کند و فروشنده‌ی سوم از فروشنده دوم و هر یک، درصدی سودروی کالا می‌کشند و به دیگری می‌فروشند و این روند گاهی تا فروشنده‌ی دهم و بیستم نیز ادامه پیدا می‌کند و بین قیمت فروش آن از تولیدکننده‌ی اصلی تا قیمت آن هنگام فروش دست دهم و بیستم چهار تا پنج برابر می‌شود و فروشنده آخری آنرا به خریدار مصرف‌کننده به بهای بسیار گزاف می‌فروشد.

این روند فروش که نقش عمده در آن را دلالان بازی می‌کنند - حاجی‌ها در حجره فرش نشسته، دلال فرش می‌آید و از یک فرش برایش سخن می‌گوید و آنرا به او می‌فروشد و از دو طرف حق دلالی

می‌گیرد - سبب می‌شود که یک کالا مثل فرش مورد مثال، بارها از یک مغازه یا انبار به مغازه‌ی دیگر یا انبار دیگر حمل می‌شود. این روند فروش چون ظالمانه و جورآمیز است جزء علائم ظهور حضرت قائم (عج) آمده است. جورآمیز بودن آن به این دلیل است که نیروهای بسیار زیادی به نام دلال و فروشنده بجای انجام کارهای مفید به کار فروش دست به دست یک کالا مشغول می‌شوند که چیز جدیدی بوجود نمی‌آورد جز تورم بهای کالای مورد نظر.

● ۴۳- بعضی اموال دیگری را غارت کنند (۱)

این نشانه نیز در نظامهای سرمایه‌داری جهانی بوجود می‌آید. در این نظام است که اموال مردم از طریق بالا رفتن قیمت کالاها غارت می‌شود. غارت همیشه نباید بصورت مصادره‌ی اموال توسط حکومت‌های ستمگر باشد گاهی نیز توسط همین حکومتها از طریق بالا رفتن قیمت کالاها غارت اموال تحقق پیدا می‌کند.

وقتی قیمت کالاها و خدمات بالا می‌رود - به طور مدام که به آن تورم گویند - مردم می‌بینند با درآمد ثابت خود نمی‌توانند زندگیشان را اداره کنند لذا از سرمایه می‌خورند. یعنی ابتدا پس اندازهایی که در بانکها دارند را از بانک می‌گیرند و خرج زندگی می‌کنند، می‌خواهند دخترشان را به خانه‌ی شوهر بفرستند، نه پس انداز دارند و نه درآمد کافی که جهیزیه را قسطی خریداری کنند لذا اتومبیل شخصی یا حتی

خانه‌ی شخصی خود را می‌فروشند و اجاره‌نشین می‌شوند تا بتوانند خرج عروسی پسر یا خرج خرید جهیزیه دخترشان کنند و یا با امرار معاش روزانه فرش دستبافت خود را می‌فروشند و فرش ماشینی می‌خرند و کم‌کم آن را هم می‌فروشند و موکت می‌خرند و این روند ادامه دارد... این واقعیتی است که امروزه ما در ایران شاهد آن هستیم. ایرانی امروز نسبت به ده سال قبل ده برابر فقیرتر شده است و لذا چون نمی‌تواند آبرویش را بفروشد و زندگی کند لذا اموالش را می‌فروشد تا آبرویش را بخرد و این می‌شود روند غارت‌شدگی توده‌های مردم توسط گروهی سرمایه‌دار از خدا بی‌خبر داخلی و خارجی.

یقیناً گسترش این روند جز با ظهور یک مصلح جهانی متوقف نخواهد شد و از بین نخواهد رفت.

● ۴۴- دادخواهی ضعفا از اغنیاء انجام نشود^(۱)

سرمایه‌داری جهانی آئین و مقررات خاص خود را دارد و آن حمایت صاحبان سرمایه در مقابل ضعفا می‌باشد.

لذا در سیستم و نظام سرمایه‌داری چیزی که بجایی نمی‌رسد فریاد فقرا و محرومین از افزایش قیمت کالاها و گسترش فقر و نداری است. امروزه ما در ایران خودمان شاهد هستیم که چگونه هر ساله دولت به یک نسبت معین بهای کالاهای دولتی را افزایش می‌دهد و چندین

برابر آن سایر کالاها از نظر قیمت افزایش می‌یابد. و این در حالی است که درآمد مردم به آن نسبت افزایش پیدا نمی‌کند. مردم هرچه می‌گویند، شکایت می‌کنند و حتی روزنامه‌ها انتقاد می‌کنند کسی نیست که بگوید حرف حسابتان چیست؟ و چرا می‌نالید، آنان برای بالا بردن سود سرمایه‌داران جهانی قیمت دلار را افزایش می‌دهند و اینان با درآمد ثابت باید خرید کالاهایشان را به دلار انجام دهند و به اصطلاح حقوقشان و درآمدشان را به تومان بگیرند. که اولی دائماً بالا می‌رود و دومی پائین می‌آید. و مردم در این بالا و پائین رفتن قیمت دلار و ارز سرگیجه می‌گیرند و از بین می‌روند، چه تعداد خانواده‌ها که در اثر گسترش فقر از این کانال از هم پاشیده شده است و چه میزان سگته‌ها و مرگ و میرهای زودرس که از این کانال بوجود آمده است و چه فسادهای اخلاقی و اجتماعی که از این ناحیه گسترش پیدا کرده است. و هیچکس نیست که برای حل این مشکل به وی شکایت برد و لذا جز حضرت قائم (عج) چه کسی حلال این مشکلات خواهد بود.

● ۴۵- حلال شود رشوه‌خواری بنام هدیه^(۱)

امروزه ما در ایران خودمان شاهد هستیم که حتی در سطح بین‌المللی تلاش می‌شود که تعریف مشخصی از رشوه‌خواری ارائه شود که تفاوت بین رشوه و هدیه را روشن کند. چون بسیاری از شرکتهای بزرگ خارجی که مدیران کشور را با پرداخت مبلغی وجه

نقد به صورت دلار می‌خرند تا قراردادهای بسیار بزرگ در مورد خرید کالاهای مورد نیاز کشور را از آنها انجام دهند. حال می‌خواهند سازمان ملل متحد بگوید که اگر یک شرکت خارجی مبلغی را به یک شرکت دولتی یا یک اداره‌ی کشوری به عنوان هدیه پرداخت می‌کند این رشوه تلقی می‌شود و مسئول شرکت یا اداره مذکور رامی‌شود محاکمه کرد یا نه.

در حدیث فوق‌الذکر می‌گوید در آینده این قانون تصویب خواهد شد و دنیا رشوه را به عنوان هدیه توصیه خواهد کرد. در آن زمان است که جور و ظلم اقتصادی همه‌گیر خواهد شد. چرا که با خیال راحت دولتمردان و مسئولان مملکتی از شرکتهای خارجی پول دریافت می‌کنند و با آنها قراردادهای کلان می‌بندند علیرغم اینکه هم کالاهای مورد قرارداد نامرغوب و هم قیمت آن بسیار بالا خواهد بود. عین همین جریان امروزه در سطح ادارات ما بچشم می‌خورد. در اغلب ادارات و حتی دادگاههای ما بدون پرداخت وجه نقد کاری از پیش نمی‌رود. یک زمانی بود که رشوه دادن زیرمیزی بود ولی امروز علناً اینکار انجام می‌شود و نام آن را پرداخت انعام یا هدیه می‌گذارند. سؤال اصلی این است که آیا اگر شخص هدیه گیرنده در مقام و پست امروزه‌ی خود نبود باز هم این مبلغ را می‌توانست بدست آورد. اگر چنین نیست آنچه می‌گیرد رشوه تلقی می‌شود.

● ۴۶- طالب حرام را مدح و تعظیم نمایند و طالب حلال را مذمت

کنند (۱)

متأسفانه در نظام سرمایه‌داری که داشتن پول ارزش است اگر مرد خانه پایبند به ارزش‌های مکتبی باشد و حلال و حرام سرش بشود و بخواهد فقط از راه حلال پول بدست آورد بناچار نمی‌تواند کالاهای تجملی و ارزشهای اشرافی را برای منزل تهیه نماید در این صورت است که به بی‌کفایتی متهم می‌شود و زن و بچه از او می‌برند و در نهایت خانواده درگیر طلاق می‌شود. ولی اگر مرد حلال و حرام سرش نشود و از راه ساخت و ساز با حکومت‌های ظالم و ستمگر به پول و مقام دست پیدا کند مردی باعرضه با جریزه تلقی می‌شود و مورد احترام زن و فرزند و فامیل خواهد بود.

وجود چنین شرایطی که حرام‌خور را مدح و حلال‌خور را ذم می‌کنند از علائم ظهور حضرت قائم (عج) نامیده شده است چون یک جور آشکار است و ذات این روند - یعنی نظام سرمایه‌داری - به علت تضادهای درونی که دارد محکوم به فناست. چرا که غارت در رشوه و دزدی و خیانت به مال دیگران از طریق بالا بردن قیمت کالاها و فقیر کردن توده‌ها و غنی ساختن اقلیتی از مردم یعنی بروز شکاف شدید طبقاتی سبب می‌گردد فقرا تحملشان طاق شود و قیام کنند و

در صورت جهانی

شدن این روند راهی جز قیام مصلح جهانی باقی نمی‌ماند.

● ۴۷- خلق اشخاص ثروتمند را متابعت کنند (۱)

وقتی نظام سرمایه‌داری در جامعه ملی یا بین‌المللی تحقق پیدا کرد، ثروت و پول ارزش می‌شود و دارنده‌ی آن ارزشمند و لذا مردم ثروتمندان را الگوی خود می‌سازند و هرچه آنها انجام دهند اعم از طرز خوراک و پوشاک و غیره، به اصطلاح مُد می‌شود و دیگران از آنها تقلید می‌کنند. حال ممکن است این مُد از پاریس بیاید به ایران - کشور ثروتمند به کشور فقیر - یا از شمال شهر تهران بیاید به جنوب شهر تهران - از طبقه ثروتمند بیاید به قشر فقیر از آنجا که در ایران نظام اقتصاد شبه‌سرمایه‌داری برقرار است امروزه ارزش ثروت شده است و لذا مردم ثروتمندان را الگو قرار داده‌اند استاد فرامرز رفیع‌پور در این زمینه می‌نویسد:

چنانکه در فصل قبل اشاره کردیم، بعد از انقلاب، ابتدا ثروتمندان کمتر جرات نمایش ثروت اتومبیل بنز و لباس و منزل شیک... خود را داشتند و در آن زمان «دارندگی، برازندگی» نبود، بلکه بیشتر فقر به عنوان یک ارزش بود. نتایج تحقیق نیز این نکته را تایید می‌کند، نزدیک به ۷۰ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در سال ۶۵ مردم به کسانی که با ماشین گران و وسایل شیک بیرون می‌رفتند خیلی کم احترام می‌گذاشتند. اما در سال ۷۱ این ارزش تغییر کرده بود و مردم عموماً (۶۲ درصد) برای اینگونه افراد خیلی زیاد احترام قائل بودند.

خوب توجه شود! پس از چنین تغییر در ارزشها، از اینجا به بعد، نیاز به احترام انسانها فقط وقتی تأمین می‌شود که آنها دارای عوامل باارزش باشند و وقتی ثروت به ارزش تبدیل و «دارندگی، برازندگی» شد بالطبع فقر عدم برازندگی و یا حقارت خواهد شد و فقرا همواره تحقیر خواهند شد.

— فرامرزی پور، توسعه و تضاد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۷، ص ۷۰
 وقتی ثروتمندان الگو شدند مردم می‌خواهند مثل آنها لباس بپوشند و مثل آنها تغذیه و مسکن داشته باشند. غافل از اینکه ثروت آنها از استعمار اینها درست شده است و اینها می‌خواهند از کجا پول بیاورند و مثل آنها بخورند و بپوشند و بگردند. لذا است که در این تضاد دین و ایمان را که مانع پولدار شدن از هر راه است را کنار می‌گذارند و مثل ثروتمندان که به بی‌دینی تظاهر می‌کنند آنان نیز دین را مسخره می‌کنند و به هر کاری دست می‌زنند. اولین کار این است که اگر پست دولتی دارند در هر درجه‌ای که باشد تا از ثروتمند که از ارباب رجوع است رشوه‌نگیرند کارش را درست نمی‌کنند.

برای مثال ثروتمند می‌خواهد برای خانه‌ای که برنامه دارد بسازد جواز ساخت بگیرد به شهرداری مراجعه می‌کند مأمور شهرداری آنقدر وی را امروز و فردا می‌کند تا خسته‌اش کند و مبلغی به عنوان ظاهراً انعام به او بدهد و جواز کسب بگیرد. مأمور مالیات، بقدری ثروتمند را می‌آزارد که یاد بگیرد و به تمامی ثروتمندان یاد بدهد که در مراجعه به وزارت دارائی برای فرار از مالیات ممیز مالیاتی را بخرد

به او دو میلیون پول بدهد تا بیست میلیون مالیات نپردازد. گسترش رشوه در ادارات نه تنها به بیت‌المال عمومی لطمه وارد می‌سازد و دولت را از درآمدهایش محروم می‌کند بلکه سبب می‌شود حق‌ها ناحق شود و مردم دچار ظلم مضاعف شوند. بسیاری از افرادی که ندارند رشوه دهند و مجبور می‌شوند ناراحتی امروز و فردا شدن در ادارات را تحمل کنند یا راهش را بلد نیستند و یا اعتقاد به پرداخت آن ندارند و در هر حال نمی‌خواهند رشوه بدهند به ناچار باید حرص بخورند و کاری که یک روزه باید انجام شود یا اصلاً انجام نشود و یا چندین ماه طول بکشد و بعد انجام بشود.

علاوه بر توقف کارها، انجام شدن غلط کارها، کم شدن درآمد دولت، بزرگ‌تر شدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه فسادهای اجتماعی و اخلاقی مثل دزدی مسلحانه و فحشاء نیز از رشوه ناشی می‌شود که رشوه خود از تقلید زندگی ثروتمندان و الگو شدن آنان سرچشمه می‌گیرد.

۴۸- از راه کم‌فروشی زندگی را اداره کنند^(۱)

وقتی نظام سرمایه‌داری در جامعه حاکم می‌شود، ثروت ارزش می‌شود و مردم از زندگی ثروتمندان تقلید می‌کنند و از آنها متابعت می‌کنند و در این راه بر آن می‌شوند که مثل ثروتمندان پولدار شوند تا بتوانند مثل آنها زندگی لوکس و شیک و مرفه داشته باشند لذا باید

مثل آنها دیگران را استثمار کنند تا پولدار شوند. از آنجا که امکان استثمار از کارگران و سرمایه برای سرمایه‌داران ممکن است برای مردم عادی راههای دیگری برای استثمار یکدیگر وجود دارد که مهمترین آن کم‌فروشی است.

برای پولدار شدن، مغازه‌دار از پیمانانه و وزن می‌کاهد، تولیدکننده از کیفیت کالا می‌کاهد، معلم از ساعت تدریس خود می‌زند و غیبت می‌کند و ورقه پزشک جعلی می‌آورد که بیمار بوده است و ساعات سرقت رفته را به مسافرکشی یا خرید و فروش اتومبیل می‌پردازد، کارمند در اداره با تلفن دولتی به کار دلالی می‌پردازد و از چشم ارباب رجوع دور می‌شود، پزشک کاری را که در یک جلسه می‌تواند انجام دهد در چند جلسه انجام می‌دهد که ویزیت بیشتر بگیرد، چاپخانه‌چی از بکاربردن رنگ کافی برای چاپ خودداری می‌کند تا سود بیشتری عایدش شود، معمار کنتراتیچی از تیرآهن با شماره‌ی کمتر و مصالح ساختمانی ارزانتر استفاده می‌کند و... و اینها همه و همه سبب می‌گردند که گره‌ی کور مشکلات مردم روزبروز بزرگتر و پیچیده‌تر شود.

در این راه وقتی مأمور مالیاتی به شرکتها مراجعه می‌کند اغلب دو دفتر یکی واقعی و یکی صوری دارند تا از پرداخت مالیات فرار کنند و اغلب گزارشهای غلط می‌دهند و از این طریق از درآمد دولت نیز کاسته می‌گردد. امروزه مهمترین شکل دولتها در جهان سوم همین موضوع فرار از مالیات است یعنی نپرداختن مالیات یا کم‌دهی

مالیات. حتی در مالیاتهای شرعی مثل خمس افراد می‌گردند و یک ملا پیدا می‌کنند که حاضر به دست گردان باشد. یعنی اگر خمس حاجی آقا ۵ میلیون تومان است با ملا قرار می‌گذارد که ۱۰۰ هزار تومان بدهد و چهار میلیون و نهصد هزار تومان آن را به وی ببخشد. بعد حاج آقا یک صد هزار تومان می‌دهد و دست گردان می‌کند تا پنج میلیون از طرف ملا اخذ شود و ملاً به عنوان نماینده امام زمان چهار میلیون و نهصد هزار تومان آن را به حاجی آقا می‌بخشد و یکصد هزار تومان را برای خودش برمی‌دارد. این نیز یک نوع کم‌دهی در پرداخت مالیات شرعی محسوب می‌شود.

تمامی این حرص‌زدن‌ها برای اینست که هر کس می‌خواهد پول بیشتر و زندگی تجملی بالاتری برای خود دست و پا کند اگرچه به زیان دیگری تمام شود و لذا همه به زیان هم‌کار می‌کنند و همه درگیر مشکلاتی می‌شوند که برای یکدیگر بوجود می‌آید. این نتیجه‌ی زندگی به سبک سرمایه‌داری است که وقتی جنبه‌ی جهانی پیدا می‌کند به جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی نیز منجر می‌شود که همه از ظلمها و جورهای بارز است و مهدی قائم بعنوان مصلح جهانی باید به آنها خاتمه دهد. به امید آن روز

در این مورد در کتاب توسعه و تضاد می‌خوانیم

در تحقیقات روستایی اغلب روستائیان از ترس مالیات تعداد گوسفندان خود را ۲۰ رأس ذکر می‌کنند ولی روزی که برای واکسن به آنها مراجعه کنیم ۳۰۰ رأس گوسفند می‌آورد.

● در تحقیق ما، ۷۱/۴ درصد از پاسخگویان می‌گفتند که در سال ۱۳۶۵ ثروتمندان وسائل خود (مانند ماشینشان) را خیلی کم به نمایش می‌گذاشتند و به رخ می‌کشیدند. در مقابل ۸۵/۳ درصد از پاسخگویان اظهار می‌داشتند که در سال ۱۳۷۱، ثروتمندان اشیاء و وسائل قیمتی خود را خیلی زیاد به نمایش می‌گذاشتند. بله نمایش ثروت و برتری، مجدداً در همه ابعاد ممکن در جامعه رواج یافته و از سال ۱۳۷۱ تاکنون (سال ۱۳۷۶) با شتاب و شدت بیشتری فراگیر شده است. ثروتمندان با ژست و افاده‌ی هرچه تمام‌تر بنزها، ب.ام.وها و می‌تسویشی‌های جدید، لباسها و زینت‌آلات و هرچه که دارند و دیگران ندارند را به رخ می‌کشند (به این امید که احترام دیگران را به خود جلب کنند). جوانان ثروتمند مجدداً با ماشینهای خود یا اتومبیل پدرشان، در اطراف ظهر یا عصر، هنگام تعطیل شدن مدارس دختران، با هم مسابقه می‌دهند و با سرعت حرکت می‌کنند، تا صدای لاستیک‌ها همراه با صدای بلند موزیک جلب نظر کند. آقایان انگشترهای طلا را به دست و از آنهم فراتر رفته زنجیر طلا به گردن آویزان می‌کنند... وقتی نمایش ثروت آغاز و از طرف دیگر از همه سو انواع نیازها به مردم ترریق شد - دولت واردت کالاهای لوکس و اشرافی را آزاد گذاشت و با تبلیغات تشویق شد - یک بیماری واگیر تمام جامعه را فرامی‌گیرد، از کوچک و بزرگ و فقیر و ضدانقلابی و انقلابی و... همه کم و بیش آن چیزهایی را می‌خواهند که ثروتمندان دارند یا در جامعه به ارزش تبدیل کرده‌اند

وقتی چنین شد برای پولدار شدن آنهم یک شبه چه راهی باقی می‌ماند جز کم‌فروشی، دزدی، قاچاق، رشوه و کارها و مشاغل پول‌آفرین ولی حرام.

● ۴۹- حکومتها خرید و فروش شود^(۱)

وقتی سیستم سرمایه‌داری در جهان وجود دارد، سرمایه‌داران حکومت را به مثابه‌ی کانال استعمار و استثمار مردم قرار می‌دهند. و از این راه به اصطلاح خود را می‌بندند و لذا در هر کشور، سرمایه‌داران آن کشور با سرمایه‌داران جهانی به معامله می‌نشینند و حکومت را از آنان می‌خرند. برای سرمایه‌داری جهانی با صرفه این است که کشورهای تحت سلطه‌اش توسط بومیان همان کشورها اداره شود و لذا به صورت خشکه ابتدا مبلغی دریافت می‌کند و یک حکومت را برمی‌دارد و حکومت دیگر را می‌آورد و با حکومت جدید نیز قرارداد نادیدنی منعقد می‌کند که کانال‌های غارت مردم تحت سلطه را همچنان برای وی حفظ کند و سهام شرکتهای همان کشور را در صنایع و معادن و کشاورزی آن کشور و خلاصه در تجارت خارجی و کانالهای غارت اقتصادی روز به روز افزایش دهد. این خرید و فروش‌های حکومتها امروزه رواج فراوان دارد و جنگهای جهانی و منطقه‌ای نیز بین قدرتهای بزرگ به منظور کاشتن یا برداشتن همین حکومتهاست.

به همین دلیل است که حکومتی که عوض می‌شود و حکومت جدید می‌آید شعارها تغییر می‌کند ولی وضع مردم از نظر غارت‌شدگی و فقر و ناداری بدتر هم می‌شود. چرا که سرمایه‌داران

جهانی و بومی به همان اندازه که شعارهای تحمیق‌کننده و آرام‌بخش و ابزارهای ارباب و ترس جدید بوجود می‌آورند به همان نسبت بر استثمار و غارت و استعمار مردم و کشور می‌افزایند.

لذا از یک طرف مردم فقیرتر و فقیرتر می‌شوند و از طرف دیگر قشر جدید حاکم - که قبلاً بسیار هم فقیر بوده‌اند. روز به روز ثروتمندتر و ثروتمندتر می‌شوند و به موازات اینها منافع ملت روز به روز بیشتر به خارج تلمبه می‌گردد و ثروت‌های روی زمین و زیر زمین کشور به نفع بیگانگان به تاراج گذاشته می‌شود و قیمت روز به روز کاهش می‌یابد. ولی قیمت کالاها و خدمات مورد مصرف مردم بالا و بالاتر می‌رود و نرخ مالیاتها همچنان افزایش و افزایش بیشتر پیدا می‌کنند و تمامی اینها از جورهای پیچیده‌ای است که روز به روز شکلی جدیدتر و پیچیده‌تر بخود می‌گیرد تا حضرت قائم (عج) قیام کرده آنها را از بین می‌برد. و آن زمانی است که مردم به گونه‌ای عوض شده باشند که این نوع حکومتها را نخواهند. و این نیست مگر اینکه شعور علمی اجتماعی مردم بقدری بالا رود که نه تنها به رموز این غارت‌شدگی آگاهی پیدا کنند بلکه بدی آنها چنان برایشان ملموس باشد که آماده‌ی تعویض چنین حکومت‌هایی باشند و یک مرد مکتبی الهی به کمک آنها آمده - مردم در استقرار قسط به رهبری وی موفق گردند^(۱)

۵۰- حق مرد و اهل او از بین می‌رود و بیدادگری احاطه می‌کند

شهرها را (۱)

در نظام سرمایه‌داری جهانی مکانیسم بازار سبب استثمار سلطه‌گر از سلطه‌پذیر می‌شود. به گونه‌ای که حق مرد و اهل او بوسیله تورم بهای کالاها و خدمات از بین می‌رود. حق مرد و اهل او عبارتست از داشتن یک زندگی ساده و با رفاه، داشتن غذای کافی، لباس مناسب، مسکن مناسب، امنیت کافی. ولی نظام سرمایه‌داری با پرداخت دستمزد کم و بالا بردن قیمت کالاها در جهت به حداکثر رسانیدن سود صاحبان ثروت و سرمایه‌داری و اهلش را از داشتن غذا، لباس و پوشاک و مسکن مناسب محروم می‌کند.

در نظام سرمایه‌داری و شبه‌سرمایه‌داری ابتدا دستمزدها را پائین نگه می‌دارند تا هزینه تولید کم شود و سپس قیمت کالاها و خدمات را بالا می‌برند تا درآمد سرمایه‌دار زیاد شود و از تفاوت این هزینه کم و درآمد زیاد، سود سرمایه‌دار به حداکثر برسد. در این میان آنکس که زیر چرخ گرانی و فقر خُرد می‌شود کارگران و کارمندان هستند که بخش عظیم و توده‌های میلیونی مردم را تشکیل می‌دهند.

فقر در ایران خود ما مردم را چنان به رنج درآورده که پدر یک خانواده مجبور است برای امرار معاش خود و اهل و عیال خود دو یا سه یا حتی چهار نوبت کار کند. صبح تا چهار بعد از ظهر در اداره کار

۱ - بحار الانوار جلد ۱۳ ص ۱۶۸، روضة الکافی ص ۳۶ الزام الناصب ص

می‌کند، سپس در یک شرکت تجاری به حسابداری مشغول می‌شود، بعداً به تدریس خصوصی می‌پردازد و آخر شب هم به مسافرخشی مشغول می‌شود. این شخص با این خستگی از کار وقتی وارد منزل می‌شود همه خواب هستند و او خسته. فردا صبح که به سرکار می‌رود آنقدر خسته است که نمی‌تواند کارهایش را به خوبی انجام دهد. کار زیاد و کشنده اغلب به سکنه‌های قلبی و مغزی زودرس منجر می‌شود.

آقای فرامرز رفیع پور مشاهدات خود در مورد فقر در ایران را چنین تصویر کرده است^(۱)

● در بازار تجریش خانم جوان و محجبه‌ای، با صورتی حاکی از حجب و عفت را دیدم که از صاحب یک دکه ساعت فروشی پرسید «آقا شما این ساعت را می‌خرید؟» ساعت فروش جوان بدون تأمل گفت نه. او شرم زده به سرعت برگشت و رفت. او را با نگاه دنبال کردم، دیدم با شوهرش به راه ادامه داد و شوهرش بدون جلب توجه و باقیافه‌ای ناراحت از ترس آبرو!! از او چیزی پرسید: (خرید؟) او با علامت سرنفی کرد. سپس هر دو با قدمهای تندتر به راه ادامه دادند.

● آقای برینگ از سفر خود به تهران چنین می‌نویسد: در چهره مردم رهگذر خستگی و ناامیدی به چشم می‌خورد. در مقابل مغازه‌ها که

۱- فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۱ و

افراد فقیرتر با کوپن خرید می‌کنند صفهای طولانی وجود دارد.» این مشغله اصلی ما است» یک راننده تاکسی می‌گوید که به غیر از این شغل یک شغل دوم هم دارد و روزانه ۱۵ ساعت باید کار کند تا خانواده چهارنفره خود را ارتزاق نماید.

مقایسه هزینه‌ها و درآمدها براساس ارقام رسمی

۱۳۷۰	۱۳۶۱	
۳۰۹۹۷۰۶	۵۲۸۳۹۶	هزینه غیر خوراکی (۱)
۹۵۸۹۸۵	۳۵۵۰۷۳	هزینه خوراکی (۲)
۳۰۵۸۶۹۱	۸۸۳۴۶۹	کل هزینه
۲۸۴۰۸۲۶	۷۰۹۶۰۱	درآمد (۳)
-۲۱۷۸۶۵	-۱۷۳۸۶۸	تفاوت به ریال
-۷/۲%	-۱۹/۷%	تفاوت به درصد
		مأخذ: (۱) سالنامه آماری ۱۳۷۱ ص ۵۴۵
		مأخذ: (۲) سالنامه آماری ۱۳۷۱ ص ۵۴۶
		مأخذ: (۳) سالنامه آماری ۱۳۷۱ ص ۵۶۵

حافظ گوید:

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد وقتست که بازآیی
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
کز دست بخواهد شد پایاب شکیبانی
یا رب به که شاید گفت این نکته که در عالم
رخساره به کس ننمود آن شاهد هر جایی
ساقی چمن و گل را بی روی تو رنگی نیست
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
ای درد توام درمان در بستر ناکامی
وی ییاد توام مونس در گوشه‌ی تنهایی

علائم اقتصادی^(۱) ظهور حضرت قائم (عج)

- ۱- چون دیدی فقر و احتیاج مردم ظاهر شد به نحوی که مرد بگوید شب را بی شام به سر بردم و یا اینکه ببینی مرد را که تو را ملاقات کند با گشاده رویی پس اگر رفتی از او قرضی بگیری به روی دیگر به تو نگاه کند (یعنی بی اعتنائی) کند) در چنین وقتی نزدیک است صیحه واقع شود.
- ۲- کم فروختن و زیاد گرفتن در کیل و وزن زیاد شود
- ۳- رشوه گرفتن در حکم
- ۴- ثروتمندان اصحاب بخشش نباشند
- ۵- بزرگ شمردن صاحبان مال
- ۶- زکات دادن ضرر تلقی می شود
- ۷- حقوق خدا و رسول و امام و سادات را غنیمت شمردند
- ۸- مرد با زن خود شریک در تجارت شود
- ۹- مردمان تنگ دست کوچک شمرده شوند
- ۱۰- بازارها به همدیگر نزدیک شود یکی به دیگری گوید چیزی نفروختم و دیگری گوید منفعت و سودی نبرده ام پس ببینی آنها را مگر اینکه از خدا مذمت کنند.
- ۱۱- مسجدها زینت کرده شود
- ۱۲- قرآن و کتابها زینت کرده شود

۱- منبع این جدول کتاب نوائب الدهور فی علائم الظهور تألیف سید حسن میرجهانی طباطبایی چاپ دوم سال ۱۳۷۶ از صفحه ۸۸ بیعد است

- ۱۳- منارها طولانی شود و منبرها هم
- ۱۴- مردان به طلا زینت کنند و حریر و دیبا بپوشند و می گیرند
- پوست‌های پلنگ دباغی شده نازک را ظاهر می شود ربا و معامله می کنند به سلف (یعنی پیش فروش) و رشوه دادن.
- ۱۵- ظاهر می شود ربا و معامله می کنند به سلف (یعنی پیش فروش) و رشوه دادن.
- ۱۶- ثروتمندان حج می کنند برای گردش و تماشا و استراحت و میانه حالها برای بازرگانی و تجارت و فقرا برای نمایش دادن و گوشزد کردن
- ۱۷- فقر و پریشانی در میان مردم فاش شود و مردم به لباسها فخر کنند و باران در غیر وقت ببارد.
- ۱۸- ثروتمند نترسد مگر از فقر تا این اندازه که سائل در میان دو جمعه سؤال می کند واحدی در دست او چیزی نمی گذارد.
- ۱۹- زمین فریاد کند فریاد کردنی پس گمان نمی کند هر گروهی مگر اینکه چنان پندارد که صدا از ناحیه ایشان بلند شده پس مکث می کنند در درنگ کـردنشان پس زمین پاره‌های جگر خود را که طلا و نقره است بیرون می اندازد ستونهای طلا و نقره پس در آن موقع نفع نمی دهد نه طلا و نه نقره پس این است معنای گفته‌ی خدایتعالی فقد جاء اشراطها
- ۲۰- زود باشد بیایند بعد از من گروههایی که بخورند خوردنیهای پاکیزه را با رنگهای

- ۲۵- زکات حذف شود و حرام خواری غنیمت شمرده شود
- ۲۶- شریک‌ها در معامله به هم دیگر خیانت کنند
- ۲۷- مال را برای غنا و آوازه خوانی صرف کنند و طلب مدح به دادن مال کنند
- ۲۸- دینارها یعنی طلا و نقره دینشان باشد یعنی برای تحصیل طلا و نقره از دین و احکام دین صرف نظر می‌کنند
- ۲۹- بازرگانان به خوردن ربا کسب کنند
- ۳۰- کسادى مردم مانند کسادى بازارهايشان باشد که در بازارها مستقیم نیستند
- ۳۱- حیا کرده نمی‌شود از خوردن ربا
- ۳۲- حرص و بخل زیاد می‌شود و آن را تعلیم می‌دهند
- گوناگون آن و سوار شوند مراکب جنبندگان را و زینت کنند بخود زینت کردن زنها و زینت خود را به مردم بنمایانند و زنها هم زینت خود را به مردان بنمایند و زئی آنها مانند زئی پادشاهان ستمکار باشد
- ۲۱- می‌آشامند مشروبات مست‌کننده را بازی می‌کنند با تخته‌های نرد و شطرنج و امثال آنها
- ۲۲- خانه‌ها بنا می‌کنند و قصرها را محکم می‌سازند و مسجدها را زینت می‌کنند ●
- ۲۳- نیست همی ایشانرا مگر دنیا و خدایان آنها شکمهای ایشان است فجّار بازاری بر اهل بازار ریاست کنند
- ۲۴- ثروتمند بخیل می‌شود و عالم راغب به مال می‌شود و محتاج بسیار دروغگو می‌شود

- ۳۳- زود باشد که مردانی از امت من می‌خورند به خوردنیهای رنگارنگ را و می‌آشامند مشروبات رنگارنگ را و می‌پوشند جامه‌های رنگارنگ را و خود را برای فصاحت کلام به تکلف می‌اندازند پس اینها بدترین امت من هستند تغذی می‌کنند به نعمتهای خداداد و روئیده می‌شود بر آن جسم‌هاشان
- ۳۴- تجارت زیاد شود، و عیبگویی کند زن بر تجارت کردن شوهر خود
- ۳۵- علم یادگیرند علماء شما تا به آن حلال کنند پولهای طلا و نقره‌های شما را و به قرآن تجارت کنید
- ۳۶- تبني الغرب فتاويل ساخته شود بالا خوان‌ها و به آنها فخر کرده شود.
- ۳۷- کارها مختلف شود بر حدسها حکم شود باران بسیار ببارد و میوه کم شود و علم کم شود کم شدنی و جهل زیاد شود زیاد شدنی.
- ۳۸- خوردن ربا و گرفتن رشوه
- ۳۹- از پوست‌های دباغی شده‌ی نازک درندگان لباس تهیه کنند و مردها لباس ابریشمی و حریر تن نمایند و جور و ستم بسیار شود
- ۴۰- علماء حقیقی کم شوند قرآن و کتابها زینت شوند و مسجدها زینت شوند و منبرهای بلند ساخته شود
- ۴۱- مسکرات آشامیده شود
- ۴۲- در کیل‌ها و وزن‌ها در خرید و فروش زیاد بگیرند و کم بدهند
- ۴۳- ولایت و حکومت در

- امور شما با مردمان نادان و سفیه شود (ص ۲۴۶ منائب) دلت امورکم السفهاء
- ۴۴- قینات (زنان رقاصه و خواننده و هنرپیشه) بکارگرفته شوند
- ۴۵- استحلت المغازف اقسام نواختن و زدن سازهای مختلف حلال دانسته شود
- ۴۶- پرداخت خمس و زکات متروک شود و انجام آن را ضرر خود پندارند
- ۴۷- سرهنگان و لشگریان زیاد می شوند
- ۴۸- مردها کلاههای افسری و یا فلزی یا نشاندار بر سر می گذارند
- ۴۹- نادانها بر منبر بالا روند و سخنرانها و منبریها زیاد شود
- ۵۰- علماء به حکام میل می کنند و حلال را بخاطر ایشان حرام و حرام را حلال اعلام می کنند و فتوا بدهند به آنچه آنها می خواهند
- ۵۱- فقرا را از زکات محروم سازند
- ۵۲- علم را بدست می آورند تا با آن درهم و دینار به دست آورند
- ۵۳- به قرآن تجارت کنند. اتخدتهم القرآن تجارة
- ۵۴- مالها در پیش اشرار جمع شود صارت اموالکم عند شرارکم
- ۵۵- سازها و نوازهای بزرگ و کوچک را بنوازید
- ۵۶- ثروتمندان را بزرگ شمارند و فقیران را خوار شمارند.
- ۵۷- بلند شود ساختمانها
- ۵۸- خوانندگیها به باطل

زیاد شود

● ۵۹- تغنی کنند به قرآن

● ۶۰- مالک رقاب عموم مردم

کودکان شوند و تدبیر امور

عامه با زنها شود و مردان به

طلا و نقره زیور کنند و لباس

ابریشمی و حریر بپوشند

● ۶۱- ینصبون العشارین و

یجاهدون المسلمین و سالمون

الکافرین یعنی مأموران اخذ

مالیات در ادارات گمرک زیاد

شود و یا مسلمانان جنگ کنند

ولی با کفار به سازش رسند

● ۶۲- ندادن امانت را غنیمت

شمزند و پرداختن صدقه و

زکات را ضرر پندارند یتخذون

الامانة مغنما و الصدقة مغرمًا

● ۶۳- دنیا را به عمل آخرت

خریداری می کنند ابتعتم الدنيا

به عمل الاخرة

[توضیح: برای امام حسین

عزاداری می کند، جشن آمدن

از حج می گیرد، نماز ریایی

می خواند تا او را مسلمان

تصور کنند و از پُست و مقام و

زر برخوردار شود]

● ۶۴- مساجد از نظر

ساختمان آباد است ولی از نظر

هدایت خراب

مساجدهم عامرة و هی خراب

من الهدی

● ۶۵- فقهای آن زمان بدترین

فقها زیر سایه آسمان هستند

فتنه از ایشان زاییده می شود و

به خودشان برمی گردد

فقهاء ذلک الزم من شرّ فقهاء

تحت ظل السماء منهم

خرجت الفتنة و اليهم تعود

(ص ۲۶۱ نوائب الدهور ج ۱)

● ۶۶- ازدواج می کنند بخاطر

جمع کردن پول - تناكحوا على

جمع الدراهم

- ۶۷- آشکار کنند عمارت‌های بازارهای خود را و اظهاروا عمارة اسواقهم
- ۶۸- یرکبون علی میائر حتی باتوا ابواب المساجد (ص ۲۶۵ کتاب نوائب الدهور) با مرکب تا درب ورودی مساجد می‌روند.
- ۶۹- نسائهم کاسیات عاریات علی رؤسهن کاسمة البخت العجاف زنان آنان لباسهایی می‌پوشند که بدن‌نما است و بر سرهای خود از موی خویش دوکوهانه مثل شتر می‌سازند.
- ۷۰- زن و فرزند یا اگر فرد مجرد باشد پدر و مادر و خویشان مرد را آنقدر بخاطر کمی درآمد سرزنش می‌کنند تا او به کسب درآمد حرام روی آورد.
- ۷۱- حلال می‌کنند شراب را با تغییر نام به نبیز و حرام را با تغییر نام به هدیه و ربا را با تغییر نام به خرید و فروش فسیحلون الخمر بالنبیز و السّحت بالهدية و الربا بالبيع (ص ۲۷۲)
- ۷۲- در کیل و ترازو کم داده شود و زیاد گرفته شود و خدا ایشان را به گرفتن نباتات زمین و کم شدن محصولات زمینی و میوه‌ها و معدنها مبتلا می‌کند. [توضیح: وقتی کم‌فروشی شد فقرا قدرت خرید ندارند و سود فعالیت کشاورزی و غیره پائین می‌آید و آنها متوقف می‌شود و رکود بوجود می‌آید]
- ۷۳- عطاها بقدر لیسیدن انگشت باشد
- ۷۴- بازارها به یکدیگر نزدیک شود

- ۷۵- ستمگران حکومت کنند و مردم را از حقوقشان منع کنند و دردل آنها ترس اندازند
- ۷۶- قناعت کردن متروک شود
- ۷۷- قیمت‌ها زیاد شود و اشجار زیاد شود و میوه‌ها کم و غلت الاسعار و کثرت الاشجار و قلت الثمار (ص ۲۹۱)
- ۷۸- وضافت المكاسب یعنی تنگ شود کسبها
- ۷۹- دیوار خانه‌ها را زینت کنند و ساختمان قصرها را بلند سازند.
- ۸۰- تجارتها و بازرگانی زیاد شود کثرت التجارات
- ۸۱- به رشوه گرفتن حکم کنند [والحکم بالرشاء] (قاضی با گرفتن رشوه حکم می‌کند)
- ۸۲- اذا کثر طعامکم و لاترونها الا باغلی اسعارکم یعنی وقتی که بسیار شد خوردنیهای شما و ندید آن را مگر به گران‌ترین نرخهای خود (ص ۲۹۹)
- ۸۳- و صار الباطل حقاً و باطل را حق می‌پندارند و حق را باطل
- ۸۴- قد حبّب اليهم الدنيا و الدراهم حتى ان الغنی لیحدّث نفسه بالفقر (ص ۲۹۲)
- [توضیح: حرص به جمع‌آوری مال چنان شود که ثروتمند خود را فقیر پندارد در مقایسه با آنچه باید از ثروت بدست آورد]
- ۸۵- مسجدها را مجلس‌های خوردن خوردنیها قرار می‌دهند
- ۸۶- برکت از سال و ماه و روز و هفته و ساعت برداشته شود هر سالی به قدر یک ماه و

- هر ماهی به قدر یک هفته و هر هفته‌ای به قدر یک روز و هر روزی به قدر یک ساعت نموده شود. [توضیح برکت که برود میزان تولید یک ماه برابر یک هفته می‌شود و تولید یک روز به قدر تولید یک ساعت]
- ۸۷- حلال شمردن مال یتیمان خوردن مال یتیمان
- ۸۸- مهدی (عج) جامع علوم زمان خود است [ص ۲۳۲ جزء دوم کتاب نوائب‌الدهور]
- ۸۹- شوره‌زارها آباد می‌شود
- ۹۰- تعمیرکنندگان مساجد از بدترین اهل زمین خواهند بود چرا که فتنه از ایشان بیرون می‌آید و در آنها معصیت و گناه جای می‌گیرد و خداوند فتنه‌ای را بر آنها مسلط می‌کند که مرد شکیبا در تعجب آید
- ۹۱- می‌آید بر مردمان زمانی دندان گیرنده، که شخص ثروتمند و توانگر به دندان می‌گیرد آنچه را که به دو دست خود گرفته از مال و دارایی و بر بینوایان انفاق نمی‌کند
- ۹۲- در حالی که رسول خدا (ص) نهی فرموده خرید و فروش از روی اضطرار را در آن زمان از روی اضطرار خرید و فروش کنند
- توضیح [یا حکومت مجبورشان می‌کند اموالشان را بفروشند و یا در اثر فقر مجبور می‌شوند اموالشان را بفروشند]
- ۹۳- بعضی از حکومت پول می‌گیرند تا علیه بعضی دیگر نزد وی خبر برده سعایت کنند (ص ۲۵۱ نوائب‌الدهور جزء دوم)
- ۹۴- مردم از راه اضطرار به

علت سختگیری‌ها، رأی
اعتماد دهند و عهد و پیمان
ببندند. (م.ق.)

● ۹۵- حکومتها مردم را تحت
فشار و شکنجه قرار می‌دهند تا
ساکت باشند و بر ضرر عهد و
پیمان گیرندگان یعنی دشمنان
داخلی و خارجی شیعیان و
ظلم و تعدیات ایشان حرکت
نکنند و سخنی نگویند (م.ق.ق.
۲۵۲)

● ۹۶- مردم با مهدی (ع)
بیعت می‌کنند برده شرط:
دزدی نکنند، زنا نکنند، کسی
را نکشند، هتک حرمت کسی
را نکنند، دشنام به مسلمانی
ندهند و بر منزلی هجوم
نیاورند و کسی را نزنند مگر به
حق و سوار بر اسبهای تند رد
نشوند، کمر بند طلا نبندند و
جامه خز نپوشند و جامه حریر

و ابریشم نپوشند و خوردنی را
از گندم و جو حبس نکنند و
کفش صدادار نپوشند و از
مسجد بیرون نروند و مال یتیم
نخورند و با پسر فسق نکنند و
مسکرات ننوشند، و امانتی را
خیانت نکنند و پیمان شکنی
نکنند و کسی را که امان
خواسته است نکشند و کسی را
که فرار کرده تعقیب نکنند و
خونین را به ناحق نریزند
مجروحی را به شتاب نکشند و
لباس خشن و زبر بپوشند و
خاک را متکای صورتهای خود
قرار دهند یعنی روی خاک
بخوابند و نان جو بخورند و به
کم راضی باشند و در راه خدا
جهاد و کوشش کنند حق
مجاهده و کوشش را و بوی
خوش استشمام کنند و از
پلیدی و نجاست کراهت

داشته باشند (نوائب الدهور

جزء دوم ص ۲۹۸ و ۲۹۹)

● ۹۷- مسکنهای ایشان

گنجهایی است که غالب از

مسلمانان مغلوب گرفته و

مصادره کرده است (ص ۳۳۵)

● ۹۸- وقتی حضرت

قائم (عج) قیام کنند: نازل

گرداند خدا برکت را از آسمان

به زمین تا اینکه درخت از

زیادتی میوه‌ای که بر آن است

بشکند و هر آینه می‌خورید

البته میوه‌های فصل زمستان را

در فصل بهار و تابستان و

میوه‌های تابستانی را در فصل

زمستان

● ۹۹- امام صادق (ع) فرمود:

هرگاه احتیاج و فقر و تنگدستی

سخت شد و بعضی از مردم

بعض دیگر را منکر شدند پس

در آنوقت هر صبح و شامی

انتظار این امر را بکشید پس

گفتم فدایت شوم احتیاج و فقر

و تنگدستی را دانستیم اما مراد

از انکار بعضی از مردم بعض

دیگر را چیست فرمود اینست

که مرد بیاید نزد برادر خود

برای حاجتی که دارد پس آن

برادر به چشمی که سابق به او

نگاه می‌کرد. نگاه نکنند و

طوری با او سخن گوید که

پیشتر از اظهار احتیاج با او

سخن نمی‌گفت (م.ق.ص ۳۸۵)

● ۱۰۰- امام صادق (ع) فرمود:

پیش از قیام قائم (ع) بلاهایی

است از جانب خدا...

... گرسنگی از جهت گران

شدن نرخها و کم شدن تجارتها

و کم شدن سود و زیادتی در آن

و کم شدن نفس‌ها به سبب

مرگ به سرعت و شتاب و کم

شدن میوه‌ها به سبب کمی ریع

- زراعت و کم شدن برکت میوه‌هاست پس فرمود مژده بده صبرکنندگان را هنگام ظاهر شدن این بلاها به شتاب کردن در ظهور قائم (عج) (م.ق. جزء سوم ص. ۱۵)
- ۱۰۱- اگر مرد نزد او مال بسیار است و از آن وقتی که مالک شده زکات نداده است باید منتظر قائم بود
- ۱۰۲- مردمان و اهل مجالس متابعت از ثروتمندان کنند (م.ق. ج ۳ ص ۷۴)
- ۱۰۳- سلطان احتکار می‌کند خورده‌نیها را مالهای خویشاوندان و پیغمبر را در باطل قسمت کنند و با آن قماربازی کنند و شرابها بیاشامند.
- ۱۰۵- کسی که مالهای یتیمان را بخورد او را صالح دانند و صلاحیت او را برای یکدیگر حدیث کنند
- ۱۰۶- به شفاعت صدقه دهند نه برای خدا بلکه به طلب کردن مردم صدقه دهند.
- ۱۰۷- همت فقط برای شکمهاست و فکر نمی‌کنند در حلال و حرام بودن آنچه می‌خورند.

فصل پنجم

تولید در حکومت حضرت قائم (عج)

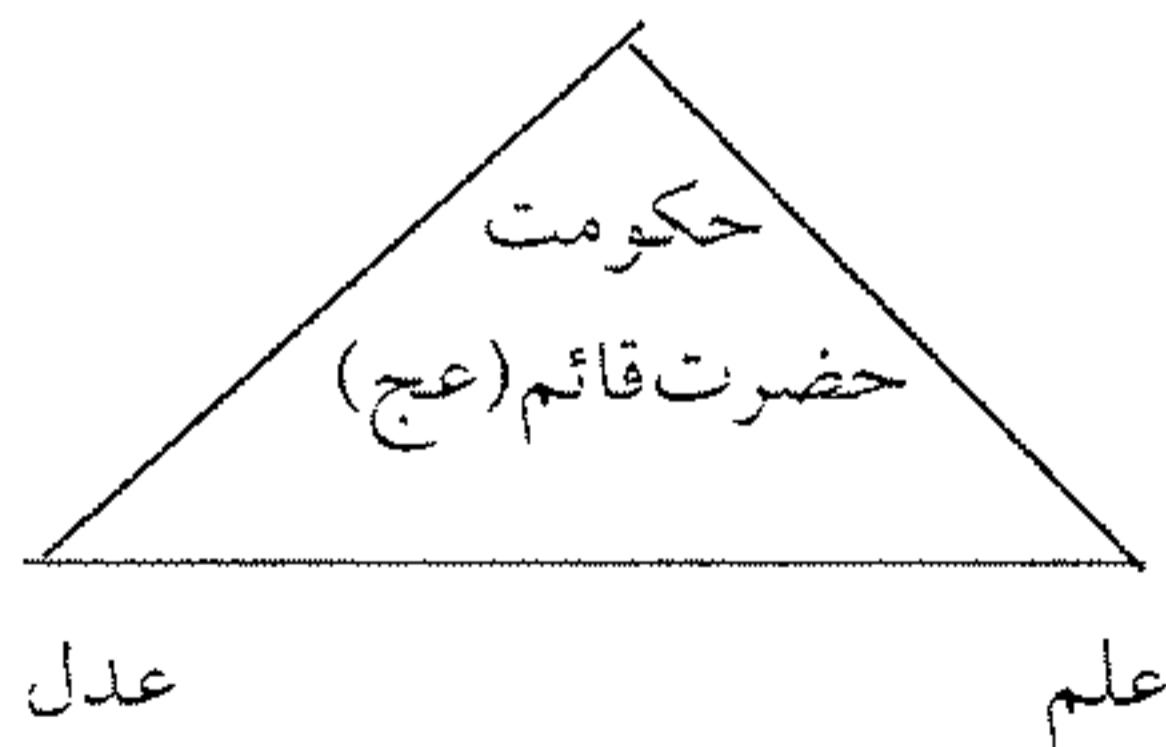
آنچه از احادیث استناد می‌شود اینست که یک مشخصه عمده‌ی حکومت حضرت قائم (عج) آنست که یک حکومت مکتبی الهی به دست امام زمان و به کمک مردم مستقر می‌شود که بر دو پایه قرار دارد:

اول: علم

دوم: عدل

علم در دوره‌ی حضرت قائم (عج) به قدری گسترش پیدا می‌کند که اولاً شعور مردم در حدی بالا می‌رود که استقرار عدل را در تمامی زمینه‌های زندگی می‌پذیرند و ثانیاً این علم در حدی گسترش پیدا می‌کند که تمام کالاها و خدمات به وفور تولید می‌شود و کمبود حتی در دو فلز قیمتی طلا و نقره نخواهد بود.

وفور اقتصادی



❖ «تقیء الارض افلاذ كبدها امثال الاسطوان من الذهب و الفضة، فيجىء السارق فيقول: فى مثل هذا قطعت يدي! و يجىء القاتل فيقول: فى هذا قتلت! و يجىء القاطع فيقول: فى هذا قطعت رحمتى! ثم يدعونه فلا يأخذون منه شيئاً». «زمین جگرپاره‌های خود را چون قطعات طلا و نقره بیرون می‌ریزد، دزد آمده می‌گوید: برای نظیر این اموال بود که دستم بریده شد!، قاتل آمده می‌گوید: من برای چنین کالائی مرتکب قتل شدم!، قاطع رحم آمده می‌گوید: من برای چنین چیزی قطع رحم کردم!، آنگاه این اسطوانه‌های طلا و نقره روی زمین می‌ماند و کسی رغبت نمی‌کند که چیزی از آن بردارد.

❖ «يسقيه الله الغيث، و تخرج الارض نباتاتها و تكثر الماشية، و تعظم الامة، و يعيش سبعاً او ثمانياً، تنعم امتى فيه نعمة لم ينعموا مثلها».

«خداوند با باران رحمتش او را سیراب می‌سازد، زمین گیاه خود را بیرون می‌فرستد، دامها فراوان می‌شوند و امت اسلامی شکوه و عظمت خاصی پیدا می‌کند... امت اسلامی در عهد او آنچنان از فراخی معیشت برخوردار می‌شود که هرگز نظیر چنین نعمت و آسایش دیده نشده است».

از حدیث فوق نکات زیر برداشت می‌شود:

● علم و فن‌آوری در زمان حضرت قائم (عج) بقدری ترقی خواهد کرد که بشر می‌تواند بیش از حد تقاضا، طلا و نقره عرضه کند چه از طریق استخراج از معادن و چه از طریق دستکاری در مولکولها که از یک گرم طلا به صورت نمونه‌سازی یک تن طلا بوجود آورد و چه از راههای علمی که در آینده بر بشر مکشوف خواهد شد.

● طلا و نقره برای مبادله مفید است ولی چون هم طلا و نقره و هم

سایر کالاها بیش از حد تقاضا عرضه می شود دیگر در زمان ایشان مبادله به صورت خرید و فروش وجود ندارد که پول یا سود در معامله و غیره وجود داشته باشد. علم بقدری پیشرفته است که از کلیه کالاها و خدمات به حد وفور برای عموم تولید خواهد شد.

به عبارت دیگر جامعه ایده آل شیعه جامعه ای است که میتوان آن را جامعه فراوانی و جامعه وفور نامید جامعه ای که رشد تکنولوژی و دانش انسان در زمینه استخراج از طبیعت به اندازه ای بالا می رود که همه چیز به وفور در دسترس انسانهاست.

امروز که تا ظهور حضرت قائم «عج» فاصله زیادی بنظر می رسد علم تقریباً به ابتدای این راه دست یافته است. به خبر علمی زیر از کتاب تکاپوی دوهزار توجه فرمایید.

«نانو تکنولوژی، تا کنون هیچکس مثل ک. اریک درکسلر، ابعاد تکنولوژی و دانش را گسترش نداده است. سراسر زندگی در کسلر وقت به تحقیق پیوستن ایده ای اختراع نانو ماشینها شده است. یک نانومتر یک میلیاردم یک متر است. نظریه ای در کسلر این است که بشر روزی خواهد توانست ماشینهای کوچکی به ابعاد تنها چند نانومتر بسازد و این ماشینها توانایی ساخت تقریباً همه چیز را با تمام جزئیات و اتم به اتمش خواهند بود. با نانو ماشینها میتوان از گاه و یونجه، استیک درست کنیم، درست همانطور که گاوها می کنند با این ماشینها می توان چند روزه یک خانه ای تمام و کمال ساخت، درست همانطوری که درخت بلوط تنومندی از یک میوه ای کوچک می روید. این ماشینهای آینده

از توانایی دوباره‌سازی تمام جهان فیزیکی برخوردار خواهند بود.^(۱)

● با توجه به آنچه آمد انتظار فرج دیگر این نیست که بگوئیم چون باید زمین پر از جور و ظلم شود تا امام زمان «عج» ظهور کند پس ما باید به گسترش فساد کمک کنیم تا ایشان زودتر بیایند و یا دست روی دست بگذاریم و بگوئیم چون کاری از دست کسی بر نمی‌آید که برای محو ظلم بکند، منتظر می‌مانیم تا در یک گام با یک صرفاً معجزه امام زمان ظهور کند و همه چیز را درست نماید. نه اینگونه نیست بلکه انتظار فرج واقعی اینست که به سهم خود برای گسترش علم بکوشیم - خود علم را بدست آوریم، آن را غنی سازیم و به نسل بعد منتقل کنیم تا در مسیر تکامل تاریخ در آماده‌سازی شرایط علمی و فنی ظهور حضرت قائم (عج) تلاش کرده باشیم تلاشی امیدوارانه و مقدس. به عبارت دیگر تلاشهای گسترده‌ای که انسانها می‌کنند برای اینکه تضاد خودشان را با طبیعت حل کنند و این طبیعت را که تمام مخازنش را هنوز در اختیار انسان قرار نداده است آنها را از دلش بیرون بکشند دقیقاً در جهتی هست که حرکت ما را به سمت آن جامعه آسان می‌کند و بدون چنین حرکتی در مسیر گسترش و تعمیق علوم مختلف زمینه‌ی مناسب برای ظهور امام زمان (عج) فراهم نمی‌آید.

۱ - جان نسیت پاتریشیا ایردین، ترجمه‌ی صها سعدی، تکاپوی جهانی چاپ سال

کشاورزی در حکومت حضرت قائم (عج)

«یحبه ساکن الارض و ساکن السماء، و ترسل السماء قطرها، و تخرج الارض نباتها لاتمسک منه شیئاً، یعیش فیهم سبع سنین او ثمانیاً او تسعاً، یتمنی الاحیاء الاموات لیروا العدل و الطمأنینة و ما صنع الله بأهل الارض من خیره!».

«ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند، آسمان بارانش را فرومی‌فرستد، زمین گیاههای خود را می‌رویاند. هفت، هشت یا نه سال در میان آنها زندگی می‌کند. زنده‌ها آرزو می‌کنند که ایکاش نیاکانشان زنده بودند و آن عدالت و آرامش را مشاهده می‌کردند، و می‌دیدند که خداوند چگونه برکات خود را بر اهل زمین نازل کرده است».

امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید:

«تصطلح فی ملکه السباع، و تخرج الارض نباتها، و تنزل السماء برکتها، و تظهر له الكنوز، یملک مابین الخافقین فطوبی لمن ادرك ایامه و سمع کلامه!»
 «در دولت مهدی (عج) درندگان سازش می‌کنند، زمین نباتات خود را خارج می‌کند، آسمان برکاتش را فرومی‌فرستد، گنجهای نهفته در دل زمین برای او آشکار می‌شود و بین مشرق و مغرب را مالک می‌شود. خوشا به حال کسیکه آن روزگار مسعود را درک کند و دستوراتش را با گوش جان بشنود».

«فحینئذ تظهر الارض له کنوزها، و نبذی برکاتها، حتی لایجد الرجل منکم موضعاً لصدقه و لا لبرّه، لشمول الغنی جمیع المؤمنین».

«در آن هنگام، زمین گنجینه‌های خود را برای او آشکار می‌سازد و برکت‌هایش را بیرون می‌فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلی پیدا نمی‌کند،

زیرا بی‌نیازی همه مؤمنان را زیر پر می‌گیرد».

اصولاً در اسلام و در حکومت حضرت قائم (عج) فعالیت کشاورزی از اهمیت ویژه برخوردار است. زیرا آنچه بشر بدست می‌آورد از ترکیب نیروی کار - چه فکری و چه یدی - با زمین حاصل می‌شود.

بنابراین از احادیث فوق‌الذکر مباحث زیر را میتوان نتیجه گرفت:

- اهمیت فعالیت‌های کشاورزی. آنچه سبب می‌شود که جامعه‌ی وفور بوجود آید اینست که زمین بار محصول خویش را می‌دهد و در دل خویش چیزی برجای نمی‌گذارد. آسمان باران فراوان دهد و زمین هیچ رویدنی را در دل خود نگه ندارد.

در آن زمان علم و دانش بقدری رشد پیدا می‌کند که کشاورزی مفهوم واقعی خود را می‌یابد و تلاش زارعان پاداش واقعی خود را می‌گیرد. به عبارت دیگر کار در جامعه‌ی وفور برابر است با داشتن زندگی وفور و با رفاه تمام برای عموم مردم.^(۱)

۱ - کتابی به زبان انگلیسی به دست این قلمزن افتاده که مکاتبات انگلس با مارکس در آن آورده شده است. این کتاب نشان می‌دهد که مارکس زبان عربی را فرا گرفته و متون اسلامی را مطالعه کرده و برداشت خود از اسلام را برای مارکس در نامه‌های متعدد نوشته و پاسخ مارکس را دریافت کرده است. اینان در مطالعه اسلام با مشخصات حکومت حضرت قائم (عج) احیاناً آشنا شده‌اند و در تئوری حرکت مادی تاریخ که بیان داشته‌اند آن را تحت نام دوره‌ی کمون نهایی بیان کرده‌اند. براساس

● - کشاورزی در آن روز یک کشاورزی صنعتی بسیار پیشرفته خواهد بود بطوری که هر وقت و هر کجا که بشر بخواهد می تواند باران ایجاد کند و محصول کشاورزی را به موقع و سالم به دست آورد. امروزه دانش در حدی است که درک این مسائل برای ما چندان بعید نیست و دانشمندان اعلام کرده اند که می توانند ابرهای موجود در کهکشان را در خدمت کشاورزی بشر روی زمین به حرکت درآورده مورد استفاده قرار دهند.

● کارکردن در آن روزگار بیشتر جنبه ی فکری دارد و کمتر جنبه ی یدی. و به علت گسترش علم در هزاران هزار زمینه از بخشهای مختلف حیات بشری نیروی انسانی جوامع مختلف به کارهای علمی

اعتقاد مارکس تاریخ بشر از شش دوره یا مرحله می گذرد ۱- دوره کمون اولیه که بشر به صورت اشتراکی زندگی می کرده است، گروهی به شکار می رفته و به طور گروهی صید خود را مصرف می کرده است، ۲- دوره ی برده داری، ۳- دوره ی زمین داری، ۴- دوره ی سرمایه داری ۵- دوره ی سوسیالیسم ۶- دوره ی کمونیسم که در این دوره بشر به اندازه توان خود کار می کند و به اندازه ی نیاز خود درآمد به دست می آورد، زندگی وفور وجود پیدا می کند و از ظلم و جور و استعمار انسان از انسان خبری نیست.

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب سیستمهای اقتصادی تألیف این قلمزن مراجعه شود.

مشغول هستند و فعالیت‌های کشاورزی نیز بسیار علمی و با فن آوری بسیار بسیار بالا انجام خواهد شد و لذا وفور مواد غذایی و سایر مایحتاج انسان تحقق پیدا می‌کند.

● اینکه می‌گویند در دوره‌ی حضرت قائم (عج) کارکردن منتفی می‌شود و انسانها فقط مشغول ذکر و عبادت خداوند خواهند بود چندان پایه‌ی درستی ندارد چون حفظ علم در آن حد و حتی گسترش آن و حفظ جامعه‌ای قسط‌آمیز یعنی تهیه مواد مایحتاج بشر و مایحتاج تولید علم و سایر مایحتاج جامعه مرفه آن روز خود نیاز به کار و تلاش انسان دارد الا اینکه سهم فکری و علمی بودن کارها زیاد خواهد بود.

● آنقدر مواد غذایی زیاد خواهد شد که همگان همه چیز را در اختیار خواهند داشت و بنابراین اختلاف بین افراد بوجود نمی‌آید و همگان در صلح و صفا با یکدیگر زندگی می‌کنند، حتی جانوران و ماهیان دریا چون برای آنان نیز شرایط حیات با پیشرفت علم چنان خواهد بود که این حالت بوجود خواهد آمد.

● چون علم بسیار رشد پیدا کرده و همه چیز براساس عدل انجام می‌شود و تمامی امور در تعادل کامل قرار می‌گیرند لذا آرامش نیز بین افراد تحقق پیدا می‌کند. بنابراین در حدیث می‌خوانیم که «زندگان آرزو می‌کنند ای کاش نیاکانشان زنده بودند و آن عدالت و آرامش را مشاهده می‌کردند و می‌دیدند که خداوند چگونه برکات خود را بر اهل زمین نازل کرده است.

بهره‌وری در حکومت حضرت قائم (عج)

«فعند ذلك تفرح الطيور في اوكارها، و الحيتان في بحارها، و تفيض العيون، و تنبت الارض ضعف اكلها».

«در آن هنگام پرندگان در آشیانه‌های خود شادمان شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی کنند و چشمه‌سارها سرازیر می‌شوند و زمین چندین برابر محصول خود، می‌رویانند».

بهره‌وری به معنای قدرت تولید است. در زمان حضرت قائم (عج) علم و فن آوری بقدری رشد پیدا کرده است که زمین چندین برابر محصول خود می‌رویانند. اصولاً لازمه‌ی پیدایش جامعه‌ی وفور، ظهور شرایط علمی و فنی خاصی است که بتوان با تکیه بر آن قدرت تولید نیروی کار، سرمایه، مدیریت و زمین یعنی چهار عامل تولید را بقدری بالا برد که محصول زمین چندین برابر شود.

همانطور که در کتاب بهره‌وری و نماز و کتاب بهره‌وری و حج نشان داده‌ایم در حکومت مکتبی الهی آموزشهای مبتنی بر وحی از یکطرف و ترقی علم و دانش از طرف دیگر افزایش قدرت تولید را به گونه‌ای ممکن می‌سازد که جامعه‌ی وفور خودبخود بوجود می‌آید. بنابراین فقر و استثماری که منجر به عداوتها، کینه‌ها، درگیریها، بخلها و حسدها می‌شود در آن زمان وجود نخواهد داشت. امام باقر(ع) می‌فرماید همه مالها و خواسته‌های دنیا، آنچه که درون زمین است و آنچه بر روی آن، نزد مهدی گرد آید، آنگاه مهدی به مردم بگوید بیاید، اینها همان چیزهایی هستند که برای بدست آوردن آنها

از خویشان خود بریدید، خونها ریختید و محرمات الهی را مرتکب شدید، آنگاه چنانکه کسی پیش از او نبخشیده، به مردم، ببخشید. آنگاه امام به مردم بگوید هر کس باندازه‌ی نیازش هرچه می‌خواهد بردارد و به مردم نشان می‌دهد که می‌توان نظام قسط‌آمیز متعادل داشت که برای منافع کسی با کسی کینه و جنگ نداشته باشد.

در احادیث قبل از ظهور مشخصات نظام سرمایه‌داری ترسیم شده است و در حکومت حضرت قائم (عج) مشخصات نظام توحیدی الهی قسط‌آمیز متعادل و بهشت‌گونه اسلامی به تصویر درآمده است. در احادیث دیگر آمده است:

- به برکت مهدی (عج) قدرت هر مردی برابر قدرت چهل مرد خواهد بود^(۱)
- به برکت مهدی (عج) محصولات کشاورزی هفت برابر می‌شود [عدد هفت در زبان عرب نشانه‌ی کثرت و زیاد شدن است]^(۲)
- به برکت مهدی (عج) اشجار بیش از حد بارور می‌شود^(۳)
- به برکت مهدی (عج) تمامی برکات و نعمات مضاعف می‌گردد^(۴)

کار تولیدی در زمان حضرت قائم (عج)

برخی می‌گویند در زمان حضرت قائم (عج) مردم کار نمی‌کنند و تنها

۱ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۳۷۲،

۲ - منتخب الاثر ص ۴۷۴

۳ - م. ق

۴ - م. ق

به عبادت مشغول هستند از حدیث فوق‌الذکر بخوبی استفاده می‌شود که دولت با مردم مقاطعه خواهد کرد. مقاطعه یعنی قطعه‌ای زمین در اختیار یک شخص یا اشخاص قرار داده می‌شود تا بر روی آن کشت کنند و سهمی از محصول را به صاحب زمین یعنی حکومت حضرت قائم (عج) بپردازند. عبارت و یتراک الارض فی ایدیهم نشان می‌دهد که زمین وسیله کسب روزی است و شیعیان زمینشان را حفظ می‌کنند و با تلاش خود از آن روزی بدست می‌آورند. منتها پیشرفت علم بقدری زیاد است که با تلاش کم ولی علمی یعنی فکری و یدی محصول فراوان به دست می‌آید. احادیث زیر اثبات این مدعاست:

● به برکت مهدی (عج) در کوهی زمین خرابه‌ای نماند جز اینکه آباد می‌شود. (۱)

● به برکت مهدی (عج) همه‌ی معادن و گنجها برایش ظاهر می‌شود (۲)

- به برکت مهدی (عج) فراوانی نعمت به حدی است که زنده‌ها می‌گویند کاش رفتگان بودند و می‌دیدند. (۳)

در حدیث فوق‌الذکر آمده است که در کوهی زمین خرابه‌ای نمی‌ماند مگر اینکه آباد شود. آباد شدن خرابه‌ها نیاز به کار و کوشش

۱ - منتخب الاثر ص ۳۹۲ [فلا یقی فی الارض خراب الا و عُمَر]

۲ - م. ق.

۳ - مستدرک ج ۴ ص ۴۶۵

دارد گرچه به علت پیشرفت دانش این کارها بیشتر جنبه‌ی فکری دارد تا یدی.

ولی اینگونه نخواهد بود که مردم کار نکنند و تنها به عبادت مشغول باشند. گرچه در اسلام کار کردن خود یک نوع عبادت محسوب می‌شود.

تولید قرآنی

از آنجا که حضرت قائم (عج) در تمامی زمینه‌ها براساس دستورات قرآنی عمل می‌کند لذا می‌توان گفت که در چارچوب اقتصاد و تولید نیز براساس قرآن عمل می‌کند.

حال اگر تولید قرآنی را بدانیم می‌توانیم تصویری از تولید در حکومت حضرت قائم (عج) را در دست داشته باشیم.

اصول مهم تولید در قرآن و اسلام

۱- تولید باید رابطه مستقیم با یکی از نیازهای ضروری انسان داشته باشد، کاری که برای تولید کالاها و خدمات غیر ضروری انجام می‌شود کار غیر تولیدی خواهد بود. در سوره المعارج آیه ۱۹ می‌خوانیم که ان الانسان خلق هلوعاً بذرستیکه انسان حریص آفریده شده است. بشر برای ارضاء نیازهای خود هیچگاه از کوشش باز نمی‌ایستد و همواره به تولید هر چه بیشتر و بیشتر دست می‌آزد و در این مسیر تکنیکها و روشهای جدید تولید بوجود می‌آورد تا بتواند با کمترین داده بیشترین ستاده را بدست آورد. (هلوعاً)

۲- تولید برای دوباره تولید

در همان سوره از جمع کردن مال بمنظور پول پرستی و ثروت اندوزی منع فرموده است در آیه ۱۸ میفرماید: *جَمَعَ فَاَوْعَى وَ جَمَعَ كَرْدَن مَال* دنیا را پس حفظ کرد در این آیه کسانی که تولید را برای دوباره تولید بکار نمیگیرند و از تولید در راه تولید بیشتر بمنظور ارضاء نیازهای انسانهای بیشتر استفاده نمیکنند بعذاب الیم تهدید شده اند. در همین مورد در سوره همزه آیه ۲ میفرماید: *الذی جمع مالا وعدده. وای بر کسی که مال بر هم انبار میکند و میشمارد - مال باید در جامعه در مسیر تولید و دوباره تولید و مصرف بکار گرفته شود و جمع کردن مال و ثروت اندوزی در چارچوب خودخواهیهای فردی مطرود میباشد. لذا در جامعه امروز دولتها باید اموال مال اندوران را مصادره کرده در مسیر تولید بکار اندازند. در قرآن*

تولید و دوباره تولید آنقدر پر اهمیت است که قرآن مجید در سوره بقره آیه ۱۹۴ میفرماید:

لیس علیکم جناح ان تبتعنوا فضلا من ربکم ماذا افضتم من عرفات لا ذکر الله عند المشعر الحرام....

گناهی بر شما نیست که در حین زیارت خانه خدا به فعالیت اقتصادی نیز پردازید.

در سوره جمعه نیز میفرماید!

فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض و اتبعوا من فضل الله...

پس از پایان یافتن نماز جمعه در زمین منتشر شوید و به فعالیت اقتصادی پردازید.

بر اساس این دو آیه کریمه کار اقتصادی جدا ناپذیر از کار عبادی است که یکی تن را و دیگری جان را غذا میدهد و هر دو در بهبود یکدیگر مؤثر هستند. و از طرف دیگر کار عبادت است چه کار اقتصادی باشد و چه کار عبادی.

در آیه ۷۴ سوره قصص میفرماید.

و من رحمته جعل لكم الیل والنهار لتسکنوا فیه و لتبتغوا من فضله و لعکم تشکرون. و از رحمت خدا است که شب را برای استراحت و روز را برای فعالیت اقتصادی (تولید) شما قرار داده باشد که تشکر کنید. اگر آیات قرآن را دقیق مطالعه کنیم بکرات به این اصل مهم اقتصاد اسلامی اشاره رفته است که باید در نهایت جدیت برای ابتغای فضل خدا یعنی بدست آوردن وسائل معیشت از طریق کار مداوم کوشید. آیه ان لیس للانسان الا ما سعی بشر چیزی جز کار خود ندارد نیز همین مفهوم را تداعی می کند. بعلاوه خداوند در سوره عنکبوت آیه ۱۷ میفرماید

فابتغوا عند الله الرزق

بر اساس این آیه کریمه می توان گفت که چون کلام خدا معجزه است به این بیان که در هر زمان مطابق با نیاز زمان می توان از آن برداشتی متناسب با زمان داشت امروز نیز که بعلت اجتماعی بودن تولید نمیتوان تولید خصوصی بدون استثمار دیگری را در چهارچوب تکنولوژی جدید تصور کرد آیه کریمه بما دستور میدهد که از الله یعنی حکومت اسلامی رزق طلب کنید. باین مفهوم که دولت در امر تولید خود مستقیماً شرکت کند و به مسلمین که کارکنان جامعه توحیدی

میباشند رزق پرداخت نماید. لذا در جامعه اسلامی کار بعنوان عبادت واجب (کفائی) برای دولت اسلامی انجام میشود و مزد در سطح رزق تعیین میگردد. از طرف دیگر میتوان آیه مذکور را به این صورت نیز تعبیر کرد که مقصود الله طبیعت است که مخلوق الله است و آیه کریمه به انسان دستور میدهد که با کار روی طبیعت یعنی ترکیب کار خود با کار الله رزق و مایحتاج خود را بدست آورد. به بیان دیگر با کار تولیدی خود کالاهای مورد نیاز خود را تولید کند.

در مورد برداشت اول آوردن کلمه رزق بمعنای هدیه الهی بسیار لطیف است زیرا این کلمه سخن ما را که میگوئیم در اسلام کار با مزد رابطه ای ندارد را تأکید میکند زیرا که میفرماید رزق هدیه الله است. اصولاً هدیه بدون توجه به کار فرد بوی پرداخت میشود. آیه کریمه ان الله یرزق من یشاء بغير حساب نیز مؤکد همین دریافت است. در سوره الملک آیه ۱۶ میفرماید:

هوالذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناكبها وکلوا من رزقه و الله النشور
اوست کسی که برای شما زمین را گسترده پس سیر کنید در اطرافش و از روزی او بخورید و بسوی اوست بازگشت. در این آیه کریمه خداوند کریم میفرماید زمین را در اختیار بشر گذارده ایم تا از گوشه و کنار آن روزی بجوید. اگر عوامل تولید در نقطه ای کم یاب است به نقطه دیگر روید و از آنجا مایحتاج خود را بدست آورید. مسلماً بشر با حرکت در زمین و استخراج و اکتشاف عوامل تولید و قانونمندیهای جدید تولید میتواند روز بروز مایحتاج خود را بیشتر و ارزانتر بدست آورد همچنانکه دانش

امروز چنین نویدی را میدهد.

مسئله تولید نباید در مسیر کالاهای غیر ضروری انجام گیرد زیرا که پیشرفت اقتصادی که در سایه آن از عوامل تولید بمقدار کم میتوان کالا بمقدار زیاد تولید کرد از ضروریات اقتصاد و لذا مورد تأکید فراوان قرآن است:

خداوند در سوره معارج آیه ۳ میفرماید:

...من الله صاحب معارج

معارج در لغت بمعنای نردبان هر چیزی میباشد که بوسیله آن عروج انجام میگردد. از این آیه کریمه میتوان چنین برداشت کرد که در حکومت الهی که صفات الله در انسانهای خداگونه متبلور میشود بشر در کلیه ابعاد عروج میکند و از جمله در تولید (سرمایه گذاری) در زمینه‌هایی که ابزار تولید و سازمان تولید را بهبود میبخشد که به تولید بهتر و بیشتر با هزینه‌ای کمتر و سهل‌تر بیانجامد نیز از واجبات میباشد. و با این استدلال بر مسلمین است که در کلیه زمینه‌های علمی که به بهبود تکنولوژی تولید بیانجامد بعنوان واجب کفائی مشغول شوند. این قابل انکار نیست که معارج در کلیه زمینه‌ها از جمله اقتصاد، حکومت اسلامی را ملزم میسازد که امکان تولید توسعه و پیشرفت اقتصادی را که چیزی جز سرمایه گذاری در دانش و دوباره تولید نیست فراهم آورد و چون صنعت مونتاز مانع ترقی و عروج اقتصادی میباشد لذا باید در حکومت اسلامی آنرا ممنوع اعلام کرد. در جای دیگر سوره فاطر آیه ۱ خداوند عظیم انسان خداگونه را به

زیاد کردن وسائل معیشت و تولید اقتصادی تشویق و امر میفرماید که:
...یزید فی الخلق ما یشاء ان الله علی کل شیئی قدیر (خداوند) در آفرینش
میفزاید و او بر هر چیزی تواناست.

بر اساس این آیه کریمه مسلمان خداگونه و هر انسانی که در چارچوب
حکومت اسلامی زندگی میکند باید بر تولید خود بیفزاید و با گذشت
زمان کالاهای تولیدی و مصرفی بیشتری تولید کند تا در عروج
اقتصادی (توسعه اقتصادی) (۱) خود و سایر انسانها مؤثر افتد.

مسئلاً افزایش فعالیت تولیدی جامعه سبب عروج اقتصادی و توسعه
و پیشرفت اقتصادی خواهد شد و اگر فعالیت اقتصادی را دید که به
پیشرفت و توسعه اقتصادی کمک نکرد بدانید که جزء فعالیت‌های
اقتصادی که قرآن آن را تجویز کرده باشد نیست. برای مثال در دوره
طاغوت اقتصاد مونتاژ که عصارخانه امپریالیسم است علیرغم
فعالیت کارخانجات مونتاژ اقتصاد کشور را حتی یک گام بجلو نبرد،
(۱) در این مورد آیه ۲۱ سوره فاطر میفرماید که:

...والعمل الصالح یرفعه....

...و کار صالح را بالا میبرد... کلمه یرفعه که بعد از عمل صالح آمده است
بیانگر این حقیقت است که اگر کار و فعالیت تولیدی در مسیر اسلامی
(قسط آمیز) آن قرار گیرد مسئلاً رفیع خواهد شد و نتیجه آن به توسعه
و عروج اقتصادی میانجامد. انسان فعال هر روز به کشفی و اختراعی
نائل میشود و همین امر سبب میگردد که از مرحله‌ای از شیوه تولید به
سطحی بالاتر توسعه یابد در این مورد خداوند در سوره ۸۴ آیه ۲۰

میفرماید لتر کبن طبقاً عن طبق فما لهم لایومنون. که هر آینه برسید بمرحله‌ای از مرحله‌ای پس چیست ایشانرا که ایمان نمی‌آورند.^(۱)

در آیه ۲۱ سوره فاطر خداوند فرمود که اگر در چار چوب اقتصاد قسط‌آمیز اسلام کار کنید عروج اقتصادی خواهید داشت و در این آیه میفرماید: در عروج اقتصادی در اثر کار تولیدی خود پیوسته از مرحله‌ای بمرحله دیگر توسعه یافتگی دست مییابد پس چرا به اقتصاد اسلامی ایمان نمی‌آورید؟ و ما می‌گوئیم که چرا هنوز به اقتصاد مختلط غربی که قانون اساسی جمهوری اسلامی از آن سخن می‌گوید دل‌بسته‌اید.

کارایی کار در تولید

در جامعه قسط‌آمیز در حکومت حضرت قائم (عج) که کسی توسط دیگری استثمار نمی‌شود هر کس کاری را که انجام می‌دهد بعنوان یک عمل واجب (کفایی) آنرا دقیق انجام می‌دهد و بهمین دلیل مجموع کار تولیدی جامعه سبب رشد اقتصادی می‌شود هر سال تولید از سال دیگر بیشتر و ارزانتر تمام خواهد شد. خداوند در این مورد در سوره ۹۱ آیه ۹ و ۱۰ می‌فرماید قد افلح من زکیها. و قد خاب من دسیها به تحقیق کسی که پاک کرد آنگاه رشد کرد و کسی که تباه کرد آنگاه بی‌بهره شد.

بر اساس این آیه کریمه آنانکه فعالیت اقتصادی خود را بدرستی انجام

۱ - در این مورد به کتاب صنعت مونتاژ و کشاورزی در ایران تألیف این قلمزن مراجعه شود.

دهند به توسعه و رفاه اقتصادی دست مبیابند و آنانکه فعالیت اقتصادی خود را بدرستی انجام ندهند در فقر و محرومیت اقتصادی خواهند ماند. در این برداشت «ها» را در دو آیه مذکور به فعالیتهای اقتصادی رجوع میدهیم در عین اینکه میدانیم میتوان آن را به امور مختلف از جمله اقتصاد نسبت داد.

عوامل تولید در قرآن همانطور که در متن گفته شد سه نوع کار از سه نوع عامل تولید سخن میگوید نوع اول کارالله که از زمین نوع دوم کارگذشتگان که از مال تولیدی (سرمایه) و نوع سوم کار جاری که از نیروی کار سخن میگوید. در اینجا این سه نوع عامل تولید را در قرآن مجید جستجو میکنیم

کارالله

۱- زمین - زمین در قرآن به کلیه عناصر طبیعت اعم از هوا، دریا، کوه و غیره اتلاق میشود حتی شرایط اقلیمی و جغرافیائی، میزان بارندگی، باد و خلاصه آب و هوا را در بر میگیرد.

در قرآن مجید بشر بارها دستور یافته که از کلیه جهان هستی در راه ارضاء نیازهای خود بهره برداری کند و لذا زمین در این بعد به مفهومی بسیار وسیع بکار رفته است. در هر حال زمین بعنوان یک عامل مهم تولید در قرآن مجید در آیات زیر آمده است.

۱- سوره بقره آیه ۶- **ولکم فی الارض مستقر و متاع الی حین و مر شماراست در زمین قرارگاه و مایه تعیش تا هنگامی، در این آیه کریمه زمین بمعنای سطح و رویه زمین است که بر روی ان گام برمی داریم،**

کار میکنیم، خانه و کارخانه میسازیم. خداوند در این آیه کریمه می فرماید: در این زمین باید قرارگاه برای خود بر پا سازید. تلاش کنید تا زمین باطل نیفتد. و با کار اقتصادی خود از زمین برای ساختن قرارگاه سکونت و کار استفاده نمائید. بر روی آن جاده، پل، بندر، و خانه انبار، کارخانه و... بسازید.

۲- در سورهٔ حدید آیه ۲۶ میفرماید.... و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس. و فرو فرستاد آهن را که در آن سختی و نفعها برای انسان است. این آیه سخن از کلیه فلزات و معادنی دارد که درون زمین قرار دارد که بشر با کار خود میتواند آنها را در خدمت گیرد و نیازهای متعدد خود را با محصولات حاصل از آن ارضاء نماید (منافع). در این آیه کریمه امر ضمنی به استخراج و اکتشاف معادن و ایجاد صنایع مختلف بمنظور تولید کالا از معادن شده است.

۳- در سورهٔ الحجر آیه ۲۰ و ۲۱ میفرماید:

والارض مددناها و القينا رواسی و انبتنا فيها من كل شیئی موزون و جعلنا لكم فيها معایش. و زمین را وسعت دادیم و افکندیم در آن مایه‌های زندگی.... استفاده از کلمه موزون در آیه کریمه سخن از این دارد که در کوهها اشیاء مورد نیاز بشر نهفته است که روزی انسان باید از آن بهره کافی گیرد. در جای دیگر سورهٔ نازعات آیه ۳۳ و ۳۴ میفرماید: والجبال ارسیها متاعاً لكم ولا نعامکم.

وکوه که او آنها را استوار ساخت مایه‌های زندگی برای شما و چارپایان شما. از این آیه کریمه بخوبی مستفاد میشود که کوهها میتوانند متاع یعنی

کالاهای مورد نیاز انسان را در اختیار انسان قرار دهد. اگر کار انسان با آن ترکیب شود. از طرف دیگر میتوان گفت که کوهها جاذب باران و ایجاد کننده رودخانهها و از این طریق ایجاد کننده کشاورزی و دامداری و سائل حمل و نقل و تولید نیروی برق و غیره میباشد یعنی آنچه تا بامروز انسان بآن رسیده است.

۴- در سوره یس آیه ۸۰ میفرماید: الذی جعل لکم من الشجر الاحضر ناراً فاذا انتم منه توقدون آنکه از درخت سبز آتش برای شما تولید میکند که با آن چراغ روشن کنید. در این آیه کریمه به فوائد درخت که یکی نیز تهیه کبریت است اشاره میکند که در تولید آتش نیز مکانیزم الهی را جزء زمین بحساب میآورد. در آیه ۷۱ سوره ۲۳ فوائد دیگر جنگل و درخت را متذکر میگردد.

۵- وقتی زمین را جزء عوامل تولید میآوریم. حیوانات و چارپایان نیز جزء آن محسوب میشود. در این مورد قرآن مجید میفرماید: کلوا و ارعوا انعامکم ان فی ذالک لایات لاولی النهی بخورید و بچرانید گاو گوسفندان را بدرستیکه در آن، هر آینه نشانه هاست برای صاحبان خرد. ذکر کلمه «وارعوا» به کلیه مسلمین در حد واجب کفائی دستور میدهد که به دامداری و پیشرفت آن همت گمارند، در مورد حیوانات بعنوان عامل تولید و جزئی از زمین بعنوان عامل تولید به آیات زیر مراجعه شود:

آیه	سوره	آیه	سوره
۰۸-	۱۶	۶۶	۱۶

۲۸	۲۳	۳۶	۷۱-۷۲
۲۰	۱۸	۴۰	۷۹-۸۰
		۲۳	۲۱-۲۲
۲۷	۱۶-۱۷ و ۲۸	۶	۳۸
۱۶	۶۸-۶۹	۰۶	۲۱
۰	۹۶	۲۲	۲۳
		۱۶	۱۴

۶- همانطور که قبلاً گفته شد زمین بعنوان عامل تولید آب و هوا و بارندگی را نیز در بردارد و در این مورد در قرآن مجید میخوانیم که: هو الذی انزل من السماء ماء منه شجر فیه تسیمون سوره ۱۶ آیه ۱۰ ترجمه: اوست که فرستاد از آسمان آب را برای شما از آنست نوشیدنی و از آنست درختی که در آن میچرانید.

بر اساس این آیه آب نیز مانند سایر عناصر زمین در تولید به عنوان کار الله شرکت میکند و لذا زکات بر آنچه از آب در تولید استفاده میشود بعنوان حق الله اخذ میگردد.

۷- سایر آیاتی که در مورد زمین سخن فراوان دارد که البته در حدودی میباشد که مذکور افتاد بشرح زیر است:

آیه	سوره	آیه	سوره
۵۳	۲۰	۳۰-۳۳	۷۹
۲۷-۲۵۵	۷۷	۱۰-۱۳	۴۳
۳-۴	۱۳	۱۲-۱۳	۴۵

۳۲-۳۴	۱۴	۲۲	۵۰
۲۵-۳۲	۸۰		
۷-۱۱	۵۰		
۲۲	۲		

از این آیات مطالب زیر برداشت میشود:

۱- زمین شامل عناصر روی زمین مانند خاک و کوه و جنگل و رودخانه و عناصر زیر زمین مانند معادن و ذخائر و فوق زمین مانند باد، باران و آب و هوا و غیره همه و همه تحت کنترل بشر است و انسان میتواند از آنها در راه ارضاء نیازهای سالم خود بهره گیرد.

۲- بر اساس آیه‌ای که سخن از کفایت زمین (آیه (۵۲) سوره ۷۷) دارد زمین تا بشر بر روی آنست برای زندگان و مردگان جا و رزق دارد و نظریاتی مانند آنچه مالتوس عنوان کرده است مورد قبول قرآن نیست.

۳- بشر برای ادامه حیات خود باید از زمین، زیر زمین و فوق زمین حداکثر بهره‌برداری نماید.

۴- معادن و منابع ارض اگر با کار بشر ترکیب شود مراحل توسعه اقتصادی بینهایت در اختیار بشر خواهد بود و بر انسان است که در این مسیر نهایت بکوشد. که مسلماً پاداش انسان از این کوشش بیش از انتظار وی خواهد بود. بشر در مراحل عروج اقتصادی به اختراعات و کشفیاتی دست می‌یابد که برای وی قابل تصور نیست. و بالاخره هر آنچه در جهان آفریده شده است برای انسان و در خدمت انسان و بوسیله کار انسان میباشد.

کار گذشتگان

۲- کار گذشتگان با مال تولیدی (سرمایه) - در قرآن مجید به علوم و فنون که چیزی جز تبلور کار گذشتگان نیستند و بصورت مال تولیدی در کنار کار جاری و کار طبیعت قدرت تولید انسان را افزایش میدهد اشارات فراوان شده است. سرمایه یا مال تولیدی از این دیدگاه در آیات زیر آمده است:

الف - سوره ۹۶ آیه ۳- اقرأ و ربك الاكرم الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم کلا ان الانسان ليطغى ان رآه استغنى ان آیه کریمه اهمیت علم در زندگی انسان مطرح شده است و بلافاصله آمده است که ثروتمندان علیه دین قسط آمیز طغیان می کنند چرا که دین قسط آمیز اجازه نمی دهد که گروهی ثروتمند از طریق مالکیت خصوصی بر تکنولوژی که چیزی جز تبلور کار گذشتگان نامعلوم نیست دیگران اعم از نسل حاضر یا غایب را استثمار کنند و از این طریق بر ثروت خود بیفزایند و درست بهمین دلیل است که ثروتمندان که از علم یعنی تبلور کار گذشتگان سوء استفاده می کنند و این سوء استفاده از طریق مالکیت خصوصی بر علم یعنی تبلور کار هزاران انسان را برسمیت نمی شناسد طغیان نمایند.

ب - سوره ۳۹ آیه ۹... قل هل يستوی الذین يعلمون والذین لا يعلمون یعنی بگو آیا کسانی که به علم مجهز هستند با آنان که به علم مجهز نیستند برابر می باشند؟ بر اساس این آیه کریمه ابزار تولید که چیزی جز تسری علم در تولید و تبلور کار گذشتگان نیست در تولید مؤثر است هر چه

تکنولوژی پیشرفته تر باشد تولید بیشتر خواهد بود. بنابراین آیه کریمه گویی می فرماید آیا آنانکه به ابزار پیشرفته تر تولید مجهز هستند تولیدشان برابر کسانی می باشد که به تکنولوژی پیشرفته مجهز نیستند. از آنچه آمد این نتیجه را می توان ارائه داد که از نظر قرآن آن علم و فن و تکنولوژی برسمیت شناخته می شود که به افزایش تولید کمک کند و چون تکنولوژی مونتاز و وارداتی از ظرفیت تولید می کاهد لذا مورد قبول قرآن نمی باشد.

۳- نیروی کار جاری - سومین نوع کار، کار جاری میباشد که از این بعد به آن کار میگوئیم. و همانطور که تعریف کردیم کار عبارت از صرف انرژی انسان بمنظور معین است. که مسلماً با افزایش جمعیت یک جامعه افزایش پیدا میکند. بنابراین اگر نفت عامل تولید (معدن) به عنوان کارالله در ایران زیاد است کار بعنوان عامل تولید (کار جاری) در پاکستان زیاد میباشد. قرآن مجید در مورد اهمیت کار به عنوان عامل تولید در آیات زیر میفرماید:

۱- سوره ۵۳ آیه ۴۱ - وان لیس للانسان الا ما سعی. این آیه بصراحت میفرماید که بشر به هیچ کالائی دست پیدا نمیکند مگر با کاری که انجام میدهد. و در برداشت هیچ شئی نیست مگر آنکه تبلور کار است. این کار ممکن است کارالله باشد. و ممکن است کار انسان در ترکیب با کارالله باشد. آیه مذکور انسان را بطور فردی و جمعی (ملت) زن مرد، و از هر نژاد در نظر دارد که اگر کار بیشتر انجام دهد رفاه اقتصادی بیشتر خواهد داشت.

۲ - سوره ۹۰ آیه ۵ - لقد خلقنا الانسان في كبد. که به تحقیق انسان را در مشکل کار سخت آفریدیم.

بر اساس ابن آیه کریمه بشر در صورتی که خود را آماده سازد که از مشکلات انجام کارهای سخت نهراسد انسان میشود. انسان انسان میشود اگر کار کند و کاری که ساده هم نیست زیرا هر پیروزی انسان بر مشکلات طبیعت نیاز بکار فراوان دارد. همچنانکه تفوق بر نیروی جاذبه زمین (هواپیما) نیاز به چنین کار دشواری داشته است.

همچنین مستفاد میشود که انسان برای غلبه بر مشکلات آفریده شده است و از نظر فیزیکی (بدنی و فکری) و روحی آمادگی پیروزی بر مشکلات سختترین کارها را نیز دارا میباشد. در همین مورد قرآن مجید در آیه ۲۹ سوره ۷۷ میفرماید: خلقناهم و شددنا اسرهم...

ما آفریدیم ایشانرا و محکم گردانیدیم پیوند مفصلهایشان را. بنابراین بشر چنان محکم آفریده شده است که میتواند کارهای مشکل را انجام دهد تا به رفاه اقتصادی برسد زیرا که در آیه ۷ - ۶ سوره ۱۰۱ میفرماید: فاما من ثقلت موازینه فهو في عيشه راضيه . پس اما آنکه سنگین تر است موازین او (کارهایش) زندگی مرفهی خواهد داشت . بر اساس آیه کریمه هر ملتی که کار تولیدی بیشتری انجام دهد از نظر عیش یعنی زندگی اقتصادی راضی تر خواهد بود یعنی در رفاه بیشتر خواهد بود. به بیان دیگر رفاه اقتصادی تابع کار فردی و قومی خواهد بود . همین مفهوم در آیه ۱۳ سوره ۳۴ راجع به کار بدنی و در آیه ۵۶ - ۵۴ سوره ۱۲ راجع به کار فکری آمده است . عرضه نیروی کار در یک جامعه به

سه عامل بستگی دارد. اول اینکه هر واحد کار دارای کارائی مناسب باشد، دوم اینکه نیروی کار حرکت پذیر باشد و سوم اینکه جمعیت کشور از رشد معقول برخوردار باشد.

الف - کارائی نیروی کار به مهارت و دانش کارگر بستگی دارد که سبب میشود قدرت واحد کار را در واحد زمان افزایش دهد. برای مثال یک بنای ماهر در یک ساعت ۱۰ متر مربع اطاق را موزائیک فرش میکند در حالیکه یک بنای ناماهر اگر در یک ساعت ۵ متر مربع را موزائیک فرش کند پراز عیب و نقص هم خواهد بود.

عواملی که در کارائی مؤثرند: آیات قرآن بروشنی میگوید که بمنظور بالا بردن کارائی باید شرایط فیزیکی، مغزی، ایدئولوژیکی آموزشی و مهارت کارگران را افزایش داد. زیرا کارگر سالم مومن بکار خود و ماهر در کار خود قدرت تولیدش بیشتر از کارگری میباشد که فاقد خصلتهای مذکور است. در این مورد قرآن مجید میفرماید: ان خیر من استاجرت القوی الامین (سوره ۲۸ آیه ۲۶) بدرستیکه بهتر کسی است که استخدام کرده‌ای که قوی و امین است. بنابراین بر اساس آیه کریمه قرآن بهداشت عمومی باید کارگران را از نظر بدنی سالم و قوی گرداند و درستی برنامه اقتصادی حکومت و استقرار قسط در روابط تولید کارگر را به کار خود مومن سازد تا کارائی کارافزایش یابد. علاوه بر این مهارت و دانش کارگر نسبت به کاری که انجام میدهد در افزایش کارائی نقش بسیار مهمی بازی میکند.

فصل ششم

توزیع در حکومت حضرت قائم (عج)

تقسیم مال به تساوی

«یقسم المال صحاحاً و یملا قلوب امة محمد غنی، و یسههم عدله!». «مال را علی السویه تقسیم می‌کند و دل‌های امت محمدی (ص) را با بی‌نیازی پرمی‌کند و عدالتش همه آنها را فرامی‌گیرد

«اذا قام مهدینا اهل البيت، قسم بالسوية و عدل بالرعية، فمن اطاعه فقد اطاع الله، و من عصاه فقد عصی الله!». «چون مهدی ما اهل بیت (عج) قیام کند مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند، عدالت را در میان رعیت اجرا می‌کند، هر کس از او اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است، و هر کس او را نافرمانی کند، خدای را نافرمانی کرده است».

از این دو حدیث و دهها احادیث دیگر چنین استفاده می‌شود که توزیع ایده آل شیعه، برابری در تقسیم بیت‌المال بدون تبعیض بوده است. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه نیز می‌فرماید:

«و لوکان المال لی سویت بینهم فکیف و انما المال مال الله»

ترجمه: اگر مال از شخص من بود، آن را به طور مساوی تقسیم می‌کردم، تا چه رسد به اینکه مال، از آن خداست»

مارکسیست اسلامی

براساس احادیث فوق‌الذکر، اصل توزیع ایده‌آل شیعه اصل برابری و برادری بوده است. در قبل از انقلاب سال ۱۳۵۷ (رژیم پهلوی) و حتی در بعد از انقلاب اگر کسی این شعار را می‌داد، طرفداران نظام شبه‌سرمایه‌داری او را مارکسیست اسلامی می‌نامیدند. سرمایه‌داری جهانی ابتدا مارکسیستها را غول معرفی کرد و سپس هرکس شعار ضدسرمایه‌داری می‌داد وی را طرفدار مارکس مینامید و اگر او مسلمان بود وی را مارکسیست اسلامی می‌نامید.

این قلمزن در همان ابتدای پیدایش افکار اقتصادی ضدسرمایه‌داری اسلامی در ایران یعنی ابتدای دهه ۱۳۵۰ در ضمن بیان انتقادات وارد بر تئوریهای اقتصادی مارکس^(۱) و نشان دادن ضعفهای تئوریک جدی آن این حقیقت را افشاء نمود که انگلس یعنی دوست مارکس زبان عربی را فراگرفته بود و اسلام را مطالعه کرده و ایده‌آلهای اسلامی را به اطلاع مارکس - در مکاتبات خود رسانیده بود و وی نیز آنها را بیان می‌داشت. نقص مارکس این بود که دین را افیون جامعه می‌دانست و این از عدم شناخت درست وی از مذهب مسیحیت و مذهب اسلام سرچشمه می‌گرفت. در حالیکه می‌دانیم هم عیسای مسیح یک انقلابی الهی بوده است و هم پیامبرص اسلام و

۱ - به کتاب مقدمه‌ای بر علم اقتصاد، فصل چهارم نظریات مارکس تألیف این

قلمزن مراجعه شود.

هم مذهب اسلام انقلابات مقدسی چون قیام حسین بن علی (ع) را بوجود آورده که تمامی اینها با نظریه‌ی افیون بودن دین مغایرت آشکار دارد. نقص دیگر تئوریهای اقتصادی مارکس در فرمولبندی‌های آن است که در نوشتجات این قلمزن - کتاب مقدمه‌ای بر علم اقتصاد - به وضوح بیان شده‌اند.

بنابراین بیان نظریات ضد سرمایه‌داری که ریشه در قرآن و احادیث دارد نمی‌تواند دلیل مارکسیست بودن کسی باشد. ولی سرمایه‌داران استثمارگر برای تحمیق مردم، این ادعا را علیه مسلمانان روشن و آگاه مطرح می‌کردند. وجود احادیثی که در ابتدای این فصل آوردیم، به خوبی نشان می‌دهد که شیعیان در گذشته‌های بسیار دور - خیلی قبل از مارکس - آرزوی زمانی را داشته‌اند که قائم آل محمد (ص) قیام کند و حکومت قسط و عدل را مستقر سازد. که در آن حکومت بیت‌المال به طور برابر بین مردم تقسیم شود - لابد به اصطلاح طرفداران نظام سرمایه‌داری امامان معصوم (ع) و این بزرگان قرن‌ها قبل از تولد مارکس همه مارکسیست بوده‌اند ولی مارکسیست مسلمان.

تقسیم و توزیع بیت‌المال به تساوی بوسیله حضرت علی (ع)

آیت... حسین نوری همدانی در این زمینه مطالبی از نهج البلاغه و فقها را آورده‌ند که چون بحث بسیار مهم است و علت عثمانی بودن حکومت‌های سرمایه‌داری و مخالفت آنها با توزیع براساس مساوات را روشن می‌سازد در زیر آنرا به تفصیلی بیشتر مورد مطالعه قرار

می‌دهیم.

«عمر و عثمان^(۱) در طول مدت بیست و چند سال خلافت خود، در مورد تقسیم بیت‌المال، تبعیضات فردی و طبقاتی دردناکی به وجود آورده بودند و این روش باطل در میان مردم سنتی شده بود. علی (ع) وقتی که روی کار آمد، با دشواریهای سختی روبرو شد روش علی (ع) در تقسیم بیت‌المال براساس مساوات [و استحقاق] بود. روشن است که بر هم زدن روش عمر و عثمان که سالها مردم با آن خو گرفته بودند آسان نبود، او هرگز تبعیض و طبقه‌بندی در تقسیم بیت‌المال را روانمی‌دانست.»

تمام اختلاف عمر و عثمان با حضرت علی (ع) همین بود که آن سه تن روش پیغمبر اسلام (ص) در تقسیم بالسویه بیت‌المال را قبول نداشتند و حضرت علی (ع) می‌فرمود من اگر به حکومت برسیم براساس سیره و روش پیغمبر عمل می‌کنم. برخی از روحانیون شیعه همواره از اختلاف بین سه خلیفه با حضرت علی سخن می‌گویند و منابر را پر می‌کنند و کتب حجیم می‌نویسند ولی از اینکه به مردم بگویند به سیره و روش پیغمبر عمل کردن حضرت علی (ع) چه بود و آن را بشکافند طفره می‌روند و این نیست مگر ملاحظه ثروتمندان زمان را کردن و ترسیدن از اینکه آنها نیز مجبور شوند از صحنه‌ی فعالیت‌های دینی حذف شوند.

۱ - اینقسمت از کتاب بیت‌المال در نهج‌البلاغه تألیف حسین نوری چاپ اول زمستان ۱۳۶۳ صفحه ۴۳ آورده شده است.

امام زمان نیز در پس پرده‌ی غیبت به سر می‌برند برای اینکه اگر بخواهند بیایند و بیت‌المال را همچون محمد(ص) و علی(ع) بالسویه تقسیم کنند نه تنها اغلب روحانیون وی را منکر می‌شوند و می‌گویند بدعت در دین نهاده است بلکه مردم نیز ظرفیت این توزیع عادلانه را نداشته آن را تخطئه می‌کنند و احیاناً امام(عج) را از بین می‌برند. ولی جهل و قدرت تحمیق سرمایه‌داری و عدم رشد عقلی و علمی مردم در حدی که بتوانند فواید تقسیم بالتساوی بیت‌المال را درک کنند و مشتاق عمل به آن باشند بقدری هست که امروزه فریاد می‌زنند یا حجت‌بن‌الحسین عجل علی ظهورک ولی نمی‌دانند که زمان آمادگی ظهور را ندارد و خود این مردم این آمادگی را بوجود نمی‌آورند.

تنها با گسترش علم و دانش است که شعور اجتماعی بقدری رشد خواهد کرد که مردم به مضار تقسیم بیت‌المال براساس تبعیضات و براساس مکانیسم بازار پی خواهند برد و فواید تقسیم مساوی بیت‌المال را حس خواهند کرد.

«تقسیم بیت‌المال به طور مساوی از دیدگاه فقه اسلامی^(۱) یکی از مسائلی که در بحث بیت‌المال است. این مسأله در کتب فقهی عنوان شده و در این باره فقهای مذاهب اسلامی اختلاف نظر دارند. اما از دیدگاه فقهای تشیع، باید بیت‌المال به طور مساوی بین مستحقین تقسیم گردد. عالم معروف و بزرگ شیعه

شیخ طوسی در کتاب «خلافش» ذیل باب «کتاب الغین و قسمة الغنیمة» پس از ذکر این مسأله از دیدگاه فقهای مذاهب مختلف اسلامی در مسأله ۴۴ چنین گوید: در مصرف بیت‌المال، بین مردم بخاطر شرافت یا سابقه‌ی بیشتر در اسلام و یا دانش و زهد، فرقی نباید گذاشت، و شیوه‌ی علی (ع) همین بود که بیت‌المال را بطور مساوی قسمت می‌کرد، ابوبکر نیز همین روش را داشت، حتی به افرادی که حاضر نمی‌شدند نیز به همان اندازه می‌داد، ولی عمر دسته‌ای را بر دسته‌ی دیگر برتری می‌بخشید. آنگاه اضافه می‌کند: دلیل به تقسیم بیت‌المال به طور مساوی این است که اسم «بیت‌المال» مطلق است و شامل همه‌ی مردم می‌شود، و هر کس از هر طبقه‌ای باشد، در این جهت هیچگونه امتیازی ندارد، و برتری دادن بعضی بر بعضی دیگر جایز نیست، زیرا برتری دادن نیاز به دلیل دارد و در اینجا دلیلی برای برتری دادن اشخاص وجود ندارد. محقق عالیقدر صاحب جواهر گوید: روایات صحیح و فراوان بر این معنی دلالت می‌کند که حضرت علی (ع) بیت‌المال را بطور مساوی بین مردم تقسیم کرد، و رعایت عدالت در این مورد از صفات خاص آنحضرت بشمار آمده بود.»

شیعه وقتی می‌بیند، مردم عدل علی (ع) را تحمل نکردند و علی (ع) به علت شدت عدلش کشته شد و وقتی می‌بیند خلفای حکومت اسلامی همواره برخلاف سیره‌ی پیامبر (ص) بیت‌المال را به طور مساوی تقسیم نمی‌کنند امید را از دست نمی‌دهد چون از همان پیامبر ص و علی (ع) حدیث دارد که مهدی (عج) خواهد آمد و در آینده بشر به حدی بلوغ فکری و علمی پیدا می‌کند که مهدی (عج)

قادر خواهد بود دنیا را پر از قسط و عدل سازد و بیت‌المال را بطور مساوی تقسیم نماید.

حافظ گوید

بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر روز دگر روزگار چون شکر آید
در کتاب اسعاف الراغبین، صفحه (۱۵۱) از رسول خدا (ص) روایت می‌کند که فرمود: مهدی (عج) مال را بطور تساوی تقسیم می‌نماید قلبهای امت محمد را مملو از بی‌نیازی خواهد کرد، عدل آن حضرت شامل حال ایشان خواهد شد.

سید بن طاوس در کتاب ملاحم و فتن از پیغمبر اسلام (ص) روایت می‌کند که فرمود: مهدی مال را بطور مساوی تقسیم می‌کند، خدا بنحوی غناء و بی‌نیازی را در دل این امت جای‌گزین مینماید که (از باب مثال و نمونه) شخصی بحضور مهدی (عج) می‌آید و می‌گوید: پولی بمن عطا کن! آنحضرت می‌فرماید: نزد خازن (خزانه‌دار) برو! وقتی آنشخص می‌آید آنقدر به او عطا می‌کند که می‌گوید: آن وسعت و فراخی که به امت محمد (ص) داده شده مرا کافی است، آنگاه آنچه را که به وی عطا شده مسترد می‌نماید و می‌گوید: من احتیاجی به آن ندارم در جوابش می‌گویند: ما چیزی را که بخشیدیم پس نخواهیم گرفت و...

پیامبر اسلام (ص) و توزیع به تساوی

آقای محمدرضا حکیمی در مورد توزیع بالسویه بیت‌المال توسط امام زمان (عج) مطالبی دارند که چون بحث مهم است و ایشان از حوزه هستند - و مثل ما زود حوزویان متهمشان نمی‌کنند - مطالب

مذکور را در زیر مطالعه می‌کنیم.

«در احادیث و تعالیم دین، و حقایق اسلام راستین، رسیده است که پیامبر اکرم (ص)، اموال را به «تساوی» تقسیم فرموده است.

...الیس کان رسول الله (ص) تقسیم بالسویه بین المسلمین؟

- آیا پیامبر (ص) حقوق مسلمین را به تساوی قسمت نمی‌کرد؟

این سخنی است که علی (ع) در جواب اعتراض طلحه و زبیر فرموده است. طلحه و زبیر، به خدمت مولا، اظهار داشتند که چون قبل از حاکمیت شما جانب ما رعایت می‌شده است، شما هم جانب ما را رعایت کن! و علی (ع) در پاسخ آنان فرمود، که پیامبر اکرم به تساوی تقسیم می‌کرد و ما پیرو پیامبریم. همچنین در احادیث بسیار رسیده است که علی (ع) نیز اموال و حقوق را به تساوی تقسیم می‌کرد. این مسأله مشهور است و از مناقب و امتیازات معروف علی (ع) است.

و جمله‌ی «اقسمکم بالسویه»، درباره آن امام بزرگ معلوم است. همچنین در احادیث فراوان رسیده است که مهدی (ع) نیز اموال را بالسویه تقسیم می‌کند. اینک ذکر سه نمونه

۱- قال رسول الله: «ابشرکم بالمهدی... تقسیم المال صحاحاً»^(۱)

قال له رجل: و ما صحاحاً؟ قال: «بالتسویه بین الناس»

ترجمه: ابوسعید خدری روایت کند که پیامبر فرمود: شما را مژده می‌دهم به

۱- مستند احمد حنبل، ج ۳۰۷۳، منتخب الاثر / ۱۴۷، بحار الانوار ج ۵۱ / ۸۱ و

آمدن مهدی... مهدی مال را به صورت صحاح تقسیم می‌کنند مردی از پیامبر پرسید: صحاح چیست؟

پیامبر فرمود: «تسویه میان همه

۲- قال رسول الله (ص)... و تقسیم المال بالسوية...»^(۱)

ترجمه: عبدالله بن مسعود، از پیامبر اکرم روایت کرده است که فرمود: «... مهدی مال را بین مردم، به تساوی قسمت می‌کند.

۳- و یستوی بین الناس حتی لا تری محتاجاً الى الزکاة...»^(۲)

ترجمه: و به تساوی بین مردم تقسیم می‌کند تا آنجا که کسی به زکات دیگر محتاج نخواهد بود

و این است جوهره‌ی مرام پیامبران و ماهیت دین اسلام با این وصف جای دریغ و تأسف بیشمار است که برخی از فقها و فضلا، از مالکیتها دفاع می‌کنند، و جلو تقسیمات نسبتاً عادلانه را می‌گیرند، و از برگرداندن پاره‌ای از اموال و اراضی دارندگان پُرتمکن، بر حقداران و ناتوانان مانع می‌شوند. این محو جوهر اسلام است، چه آقایان بدانند و چه ندانند. این کشتن نفس انبیاء و ائمه طاهرین است. کدام فقه است آن فقه، که این گونه فاصله‌های عجیب را تصدیق می‌کند. و اینگونه مالکیت‌های کذایی دوره‌ی منحوس ظلم را، کاملاً شرعی و انبیایی می‌شناسد. ای وای... در این جریان ضد خدایی و ضد رضای خدا و ضد ماهیت دین انبیا (.. که همواره، به نص قرآن کریم، طرفداران توده‌های

۱ - کشف الغمه» بحارالانوار، جلد ۵۱/۸۴

۲ - بحارالانوار ۳۹/۵۲

محروم و یا برهنه‌ها بوده‌اند)، چه کسانی دست دارند؟ برخی فقها و فضلاى بسته ذهن و محدود اندیش و برخی مذهبهای مرتجع - که البته تصور می‌کنند مذهبی هستند و مذهب شناس - و جمعی ایادی مرموز! این ترکیب نامتجانس خطرناک، باعث می‌شود تا آگاهانی که می‌خواهند از مظلومان و محرومان دفاع کنند، و خط انقلاب را اصالت و استواری دهند، و ماهیت حمایت از ضعیفان را متجلی سازند از کار بمانند. من با دو جریان از سه جریان یاد شده کار ندارم، یعنی جریان ایادی مرموز - که می‌خواهند دین را طرفدار مالکیت و سرمایه‌داری و بهره‌کشان معرفی کنند و جوانها و توده‌ها را از انقلاب سر خورده و از اسلام مأیوس سازند - و جریان مقدس‌مآبان سفیه، این دو جریان را باید هوشیاری جامعه، و شور انقلابی مستضعفین و قاطعیت مجریان آگاه نابود سازد و من تأسفم از برخی فقها و فضلاى حوزه دیده است. اینان چرا اینگونه می‌اندیشند؟ ای وای وای که فقه آل محمدص و فقه علی و اولاد علی - نمونه‌های بی‌نظیر طرفداری از محرومان، و دشمنی با توانگران و مال‌اندوزان و بهره‌کشان و تمتع شعاران - کارش به اینجا برسد. کارش به جایی برسد که اقتصاد باطل سرمایه‌داریهای وابسته را به رسمیت بشناسد، با نوع مالکیت‌های معروف دوران اخیر قاجاریه و سپس پنجاه ساله‌ی اخیر را - با آنچه در آنها بوده و گذشته است به گونه‌ای بپذیرد؟ شگفتا و دریغا. اینها نتیجه‌ی توجه نکردن به تعالیم قرآن و ائمه طاهرین است.

اینها حاصل جدا کردن «آیات الاحکام» از اجزای دیگر قرآن و اسلام و تاریخ اسلام و سیره عملی پیامبر و ائمه است. اینها نتیجه نشناختن مسائل و مجاری زمان پیامبر است، با اینکه اینهمه در احادیث رسیده است که زمان را بشناسید

اینها حاصل گسستن از کلیت قرآن و تأمل در همه‌ی ابعاد قرآن است، یعنی فقط و فقط آیات الاحکام را، با نظر اجتهاد و دقت نگریستن، و بقیه قرآن را گاه گاه - بویژه در ماه رمضان - برای ثواب خواندن، ۶۰۰۰ آیه را رها کردن و معلومات اجتهادی خود را در ۵۰۰ آیه منحصر ساختن اینها حاصل ندانستن مسائل زمان، فرهنگ زمان، اقتصاد زمان و مجاری امور زمان است. اینها نتیجه حبس شدن در مدرسه و گسستن از جریان حیات بشری است. اینها بهره‌ی بی نصیبی از توجه و تعمق در فلسفه حیات و نوامیس تاریخ و حقایق اجتماع است. اینها عاقبت نداشتن مطالعه در تاریخ حیات پیامبر (ص) و ائمه (ع) و دور ماندن از شناختن فلسفه‌ی علمی آنان و غرق شدن در ذهنیات است اینها نتیجه‌ی درس ندادن و درسی نبودن تاریخ تحلیلی زندگی پیامبر اکرم و ائمه طاهرین در حوزه‌هاست اینها نتیجه‌ی نشناختن و درسی نبودن جوهر مذهب است^(۱) می‌گویند: «الناس مسلطون علی اموالهم» بسیار خوب آیا اینهمه اموال وسیع، «اموالهم» است. این اموال، به واقع ملک قطعی و سالم و مشروع این توانگران است؟ اگر این است پس چرا علی «ع» فریاد می‌زد: هر جا گرسنه‌ای است حق او در سر سفره‌ی رنگین اغنیاء است «آری، هر جا فقیری گرسنه است خوراک او در سفره‌ی رنگین اغنیاست. هر جا زاغه نشین بسینوا در

۱ - علت مهم‌تر این است که آقایان از وجوهات شرعی‌ی این ثروتمندان ارتزاق می‌کنند و به اصطلاح این دو قشر به یکدیگر نان قرض می‌دهند یکی از نظر شرعی دیگری را تأیید و حمایت می‌کند و دیگری وی را از نظر پولی و مالی حمایت می‌نماید

گوشه‌ای می‌لولد، حق مسکن او در خانه‌های بزرگ شمال شهرها و دیگر کارخانه‌داران و مقاطعه‌کاران و تجار بزرگ و توانگران است. هر جا برهنه‌ای و بی‌لباسی به خود میلرزد جامه‌ی او در جامه‌های زیبا و متنوع خانواده‌های توانگر است. هر جا طفلی حق تحصیلات اولیه ندارد، حق او در پای فرزندان مرفه و خارج‌گرد متمکنان ریخته شده است. خرج تحصیل ضروری این طفل و امثال او، خرج تفریجها و فسادها و شب‌نشینیهای آنان است. و همینطور، و همینطور...

مگر علی «ع» در نخستین روزهای خلافت خود نفرمود: *والله لو وجدته قد تزوج به النساء لرد دته....* به خدا سوگند اگر با آن اموال زن ستانده باشند من آنها را بر می‌گردانم به بیت‌المال و این سخن را علی «ع» درباره‌ی زمینها و اموال فرموده است که در خلافت پیش از او به کسانی داده و حقوق محرومان را ضایع گذاشته بودند.^(۱) و اکنون اوضاع ما بسیار شبیه است به همان اوضاع. به هر حال پیامبر ما به مساوات در تقسیم مال قائل بوده و بدان عمل می‌فرموده است. امام ما علی و امام همه‌ی مسلمین - نیز چنین می‌کرده است مهدی «عج» هم که بیاید به مساوات عمل می‌کند پس ما چه می‌گوئیم چگونه ما خود را طرفدار حاکمیت محمد «ص» و علی «ع» و مهدی «عج» می‌دانیم؟ و تابع مکتب آنان؟^(۲)

۱- نهج البلاغه ۵۷

۲- محمد رضا حکیمی - خورشید مغرب - م. ق. ص ۵۲۴

«يعمل بئستي، و يكون عطاره هنيا، و ينزل بيت المقدس».

«به سنت من رفتار می کند، عطایایش گوارا می باشد و در بیت المقدس فرود می آید».

مبادله، پول و سود

تاریخ اقتصاد بشر را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف - بخش کمیابی محصولات

ب - بخش پربابی محصولات

● - بخش کمیابی - در این بخش که دوره های برده داری، زمین داری و سرمایه داری را شامل می شود به علت کمبود عرضه نسبت به حجم تقاضا، بر اساس اصل تقسیم کار هر کس به شغلی می پردازد و حاصل کار خویش را با دیگری مبادله می کند. این حاصل یا کالا است یا خدمت.

برای انجام مبادله نیاز به معیاری بنام پول بوده است که برابری ارزش دو کالا را مشخص ساخته انجام معامله را ممکن می نموده است. یعنی رابطه معروف

کالا - پول - کالا

شخصی که لبو تولید می کند آن را به پول می فروشد (مبادله) و در ازاء آن لبو که از دست می دهد پول به دست می آورد. سپس با این پول کالای مورد نیازش را مثلا کتاب تهیه مینماید. در رابطه با فروش هر کالا، صاحب آن تلاش می کند تا مبلغی سود برای خود دست و پا کند. یعنی کالای خود را به ارزشی بفروشد و کالای دیگری را به ارزشی

به دست آورد که ما زاد عایدش شود. قدرت چانه زنی در این مبادلات نقش عمده بازی می کند به این مازاد سود میگویند. بدست آوردن سود از راههای زیر حاصل می شود:

۱- پرداخت دستمزد کمتر از ارزش کار. یعنی کارفرما نیروی کار کارگر را می خرد (مبادله) و با آن کالایی را بوجود می آورد و آن کالا را می فروشد (مبادله) و پول بدست می آورد و در این دو مبادله مازادی عایدش می شود که همان سود است.

۲- عدم پرداخت زکات - چون در تولید کالا علاوه بر نقش کار جاری کار طبیعت نیز مؤثر است و مازادی بیش از کار خود و دستمزدی که پرداخت کرده بدست می آورد که همان ارزش کار طبیعت است، مازادی به نام سود را بوجود می آورد.

۳- تصاحب نیروی کار گذشتگان - گذشتگان با نیروی کار فکری و یدی خود تکنولوژی و فن آوری هایی را بوجود آورده اند که یکنفر با خرید آنها (مبادله) و بکارگیری آنها در جریان تولید کالاهای جدید به مازادی دست پیدا می کند که بیش از دستمزد پرداختی و ارزش مواد اولیه و نیروی کار خود است. این مازاد نیز بخشی از سود را بوجود می آورد.

۴- با خرید مستقیم کار و فروش آنها به قیمتی بیش از هزینه های فروش و ارزش نیروی کار فروشنده مازادی به دست می آورد که این مازاد همان سود است.

مالکیت خصوصی

در کلیه مباحث فوق یعنی وجود مبادله، پول و سود، نیاز به یک زیر ساخت حقوقی وجود دارد و آن قبول قانونی مالکیت خصوصی است.

در علم اقتصاد توزیع در آمد ملی یک کشور بر اساس بهای عوامل تولید حاصل می شود. می دانیم که ما چهار عامل تولید داریم:

۱ - زمین ۲ - نیروی کار

۳ - سرمایه ۴ - مدیریت

قیمت هر یک از این چهار عامل سهم مالکان آن ها را از در آمد ملی کشور مشخص میسازد.

- قیمت زمین را اجاره گویند

- قیمت نیروی کار را دستمزد می نامند

- قیمت سرمایه را بهره نامیده اند

- قیمت مدیریت را نیز سود می نامند

بنابراین میزان نسبی، اجاره، دستمزد، بهره و سود در یک جامعه سهم نسبی مالکان زمین، کارگران، سرمایه داران و مدیران را از در آمد ملی مشخص می سازد.

به این ترتیب باید ابتدا هر قشر از نظر قانونی خود را مالک یکی از ابزارهای چهارگانه بداند تا توزیع در آمد ملی بین اقشار چهارگانه ی فوق ممکن گردد. مالکیت خصوصی ابزار تولید یعنی اینکه کارگری مالک نیروی کار خود یعنی انرژی و تخصص خود است. مالک، نسبت

به زمین زیر کشت خود ادعای مالکیت دارد و سرمایه دار نیز خود را مالک کارخانه و مدیر نیز خود را مالک تخصص و نیروی کار ماهر خویش می داند. بروز آدم کشی، برادر کشی، جنگهای محلی، منطقه ای و جهانی همه و همه بخاطر گسترش مالکیت خصوصی ابزار تولید یک گروه به زیان گروه دیگر بوده است. در طول تاریخ برده داری چه جنایاتی که مالکین بردگان برای تصاحب ثمره نیروی کار بردگان به نفع خود و بزیان بردگان صرفاً به دلیل قانونی شدن نظام برده داری مرتکب نشدند. در دوره ی زمین داری نیز مالکان زمین، کشاورزان و کارگران روی زمین را استثمار می کردند به این دلیل که مالکیت خصوصی زمین قانوناً مورد قبول بوده است و لذا ارباب می تواند به نفع خود و به ضرر رعیت آنان را بدوشد و استثمار کند و لذا زندگی مرفه برای خودش فراهم کند و رعیت را در محرومیت نگهدارد. در دوره ی سرمایه داری نیز صاحبان کارخانجات، صرفاً به این دلیل که مالکیت خصوصی سرمایه مورد قبول قانون می باشد کارگران را به استثمار خود در آورده از ثمره ی کار آنان سوء استفاده نموده خود بهترین زندگی را دارند و کارگران را در محرومیت و فقر نگهدارند.

جوهرهای اقتصادی در پیشرفت علم

همانطور که در فصل چهارم گفتیم جوهرهای اقتصادی در قرن حاضر و قرون بعد زائیده نظام سرمایه داری است، نظامی که مالکیت خصوصی سرمایه را برسمیت می شناسد. ولی با پیشرفت علم بشر

به درجه ای از قدرت تولید می رسد که انسان به علت داشتن کالاها و خدمات مورد نیاز خود در حد دلخواه نیازی به استثماری دیگری ندارد. یعنی به کمک علم و فن آوری بشر به قول کسلر به ساختن نانو ماشین هایی موفق می شود^(۱) که می تواند هر چه را بخواهد در حد دلخواه تولید کند و لذا هر کس با داشتن این ماشین ها از زندگی مرفه برخوردار است و نیازی نیست که دیگران را فقیر کند تا خود برخوردار شود و از رفاه دیگری کم کند تا به رفاه خویش بیفزاید.

● - بخش پُریابی - با پیشرفت علم و فن آوری بشر بجایی خواهد رسید که به کمک ماشین های بالاتر از نانو ماشین وقتی اراده ای داشتن یک کالا را می کند می تواند

آن را داشته باشد - چون خداوند اینگونه است *انما امره اذا اراد شیئاً ان يقول له کن فیکون* (سوره ۳۷ - آیه ۸۲) یعنی وقتی خدا اراده کند چیزی داشته باشد می گوید باش و خواهد بود و چون از روح خود خداوند در انسان دمیده است و می گوید *نفخت فیه من روحی* (آیه ۲۹ - سوره ۱۵) یعنی در انسان از روح خود دمیدم، - انسان نیز می تواند چنین کند، - ما امروز نمونه هایی ابتدایی از این توانایی بشر در تولید و ایجاد را در تعویض کانال تلوزیون از طریق فرمان دادن به یک دکمه که در کنترل از

۱-۱ - جان نسبت پاتریشیا ابردین ، تکاپوی ۲۰۰۰ ، ترجمه صها سعیدی چاپ

اول سال ۱۳۷۰ هجری شمسی صفحه ۳۹۵

راه دور در دست داریم شاهد هستیم یعنی اراده می‌کنیم کانال چهار باشد، بلافاصله کانال چهار با برنامه‌های خودش خواهد بود و اراده کنیم کانال اول باشد به همین ترتیب. وقتی بشر کالا در حد و فور داشته باشد نیاز به استثمار دیگری ندارد خصوصاً اگر بر اثر بالا رفتن شعور علمی و اجتماعی و تجارب گذشته‌اش از مضرات مالکیت خصوصی ابزار تولید و استثمار دیگران و ایجاد کینه طبقاتی و جنگ و خونریزی برای پول آگاه شده باشد. لذا در زمان و فور آنگونه که کسب می‌گوید: با نانو ماشینها یعنی ماشینهای بسیار ریز می‌توان همه چیز را دوباره سازی کرد و چند روزه یک خانه‌ی تمام و کمال ساخت درست همانطور که درخت بلوط تنومندی از یک هسته‌ی کوچک می‌روید.^(۱)

یعنی از یک تکه نان، یک تکه قند و هر کالای دیگر می‌توان به هر مقدار که بخواهیم درست کنیم و همینطور از یک تکه کوچک طلا می‌توان کوهی از طلا بوجود آورد.

لذا در آن زمان مبادله و پول و سود و لذا استثمار دیگری و جنگ طبقاتی معنایی ندارد.

در آن جامعه اقتصاد صلواتی تحقق واقعی پیدا می‌کند و هر کس با یک صلوات می‌تواند آنچه را می‌خواهد و ندارد بگیرد چون تولید اشیاء کارچندان دشواری نیست. با توجه به آنچه آمد معنای احادیث

زیر برای ما بسیار قابل درک و روشن خواهد شد.

۱- تنعم امتی فی دنیاة نعیماً لم تنعم مثله قطّ، البرّ منهم و الفاجر و المال کدوس، یاتیه الرجل فیحثوله

«در دولت او مردم آنچنان در رفاه و آسایش به سر می‌برند که هرگز نظیر آن دیده نشده، مال به قدری فراوان می‌شود که هر کس نزد او بیاید اموال فراوانی زیر پایش می‌ریزد».

۲- «یفیض المال فیضاً، و یحثو المال حثواً، ولا یعدّه عدّاً»

«اموال را چون سیل می‌ریزد، ثروت را کلان کلان می‌بخشد و آنرا نمی‌شمارد»

۳- «ثم یكون فی آخر امتی خلیفة یحشی المال حثیاً، لایعدّه عدّاً، و ذلک حین یضرب الاسلام بجرانه».

«در پایان روزگار امت من خلیفه‌ای می‌آید که چون سیل بخشش می‌کند و آنرا نمی‌شمارد، و آن هنگامی است که اسلام با تمام ابعادش پیاده شود».

پیامبر فرمود: و اما المهدی (ع) الذی یملاء الارض عدلاً کما ملئت جوراً و تأمن البهائم والسباع یلقى الارض افلاذ کبدها ما قال قلت و ما افلاذ کبدها؟ قال: مثل الاسطوانه من الذهب و الفضة

پیامبر فرمود: مهدی کسی است که زمین را پر از عدل و داد کند همانطور که به ستم پر شده است در روزگار وی چهارپایان در امانند و زمین پاره‌های جگرش را بیرون می‌ریزد، ابن عباس می‌گوید، به حضرت عرض کردم زمین پاره‌های جگرش را بیرون می‌ریزد چیست. رسول اکرم (ص) فرمود: ستونهایی از طلا و

نقره (۱)

رسول اکرم (ص) بی نیازی مردم آن زمان را چنین توصیف می کند:

۴- «یفیض فیهم المال حتی یهمّ الرّجل بماله من یقبله منه حتی یتصدّق فیقول الذی یعرضه علیه: لا ارب لی به» «ثروت را در میان آنها به فراوانی می بخشد، کسیکه در صدقه دادن باشد، اموالی را برمی دارد و به مردم عرضه می کند، به هر کس عرضه کند می گوید: من نیازی ندارم»

۵- یطلب الرّجل من یصله بماله و یاخذ زکاته فلا یجد أحداً یاخذ ذلک استغناء بما عند الناس من فضل الله».

مردم دنبال کسی می گردند که از آنها هدیه ای بپذیرد زکات مالشان را جدا می کنند و کسی را نمی یابند که آن را بپذیرد زیرا همه مردم از فضل خدای بی نیاز می شوند».

۶- «المهدیّ سمح بالمال شدید علی العمال رحیم بالمساکین»

«مهدی بخشنده ایست که مال را به وفور می بخشد، بر مسئولین کشوری بسیار سخت می گیرد بر بی نوایان بسیار رئوف و مهربانست».

پیشوای ششم شیعیان امام صادق (ع) در این مورد می فرماید:

۷- یقوم الرّجل فیقول: یا مهدی اعطنی. فیقول: أعطنی فیقول خذ».

هر کس بلند شده بگوید: ای مهدی! به من عطا کن، می گوید: بگیر».

۸- «لا یبقی عبداً مسلماً الا استراه و أعتقه، و لا عارماً الا قضی دینه، و لا مظلّمه لا حد من الناس الا ردّها و الا یقتل عبد الا ادى ثمنه، و لا یقتل قتیل الا قضی

عنه دینه و الحق عیاله فی العطاء».

«در روی زمین برده مسلمان نمی گذارد جز اینکه می خرد و آزاد می سازد، بدهکاری نمی ماند بدهی اش را پرداخت می نماید حق کسی را در دست کسی نمی گذارد جز اینکه از او باز می ستاند و به صاحب حق باز می گرداند، بنده ای کشته نمی شود جز اینکه قیمت او را می پردازد، کسی کشته نمی شود جز اینکه همه قرضهایش را پرداخت می کند و نام خانواده اش را در بخش عطایا مقرر می نماید».

عمادزاده می نویسد ^(۱) «روز نوروزی نو ملت نو عالم دیگر و فکر دگر و کار دگر روز نوروز همه خلق جهان آن روز است که زَند فَرها بر سر دینا شهپر واقعاً آن روز نوینی را که همه جهانیان در تمام اعصار و ادوار زندگانی طالب و در پی آن روز هستند عصر ظهور امام زمان است - دنیا رنگ وحدت بخود میگیرد سرتاسر کشور هستی در سایه شهپر همای عدل و آزادی امام قرین آسایش و رفاه است - سلطنت و ریاست او بر تمامیت ارضی کره خاک جاریست قاطبه آدمیان آن عصر سیاه - یا سفید - زرد پوست - شرقی غربی - قطبی و شمالی - جنوبی - اروپایی - آمریکائی آسیایی - آفریقایی - و کلیه جزائر دریائی و خشکی در قید فرمان امام زمان تحت برنامه تغییر ناپذیر قرآن اداره میشوند - نفوذ و حکومت روحانی محمدی و شریعت جعفری در سایه زبان عربی در سرتاسر گیتی حکم فرماست، تربیت همگانی تربیت اسلامی است هیچ دین و

۱ - عمادالدین حسینی اصفهانی شهید به عمادزاده، منتقم حقیقی مهدی القائم

شرکت سهامی طبع کتاب، چاپ ششم ۱۳۵۰ صفحه ۴۳۹

آئین و کیش و منشی و مذهب و مسلکی غیر آئین مقدس اسلام نیست مرام مرام قرآن، فرمانده کل و پیشوای بزرگ حجة بن الحسن العسگری علیه السلام هیچ گردنکشی را نیروی مخالفت و یارای سرپیچی از آن برنامه نیست - تمامی امراء و حکام و سرکردگان و صاحب منصبان ارشد و وزرای بزرگ و سفرای کبرای او تمامی مربا بتربیت اسلام و در سایه علم و حلم و پرهیزکاری و تقویت و متصف به صفت امانت و صداقت و حیاء و ایمان ناظر و شاهد توده مردم و خود نمونه‌ای از آن فضائل در جامعه هستند - آنروز دیگر زرق و برق دنیا و ذخائر آن بر نفس غالب نمیتواند شد - طمع خام و ترس نابجا سببی نخواهد داشت - هیچ گاه بر در ارباب بی مروت دنیا نباید نشست تا خواجه کی بدر آید - تمام ممالک برای مسافرت آزاد و همه با یک زبان و یک مقیاس واحد تقدینه و اوزان و عرض و طول با یک سنگ ثابت اسلامی آزاد در معامله داد و ستد و رفت و آمد هستند - خدا نصیب فرماید.

خبری دیگر در دست است که از امام پنجم روایت میکنند فرمود بزرگترین نعمتها بعد از ظهور مهدی ظاهر میشود و آن فروانی آب است و برکت در زراعت و برقراری امنیت و صحت و از بین بردن امراض و اسقام است. فرمود ای مفضل - در آن عصر گنجها روافند و برکتی در زراعتها و فلاحتها پیدا شود درختان پر میوه شود دریاها و چشمه‌ها پر آب شوند و فور نعمت بقدری باشد که همه عالمیان انسان و حیوان و پرند و چرنده همگی متنعم شوند و باز باقی ماند - زمین معادن طلا و نقره و جواهرات خود را آشکار سازد و همگی مردم بهر مند شوند و نصیبی از آن گیرد قروض تمام شیعیان و دوستان را ادا فرماید فقرای امت از کثرت انفاق و صدقات بهره وافر گیرند.

همه مردم خوشحال و مسرور قفل غم و انده از دلها برداشته گردد و همه شادمان و فرحمند خواهند شد - امراض و عیوب ظاهری و جلدی بر طرف گردد - صحت و بهداری سرتاسر دنیای آنروز را برگیرد - صلح کل در میان افراد برقرار شود منازعات و مناقشات روی ندهد - حقوق هر کس محفوظ و تجاوز از حق خویش نکنند و طمع بمال دیگران نوزد - مینویسد عدالت چنان سرتاسر جهان گسترده شود که هیچ کس بدیگری تجاوز نکند گرگ و میش با هم آب میاشامند.

اخس و اشرف قوی و ضعیف یکسان شوند مواخات و برادری و مساوات و برابری حکمفرما گردد - تحکم و زورگویی از جهان معدوم شود حیوانات مودیه و زننده طبیعت خود را از دست دهند - زمینهای عالم از فرش زمردین گسترانیده شود و درختان چنان پرمیوه گردد که هرچه از آنها بچینند باز بر دهد و زمین بانواع گلهای مختلفه مزین شود - و چنان بساط امن و امان در اینجا گسترده شود که هیچکس در حق دیگری خیال بد و سوءظن نبرد و امنیت سرتاسر عالم را بگیرد.

عارف نامی حافظ شیرازی که زیارت جمال باهرالنور امام زمان تشریف حاصل کرده شرایط زیارت حجت عصر را چنین وصف می کند:

در خرابات مغان نور خدا می بینم

این عجب بین که چه نوری ز کجایم بینم

کیست دردی کش این میکده یا رب که درش

قبله حاجت و محراب دعا می بینم

جلوه بر من مفروش ای ملک الحاج که تو
 خانه می بینی و من خانه خدا می بینم
 سوز دل اشک روان ناله شب آه سحر
 این همه از نظر لطف خدا می بینم
 خواهسم از زلف بتان نایب گشائی کردن
 فکر دور است همانا که خطامی بینم
 هر دم از روی تو نقشی زندهم راه خیال
 با که گویم که در این پرده چه می بینم
 کس ندیده است ز مشک ختن و نایب چین
 آنچه من هر سحر از باد صبامی بینم
 منصب عاشقی و رندی و شاهد بازی
 همه از تربیت لطف شما می بینم
 نیست در دایره یک نقطه خلاف از کم و بیش
 که من این مسئله بی چون و چرامی بینم
 دوستان عیب نظر بازی حافظ نکنید
 که من او را ز محبان خدا می بینم

مواسات

یکی از اصول توزیع در اسلام اصل مواسات است. بر اساس این اصل افراد یک جامعه در حکومت حضرت قائم (عج) و شیعیان واقعی در زمان غیبت دارای یک نوع مصرف اشتراکی هستند. به گونه‌ای که اگر یکی از آنها به اشتباه دست در جیب دیگری کرد و چیزی برداشت و طرف مقابل آگاه شد ناراحت نشود. هر چه همه دارند با یکدیگر مصرف کنند در جامعه‌ی آینده که وفور نعمت به حد غیرقابل تصویری زیاد است این حالت یک امر عادی خواهد بود ولی شیعیان امروزه امر شده‌اند که چنین باشند. شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد:

ما شیعیان در کوفه گروه بسیاری هستیم، اگر شما فرمان دهید همگی فرمان ببرند و پشت سر شما خواهند بود. حضرت فرمود: آیا اینان به حدی رسیده‌اند که اگر یکی از آنها آنچه نیاز دارد از جیب دیگری بردارد؟ گفت نه: حضرت فرمود پس این گروه برای دادن خون خویش بخیل تر خواهند بود. آنگاه فرمود: مردم هم اکنون آسوده‌اند، از آنان همسر می‌گیریم و به آنان همسر می‌دهیم، از هم ارث می‌بریم، و اقامه حدود می‌نمائیم، امانت‌های آنها را به آنان باز می‌گردانیم، (یعنی فعلاً زندگی مردم در همین حد است نه کاملاً اسلامی). ان اصحابنا با لکوفة جماعة کثیرة، فلو امرتهم لا طاعوک و اتبعوک، فقال: بجیبی احدهم الی کیس اخیه فیاخذ منه حاجته؟ فقال: لا، قال فهم بدمائهم اجل ثم قال ان الناس فی هدنة نناکحهم و نوارثهم و یقیم علیهم الحدود و نؤدی اماناتهم حتی اذا

قام القائمُ جاءت المزاملة و يأتي الرجل الى كيس (خيه فيأخذ حاجته لا يمنعه^(۱)) اما هنگام ظهور قائم که دوران دوستی و یگانگی و برادری است مردم به آنچنان حد از تکامل می‌رسند که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب برادر مسلمان خود بر می‌دارد،^(۲) بدون اینکه وی مانع شود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«إذا قام القائمُ جاءت المزاملة و أتى الرَّجُلُ إلى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حاجَتَهُ لا يَمْنَعُهُ و قتی که قائم (عج) قیام کرد، رفاقت و برادری برقرار شود، به طوری که هر کس دست به جیب برادرش کرده و به قدر نیاز بدون ممانعت از آن بر می‌دارد»^(۳) متن حدیث فوق چنین است:

مواسات از دیدگان حضرت علی علیه السلام

و لامير المؤمنين عليه السلام في خطبة المعروفة با لمختارة حديثنا صعب غريبٌ مُسْتَعْرَب لا يَحْتَمِلُهُ الا ملك مقرب او نبي مرسل او مؤمن امتحن الله قلبه للايمان فقام الاصبغ بن بناته فرج عن شيعتك بعلم هذا لصعب المستصعب الغريب المستعرب قال نعم يا اصبغ الصعب هو المواساة و المواساة ان تواسى

۱- بحار النوار ج ۵۲ ص ۳۷۲ به نقل از منبع مستحی کبیر مهدی آخرین سفیر انتقال

۲- منبع اثبات المهدی ج ۷ ص ۱۱۳۰ بحار ج ۵۲ ص ۳۷۳

۳- منبع اثبات المهدی ج ۷ ص ۱۱۳۰ بحار ج ۵۲ ص ۳۷۳

اخاک من کل ما رزقک الله و لا تحرمه و لا یمتحنه فی دینه فان امتحنته فوجدته حقیقی الایمان مخلص التوحید لزمک مواساته فی کل ما تملک صغیراً و کبیراً تالداً و طارفاً حتی و الله فی لا برة فهنده هی المواساة.

کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است در خطبه‌ی او که معروف است به مختارة فرمود حدیث ما دشوار است و دشوار یافته می‌شود و دور از فهم‌هاست و دور از فهم یافته می‌شود تحمل نمی‌کند آن را مگر ملک مقرب یا نبی مرسل یا مؤمنی که دل او آزموده شده باشد برای ایمان پس اصبح ابن بناته از جا برخواست و عرض کرد دور کن اندوه را از شیعیان به سبب دانستن این دشوار دشوار یافته شده و دور از فهم یافته شده فرمود آری ای اصبح دشوار به معنی مواسات کردن است و مواسات آنست که یاری کنی برادر خود را از هر چیزی که خدا روزی داده است تو را و محروم نکنی او را و امتحان نکنی او را در دینش پس اگر امتحان کردی او را و حقیقت ایمان را در او یافتی و او را مخلص در توحید شناختی لازم می‌شود تو را یاری کردن او در هر چه که مالک آن هستی کوچک باشد یا بزرگ مال کهنه قدیمی باشد یا تازه حتی آنکه سوزنی باشد بذات خدا قسم این است مواسات.^(۱)

مواسات از دیدگاه امام صادق(ع)

قال المفضل یا مولای ثم ماذا یكون من امیرالمؤمنین و المهدی فی الرجعة علیه السلام ویقسم علی اصحابه من کنوز الارض من بترها و لجینها ر

۱ - سید میرجهانی طباطبایی، نوائب الدهور فی علائم الظهور چاپ دوم سال

جوهرها بالتواسی

مفضل (به امام صادق (ع)) گفت ای مولای من پس چه چیز واقع می‌شود از امیرالمؤمنین و مهدی در وقت رجعت فرمود و قسمت می‌کند بر یاران خود از کنجهای زمین که از طلا و نقره و جواهرات به تواسی و مواسات .

مواسات در زمان غیبت

به هر درجه ای یک گروه یا یک تشکیلات یا یک کشور بتواند مواسات را اجرا کند به همان نسبت به اسلام قرآن، محمد، علی و مهدی «عج» یعنی شیعه ی خالص نزدیک شده است .

تعریف مواسات در متون مذهبی :

«مواسات همدردی و غمخواری دیگران و غیر رادر مال خویش مقدم قرار دادن است، مثلاً مسلمانی دو خانه دارد، دیگری هیچ مسکن ندارد صاحب دو خانه شخص بی منزل را مخیر کند که هر یک از دو خانه را بخواهد برای خود اختیار نماید، یا آنکه بهترش را به او واگذار کند، دو دست پیراهن برای خود و یک تن از مومنین بخرد و هر دو را در اختیار وی قرار دهد تا هر کدام را بخواهد بردارد و هکذا نسبت به سایر اشیاء، چنین عملی را مؤاسات گویند، فرق بین مؤاسات و ایثار اینست که اولی را در موردی بکار می‌برند که انسان دیگری را در مال خود (بعضاً یا کلاً) سهم سازد و او را اصل قرار دهد بدین نحو که یا از اول بهترش را به وی دهد یا او را در انتخاب مخیر سازد ولی ایثار این است که از چیز مورد نیاز خود چشم پوشد و در حالی که خودش

محتاج است غیر را مقدم داشته و آن چیز را به وی تخصیص دهد.)^(۱)

احادیث زیر در تاکید بر اهمیت مؤاسات است .

- ۱ - حضرت کاظم (ع) فرمود: خداوند متعال مرحمت مخصوص خود را برای مومنی که برادر خود را در اموالش شریک نماید قرار داده است .
- ۲ - حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس دارای دو خصلت باشد به رحمت حق نزدیک باشد اول نماز به پا داشتن در اول وقت و مداومت بر آن و دوم مؤاسات .
- ۳ - حضرت صادق (ع) فرمود: خداوند هنگام مرگ خروج روح از بدن را برای کسی که مؤاسات را مراعات نماید آسان سازد.
- ۴ - حضرت صادق (ع) فرمود: خداوند هنگام مرگ خروج روح از بدن را برای کسی که به زبان و شعار خود را برادر مسلمانان اعلام نماید ولی در عمل به مؤاسات عمل نکند ناگوار سازد و روز قیامت پیامبر (ص) و علی (ع) از وی روگردان و خشمگین باشند .
- ۵ - حضرت صادق (ع) فرمود: ای اباهرون خداوند متعال سوگند یاد کرده است که خائن را به بهشت داخل نسازد. و خائن کسی است که برادر مسلمانش را در مالش شریک نکند و مالش را از او حبس نماید.

۱۱ - حاج سید محمد جواد موسوی غروی، خورشید معرفت، بخش سوم - ص

● ۶- حماد بن عثمان می گوید در سالی اهل مدینه دچار قحطی شدند حضرت صادق (ع) فرمود در منزلان باید نان جو مصرف کنیم و نه نان گندم تا ما نیز همان بخوریم که مردم می خورند.

● ۷- امام صادق (ع) فرمود: هنگام کمبود مواد غذایی هر چه در منزل داریم باید بفروشیم و قوت روزانه را در هر روز تهیه کنیم تا دیگران نیز از آنچه ما داریم برخوردار شوند.

● ۸- امام باقر در حدیث دیگر میفرمایند: به هنگام رستاخیز قائم، آنچه هست، دوستی و یگانگی است. تا آنجا که هر کس، هر چه نیاز دارد از جیب آن دیگری بر می دارد، بدون هیچ ممانعتی. احتیاجی نیست اصلاً به چیزی. توی این سیستم چه جایی برای مالکیت، مال من، مال تو؟!

● ۹- ابن طاوس نقل می کند که در صحیفه ادریس نبی یافته است مطلبی که مربوط به انقلاب جهانی امام عصر می باشد که ما بخشی از آن حدیث شریف را در رابطه با موضوع بحث میباید نقل می کنیم در بخشی از آن حدیث می فرماید: وَالْقَى فِي تِلْكَ الزَّمَانِ الْأَمَانَةَ عَلَى الْأَرْضِ فَلَا يَضْرُشِي شَيْئًا وَلَا يَخَافُ شَيْئًا ثُمَّ تَكُونُ الْهَوَامُ وَالْمَوَاشِي بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يُؤْذِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَانْزِعَ حَمَمَةٌ كُلُّ ذِي حَمَةٍ مِنَ الْهَوَا وَغَيْرَهَا وَازْهَبَ سَمُّ كُلِّ مَا يَلْدَغُ وَانْزَلَ بَرَكَاتٌ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَتَزَهَرَ الْأَرْضُ بِحَسَنِ نَبَاتِهَا وَتَخْرُجُ كُلُّ ثَمَارِهَا وَانْوَاعُ طَيْبِهَا وَالْقَى الرَّافَةَ وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسُونَ وَبِقَتْسَمُونَ بِالسُّوْيَةِ فَيَتَغْنَى الْفَقِيرُ وَلا يَعْلُوا بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَيَرْحَمُ الْكَبِيرُ الصَّغِيرًا الْحَدِيثُ

ترجمه و در آن زمان امانت به زمین القاء می گردد شاید منظور از امانت تحقق امامت ولایت کلیه الهی در پهنه آفاق عالم باشد چنانکه در روایات آمده است

و در چنین عصری هیچ چیزی به هیچ چیز ضرر نمی رساند و هیچ چیز از هیچ چیز دیگر نمی ترسد بطوریکه حتی درندگان و حیوانات در بین مردم حرکت می کنند و هیچ کدام یکدیگر را اذیت نمی کنند و حالت تندی حیوانات تند خو از آنان کنده و جدا می گردد و خزندگان زهردار هم زهر آنان گرفته میشود و برکات از آسمان زمین نازل می شود و زمین مهمترین نباتات خود را بیرون می دهد و همه نوع میوه پاک و عالی برای مردم بوجود می آید و رافت و رحمت و محبت در بین مردم منتشر می شود و با یکدیگر با مواسات رفتار می کنند و اموال را با عدالت تقسیم می کنند و در نتیجه فقراء مستغنی می شوند و هیچ کدام بر دیگری علو و برتری جوئی پیدا نمی کنند و بزرگ به کوچک رحم می کند.»^(۱)

از این حدیث شریف نیز گسترش مواهب و نعم الهی در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) استفاده می شود که برای خوداری از اطاله کلام از شرح و تفسیر آن خوداری می کنم.

امنیت اقتصادی و محو نزاعها و جنگ ها

وقتی مالکیت خصوصی ابزار تولید به علت وفور آنها و قدرت انسان در تولید بیش از حد نیاز خود از کالاها و خدمات از بین می رود و استثمار و کینه طبقاتی وجود نداشته باشد، خواه ناخواه بین انسانها به علت اشتراک صفت انسان بودن محبت حاکم می شود مضافاً به اینکه ذات انسان اگر بر فطرت خود که تعادل محیطی امکان آن را

۱- علی صفایی کاشانی، مصلح کل چاپ اول ص، ۱۱۵

می دهد قرار گیرد سبب می شود بین آنها، محبت و صمیمیت و اتحاد بوجود آید. خصوصاً که محیط همراه شود با آموزشهای بشر دوستانه‌ی اسلامی.

علاوه بر اینها مهندسی ژنتیک بقدری جلو می رود - و امروزه نشانه‌هایی از آن است که انسان می تواند خلیات خود را به درستی تنظیم کند و حتی درنده خویی حیوانات را نیز تغییر دهد به گونه‌ای که آنها با انسان همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند.

در چنین شرایط اثری از ستم، بهره کشی و اختناق و طبقات انحصار طلب نخواهد بود. در نتیجه جنگ و تجاوز و برادر کشی از بین خواهد رفت. چرا که ریشه تجاوزها برمی گردد به اینکه فردی یا قشری یا طبقه ای یا ملتی می خواهد منافع را به سمت خودشان بکشانند و سهم اصلی را به خودشان اختصاص بدهند و منافع دیگری را به خطر بیاندازد. با از بین رفتن استثمار، دیوارهای تحمیلی ای که در شرایط فعلی برای حفظ منافع اقشار و طبقات ویژه دور کشورها کشیده شده فرو می ریزد و ملیت نفی می شود و به سمت جامعه جهانی حرکت می کند و بواقع با بقای مسأله استثمار، جامعه جهانی شکل نخواهد گرفت، چرا که اصلاً این دیوارها و این تضادهای قراردادی که به وجود می آید، برای حفظ منافع سرمایه داران است، این جنگ هایی که شکل می گیرد برای تقسیم منابع غارت شده از کشورهای تحت ستم است. پس شعار جامعه جهانی دادن تنها در زمان حضرت قائم «عج» تحقق پیدا می کند که روابط

استثمارگرانه اقتصادی بکلی محو می گردد. و چون هر قومی شایسته همان حکومتی است که بر آن حکومت می کند (حضرت علی ع) لذا مردم زمان حضرت قائم «عج» به علت افزایش شعور علمی و اجتماعی ظرفیت پذیرش جامعه ی متعادل و عدالت آمیز بدون استثمار و بدون جنگ را دارا هستند.
به احادیث زیر توجه شود.^(۱)

۱- در کتاب خصال خود شیخ صدوق از حضرت علی (ع) نقل می کند که فرمود: موقعی که قائم ماقیام کند، بغض و کینه از دلهای مردم برطرف خواهد شد. حیوانات با درندگان صلح و سازش می کنند

۲- در زمان دولت مهدی «عج» گوسفند، گرگ، شیر، انسان و مار همه در امانند حتی موش جلد شمشیر را نخواهد جوید.

۳- زمان دولت مهدی بقدری امن و امان است که زن از عراق متوجه شام می شود و پاهای او جز بر بالای گیاهان نهاده نخواهد شد، در آن زمان است که زن زر و زیور خود را بالای سر خویش می گذارد و هیچ حیوان درنده ای به او حمله نمی کند و مزاحم وی نخواهد شد.

۴- در زمان حضرت مهدی «عج» گرگ و گوسفند در یک مکان می چرند و می گردند، و کودکان با مار و عقرب بازی می کنند و آنها کوچکترین اذیتی به

۱- ۱- این احادیث از کتاب مصلح جهانی تألیف محمد جواد نجفی ناشر ادبیه صفحه ۱۳۴ بعد آمده شده است .

کودکان نمی‌رسانند.

امروزه با پیشرفتی که در مهندسی ژنتیک شده است می‌توان گفت از طریق دانش بسیار پیشرفته و فن آوری بسیار متکامل انسان قادر خواهد بود ژن حیوانات را چنان تغییر دهد که حالت درندگی و زهر آلودگی آنها از بین برود.

به عبارتهای زیر که از کتاب تکاپوی ۲۰۰۰ آورده ایم توجه فرمائید تا به معجزه بودن پیش بینی‌های بزرگان دین و اینکه دین واقعیتی و رای علم مادی دارد و انسان ناچار است در مقابل آن زانو بزند و از متن آن در بهبود زندگی خود کمک بگیرد، بیشتر آشنا شویم.

● امروزه دخالت‌های ژنتیکی در غلات و دامها، رشد قابل توسعه‌ای یافته است. کودهای شیمیایی و مواد شیمیایی برای مقابله با حشرات مضر در همان بدو رشد محصول بکار گرفته می‌شود.

● تکنولوژی زیستی قادر خواهد بود از طریق یک انقلاب سبز به گرسنگی خاتمه دهد. در زمینه‌های ژنتیکی، پیشرفتهایی برای رشد سریع تر ماهی و گوساله و غنی‌تر کردن برنج و سیب زمینی از نظر پروتئین انجام شده است. گونه جانوران رو به انقراض را می‌توان از طریق انتقال جنین به یک مادر دیگر حفظ کرد.^(۱)

دانشمندان با آزمایشات روی سیب زمینی کم‌خاصیت آن را چنان

۱- جان نسیت پاترشیا ابردین ترجمه صها سعیدی تکاپوی ۲۰۰۰ نشر ۱۳۷۰

پرورش می دهند که ارزش پروتئین گوشت را داشته باشد. همین عمل را روی برنج و کاساوا که مثل برنج حدود دو میلیارد انسان امروزه از آن استفاده می کنند انجام می شود.^(۱)

بعد از این کشاورزان تبدیل خواهند شد به تکنسین هایی که مشغله ی اصلی شان عبارت است از تصمیم گیری در مورد نوع ویژگی هایی که دلشان می خواهد در محصولاتشان باشد، مثلاً در مقابل ویروسها و آفتهای گیاهی مقاوم باشند و مواد غذایی آنها افزایش پیدا کند و مزه و طعم بهتری داشته باشد و در مقابل فشارهای حمل و نقل صدمه ناپذیر بوده براق و زیبا باشند و حتی در مناطق کویری قابل رویش باشند^(۲)

● بیوتکنولوژی می تواند با کار روی مواد غذایی مثل گوشت مواد مضر آنها را از بین ببرد مثلاً چربی غذاهای ممنوعه مثل گوشت را از بین برده باعث افزایش کالری آنها شود.^(۳)

● زیست شناسان مشغول تلقیح ژنهای متفرقه ای به داخل بذر گردو و سیب و پرتقال و دیگر میوه ها هستند تا بتوانند درختان این میوه ها را در برابر آفات مقاوم سازند. کشاورزان به جای آنکه قسمت عمده ی پولشان را صرف خرید کود و سموم دفع آفات نباتی بکنند، آن را

۱-۱-م. ق. ص ۳۶۸

۲-۲-م. ق. ص ۳۶۹.

۳-م. ق. ص ۳۷۰.

صرف خرید بذرهای از نظر ژنتیکی تحول یافته‌ای می‌کنند که در واقع نیازی به کود و سموم ندارند.^(۱)

● بالاخره انسان قادر خواهد شد ویژگیهای مطلوب جانوران را به گیاهان نیز منتقل کند. مثلاً شاید بتوان ژنی از یک باکتری حشره‌کش را در گیاه تنباکو وارد کرد و آن وقت است که حشرات از آن حذر خواهند کرد.^(۲)

● رمه‌داران در آینده می‌توانند با دستکاریهای ژنتیکی از یک جنین واحد شمار بسیاری گاو و گوسفند کاملاً یکسان با ویژگیهای مشخص و استاندارد های ممتازی که تاکنون امکان پذیر نبوده است تولید کنند. و با استفاده از تکنولوژی، تولید مثل از طریق جز مقاربت جنسی را توسعه داده است، می‌گویند «از نظر تئوری می‌توان با استفاده از این روش، هزاران حیوان متحد الشکل بوجود آورد. امروزه با لقاح مصنوعی یک گاو نر اصیل مرغوب سالیانه می‌تواند صد هزار گاو ماده را بارور کند. هم‌اکنون تنها در ایالات متحده سالانه ۱۵۰ هزار عمل تلقیح جنین گاوهای ماده انجام می‌شود.^(۳)

● از طریق مهندسی ژنتیک والدین قادر خواهند بود ترتیبی بدهند که اختلافات ژنتیکی احتمالی جنین فرزندشان اصلاح شود، از نقطه نظر

۱- ا. ه. م.

۲- ه. م.

۳- م. ق. ص. ۳۷۵ و ۳۷۶

تئوری، والدین می توانند اطمینان حاصل کنند که در صورت تمایل می توانند صاحب فرزندی باشند با ۱۸۰ سانتی متر قد و چشمهای میشی و این خصوصیات حتی به نوه هاشان نیز منتقل شود.^(۱)

● بیوتکنولوژی می تواند هرگونه ژنی که انسان را به بیماریهای سخت دچار می سازد شناسائی کند و ژنهای بیماری زا را با ژنهای طبیعی عوض کند و لذا بیماریهایی مثل سرطان را اجازه ندهد در انسان بوجود آیند. در مورد حملات قلبی و چندین بیماری دیگر اختلال ژنتیکی مربوطه هم اکنون کشف شده و می توان در آینده انسان را از شر این بیماریها نجات داد.

ابن مسکویه ومواسات

ابوعلی الخازن محمد بن یعقوب ملقب به مسکویه که از صدیق ترین مورخان و یکی از برجسته ترین دانشمندان و از متفکرین بزرگ ایران در قرن چهارم هجری است در کتاب اخلاق و راه سعادت صفحه ۴۶ در تعریف مواسات نوشته است :

«مواسات برابری و شرکت نمودن با دوستان و مستحقین در امر معاش و مال و آنچه روزی وی شده است»
امام باقر میفرماید.

همه مالها و خواسته های دنیا، آنچه که در درون زمین است و آنچه بر روی آن، نزد مهدی گرد آید، آنگاه مهدی به مردم بگوید بیایید، اینها همان چیزهایی هستند که برای بدست آوردن آنها از خویشان خود بریدید، خونها ریختید و محرمات الهی را مرتکب شدید، آنگاه چنانکه کسی پیش از او نبخشیده، به مردم، ببخشد.

فقر و استثماری که منجر به عداوتها، کینه ها، درگیریها، بخلها و حسدها میشود در آن زمان وجود نخواهد داشت، وفور و جمع شدن در یک نقطه امکانات و هر کس آنقدر که نیاز دارد، امام میدهد و میگوید ببینید نعمی که بخاطرش جنگ میکردید، همدیگر را میکشتید، الان در این شرایط هست و جایی برای چنین جنگ هایی، بخاطر منافع نخواهد بود.

تصحیح دولتی توزیع درآمدها

در زمان حضرت قائم «عج» به علت وفور کالاها و خدمات و بالا رفتن

شعور علمی و دینی دیگر مالکیت خصوصی ابزار تولید بی معنا می‌شود و اصل خدا مالکی زمین‌های عینی و تحقق پذیر پیدا می‌کند. چون دانش بسیار بسیار پیشرفته خواهد بود لذا شبکه توزیع بر اساس قسط و عدل بوجود می‌آید و هر کس از طرف سیستم عادلانه قاضی درآمد بدست می‌آورد تا از کالاها و خدمات مورد نیاز خود در حد خواست و نیاز که در چهار چوب اصول مصرف قرآنی قرار دارد تهیه نماید.

۱- ابن ماجه از رسول خدا علیه‌السلام روایت میکند که فرمود: مردی نزد مهدی علیه‌السلام می‌آید و می‌گوید: ای مهدی! به من عطایی بفرما! آن حضرت بقدری به او بذل و بخشش می‌کند که نتواند حمل و نقل کند. در کتاب صداعق صفحه ۹۸ از پیغمبر معظم اسلام (ص) روایت میکند که فرمود: در آخر الزمان خلیفه‌ای خواهد بود که مال را بخشش نماید یکنوع بخششی که بدون شماره باشد (یعنی بقدری بذل و بخشش میکند که نمی‌توان آن را شماره کرد؟ یا بدون اینکه پول را شماره کند بذل و بخشش مینماید، خواه کم و خواه زیاد باشد)^(۱)

۲- پیامبر خدا علیه‌السلام در ضمن گفتاری فرمود:

«تنعم فيه امتی نعمة لم ينعموا مثلها قط توتی الارض اكلها (کنوزها) و لا تدخر منهم شيئاً و المال يومئذ كدوس يقوم الرجل فيقول يا مهدی اعطني فيقول خذ؛ آنچنان در میان امت من وفور نعمت می‌شود که مثل آن هرگز نبوده است زمین گنجها و میوه‌های خود را آشکار می‌سازد و از آنها چیزی کم نکنند و مال

و ثروت همچون چیزی است که زیر پا افتاده باشد، شخصی می آید و می گوید: ای مهدی (عج) از اموال به من بده امام به او می فرماید: بگیر»^(۱)

۳ - قال الباقر (علیه السلام): اذا ظهر القائم و دخل الكوفة بعث الله تعالى من ظهر الكوفة سبعين الف صديق فيكونون من اصحابه و انصاره و يرد السواد الى اهله، هم اهله و يعطى الناس عطايا مرتين فى السنة و يرزقهم من الشهر رزقين و يسوى بين الناس حتى لا ترى محتاجاً الى الزكاة و يجىء اصحاب الزكاة بزكاتهم فلا يقبلونها، الى ان قال فيخرجون اليهم فيقولون لاحاجة لنا فى دراهمكم و ساق الحديث الى انقال و يجتمع اليه اموال اهل الدنيا كلما من بطن الارض و ظهرها فيقال الناس: تَعَالَوْا اِلَى مَا قَطَعْتُمْ مِنْهُ الْاِرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ فِيهِ الدَّمُ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ فَيُطَى مَا لَمْ يَعْطَهُ أَحَدٌ قَبْلَهُ^(۲)

امام باقر علیه السلام می فرماید زمانی که حضرت صاحب ظهور می فرماید و وارد کوفه شود خداوند تعالی برانگیخته می کند (برمی انگیزد) از پشت کوفه هفتاد هزار راستگو را و آنان در بین اصحاب او خواهند بود و از یاران او بشمار خواهند آمد و عراق را به اهلش خواهد داد و آنان اهل آنجا خواهند بود و به مردم عطایای فراوانی خواهد داد در هر سال دو مرتبه و در هر ماه دو مرتبه و بین مردم با مساوات رفتار خواهد کرد تا آنجا که در بین مردم محتاجی باقی نخواهد ماند که نیاز به زکاة داشته باشد و افرادی برای دادن زکاة خواهند آمد در حالیکه زکاة همراه آنان است و از آنان قبول نخواهد شد و به آنها برگردانده

۱ - كشف الغمه، ص: ۳۸۲، المجالس السینه ج ۵ ص ۷۲۲

۲ - بحار ج ۵۲ ص ۳۶

خواهد شد و مردم خواهند گفت نیازی ما به درهمهای شما نداریم و سپس حضرت حدیث را ادامه دادند و فرمودند جمع می‌شود با او تمام دنیا از باطن زمین و ظاهر آن و کنایه از مواد و انرژیهای درونی و بیرونی زمین است. و سپس به مردم گفته خواهد شد که بیائید و بگیرید آن اموالی که بخاطر آن با ارحام خود رابطه خویشاوندی را قطع نموده بودید خونهای حرام ریختید و مرتکب محرمات فراوانی شدید و آن قدر هدیه به مردم می‌بخشد که هرگز کسی قبل از او چنین عطایایی نبخشیده است.^(۱)

۵- گفته می‌شود که حضرت بقیةالله (عج) خطاب به آنها می‌فرماید: «تعالوا الی ما قطعتم فیہ الارحام، و سفکتتم فیہ الدماء، و رکبتم فیہ محارم الله، فیعطی شیئاً لم یعطه احدٌ کان قبله».

بیائید به سوی آنچه که برای آن قطع رحم کردید، خونها ریختید و مرتکب گناهان شدید! آنگاه آنچنان عطایای کلان به آنها می‌دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است».

از احادیث فوق خصوصاً حدیث چهارم به خوبی استفاده می‌شود که در سیستم توزیع حضرت قائم (عج) هر پانزده روز یک بار حقوق به مردم پرداخت می‌شود. این حقوقها در حد روزی یعنی نیاز متعارف جامعه است. علاوه بر روزی عطاهاى بی‌شمار بقدری به افراد داده می‌شود که بی‌نیازشان کند و در حد شرعی - دور از اسراف و اتلاف - زندگی را با رفاه کامل بگذرانند و به این ترتیب گسترش روح

۱- علی صفایی کاشانی، مصلح کل، ناشر مؤلف چاپ اول ۱۳۷۱، صفحه ۱۱۳

دوستی و مودت پایه‌ی عینی پیدا کند.

جای تأسف

جای بسی تأسف است که در تنها حکومت شیعه در ایران که خود را از پیروان حضرت قائم (عج) می‌داند فقر و گرسنگی بیداد می‌کند و حتی مردم از نظر زندگی اقتصادی ده بار بیشتر از زمان طاغوت فقیرتر شده‌اند. این قلمزن در سال ۱۳۴۲ به عنوان یک آموزگار ماهیانه ۴۵۰ تومان حقوق از آموزش و پرورش دریافت می‌کرد و یک لیوان آب هویج دوریال بود اگر همان حقوق را به امروز بخواهند به یک آموزگار بدهند با توجه به قیمت ۱۰۰۰ ریالی آب هویج می‌شود

$$۴۵۰۰ - ۲ = ۲۲۵۰$$

$$۲۲۵۰ \times ۱۰۰۰۰ = ۲/۲۵۰/۰۰۰$$

ولی امروزه به یک معلم دوره ابتدایی ۲۲۵۰۰ تومان حقوق ماهیانه می‌دهند یعنی یک آموزگار امروزی ده برابر فقیرتر از سی و پنج سال قبل شده است.

آیا واقعاً اگر این جمهوری اسلامی، امام زمانی بود یعنی به دستورات قرآنی عمل می‌کرد و در صحنه‌ی اقتصاد زکات اخذ می‌شد، سطح کنز تعیین می‌شد، اسرافات در زمینه‌های مختلف بوجود نمی‌آمد، ربا از بازار و از بانکها بدرستی حذف می‌شود آیا باز هم مردم اینقدر فقیر بودند.

مجله پیام امروز در شماره ۸ در مقاله‌ای تحت عنوان گرمابخش سرمایه‌داری، سوزاننده سرمایه‌گذاری «آقای عمید نائینی می‌نویسد:

کمتر نظامی را در جهان می‌توان یافت که همچون نظام جمهوری اسلامی ایران برخلاف اهداف و آرمانهای خود، در اقتصاد ملی به زیان توده‌های مردم حرکت کرده باشد و به بدترین جنبه‌های سرمایه‌داری فایده رسانده باشد... درآمد سرانه در سال پیش از انقلاب (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱) ۲۹۲ هزار ریال بود و در سال ۱۳۷۲ پس از ۱۶ سال که از انقلاب می‌گذشت به ۲۰۶ هزار ریال کاهش یافت و به این ترتیب هر ایرانی به طور میانگین ۲۶ درصد فقیر شد. البته از آنجا که درآمد ملی به ترتیب عادلانه‌ای توزیع نشده بود، رشد فقر تهیدستان ارقامی بسیار بزرگتر از اینها و در واقع مضاعف شد.

آمار مربوط به فقر به هیچ وجه نمی‌تواند شدت فقر اکثریت مردم ایران را نشان دهد. در جنوب شهر تهران یعنی پایتخت جمهوری مسلمین ایران خانواده‌هایی هستند که ۸ نفر در یک اتاق نمور و تاریک زندگی می‌کنند و زیراندازی جز روزنامه کهنه ندارند و بجز این نان نمی‌توانند تهیه کنند و از شدت فقر فرزندان‌شان به انواع بیماریهای مربوط به سوء تغذیه دچار هستند.

فصل هفتم

مصرف در زمان حضرت قائم (عج)

در حدیثی از امام علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) چنین آمده است.

۱- «و ما لباس القائم (علیه السلام) الا الغلیظ و ما طعامه الا الجشب»
(لباس قائم (علیه السلام) چیزی جز پارچه خشن نیست و غذای او نیز تنها غذای ساده و کم اهمیت است)^(۱)

نظیر همین موضوع از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است.^(۲)
و نیز در کتاب ارشاد از ابوبصیر از حضرت صادق (ع) در حدیثی طولانی روایت نموده که فرمود:

۲- هنگامیکه قائم ما قیام کرد چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد جز اینکه کنگره و اشراف آنرا خراب می کند و بحال ساده و بدون اشراف می گذارد. شاهراهها را توسعه می دهد. هر گوشه ای از خانه ها که واقع در راه عمومی است خرد می کند، و ناودانها که مشرف بر راه مردم است برمی دارد

۱- منتخب الاثر، ص ۳۰۷

۲- منتخب الاثر، ص ۳۰۸

۳- از امام صادق نقل شده است: وقتی قائم ما اهل البیت علیهم السلام بپاخیزد لباسهای خشن و زبر می پوشد و روش انبیاء را پیش می گیرد^(۱)

۴- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: بخدا قسم قائم (عج) جز لباس زبر نپوشد و غذایش غیر از جو با سبوس نیست^(۲)

از احادیث فوق به خوبی استفاده می شود که حتی در زمان وفور حداقل رهبران جامعه اسلامی نباید هر جور که دلشان می خواهد مصرف کنند و باید مصرف زاهدانه داشته باشند.

به علاوه از آنجا که امام زمان (عج) در حکومت خود اصول قرآنی را مراعات و مستقر می سازد لذا در چارچوب امور مربوط به مصرف نیز همین اصول را پیاده خواهد کرد

اصول قرآنی مصرف

۱- منع اسراف - استعمال کالا و خدمات را مصرف گویند. کالا چیزی است که تبلور کار انسان باشد که عرضه ی آن کمتر از تقاضای آن و ملموس و مشتمل برکن است. مثل کاهو، کاغذ، کتاب، کباب، نان، نامه، دوچرخه، دوات و غیره و خدمت نیز تبلور کار انسان است که عرضه ی آن کمتر از تقاضای آنست و مشتمل برکن و ملموس نیست مثل تدریس، ویزیت پزشک، دلالی، دلاکی، رانندگی.

۱- کافی جلد ۱ ص ۴۱۱

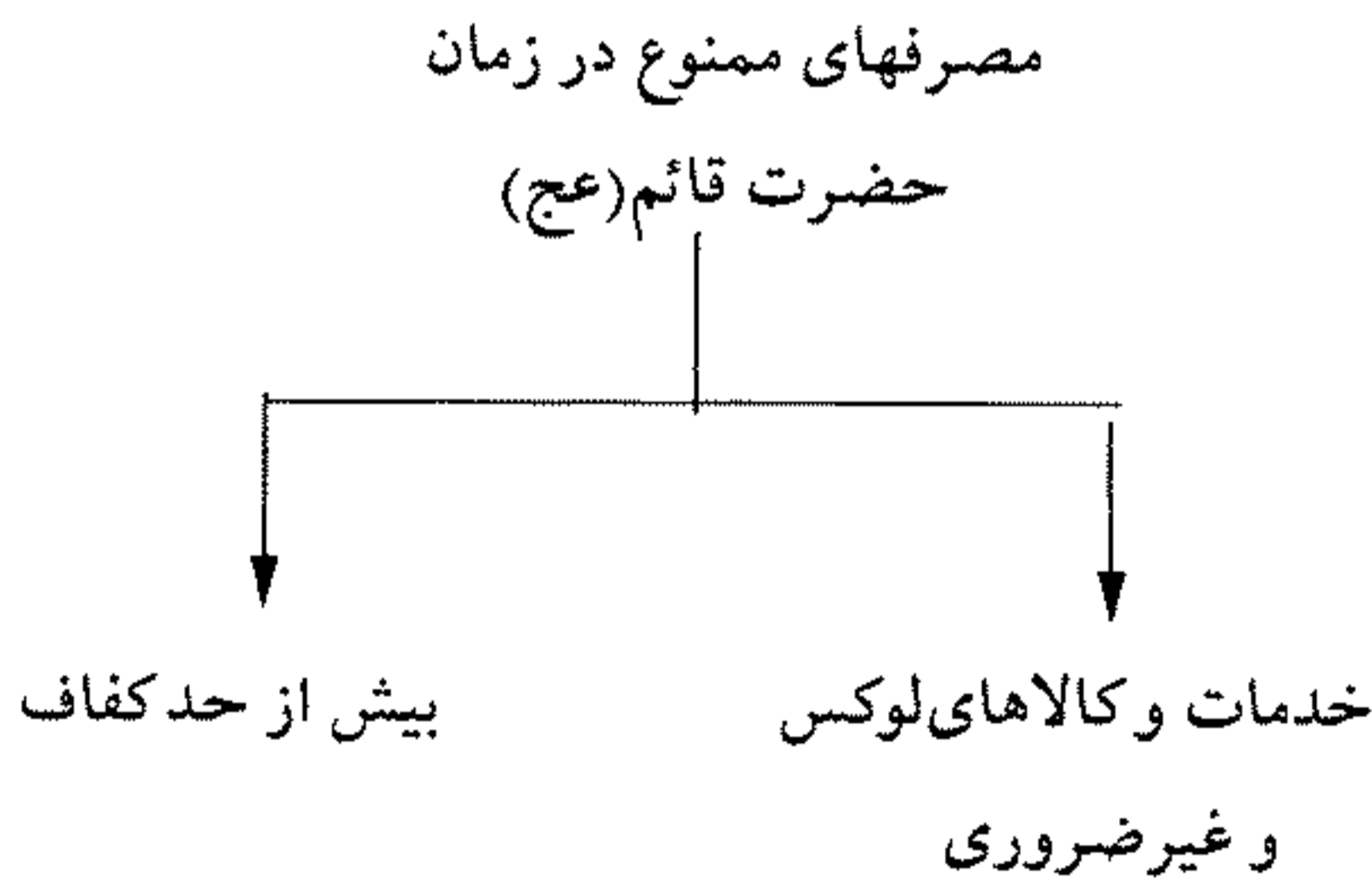
۲- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۵۴

کالاها و خدمات یا ضروری هستند و یا غیر ضروری، یا حرام هستند یا حلال (یعنی مضر هستند یا مفید)، در اسلام استفاده از کالاهای مضر حرام است مثل مصرف شراب و گوشت خوک .

از احادیث فوق مربوط به حکومت امام زمان (عج) استفاده می شود که استفاده از کالاها و خدمات غیر ضروری نیز جایز نمی باشد.

قرآن مجید در سوره اعراف آیه ۳۱ می فرماید: **کلوا واشربوا ولا تسرفوا یعنی بخورید و بیاشامید ولی زیاده روی نکنید.**

این آیه به صراحت اسراف را ممنوع اعلام کرده است. حضرت علی (ع) در تعریف اسراف می فرماید: **فوق الکفاف اسراف یعنی بیش از حد کفاف مصرف کردن اسراف است.** یعنی مصرف در حد ضرورت در اسلام توصیه شده است بنابراین استفاده از کالاهای غیر ضروری ممنوع می باشد و استفاده از کالاهای ضروری بیش از حد ضرورت نیز ممنوع است.



چند ضرورت و حد کفاف

در قرآن مجید در سوره‌ی شعرا می‌خوانیم که آیا بر هر بلندی ساختمان‌ی بنا می‌کنید بدون آنکه برای ارضاء نیاز ضروری شما لازم باشد؟ و ساختمانهای محکم و اشرافی بنا می‌کنید تا گویا تا ابد در آنها زندگی خواهید کرد.

آتبنون بكل ریع آیه تعبثون مصانع لعلکم تخلدون (سوره شعرا آیه ۱۲۸ و ۱۲۹)

ترجمه: آیا بنا می‌کنید بر سر هر بلندی نشانه‌ای بیهوده و چیزهایی می‌سازید به این امید که عمر ابد کنید

این آیه با حدیث شماره ۲ که اول این فصل آوردیم که حضرت قائم (عج) کنگره‌های مساجد را خراب می‌کند بر این امر تأکید دارد که در حکومت حضرت قائم بناهای غیر ضروری ممنوع خواهد بود و وفور دلیل بر اسراف نیست.

برای مثال امروز، چه مقدار از وسائل ساختمان‌ی مثل آهن و سیمان و آجر و نیروی انسانی و غیره برای ساختن بناهای یادبود مثل برآمدگیهای بی‌معنا که در میان میدان فلکه صادقیه تهران است و پیام ضد اخلاقی نیز در بردارد بکار گرفته شده و این در حالی است که بسیاری از پسرها و دخترهایی که عروسی کرده‌اند ولی مسکن برای زندگی مشترک ندارند و امکان تهیه‌ی آن نیز برایشان فراهم نمی‌باشد. در بحار الانوار از امام صادق (ع) منقول است که مال مال خداست و انسان امانت‌دار اوست و اسراف خریدن مرکب دو هزار درهمی است

که میتوان مرکب ۲۰ درهمی آنرا نیز داشت. بنابراین کلیه ساختمانهایی که ضروری نیستند و یا ضروری هستند ولی از حد کفاف بیشتر می‌باشند، اتومبیلهایی که از حد کفاف بیشتر است، البسه و لوازم منزل که از حد کفاف بیشتر است در چارچوب اسراف قرار می‌گیرد.

قرآن مجید می‌فرماید ثروتمند که هرگونه می‌خواهد از ثروتش استفاده می‌کند و نه آنگونه که اسلام به او دستور داده است مترف می‌باشد و همین مترفین بوده‌اند که در طول تاریخ منکر انبیاء الهی می‌شدند.

● در حدیث آمده است که امام زمان (عج) وقتی ظهور نمایند از سفرهای مکرر افراد به مکه جلوگیری کرده سهم آنها را به افرادی می‌دهد که برای بار اول آنها به حج واجب می‌روند. از این گونه احادیث در کنار آیات قرآنی مربوط به اسراف و اتراف به خوبی می‌توان دریافت که در زمان حکومت حضرت قائم (عج) مصرف کالا و خدمت در حد ضرورت مجاز خواهد بود و از اسراف جلوگیری به عمل خواهد آمد.

در احادیث آمده است:

«وقتی حضرت قائم (عج) قیام نماید: تمام پنجره‌هایی را که به کوچه باز شده مسدود می‌سازد، از ایجاد مستراح و ناودان در کوچه مانع می‌شود. حتی مساجد مشرف و مزاحم و لوکس را خراب می‌کند. پیش آمدگیهای ساختمان‌ها را نیز خراب می‌کند. مناره‌ها و مقصوره‌ها

[جای مخصوص برای امام جماعت در مسجد] را ویران می سازد»^(۱)
 امام باقر فرمود:
 «إذا قام القائم...

يكون المساجد كلها حماً لا شراف فيها كما كان على عهد رسول الله (ص)... و
 يهدم كل مسجد على الطريق و يسد كل كوة الى الطريق و كل جناح و كنيف و
 ميراب الى الطريق

«هنگامی که قائم قیام کند... مساجد در عصر او همگی دارای دیوارهای کوتاه و
 بدون کنگره خواهد شد همان گونه که در عصر رسول الله (ص) بود... و تمام
 مساجدی را که در مسیر قرار دارند (و مزاحم مردم هستند به فرمان او) خراب
 می شود. و تمام دریچه ها و روزنه هایی که به راهها گشوده می شود (و مزاحم
 عبور و مرور مردم است) را ویران می سازد و بالکنها (ی مزاحم) و فاضل آبها و
 ناودانهایی که در راه (عبور مردم) باز می شود را می بندد»^(۲)
 در کتاب نوائب الدهور می خوانیم:^(۳)

هنگامی که امام زمان ظهور کند از مردم بیعت می گیرد که بعضی از شروط
 بیعت مذکور عبارتند از:

«لا يطمنطقوا بالذهب و لا يلبسو الخبز و لا يلبسوا الحرير و لا يلبسوا النعال

۱ - ابراهیم امینی، دادگستر جهان، چاپ چهارم، ۱۳۵۲ صفحه ۴۱۵

۲ - آیت... ناصر مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، چاپ دوم، ص ۳۰۶

۳ - سید حسن میرجهانی طباطبایی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، جلد دوم

الصرار... و یلبسون الخشن من ثياب، و یرضی بالقلیل و یوسدون التراب علی الخدود و یا کلون شعیر.

ترجمه: کمر بند طلا بر کمر نبندند و جامعه خنز نپوشند و جامه حریر و ابریشمی نپوشند و کفش صدادار نپوشند... و لباس خشن و زبر بپوشند و خاک را متکای صورتهای خود قرار دهند و نان جو بخورند»

از حدیث فوق بخوبی استفاده می شود که در جامعه‌ی ایده‌آل شیعه ساده‌زیستی و دوری از مصرف کالهای غیر ضروری و زینتی تشویق می شود بلکه بالاتر از این حد آنست که افراد زهد در مصرف را نیز مراعات کنند یعنی لباس خشن بپوشند و خاک را متکای صورتهای خود قرار دهند و نان جو بخورند.

این را مقایسه کنید با زندگی کسانی که در جمهوری مسلمین ایران حتی با لباس روحانی وقتی به قدرت می‌رسند از ماشینهای گران قیمت وارداتی بنز استفاده می‌کنند در مجالس عروسی فرزندانشان بین میهمانان سگه‌های طلا توزیع می‌کنند و در اشرافی‌ترین و گرانترین هتلها جشن‌های خود را برگزار می‌کنند و هر سال چند نوبت خود و خانواده‌ی خود را به سفر حج و کشورهای مختلف جهان می‌برند و در قصرها زندگی می‌کنند و اینها در حالی است که توده‌های مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ماهها می‌گذرد و نمی‌توانند برای خوراک خود گوشت تهیه کنند و برای منزلشان میوه خریداری کنند. در علائم قبل از ظهور حضرت قائم (عج) نیز احادیثی در مذمت مصرف اسرافگونه وجود دارد که می‌توان گفت یکی از اهداف ظهور

از بین بردن این علائم خواهد بود:

در کتاب نوائب الظهور علائم ظهور حضرت قائم (عج) از احادیث به شرح زیر آمده است

- و کثرت الشرط و کثرت خطباء و منابرکم یعنی سرهنگان^(۱) و لشگریان زیاد شوند و سخنرانها و خطبای منبری زیاد شود

- و رفضت القنائة^(۲) یعنی قناعت کردن متروک شود

- و زخرفت جدران الدور و رفع بناء القصور^(۳) یعنی دیوارهای خانهها را زینت کنند و ساختمان وقصرها را بلند سازند

- و حلیت المصاحف و زخرفت المساجد و طولت المنابر^(۴) یعنی قرآن و کتب زینت شود و مساجد زینت شود و منابر بلند سازند.

- و اتخذوا جلود السباع صفاقا و الحریر لباساً یعنی لباسها از پوست دباغی شده درندگان و حریر می پوشند

از احادیث فوق به خوبی استفاده می شود که ساده زیستی و اجتناب از اسراف و پیروی از اصول صرفه جویی جزء ارزشهای اسلامی است و شیعیان در حکومت ایده آل خود آنها را توصیه کرده اند.

۱- م.ق. ج ۲، ص. ۲۴۳

۲- م.ق. ج ۲، ص. ۲۹۱

۳- م.ق. ج ۲، ص. ۲۴۳

۴- م.ق. ج ۲، ص. ۲۴۳

در کتاب نوائب الدهور در جای دیگر از پیامبر خدا (ص) منقول است که:

«سیکون رجال من امتی یا کلون الوان الطعام و یشدقون فی الکلام فاولئک شرار امتی الذین غدّوا بالتّعیم و نبتت علیه احسامهم

ترجمه: زود باشد که مردانی از امت من می‌خورند خوردنیهای رنگارنگ را و می‌آشامند مشروبات رنگارنگ را و می‌پوشند جامعه‌های رنگارنگ را و خود را برای فصاحت کلام به تکلف می‌اندازند پس اینها بدترین از امت من هستند تغذی می‌کنند به نعمتهای خداداد و روئیده می‌شود بر آن جسم‌هایشان»

فهرست منابع

- ۱- آيت... طالقانى - آينده بشریت از نظر مكتب ما
- ۲- آيت... صدر محمد باقر - امام مهدى حماسه‌اى از نور
- ۳- آيت... حسين نورى - بيت المال در نهج البلاغه
- ۴- محمد محمدى اشتهااردى - حضرت مهدى (ع) فروغ تابان ولايت
- ۵- صدرالدين هاشمى دانا - صبح اميد
- ۶- محمد رضا حكيمى - خورشيد مغرب
- ۷- على دوانى - دانشمندان عامه و مهدى موعود
- ۸- مهندس على اصغر اكبرى - انقلاب جهانى امام مهدى (عج)
- ۹- ذبيح... محسنى كبير - مهدى (عج) آخرين سفير انقلاب
- ۱۰- سيد محمد على الكاظمينى بروجردى - عدالتگستر جهان
- ۱۱- سيد جمال الدين حجازى - پيام امام زمان عليه السلام
- ۱۲- صادق هدايت - پيشگوئى‌هاى پيامبران بزرگ و امامان بحق
درباره ظهور علائم ظهور

منابع: الملاحم، بحار الانوار، خطبة البيان، المجالس السنیه، الزام الناصب، روضة الكافى، حكمة البالغه، عقاب الاعمال روح البيان، جامع الاخبار، الجرائد السبعه، المنتقم الحقيقى، المواقيت، بشارة الاسلام، الاشاعة فى اشراط الساعة، اربعين شيخ بهائى، حبات الحيوان، من لا يحضره الفقيه، تفسير روح البيان، عقود الجواهر، مكاشفة القلوب، سفينة النجاة، علائم الظهور ناظم الاسلام، منتخب التواريخ، المناقب والمصائب، اخبار الغيبة، الوسائل، ارشاد القلوب،

- انجیل متی، انجیل لوقا، شاهنامه، مظاهر الانوار، نجم ثاقب، حواشی
 حيلة المتقين، تبصرة العلوم، حق اليقين، كتاب اشعيا بنى
 ۱۳- على صفایی کاشانی - مصلح کل
 ۱۴- آیت... ناصر مکارم شیرازی - ویژگیهای حکومت جهانی
 مهدی (عج) در کتاب مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت
 مهدی (عج) چاپ اول شعبان ۱۳۱۴ ناشر مسجد آیت... انگجی
 ۱۵- محمد جواد نجفی - مصلح جهانی
 ۱۶- واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران - قیام حضرت
 مهدی (عج)
 ۱۷- عمادالدین حسینی اصفهانی شهیر به عمادزاده - منتقم حقیقی
 مهدی القائم
 ۱۸- علامه مجلسی - جلد سیزدهم بحار الانوار - مترجم علی دوانی.